

... و ما،  
در انتظار  
خودشیدیم  
امام خمینی (ره)

# سرخس

بوشهری استغ

## سخنرانی‌های گفتمان سوم

- مرتضی عسکری • محمد تقی مصباح یزدی • محمد مهدی آصفی
- محمد صادق (محبی‌الدین) حائری شیرازی • علی دهبانی گلپایگانی
- محسن قرآنی • حسین مهدویان • محمد رضا شرفی • علی اصغر احمدی
- رمضان علی بدرافشان • مسعود کوثری • رضا اسکندری

تهیه: مؤسسه فرهنگی انتظارنور

# گفتمان مهدویت

سخنرانی های گفتمان سوم

سخنرانان حضرات آیات و حجج اسلام

علامه مرتضیٰ عسکری، محمد تقی مصباح یزدی، محمد مهدی آصفی،

محمد صادق (محمی الدین) حائری شیرازی، علی ربانی گلپایگانی،

محسن قرائتی، حسین مهدویان، رمضان علی بذرافشان و رضا اسکندری

و آقایان دکتر محمد رضا شرفی، دکتر علی اصغر احمدی و دکتر مسعود کوشری

بوشهر کتب

گفتمان مهدویت (سومین : ۱۳۸۰ : قم)

گفتمان مهدویت : سخنرانی های گفتمان سوم / سخنرانان علامه مرتضی عسکری ... [و دیگران] . قم : بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) ، ۱۳۸۱ .  
۲۹۶ ص . - (بوستان کتاب قم : ۱۱۱۸ . کتابهای مؤسسه فرهنگی انتظار نور : ۲)  
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا .  
کتاب حاضر مجموعه مقالات و سخنرانی های سومین گفتمان مهدویت است که توسط مؤسسه فرهنگی انتظار نور در سال ۱۳۸۰ برگزار شده است .

پشت جلد به انگلیسی :  
Cultural Institution of Entezāre Nūr. Gofte māne  
Mahdaviyyat [A series of lectures regarding Imām Mahdī (S.A)]

کتابنامه : ص . ۲۸۹ - ۲۹۰ ؛ همچنین به صورت زیر نویس .  
۱ . مهدویت - کنگره ها . ۲ . محمد بن حسین (عج) ، ۲۵۵ ق . - کنگره ها . الف . عسکری -  
مرتضی . ب . دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم . بوستان کتاب قم . ج . مؤسسه فرهنگی انتظار نور . د . عنوان .

۲۹۷/۴۴۲

۵۲۲۲۴/۴ / گ ۷

۱۳۸۰

□ مسلسل انتشار : ۱۹۷۹

□ شابک : ISBN: 964-371-264-8 / ۹۶۴-۳۷۱-۲۶۴-۸

## بوستان کتاب

### گفتمان مهدویت سخنرانی های گفتمان سوم

سخنرانان : حضرات آیات و حجج اسلام علامه مرتضی عسکری ، محمد تقی مصباح یزدی ،  
محمد مهدی آصفی ، محمد صادق (محبی الدین) حائری شیرازی ، علی ربانی گلپایگانی ،  
محسن قرائتی ، حسین مهدویان ، رمضان علی بذرافشان و رضا اسکندری  
و آقایان دکتر محمد رضا شرفی ، دکتر علی اصغر احمدی و دکتر مسعود کوثری  
تهیه و تدوین : مؤسسه فرهنگی انتظار نور

ناشر : مؤسسه بوستان کتاب قم

(انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)

لینوگرافی ، چاپ و صحافی : چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ : اول / ۱۳۸۱

شمارگان : ۳۰۰۰

بها : ۱۰۰۰ تومان

#### حق چاپ برای ناشر محفوظ است

دفتر مرکزی : قم ، خیابان شهدا (صفائیه) بوستان کتساب قم ، ص ب ۹۱۷ ، تلفن : ۷ - ۷۷۴۲۱۵۵ ، نمابر : ۷۷۴۲۱۵۴

فروشگاه مرکزی (شماره ۱) : قم چهار راه شهدا (محل عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری بیش از ۱۷۰ ناشر) ، تلفن ۷۷۴۳۴۲۶

فروشگاه شماره ۲ : تهران ، خیابان انقلاب ، خیابان فلسطین جنوبی ، کوچه دوم دست چپ (پشن) ، پلاک ۳/۲۲ ، تلفن ۶۴۶۰۷۳۵

فروشگاه شماره ۳ : مشهد ، خیابان آیه الله شیرازی ، کوچه چهارباغ ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان ، تلفن : ۲۲۵۱۱۳۹

فروشگاه شماره ۴ : اصفهان ، خیابان حافظ ، چهارراه کرمانی ، گلستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان) ، تلفن : ۲۲۲۰۳۷۰

نشانی الکترونیک : <http://www.bustaneketab.com>

پست الکترونیک : [E-mail: bustan@bustaneketab.com](mailto:bustan@bustaneketab.com)

Printed in the Islamic Republic of Iran

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## با قدردانی

از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

ویراستاران: رضا مصطفی‌لو و سید رضا سجادی نژاد.

کنترل ویرایش: محمد نقویان.

حروف‌نگاری: جواد امینی قمی و روح‌الله محمدی.

اصلاحات حروف‌نگاری: مژگان فرمانی و سعید حمیدی.

صفحه‌آرایی: احمد اُخلی و محمود هدایی.

نمونه‌خوانی: جلیل حبیبی، سید علی قائمی، علی کرمی، علی رضا

روحانی، محمد شفیع شفیعی و مهدی حیدری چراتی.

نظارت و کنترل: عبدالهادی اشرفی.

طراح جلد: حسن محمودی.

کنترل فنی صفحه‌آرایی و مسؤول تولید: حسین محمدی.

پی‌گیر چاپ: سیدرضا محمدی.

بوشنج‌کتاب

پاییز ۱۳۸۱

## دعای سلامتی امام زمان (عج)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ  
وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا  
وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ  
أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

خدایا! برای حجة بن الحسن (عج) که درود تو بر او و اجدادش باد در  
این ساعت و در هر ساعت، دوست، نگه‌دارنده، پیشوا، یار، راهنما و  
دیده‌بان باش تا او را در زمین خود با اقتدار و فرمان‌روایی جای‌گاه  
دهی و برای مدت طولانی در آن بهره‌مند سازی.

## امام مهدی (عج) در کلام امام خمینی رحمته الله

بقیة الله، انسان کامل

حضرت مهدی (عج)، ابعاد مختلفه دارد که آن‌چه که برای  
بشر واقع شده است، بعضی ابعاد او است.<sup>۱</sup>  
همان‌طوری که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حسب واقع، حاکم بر  
جميع موجودات است، حضرت مهدی (عج) نیز،  
همان‌طور حاکم بر جميع موجودات است. آن، خاتم رسل  
است و این، خاتم ولایت. آن، خاتم ولایت کلی بالاصاله  
است و این، خاتم ولایت کلی به تبعیت است.<sup>۲</sup>

۲. همان، ص ۲۴۹.

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۸۳.

## کسب رضایت حضرت بقیة الله (عج)

رهبر همه‌ی شما و همه‌ی ما، وجود مبارک بقیة الله (عج) است و باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را که رضایت خداست، به دست بیاوریم.<sup>۱</sup>

## انقلاب اسلامی، مقدمه‌ی نهضت جهانی ولی عصر (عج)

انقلاب مردم ایران، نقطه‌ی شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجّت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه‌ی مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.<sup>۲</sup>

## لزوم حکومت اسلامی در دوران غیبت کبرا

اکنون که دوران غیبت امام (عج) پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می‌آید.<sup>۳</sup>

## دعا

خداوندا! ... دعای خیر حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - را شامل حالمان گردان.<sup>۴</sup>

۱. صحیفه‌ی نور، ج ۱۴، ص ۹۴.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸.

۳. ولایت فقیه، ص ۶۲.

۴. صحیفه‌ی نور، ج ۲۰، ص ۶۲.

## نمایه‌ی اجمالی

مقدمه ..... ۹

### گفتمان سوم

۱. پیام حضرت آیه الله صافی گلپایگانی به سومین گفتمان مهدویت ..... ۱۱
۲. مهدویت از دیدگاه مذاهب اسلامی ..... ۱۹  
مرتضی عسکری
۳. آثار و فواید وجودی امام عصر (عج) در زمان غیبت ..... ۳۱  
محمدتقی مصباح یزدی
۴. بررسی مفهوم مهدی نوعی و اثبات دیدگاه تشیع در مورد حضرت مهدی (عج) ..... ۴۷  
محمد مهدی آصفی
۵. بررسی ابعاد تربیتی «انتظار محور» ..... ۶۳  
محمدصادق (محبی الدین) حائری شیرازی
۶. بررسی ادله‌ی عقلی اثبات وجود امام زمان (عج) ..... ۷۵  
علی ربانی گلپایگانی
۷. بررسی نقش و وظیفه‌ی نهادهای دینی در ترویج نظام تربیتی «انتظار محور» ..... ۹۱  
محسن قرائتی
۸. بررسی شبهات مهدویت ..... ۱۰۹  
حسین مهدویان
۹. مقدمه‌ای بر آثار تربیتی و روان‌شناختی انتظار ..... ۱۲۳  
محمد رضا شرفی
۱۰. شیوه‌های ایجاد انس در کودکان، نوجوانان و جوانان با وجود مبارک امام زمان (عج) ..... ۱۴۵  
علی اصغر احمدی
۱۱. انتظار و مهدویت از دیدگاه جامعه‌شناختی ..... ۱۶۱  
مسعود کوثری
۱۲. فعالیت‌های اینترنتی درباره‌ی موعودگرایی و مهدویت ..... ۱۷۳  
رمضان‌علی بذرافشان



۱۳. سخن پایانی درباره‌ی سومین گفتمان مهدویت ..... رضا اسکندری ..... ۱۸۵
- خلاصه‌ی گفتمان اول و دوم ..... ۱۹۱
- حکومت امام مهدی (عج) ..... ابراهیم امینی ..... ۱۹۳
- امام مهدی (عج) در قرآن ..... محمد هادی معرفت ..... ۱۹۷
- حکومت واحد جهانی ..... اکبر هاشمی رفسنجانی ..... ۲۰۲
- امام مهدی (عج) در احادیث اهل سنت ..... مرتضی عسکری ..... ۲۱۱
- امام مهدی (عج) در قرآن، سنت و تاریخ ..... محمد واعظزاده خراسانی ..... ۲۱۶
- سخن رانی و پرسش و پاسخ ..... علی کورانی ..... ۲۲۱
- پرسش و پاسخ ..... محمد هادی عبد خدایی ..... ۲۲۴
- پرسش و پاسخ ..... نجم‌الدین طیبی ..... ۲۲۷
- پرسش و پاسخ ..... محمد لگنهاوسن ..... ۲۳۰
- زیارت حضرت صاحب الامر (عج) (آل یاسین علیهم‌السلام) ..... ۲۳۳
- نمایه‌های گفتمان سوم ..... ۲۳۷
- نمایه‌ی آیات ..... ۲۳۹
- نمایه‌ی روایات ..... ۲۴۹
- نمایه‌ی دعا، زیارت و توسل ..... ۲۷۱
- نمایه‌ی اعلام (اشخاص، اماکن، کتب و مراکز) ..... ۲۷۵
- نمایه‌ی ادیان، مذاهب، فرق و مکاتب ..... ۲۸۰
- نمایه‌ی اصطلاحات ..... ۲۸۱
- نمایه‌ی منابع ..... ۲۸۹
- نمایه‌ی موضوعات ..... ۲۹۱

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه

در بستر تاریخ و در تار و پود حیات آدمی، کمال جویی و کمال یابی شیرین ترین خواست و بزرگ ترین دغدغه بوده است.

آن گاه که خداوند آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را پیامبر آدمیان و حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پایان بخش سلسله‌ی رسولان قرار داد، در پی تحقق ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>۱</sup> بود. در فلسفه‌ی کمال، دیروز و امروز و فردا به هم پیوسته‌اند. تاریخ گذر حیات نیست؛ کمال حیات است و تا آن جا پیش می‌رود که مفهوم کمال تحقق یافته باشد.

در هر اندیشه و نگرشی، چه اندیشه‌های دینی و چه مکاتب و اندیشه‌های علمی، همه معتقدند دیروز جهان به فردای آن پیوند می‌خورد. «موعودگرایی» پرتو این اندیشه‌ها است که در فلسفه‌ی اعتقادی تشیع، «مهدویت» خوانده می‌شود.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۲</sup>.

شیعه، از آن جا که بر اساس قاعده‌ی لطف نیاز اساسی انسان را امامت می‌داند، چنان اعتقاد دارد که انسان امروز برای رسیدن به سرمنزل مقصود به وجود راهبری کامل، سخت نیازمند است. آن راهبر کسی جز حضرت مهدی (عج) نیست؛ موعودی که تمام ادیان الهی، نوید ظهورش را به ارمغان آورده‌اند و پیامبر خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز به این امر تصریح و تأکید فرموده است:

۱. ذاریات (۵۱) آیه‌ی ۵۶: مَنْ جَنَّ وَانْسٍ رَأَى فَرِيدًا جَزَّاءً لِمَنْ كَانَ لَهُ الْوَالِدَاتُ كُنَّ لَهُنَّ كَمَا كُنَّ لِلرِّجَالِ وَهُنَّ كَالرِّجَالِ مَشْجُورَاتٌ (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).

۲. انبیاء (۲۱) آیه‌ی ۱۰۵: دَرِ زَبُورٍ بَعْدَ ذِكْرِ (تورات) نَوَشْتِيم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد».

إِنَّ خُلَفَائِي وَاَوْصِيَائِي وَاَحِبِّي عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ اَوْلَاهُمْ  
اَخِي وَاٰخِرُهُمْ وَاَلَدِي...<sup>۱</sup>

و این همه، حکمت خداوند را می‌نمایاند که برای رسیدن به مطلوب میان انسان و حجت خویش پیوندی استوار برقرار ساخته است.

مؤسسه‌ی فرهنگی انتظار نور، با هدف مستحکم ساختن و فزون‌تر کردن این پیوند مقدس، برگزاری «گفتان مهدویت» را در برنامه‌های خویش قرار داد. این گفتان در صدد است با استفاده از متفکران و دانشمندان حوزه و دانشگاه، به تبیین ابعاد گوناگون مسئله‌ی مهدویت پردازد و ضمن گسترش فرهنگ ناب مهدویت در میان مخاطبان حوزوی و دانشگاهی، شبهات و پرسش‌های موجود در این زمینه را بررسی کرده، در حد امکان پاسخ‌هایی منطقی و مستدل ارائه دهد.

بی‌تردید، وظیفه‌ی مقدس تبلیغ اندیشه‌ی مهدویت، رسالتی نورانی است که بر عهده‌ی مؤسسات و مراکز فرهنگی - دینی نهاده شده است. این مراکز می‌توانند ضمن برنامه‌ریزی جامع و فراگیر، با ایجاد هماهنگی‌های لازم و پرهیز از موازی‌کارهای فرساینده، رسالت ترویج فرهنگ مهدویت را به بهترین‌گونه به انجام رسانند.

آن‌چه در پی خواهد آمد، متن سخن‌رانی‌های سومین گفتان مهدویت است که جهت استفاده‌ی هر چه بیش‌تر خوانندگان محترم نشر می‌شود.

در پایان شایسته است از تلاش همه‌ی کسانی که در جهت برگزاری و تدوین و چاپ گفتان‌های مهدویت کوشیده‌اند، به ویژه پژوهش‌گران، سخن‌رانان گران‌قدر و دست‌اندرکاران گردآوری و تنظیم این گفتان سپاس‌گزاری شود. امید که پروردگار متعال، همه‌ی آن پاک‌دلان و دانشمندان روشن‌بین را توفیق حضور در محفل بقیة الله الأعظم - ارواحنا فداه - عنایت فرماید.

إِنْ شَاءَ اللهُ

مؤسسه‌ی فرهنگی انتظار نور

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۷۱: جانشینان و حجت‌های خدا بر مردمان بعد از من دوازده نفرند. نخستین آن‌ها برادرم است و آخرین‌شان پسر من ...

۱

پیام حضرت آیه الله صافی گلپایگانی

به سومین گفتمان مهدویت

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### جامعه‌ی منتظر

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ الْمُنْتَظَرُ. يَا مُنْقِذَ الْبَشَرِيَّةِ مِنَ  
مَظَالِمِ الْمُسْتَكْبِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ.<sup>۱</sup>

ای نجات بشر از ظلم و ستم	قطب عالم سر و سالار امم
مهدی آل نبی غوث زمان	حافظ دین خدا جان جهان
ما همه عاشق رخسار تو ایم	بی خود از خویش گرفتار تو ایم
بر تو از جانب خلاق و دود	باد انواع تحیات و درود <sup>۲</sup>

در آیات کریمه و احادیث شریفه برای انتظار ظهور مهدی آل محمد  
- صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - حضرت بقیة الله فی الارضین - كَحَلَّ اللَّهُ أَبْصَارَنَا  
بِتُرَابٍ مَّقْدَمِ خَوَاصِّهِ وَ أَوْلِيَائِهِ -<sup>۳</sup> فضایل و ثواب بسیار بیان شده است تا حدی  
که آن را افضل اعمال و منتظران حقیقی را افضل از اهل هر زمان شمرده‌اند و به

---

۱. درود بر تو ای حجّت خدا، ای امام مهدی منتظر، ای نجات دهنده‌ی عالم بشریت از ستم  
مستکبران، درود خدا بر تو و پدران پاک تو.

۲. شعر از نویسنده‌ی محترم.

۳. خدا چشم‌های ما را با خاک مقدم خواص و اولیای او روشن سازد.

﴿...أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾<sup>۱</sup> و «...كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»<sup>۲</sup> توصیف فرموده‌اند.

سنت حسنه‌ی برگزاری مراسم عید سعید ولادت آن ولی دوران و صاحب جهان و تشکیل مجالس جشن و محافل تبریک و تهنیت و ذکر و دعا و سخن‌رانی و شعر و مدیحه‌خوانی در این ایام خجسته‌ی نیمه‌ی شعبان از فرصت‌های بسیار عزیز و مغتنمی است که باید از آن برای تبلیغات اسلامی و امام‌شناسی و مخصوصاً بررسی روحیه‌ی انتظار و ارزش‌شان و هویت ولایی و اسلامی جامعه به حساب و رسیدگی بنشینیم و سیر شخصی خود و عمومی جامعه را در رشته‌های متعدد از اخلاق و نظام و سیاست و اقتصاد و کمالات انسانی و اسلامی و ترقی علمی و نیز نقاط ضعف و قوت را، بدون هیچ غرض شخصی، بررسی کنیم تا اگر دانستیم در جامعه‌ی ما موجباتی که سبب نگرانی و رنجش خاطر انور آن حضرت است، وجود دارد، خود و جامعه را اصلاح و آن موجبات را برطرف سازیم. بدیهی است این موضوع بسیار مهمی است که نباید در ضمن این برنامه‌ی مقدس و نورانی از آن غفلت شود.

جامعه‌ی منتظر، جامعه‌ی اسلام ناب، پیرو ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، اسلام شعار، اسلام نظام، اسلام اندیشه و اسلام هویت و شخصیت است؛ از هر سو و هر طرف به اسلام منتهی می‌شود و مشروعیت هر برنامه و هر اقدام و هر نمایش و همایش را با هدایت‌های اسلام می‌سنجد.

جامعه‌ی منتظر، به جاهلیت‌های پیش از اسلام نه فقط افتخار نمی‌کند بلکه

۱. یونس (۱۰) آیه‌ی ۶۲: ... (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند.  
 ۲. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴؛ خصال، ج ۲، ص ۶۲۴: ... هم‌چون مجاهدی در راه خدا که در خون خود می‌غلند ...

پیوند خود را با آن‌ها بریده، غیر قابل وصل و همه را بازگشت به عقب و قهقرا می‌داند.

جامعه‌ی منتظر، تمدنش اسلامی و برگرفته از قرآن مجید و بر اساس: ﴿... تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...﴾<sup>۱</sup> و ﴿... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَى...﴾<sup>۲</sup> و «... لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَيَّ عَجْمِيَّ...»<sup>۳</sup>.

و هدایت‌های و حیانی و قرآنی است.

جامعه‌ی منتظر، زنده، قوی و قدرت‌مند، شجاع، صادق، خودکفا، ﴿... أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...﴾<sup>۴</sup> و ﴿... أذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ...﴾<sup>۵</sup> است.

در جامعه‌ی منتظر، زن و مرد، مسلم و مسلمه، مؤمن و مؤمنه، منتظر و منتظره با هم در شکل هویت اسلامی تشریک مساعی دارند. در این جامعه، بانوان کرامت ویژه و خاص دارند و با مردان بیگانه اختلاط ندارند.

جامعه‌ی منتظر، جامعه‌ی حجاب و عفت و پارسایی و پرهیز از ملامتی و مناهتی است.

این‌ها و ده‌ها ویژگی پسندیده‌ی دیگر از امتیازات جامعه‌ی منتظر ظهور است. البته هر چه روح انتظار در جامعه بیش‌تر دمیده شده باشد، این امتیازات

۱. آل عمران (۳) آیه‌ی ۶۴: ... بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز

خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم ...

۲. حجرات (۴۹) آیه‌ی ۱۳: ... گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است ...

۳. ابوالفتح کراچکی، معدن الجواهر، ص ۲۱: ... عربی بر عجمی برتری ندارد ...

۴. فتح (۴۸) آیه‌ی ۲۹: ... در برابر کفار سر سخت و شدید، و در میان خود مهربانند ...

۵. مانده (۵) آیه‌ی ۵۴: ... در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سر سخت و نیرومندند ...

در آن ظاهرتر است.

حقیر در این بیانیه نمی‌خواهم حسناتی را که الحمدلله به برکت مکتب نورانی اسلام و هم چنین مکتب سازنده‌ی انتظار در جامعه وجود دارد، کم‌ارج و کم‌ارزش بدانم یا - العیاذ بالله - عنوان جامعه‌ی منتظر را بر این جامعه‌ای که به هویت انتظار آن موعود بزرگ انبیا افتخار می‌کند، صادق ندانم. هرگز! هرگز! این همه ابراز احساسات، این همه زحمات و خدمات، این همه اظهار علاقه، این همه شور و شعور جوانان در مراسم نیمه‌ی شعبان و فرصت‌های دیگر، همه جلوه و نمایش روح انتظار است. همه منتظرند؛ اما می‌خواهم به خودم و همگان هشدار دهم که جامعه‌ی منتظر باید بهتر و کامل‌تر از آنچه هست، باشد؛ برنامه‌هایش صحیح‌تر باشد؛ صدا و سیما و روزنامه‌ها و مجلات و مجالس و همایش‌ها و نمایش‌هایش باید در مسیر انتظار باشد. خط غرب‌گرایی و تضعیف استقلال اسلامی باید منفور باشد. باید تمسک تام و تمام به هویت اسلامی افتخار، و گرایش به بیگانگان ننگ و عار باشد.

اگر شئون و شخصیت اسلامی و شعایر اسلام و احکام اسلام در جامعه کم‌رنگ شود یا مورد اهانت قرار بگیرد، یقیناً کسی که از هر کس بیش‌تر نگران و آزرده‌خاطر می‌شود، شخص شخیص آن ولی اعظم خدا است. عزیزان، برادران، خواهران، سروران خودم، نمی‌خواهم روی موارد انگشت بگذارم و گله‌ها و کاستی‌هایی را که هست، مطرح کنم؛ اما می‌دانم و شما هم بیش‌تر می‌دانید که چه کارها و اعمال ما، قلب مبارک آن قلب عالم امکان را آزرده می‌سازد. اگر می‌خواهیم آن ولی خدا از ما راضی و خشنود باشند، باید در کاستی‌ها و کم‌بودها بیندیشیم و برای رفع معایب و نواقص کمر همت ببندیم. این همه اسراف و تبذیر، این همه افراط و تفریط، این همه اختلاف طبقاتی و



فقر و پریشانی شایسته‌ی جامعه‌ی منتظر نیست. امید است همه و هر کس به سهم خود، برای متجلی شدن جلوه‌های جامعه‌ی منتظر، آن‌چه در توان دارند به کار گیرند؛ و باز هم تأکید می‌کنم همه، به خصوص جوانان عزیز، بر شخصیت و هویت اسلامی که در معرض هجوم دشمنان اسلام و هدف نقشه‌های سیاسی و حتی به ظاهر خیرخواهانه‌ی آنهاست، تأکید داشته باشند؛ بر استقامت دینی و استقلال اسلامی خود ثابت قدم، برقرار و پایدار باشند و به نصر خدا و پیروزی اسلام امیدوار باشند.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

لطف الله صافی گلپایگانی

۱۳ شعبان ۱۴۲۲

# مهدویت از دیدگاه مذاهب اسلامی

آیه الله علامه مرتضی عسکری<sup>۱</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَفْضَلِ  
الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ

فِي الْأَرْضِ ... وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ...﴾<sup>۱</sup>

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند  
و عده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد ... و دین و آیینی  
را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت ...

### فضیلت مجالس اهل بیت علیهم‌السلام

امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

... شِيعَتُنَا مِمَّا خُلِقُوا مِنْ فَاضِلِ طِينَتِنَا؛<sup>۲</sup> ... شیعیان ما از بازمانده‌ی گل ما  
خلق شدند.

... يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا ...؛<sup>۳</sup> ... در سوگواری ما محزونند و  
در شادمانی ما، مسرور ...

۱. نور (۲۴) آیه‌ی ۵۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

۳. همان، ج ۴۴، ص ۲۸۷.

در حدیثی دیگر می‌فرمایند: مجلسی که در آن ذکر پیامبر و آل پیامبر علیهم‌السلام باشد، برای اهل آسمان روشنایی دارد؛ همانند ستارگان که برای اهل زمین روشنایی دارند؛ و ملائکه از خداوند اجازه می‌خواهند که در این مجالس شرکت کنند.

خدا را سپاس می‌گوییم که ما را از دوست‌داران و شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام قرار داد.

### موعودگرایی در ادیان

مردم دنیا به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته مانند حیواناتند؛ از مبدأ و مقصد خلقت خویش بی‌خبرند و به آن کاری ندارند.  
خور و خواب و خشم و شهوت، شغب‌ست و جهل و ظلمت

حَیَوَانٌ خَبِرٌ نَدَارِدُ زِ جِهَانِ اَدْمِیَّتِۙ

دسته‌ی دیگر، مؤمنانند که به خالق جهان هستی و روز واپسین ایمان دارند. این‌ها از پیروان ادیان آسمانی‌اند؛ یهود و نصارا و تمام پیروان ادیان آسمانی، با ما مسلمانان در این عقیده که در پایان این دنیا، حکومت عادلانه‌ای برپا خواهد شد، شریکند. مسیحیان، فرمان‌روای این حکومت عادلانه را عیسی بن مریم علیه‌السلام می‌دانند که سبب آن، تحریف کتاب‌های آسمانی آن‌ها است. من در سخن‌رانی‌هایی که برای تلویزیون داشتم، تورات‌ها و انجیل‌ها را آوردم و نشان دادم که چگونه در چاپ‌های بعدی، آن را تحریف کرده‌اند. بشارت‌های آمدن پیامبر خاتم صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ... را آن‌گونه که خواسته‌اند، تغییر داده‌اند.

قرآن کریم نیز این مطلب را بیان کرده است: ﴿... يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ...﴾<sup>۱</sup>،  
﴿... يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا...﴾<sup>۲</sup>.

اما مسلمانان روایات پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله را در اختیار دارند و فرمان روای  
آخرالزمان را امام مهدی (عج) می دانند.

### ارزش احادیث شیعیان

در مکتب خلفا، سالیانی دراز نشر حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله ممنوع بود؛ چراکه  
می خواستند فضایل علی علیه السلام و خاندان علی را پوشیده نگاه دارند؛ اما پیروان و  
شیعیان اهل بیت علیهم السلام نقل حدیث می کردند و این کار را افتخار خود می دانستند  
و به آن مباحثات می کردند. علمای ما برای جمع آوری احادیث زحمات فراوان  
کشیده اند. مرحوم کلینی از نیشابور تا بغداد، شهر به شهر گشته و روایت ها را  
جمع کرده است. شیخ صدوق بیش از دویست جلد کتاب حدیث دارد؛  
بنابراین ما در حقایق اسلامی بسیار روشن تر و آگاه تریم. چراکه میراث  
علوم آل محمد صلی الله علیه و آله را محافظت کرده ایم و حوزه های علمیه ی ما وارث  
علوم اهل بیتند.<sup>۳</sup>

برای من کتاب هایی از هند و پاکستان در ردّ تشیع فرستادند که یکی از  
آنها الشیعة و القرآن نوشته ی احسان زهیراللهی بود که شیعه را معتقد به  
تحریف قرآن می دانست. در جواب او سه جلد کتاب نوشتم. البته از کتاب  
مرحوم حاجی نوری، فصل الخطاب فی تحریف کتاب ربّ الأرباب

۱. نساء (۴) آیه ی ۴۶: ... سخنان را از جای خود، تحریف می کنند ....

۲. بقره (۲) آیه ی ۱۵۹: ... کسانی که دلایل روشن، و وسیله ی هدایتی را که نازل کرده ایم،  
کتمان می کنند ....

۳. ر.ک: سید مرتضی عسکری، معالم المدرستین.

استفاده کردم. با توجه به این هجوم‌ها علیه شیعه، حوزه‌های علمیه باید در عقاید و کلام، تخصص پیدا کنند. جنگ امروز، جنگ فرهنگی و عقیدتی است.

### مهدی (عج) در روایات اهل سنت

در نشانه‌های ظهور حضرت حجت (عج) و کیفیت حکومت ایشان، در احادیث هر دو فرقه از مسلمین روایات بسیار زیادی به چشم می‌خورد. شیخ ابراهیم حموینی شافعی، در فرائد السمطين، از ابن عباس روایت زیر را آورده است:

قال رسول الله ﷺ: إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي [الآتنا] اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَخِي وَأَخِرُهُمْ وَوَلَدِي. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَمَنْ أَخُوكَ؟ قَالَ ﷺ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. قِيلَ: وَمَنْ وَوَلَدُكَ؟ قَالَ ﷺ: الْمَهْدِيُّ [عج]. الَّذِي [يَمَلؤها] يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ[نَذِيرًا] لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَوَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ...!

رسول اکرم ﷺ فرمود: خلفا و جانشینان من حجت‌های خدا بر خلق پس از من دوازده نفرند، اول آنان برادرم و آخرشان فرزندم. گفته شد: ای رسول خدا، برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب [ع] سؤال شد: فرزندت کیست؟

۱. ابراهیم بن محمد جوینی خراسانی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۲ و نیز رک: بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۷۱.

فرمود: مهدی [عج] که زمین را از قسط و عدل پر سازد، همان سان که از ظلم و جور پر شده است. قسم به آن که مرا به حق به عنوان بشارت دهنده و ترساننده برانگیخت اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن را آن چنان طولانی سازد تا فرزندم مهدی خروج کند [پس از خروج او] عیسی بن مریم پشت سرش به نماز ایستد ...

در تاریخ أخطب خطبای خوارزم، موفق بن احمد حنفی به سندش از ابی سلمی، از رسول الله ﷺ نقل می‌کند که فرمودند:

لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ أَرَانِي اللَّهُ ذُرِّيَّتِي وَالْمَهْدِيُّ فِي وَسْطِهِمْ  
كَأَنَّهُ كَوَكَبٌ ذُرِّيٌّ؛<sup>۱</sup>

شبی که مرا به آسمان‌ها (معراج) بردند خداوند ذریه‌ام را به من نشان داد و دیدم که مهدی علیه السلام در میان آنان، مانند ستاره‌ای بسیار درخشان بود.

هم‌چنان که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در میان پیامبران امتیاز داشت، حضرت حجّت (عج) نیز در میان ائمه علیهم السلام امتیاز ویژه‌ای دارد. در روایتی دیدم امام جعفر صادق علیه السلام بر سجاده‌اش نشسته بود و گریه می‌کرد و خطاب به امام عصر (عج) می‌فرمود: «سیدی».

## سرداب غیبت

عالم مصری، شیخ محمود ابوریه رحمته الله که بعد از خواندن کتاب عبدالله بن سبأ شیعه شده بود، برای من از مصر نوشت که شما عصرهای جمعه سوار اسب می‌شوید؛ شمشیر به دست، می‌روید و در مقابل سرداب غیبت می‌ایستید و می‌گویید که یا بن الحسن ظاهر شو و خروج کن. در پاسخ او نوشتم، من در آن

۱. تاریخ مقتل الحسین علیه السلام.

شهر به دنیا آمده‌ام و مدتی هم آن جا بوده‌ام. چنین چیزی که شما می‌گویید درست نیست.

حضرت امام علی النقی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام مکانی را برای عبادت خویش قرار داده بودند؛ همین جایی که الان به آن سرداب می‌گویند. آن وقت سرداب نبود، حجره‌ای بود که این دو بزرگوار آن جا عبادت می‌کردند. وقتی متوکل مأموران را شبانه به منزل امام علی النقی علیه السلام فرستاد، مأموران، ایشان را از همین جا بردند؛ از جای عبادت‌شان. این جا راهی داشته از محل زندگی حضرت که الان جای قبر آن حضرت است. الان اطراف آن بالا آمده و آن جا مانند سرداب شده است.

آن چه برای ما ثابت است، آن است که خلیفه‌ی عباسی از بغداد سه نفر را فرستاد به محله‌ی عسکر؛ این جا را محله العسکر می‌نامیدند، چون جای لشکریان متوکل بوده و حضرت امام علی النقی علیه السلام را آن جا برده بود و ایشان در آن جا زیر نظر بوده است.

جامی حنفی روایت می‌کند که آمدند دیدند در خانه مرد سیاهی نشسته، پشم می‌ریسد. گفتند، صاحب خانه کجا است؟ گفت، در خانه است. وارد شدند. آمدند تا همین جایی که الان به آن سرداب غیبت می‌گویند. سطح سرداب پر از آب بود و در آخر سرداب یا اتاق، سجاده‌ای انداخته‌اند و شخصی روی آن، نماز می‌خواند. یکی از آنان برای گرفتن حضرت، قدم در آب گذاشت، اما نزدیک بود غرق شود. دومی رفت، باز او نیز نزدیک بود غرق شود و سومی و ... عذرخواهی کردند و برگشتند. وقتی ماجرا را به خلیفه گفتند، گفت که اگر این ماجرا را جایی نقل کنید، گردن شماها را می‌زنم. آن چه ما از این سرداب می‌دانیم این است. ما عقیده نداریم که حضرت حجّت (عج) در این جا است.



ولی عقیده داریم که حضرت حجّت (عج) در مراسم حج، شرکت می‌کنند و شاید بارها او را دیده باشیم و شناخته باشیم.

### غیبت صغرا و غیبت کبرا

مطلب دیگر این که دو غیبت داریم: غیبت کبرا و غیبت صغرا. در غیبت صغرا شیعیان آماده‌ی جدایی و دوری از امامت ظاهری امام‌شان شدند. مردم مسائل‌شان را از نایبان امام می‌پرسیدند که فقط آنان با امام در ارتباط بودند. این آماده کردن شیعیان بود برای غیبت کبرا. امام (عج) به چهارمین نایب خود می‌فرماید که به شیعیان من بگو غیبت کبرا شروع شد؛ بعد از این، به راویان حدیث رجوع کنید. راویان احادیث شیعه همین فقهای شیعه‌اند.

### چگونگی حکومت امام مهدی (عج)

مطلب دیگر، چگونگی حکومت حضرت حجّت (عج) است. فرق بین حکومت حضرت حجّت (عج) و سایر حکومت‌ها آن است که پیامبر ﷺ و علی بن ابی طالب علیه السلام حکومت‌شان مبتنی بر وجود شاهد بود. اگر کسی کشته می‌شد، و علیه قاتل شاهی یافت نمی‌شد، خون کشته هدر بود. در دزدی و ... نیز همین طور.

حکومت حضرت حجّت (عج) بنا بر علم ایشان است؛ یعنی آن‌که، اگر در زمان حکومت ایشان دزدی بشود، دستور می‌دهد دزد را بیاورند و دستش را بسبرند و مال را به صاحبش بازگردانند. از این رو است که در زمان حضرت حجّت (عج)، عدلی به پا می‌شود که در هیچ زمان نبوده است.

## اخلاق، هدف بعثت

آنچه ما لازم داریم آن است که سلسله‌ی جلیله‌ی اهل علم ندای حضرت حجت (عج) را اجابت کنند که مانند حضرت عیسی علیه السلام می‌فرمایند:

﴿... مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ...﴾<sup>۱</sup>

... کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آیین او) گردد؟ حواریان

[= شاگردان مخصوص او] گفتند: ما یاوران خداییم ...

حضرت عیسی علیه السلام که جنگ نداشت. انصار را برای تبلیغ شریعت می‌خواست.

امر مهم دیگر این که بیایید انصار حضرت حجت (عج) شویم و عقاید را بخوانیم و تبلیغ کنیم.

خداوند در وصف پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾<sup>۲</sup>

و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.

خداوند پیامبرش را از نظر اخلاق می‌ستاید نه از نظر علمی و ... رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ برانگیخته شدم تا فضایل اخلاقی را برجسته سازم».<sup>۳</sup>

عظمت ماگروه مسلمین، عظمت اخلاقی است. باید در رشد و اشاعه‌ی اخلاق اسلامی بکوشیم. این تکلیف ما طلبه‌ها است.

۱. آل عمران (۳) آیه ۵۲.

۲. قلم (۶۸) آیه ۴.

۳. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۷.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ بِدَمِ الْمَظْلُومِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
وَأَنْ تَرْزُقَنَا فِي الدُّنْيَا زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَفِي الْآخِرَةِ شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؛  
خدایا، تو را به خون مظلوم حسین مسئلت می‌کنیم که بر محمد و  
آل محمد درود بفرستی و ما را در دنیا به زیارت حسین و در آخرت به شفاعت او  
موفق بداری!

خداوندا، این جمهوری اسلامی را تا ظهور حضرت حجت (عج) سالم نگاه دار.  
دشمنان اسلام را در هر جا که هستند مخدول و منکوب بفرما!  
برادران و خواهران ما، مسلمانان فلسطین را بر صهیونیست مظفر و  
منصور بفرما!

شیعیانی که در عراق گرفتار ظلم بعث و صدام هستند بر دشمنان شان  
مظفر و منصور بفرما!

هر کجا مسلمان‌ها گرفتاری دارند بر دشمنان شان مظفر و منصور بفرما!  
شر دشمنان شان را به خودشان برگردان!

ولتی فقیه را طول عمر با برکت، با توفیق خدمت‌گزاری به اسلام و مسلمانان  
عنایت کن!

دولت‌مردان جمهوری اسلامی را توفیق خدمت‌گزاری به اسلام و مسلمانان  
عنایت کن!

به ما، توفیق طلب علم اسلامی برای عمل عنایت کن!

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

# آثار و فواید وجودی امام عصر (عج) در زمان غیبت

آیة الله محمد تقی مصباح یزدی<sup>۱</sup>

---

۱. دانشمند محقق، استاد حوزه و دانشگاه و رئیس مؤسسه‌ی آموزشی، پژوهشی امام خمینی علیه السلام قم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وِ عَلى آبائِهِ في هذِهِ الساعَةِ وِ في كُلِّ ساعَةٍ وِليّاً وِ حافِظاً وِ قائِداً وِ ناصِراً وِ دَلِیلاً وِ عَیْناً حَتّى تُسكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وِ تُمتِعَهُ فیها طَویلاً<sup>۱</sup>.

### پیش درآمد

بنده فقط به خاطر اطاعت از امر دوستان و اظهار جهل و عجز خودم در زمینه‌ی معرفت این وجود با عظمت در این جلسه شرکت کردم و توان این که سرّ مجهولی را برای آقایان کشف کرده و مسئله‌ای را حل کنم، در خود نمی‌بینم.

آثار و برکات وجود آن حضرت در زمان غیبت بر همه روشن است. اگر بخواهیم به‌طور مفصل در این زمینه بحث کنیم، باید به داستان‌ها و کتاب‌هایی که در این زمینه نقل و نوشته شده است مراجعه کنیم. بعضی را هم خودمان تجربه کرده‌ایم. این مسئله در یک جلسه قابل بحث نیست. ما آن گاه می‌توانیم

---

۱. مفاتیح الجنان، اعمال شب بیست و سوم ماه رمضان؛ کفعمی، بلد الامین، ج ۱، ص ۲۰۳: خدایا، برای حجّة بن الحسن (عج) که درود تو بر او و اجدادش باد، در این ساعت و در هر ساعت، دوست، نگه‌دارنده، پیشوا، یار، راهنما و دیده‌بان باش تا او را در زمین خود با اقتدار و فرمان‌روایی جای گاه دهی و برای مدت طولانی در آن بهره‌مند سازی.

به این پرسش پاسخ عمیق‌تری بدهیم که اول بدانیم وقتی امام حضور دارند چه برکاتی از ایشان به ما می‌رسد و در عصر غیبت کدام یک از این برکات حذف می‌شود. متأسفانه معرفت ما و کسانی که مثل بنده هستند، در مورد امام و مقام امامت بسیار ضعیف است. ما و همه‌ی خلائق مرهون عنایت آقا هستیم؛ «وَبِئَمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَىٰ»<sup>۱</sup> و به برکتش به خلق روزی می‌رسد. ویژگی ما طلبه‌ها این است که استفاده‌ی ما از برکت آن حضرت بیش از دیگران است؛ در عین حال در این زمینه کوتاهی می‌کنیم.

در معرفت امام و به خصوص امام زمان (عج) هر شیعه در هر درجه و مرتبه‌ای از ایمان که باشد، باید بداند و معتقد باشد که بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دوازده امام معصوم علیهم السلام داریم؛ که یکی از آن‌ها غایب و زنده است و روزی ظهور خواهد کرد. اصل وجود آن حضرت و غیبت و ظهورش را بسیاری از برادران اهل تسنن نیز قبول دارند و حتی کسانی از اهل سنت نیز مدعی زیارت آن حضرت شده‌اند. اصل اعتقاد به وجود و عشق و محبت به آن حضرت، اختصاص به شیعه ندارد و چیزی که ما را متمایز از دیگران می‌کند، اعتقاد به امامت ایشان است و این که حیات دارند و روزی ظهور کرده، وظایف امامت‌شان را انجام داده و جهان را پر از عدل و داد خواهند کرد. به هر حال این اعتقاد شرط تشیع است؛ در غیر این صورت شیعه‌ی اثنا عشری نخواهیم بود. در زمان غیبت نیز استفاده‌هایی از وجود حضرت می‌شود.

بعید است که در بین شیعیان کسی باشد که اصل این مطلب را انکار کند. هم در امور تکوینی از آن حضرت استفاده می‌شود و هم در توسلات.

۱. مفاتیح الجنان، دعای غدیله.

## برکات توسل

برکات بسیاری در توسل به آن حضرت نازل می‌شود. در این زمینه، داستان‌های زیادی در کتاب‌ها نقل شده و در نجم الثاقب میرزای نوری رحمته الله از این داستان‌ها بسیار است. وجود آن حضرت در زمان غیبت، مانند خورشید در پشت ابر است.<sup>۱</sup> ما ایشان را نمی‌بینیم ولی او نور افشانی کرده و برکاتش را نازل می‌کند. هم جهان را روشن می‌کند و هم حرارت به عالم می‌دهد. زمینه‌ی حیات را فراهم می‌کند و هر کس هر معرفتی نسبت به امام داشته باشد، می‌داند که فقط پرده و ابری واسطه شده است و دیگر هیچ.

## شناخت امام

مشکل این است که وقتی امام هم حاضر باشد، ما درست نمی‌فهمیم که امام یعنی چه و دارای چه مقام، برکات و نقشی در تکوین و تشریح می‌باشد؛ اگر بخواهیم پاسخ این پرسش را بفهمیم، بهتر است که به این پرسش برگردیم که اصلاً وجود معصوم علیه السلام در زمان حضور چه برکاتی دارد و در زمان غیبت کدام یک از برکات حذف شده است؟ باید اعتراف کنیم که متأسفانه کسانی که امام‌شناسی آنها در حد بنده است، در این زمینه خیلی کوتاهی کرده‌اند. البته این تنها مربوط به شناخت امام نیست؛ بلکه نسبت به سایر معارف نیز همین‌گونه است. ما وقتی هم به کسب علوم و معارف اسلامی همت می‌کنیم، بیش‌تر مربوط به ظواهر و احکام عملیه است که بتوان رساله‌ی عملیه نوشت و در مقام استفتا پاسخ داد. اما تعمق بیش‌تر در معارف، متأسفانه مانند علما و بزرگان گذشته صورت نمی‌گیرد. اما در این زمان، باید بگوییم که خیلی قصور داریم (اگر نگوییم تقصیر). حال

۱. ر. ک: محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۴۸، ح ۱۲۲۰.

بگذریم از امواج شبهات، ضلالت‌ها و التقاط‌ها و غیره که در این زمان بیش از هر زمانی پیدا شده و زمینه‌ی متزلزل کردن عقاید و ایمان نسل آینده را فراهم کرده است و به دنبال آن ما نیز برای حفظ معارف، اصالت‌ها و ارزش‌های ناب اسلامی برای نسل آینده وظیفه‌ی بسیار سنگینی داریم. تعمیق معارف، از خداشناسی گرفته تا امامت و معاد و سایر مباحث بسیار ضعیف است. آیا واقعاً معرفت ما نسبت به خدای متعال بیش تر از بعضی مردم عوام است که هیچ درس نخوانده و با قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام آشنا نبوده و در معارف کار نکرده‌اند؟ به غیر از یک سری مفاهیمی که غالباً مفاهیم سلبی است، چه اندازه در مورد معرفت خدا پیش رفته‌ایم؟ دل‌ها چه قدر با خدا آشنا شده؟ چه اندازه این اعتقاد در رفتار ما اثر گذاشته و می‌گذارد؟ این اعتقاد که می‌گوییم خدا همه جا هست، واقعاً این اعتقاد در رفتار ما چه قدر اثر دارد؟ آیا مانع از این می‌شود که در خلوت و جلوت گناه نکنیم؟ آیا آن اندازه که حضور یک طفل نابالغ در زندگی ما می‌تواند اثر داشته باشد، این اعتقاد به حضور خدا در ما اثر دارد؟ آیا به این مفاهیمی که در دعاها و مناجات‌ها آمده، توجه داریم و با آن آشنا هستیم؟ این مناجات شعبانیه که به فرموده‌ی امام علیه‌السلام، عارفان انتظار رسیدن ماه شعبان را داشته‌اند تا عاشقانه این مناجات را بخوانند، البته اگر موفق شویم بخوانیم، واقعاً آیا با مضامین آن آشنا هستیم و در روح ما اثر می‌گذارد؟ آیا می‌فهمیم «...إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ...»<sup>۱</sup>، یعنی چه؟ «...أَلْهَمْنِي وَلَهَا بِذِكْرِكَ إِلَيَّ ذِكْرَكَ...»<sup>۲</sup>، یعنی چه؟ اسرار و پشت پرده بماند، همین چیزهایی که در دست عوام است و خیلی‌ها بیش تر از ما می‌خوانند، ما چه قدر به این‌ها معتقدیم و درک

۱. مفاتیح الجنان، فرازی از مناجات شعبانیه: ...خدایا بریدن از همه چیز و روی آوردن تنها به سوی تو، به من عطا فرما...

۲. همان: ... (خدایا) شیفتگی یاد خودت را در دلم افکن که مرا به یاد تو سوق می‌دهد....



می‌کنیم؟ چه قدر بیش‌تر از دیگران به حقایق این‌ها رسیده‌ایم؟ قیاس به نفس می‌کنم؛ کسانی که مانند من هستند خیلی ضعیفند. خوشا به حال کسانی که جلوترند از این حرف‌ها و اوهام که امروزه نبوت را یک تجربه‌ی دینی و شخصی می‌دانند، بگذریم اما کسانی که واقعاً معتقدند یک جبرئیلی هست و وحیی نازل می‌کند، خدایی هست که دستور می‌دهد و به قلب پیغمبر چیزی القا می‌شود، به همین چیزهایی که عوام معتقدند ما هم معتقدیم، چه اندازه بیش‌تر از آن‌ها به این حقایق معتقد هستیم؟ در مورد وجود امام (عج)، ما مضامینی در همین کتاب مفاتیح الجنان درباره‌ی امامان داریم که اگر کمی دقت کنیم، آن وقت می‌فهمیم که چه قدر دور هستیم: «... مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَا بِكُمْ وَ مَنْ وَحَّدَهُ قَبْلَ عَنكُمْ وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ...»<sup>۱</sup> یعنی چه؟ «... بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ...»<sup>۲</sup> مفهوم این فرازها چیست؟ «... بِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْفِثُ الْهَمَّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ...»<sup>۳</sup> به چه معنا است؟!

شاید همه‌ی ما، ده‌ها و صدها بار این قسمت را خوانده باشیم؛ اما چه قدر فکر کرده‌ایم که باطن این معانی چیست؟ و اگر من و شما برای فهم این‌ها دقت نکنیم، پس چه کسانی باید بفهمند؟!

«... بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءَ...»<sup>۴</sup>، «... وَ بِمِنْهُ رُزِقَ

۱. همان، بخشی از زیارت جامعه: ... آن کس که خدا را خواست به شما شروع می‌کند، و آن کس که او را یگانه می‌داند از شما می‌پذیرد، و آن کس که می‌خواهد به سوی خدا رود به وسیله‌ی شما به او روی می‌آورد ...

۲. همان: ... خدا به وسیله‌ی شما آغاز نمود و به وسیله‌ی شما به پایان می‌رساند ...

۳. همان: ... (خدا) به وسیله‌ی شما آسمان را نگه می‌دارد تا بر زمین فرود نیاید مگر به فرمان او، و به وسیله‌ی شما غم و اندوه را می‌زداید و ناراحتی را برطرف می‌سازد ...

۴. همان: ... به وسیله‌ی شما باران را نازل می‌کند و آسمان را نگه می‌دارد ...

الْوَرَى...»<sup>۱</sup> «... خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ...»<sup>۲</sup>؛ این فراز یعنی چه؟ این پیغمبر و امامانی که ما می‌شناسیم، در یک تاریخ معینی متولد شده‌اند و از عرش هم که نیامده بودند و بعد از دنیا رفته‌اند و امام دوازدهم به عقیده‌ی ما حیات دارند و بقیه شهید شده‌اند، پس این جملات و فرازها به چه معنا است؟ «... فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهِ اسْمُهُ...»<sup>۳</sup> من نمی‌دانم معنای این جملات چیست و چه مفاهیمی در آن نهفته است؛ اما می‌خواهم به جهل خودم اعتراف کنم و چیزی هم برای شما ندارم که این جا حل کنم و این شاء الله که شما پاسخ این سؤال‌ها را می‌دانید. ولی می‌دانم که چیزی بیش از آن چه ما می‌فهمیم وجود دارد. به‌طور قطع جنینی که در شکم مادر تسبیح خدا می‌گوید، با جنین‌هایی که من و شما می‌شناسیم تفاوت دارد. این که وقتی طفلی از مادر متولد می‌شود، به حالت سجده به روی زمین می‌افتد؛ این با دیگران فرق می‌کند. در روایات داریم که بعضی ائمه علیهم‌السلام یا حضرت زهرا علیها‌السلام در شکم مادر هم با مادرشان سخن می‌گفتند و او را دلداری می‌دادند. در تفسیر این آیه‌ی شریفه که خداوند به ملائکه فرمود:

﴿... أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ...﴾<sup>۴</sup>.

در روایات هست که «هؤلاء» اشاره است به انوار اهل بیت علیهم‌السلام که در آن عالم بودند. افتخار حضرت آدم بر ملائکه این بود که اسمای آن‌ها را یاد گرفت. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...﴾<sup>۵</sup> و گرنه خود

- 
۱. همان، فرازی از دعای عدیله: ... به برکت او به خلق روزی می‌رسد....
  ۲. همان، فرازی از زیارت جامعه: ... خدا شما را به صورت نورهایی آفرید و دور عرش خود قرار داد تا زمانی که به وسیله‌ی شما بر ما منت گذاشت....
  ۳. همان: ... شما را در منازلی قرار داد که به بلند کردن آن‌ها و یاد نام او در آن فرمان داده است....
  ۴. بقره (۲) آیه‌ی ۳۱: ... اسامی این‌ها را به من خبر دهید....
  ۵. همان: سپس علم اسماء [= علم اسرار آفرینش و نام‌گذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت....

آن‌ها که اسماء الاسماء هستند.<sup>۱</sup> آن‌ها قبل از خلقت آدم خلق شده بودند. رسول گرامی اسلام ﷺ در این زمینه فرمودند: «... كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطِّينِ ...»<sup>۲</sup> ... زمانی که آدم ﷺ هنوز آب و گل بود، من پیامبر بودم ...». این‌ها یعنی چه؟ یک وجود نورانی برای اهل بیت ﷺ اثبات شده و انسان‌ها تشویق شده‌اند که سعی کنند معرفت خودشان را به نورانیت تبدیل کنند. این جا هم می‌فرماید: «... خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً ...»<sup>۳</sup> ... خداوند شما را نورهایی خلق کرد ...».

حالا این نور یعنی چه؟ آیا منظور نوری است که ما از چراغ و خورشید و ماه می‌بینیم و یا چیز دیگری است؟ که احتمالاً چیز دیگری است چرا که خداوند می‌فرماید:

### ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ...﴾<sup>۴</sup>

این نور حسی نیست. چون خدا که جسم نیست؛ خودش نور است؛ یک نوری هم دارد، می‌شود نور النور.

به هر حال، حقیقتی وجود دارد به نام نورانیت؛ چیزی است که این عالم با همه‌ی انوارش، با این همه کهکشان‌ها و خورشیدها، در مقابل آن، ظلمت است و اهل بیت ﷺ، وجودی از سنخ آن نورانیت داشته و دارند که قبل از خلقت آسمان‌ها و زمین و قبل از خلقت انسان‌ها در عرش الهی حضور داشته‌اند.

مسئله‌ی دیگر درباره‌ی وجود انبیا و ائمه‌ی اطهار ﷺ این است که معتقدیم که آنان همیشه زنده‌اند و حیات دارند: «أَعْلَمُ أَنَّ ... يَرَوْنَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ

۱. ر.ک: علامه طباطبائی، المیزان، ذیل آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی بقره.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۴۰۲، ح ۱؛ وج ۱۸، ص ۲۷۸.

۳. مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت جامعه‌ی کبیره.

۴. نور (۲۴) آیه‌ی ۳۵: خداوند نور آسمان‌ها و زمین است ...

کلامی و یُرَدُونَ سَلَامِ»،<sup>۱</sup> ﴿... أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾<sup>۲</sup>.

ولی به هر حال، نمی‌توانیم تماس جسمانی با آن‌ها بگیریم؛ هر چند که تماس روحانی می‌شود گرفت. توسلاتی که با ایشان پیدا می‌کنیم، تماس با روح آن‌ها است؛ روحی که مرتبه‌اش پایین‌تر از وجود نورانیت است؛ چیزی که تعلق به جسم می‌گیرد؛ حضورش در جسم با غیبتش در جسم فرق می‌کند. ما هم با توسل می‌توانیم با آن تماس گرفته و استفاده کنیم. توسل، نوعی برقراری ارتباط است. البته ما هم روح داریم؛ روح ما بعد از مرگ هم باقی است اما بودن روح ما با روح آن‌ها اندکی تفاوت دارد. آن‌ها ﴿... عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾<sup>۳</sup> اند و ارواح ما بعد از رفتن از این عالم معلوم نیست در کجا و در چه حالی باشند.

از این مباحث استفاده می‌شود که یک مقام نورانیت داریم که فوق تصور ما است. هر چه به مغزمان هم فشار بیاوریم، چیزی نخواهیم فهمید. همین خوب است که بگوییم نور خدا است، انواری است که خدا در عرش خودش قبل از خلقت عالم قرار داده است؛ بلکه تمام هستی پرتوی از نور آن‌ها است. این‌گونه روایات را اهل سنت نیز نقل کرده‌اند که نور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام یک نور بود که خدا قبل از خلق آسمان‌ها و زمین آفرید و این نور واحد بود تا در صلب عبدالمطلب تقسیم شد؛ یکی در صلب عبدالله قرار گرفت و منشأ پیدایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله شد و یکی در صلب ابوطالب که منشأ پیدایش امیرالمؤمنین علیه السلام شد.<sup>۴</sup>

۱. مفاتیح الجنان، اذن دخول حرم‌های شریف: می‌دانم ... که جای گاه مرا می‌بینند و سخن مرا می‌شنوند و به سلام من جواب می‌دهند.

۲. آل عمران (۳) آیه ۱۶۹: ... آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

۳. همان: ... نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

۴. به عنوان نمونه: قندوزی، ینایع الموده، ج ۱ - ۲، ص ۳۰۴.

بهشت را خداوند از نور پیغمبر اکرم ﷺ خلق کرد؛ حتی لوح و قلم را؛ لوح و قلمی که باز به حسب آن چه در روایات آمده، منشأ پیدایش تمام تقدیرات خدا است. قضای الهی به واسطه‌ی قلم بر لوح ثبت می‌شود؛ لوح و قلم نیز از نور اهل بیت ﷺ آفریده شده است. قرآن وقتی از روح الامین سخن می‌گوید، که به حسب بعضی تفسیرها ﴿عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى﴾<sup>۱</sup> است. کسی است که رسول کریم، رسول امین و در عرش خدای متعال است. مکان او پیش خدا است. این روح الامین، با این عظمت، در روایات آمده که چند مرتبه پیغمبر اکرم ﷺ او را به خلقت اصلی‌اش مشاهده فرمودند. در روایت آمده است:

... و رُوِحُ الْقُدْسِ فِي جَنَانِ الصَّاقُورَةِ ذَاقَ مِنْ حَدَائِقِنَا الْبَاكُورَةِ...؛<sup>۲</sup>

... ما مقامات و باغ‌های پرثمری داریم که روح الامین در آن باغ‌های کوچک از آن

میوه‌ها، نوبر آن میوه‌ها را چشیده است ...

روح الامین با آن عظمتش، نوبر درخت‌های پرثمر خاندان عترت را چشیده است. البته کاری به سند این روایات نداریم. از این‌گونه روایات در احادیث ما بسیار نقل شده است. ما می‌خواهیم بگوییم چیزهایی هست فوق آن چیزهایی که ما می‌فهمیم:

﴿الْمَ \* ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ

بِالْغَيْبِ...﴾<sup>۳</sup>

الم (بزرگ است خداوندی که این کتاب عظیم را، از حروف ساده‌ی الفبا به وجود آورده) آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد. و مایه‌ی هدایت پرهیزکاران است. (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آن چه از حس

۱. نجم (۵۳) آیه ۵: آن کس که قدرت عظیمی دارد [ = جبرئیل امین ] او را تعلیم داده است.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۷، ح ۳.

۳. بقره (۲) آیه‌های ۱-۳.

پوشیده و پنهان است] ایمان می آورند ...

در بعضی از تفاسیر، از این آیه به وجود مقدس امام زمان (عج) تفسیر شده است. تفاوت اصلی مؤمن و کافر آن است که ملاک مؤمن مشهودات و محسوسات نیست.

اگر ما فقط به محسوسات اکتفا کنیم که اصلاً خدا را هم انکار خواهیم کرد. مشکل بنی اسرائیل همین بود؛ می گفتند: ﴿... أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً...﴾؛<sup>۱</sup> ...خدا را آشکارا به ما نشان ده... یا این که می گفتند: ﴿... لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً...﴾؛<sup>۲</sup> ...ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد؛ مگر این که خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم...

ایمان به غیب نداشتند. خیال می کردند انسان تا چیزی را نبیند، نمی تواند ایمان بیاورد. این روحی است که امروز بر فرهنگ جهانی حاکم است؛ یک نوع گرایش پوزیتیویستی<sup>۳</sup> که البته دارای مراتبی است. برای این که گرفتار حس گرایی و چنین گرایش هایی نشویم، قدم اول این است که ایمان به غیب داشته باشیم؛ بدانیم که چیزهایی هست که ما نمی شناسیم و درک نمی کنیم. اگر این گونه نباشد، اصلاً وارد مرز ایمان نشده ایم. از مجموع آن چه درباره ی مقامات اهل بیت (علیهم السلام) در آیات و روایات آمده است، به دست می آید که آنها مقامات بلندی دارند که ما نمی فهمیم. اگر هم بفهمیم نمی توانیم صاحب آن مقام شویم.

مقام امام و وجود امام و نقشی که تکویناً در این عالم دارد، چیزی است که

۱. نساء (۴) آیه ۱۵۳.

۲. بقره (۲) آیه ۵۵.

۳. برای دریافت مفهوم این واژه، ر.ک: عبدالحسین خسرو پناه، کلام جدید، ص ۳۲۲.

فهم ما در زمینه‌ی آن بسیار کم است. البته گفتنی است که کسانی خواستند عیسی - علی نبینا و آله و علیه السلام - را بفهمند، گرفتار غلو شدند. کسانی خواستند مقام ائمه علیهم‌السلام را درک کنند، آنان را به مقام الوهیت رساندند.

روزی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با اشاره به امیرالمؤمنین علیه‌السلام، فرمودند: اگر نبود ترس از این که درباره‌ی علی بگویید آن چه نصارا درباره‌ی عیسی بن مریم - علی نبینا و آله و علیه السلام - گفتند، از فضایل علی چیزی می‌گفتم که مردم خاک پایش را برای شفا ببرند.

ترس از این بود که مردم گمان کنند علی علیه‌السلام خدا است. ما خدا را درست نشناختیم، خیال می‌کنیم هر کس دارای چنان قدرتی باشد، خدا است.

به هر حال، بین این حد معرفت عوامانه‌ی جاهلانه، که مثل بنده دارم، و آن معرفتی که باید به آن برسیم، مراتب بسیار زیادی وجود دارد که هر کسی به اندازه‌ی همت خودش، اگر از راه خودش درست برود، می‌تواند آن را درک کند. شما هیچ فکر کرده‌اید که شیعیان و تقریباً تمام اهل تسنن، مسئله‌ی توسل به وجود پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام را کم و بیش قبول دارند؟ یکی از دوستان، نقل می‌کرد که چند روز پیش سمیناری در کردستان داشتیم؛ علمای اهل تسنن شرکت کرده بودند؛ در مدح اهل بیت علیهم‌السلام چیزهایی می‌گفتند که ما در بین شیعیان کم‌تر می‌شنویم. چه توسلاتی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام، خصوصاً وجود مقدس حضرت زهرا علیها‌السلام و حضرت ابوالفضل علیه‌السلام دارند! «السلامُ عَلَیْكَ یا أَبَاصالِحِ الْمَهْدِيِّ أَدْرِ كُنِي»<sup>۱</sup> خیلی‌ها این جمله را گفتند و اثرش را دیدند؛ در گمراهی‌های بیابان راه را پیدا کردند؛ مشرف به مرگ بودند، نجات یافتند. این صدا را چگونه شنیدند و چگونه پاسخ دادند؟ از کجا صاحب صدا را تشخیص می‌دهند که کجا است و چه می‌خواهد؟ و ...

۱. درود بر تو ای اباصالح مهدی به فریادم برس.

این‌ها سؤالاتی است که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند، اگر به آن‌ها پاسخ دهیم، می‌ترسم که مردم به گونه‌ای فکر کنند که نصارا درباره‌ی عیسی - علی نبینا و آله و علیه السلام - گمان می‌کردند.

هر روز در نماز به پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سلام می‌دهیم؛ «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ...» آیا واقعاً این فقط یک لفظ است که بر زبان جاری می‌شود و شنونده‌ای در کار نیست؟! برای رفع قصور نماز، باید سجده‌ی سهو به جای آوریم و در حال سجده، به پیغمبر سلام کنیم. آیا در حکمت این کار اندیشیده‌اید؟ اجمالاً باید بدانیم که خیلی چیزها درباره‌ی این بزرگان هست که باید یاد بگیریم؛ البته همه آن‌ها را نمی‌توانیم بیاموزیم ولی فی‌الجمله اگر در این اشارات و بیانات روایات دقت کنیم، هیچ ابهامی نمی‌ماند. امروز رسم شده که در همه چیز تشکیک می‌شود. شنیدم بعضی‌ها در این که می‌توان زیارت عاشورا خواند یا نه، شک کرده‌اند! می‌گویند سندش معتبر نیست.

در این‌گونه افراد، روح تبراً تضعیف شده است. تبلیغاتی که برای تساهل و تسامح شده روح تبراً را از ما گرفته است. برای این که زمینه‌ی تسلط فرهنگ جهانی را فراهم کنند، در بسیاری از عقاید شیعه تشکیک می‌کنند؛ مسجد جمکران، زیارت عاشورا و ... می‌گویند: جمکران مسجدی است برای عبادت خدا؛ حال که مردم این‌گونه آن‌جا جمع می‌شوند، شما هم یادی از امام زمان بکن. گناه که ندارد؛ قصد ورود نکن، به قصد رجا برو. شیطان وقتی بخواهد انسان را از راهی باز بدارد، در همه چیز، در سند یا در دلالت تشکیک می‌کند.

وجود امام تنها این نیست که برای بیان احکام، کلامش حجت باشد یا برای مدیریت جامعه، اطاعتش واجب باشد؛ این یک امر ظاهری و اعتباری است که اولین مرتبه‌ی ایمان ما است. هر عوام و درس‌نخوانده‌ای، هر ضعیف‌الایمانی،



اگر بخواهد شیعه شود، باید این اعتقاد را داشته باشد. آن چه از علما و بزرگان و اهل دقت انتظار می‌رود، عمق این مسائل است. باید در این‌ها بیش‌تر فکر کنیم. ابتدا فکر کرده، باور نموده و سپس به یقین برسیم؛ بعد هم سعی کنیم به لوازمش ملتزم شویم. ارتباطی که باید برقرار کنیم باید حاصل شود. نورانیتی که باید کسب کنیم، در پرتو این انوار الهی نصیب ما می‌شود که متأسفانه قدرش را نمی‌دانیم. مَثَل ما در استفاده‌ی از وجود اهل بیت علیهم‌السلام مثل کسی است که از یک اقیانوس به اندازه‌ی یک استکان مصرف کرده و بقیه‌ی مراتبش هنوز دست نخورده باقی مانده است. ما غافلیم. ما باید از این معارف استفاده کنیم؛ چرا که گوشت و پوست و خون ما از مال امام زمان (عج) است.

پروردگارا، تو را به مقامی قسم می‌دهیم که نمی‌فهمیم چیست؛ به مقامی که اهل بیت علیهم‌السلام در نزد تو دارند و تو می‌دانی و ما نمی‌دانیم؛ تو را به عزیزترین بندگانت قسم می‌دهیم که دل‌های آلوده‌ی ما را لایقِ بخشی از معارف آن‌ها قرار بده!

این آلودگی‌ها را از باطن ما بزدا تا لیاقت استفاده از آن نورها را به اندازه‌ی ظرفیت خودمان بیابیم!

ما را به وظایف مان نسبت به مولامان آشناتر و در انجامش موفق‌تر بگردان!

سایه‌ی جانشین شایسته‌اش بر سر ما مستدام بدار!

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

# بررسی مفهوم مهدی نوعی و اثبات دیدگاه تشیع در مورد حضرت مهدی (عج)

آیة الله محمد مهدی آصفی<sup>۱</sup>

---

۱. محقق، نویسنده و استاد حوزه علمیه قم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.<sup>۱</sup>

در این جا ما دو مسئله در پیش داریم:

یکی مسئله‌ی انقلاب جهانی مهدی موعود (عج) است که خداوند در کتاب‌های آسمانی پیشین و نیز در قرآن، این انقلاب عظیم جهانی را وعده داده است:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ  
الصَّالِحُونَ﴾<sup>۲</sup>

در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

و این‌که، این انقلاب به دست یکی از فرزندان رسول‌الله ﷺ رهبری و هدایت می‌شود.

مسئله‌ی دوم این‌که مهدی موعودی که مسلمین در انتظار او هستند، فرزند بزرگوار امام عسکری، محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است که در سال ۲۵۵ هجری در سامرا خورشید وجود آن حضرت درخشید و جهان را روشن کرد. در مسئله‌ی اول اختلافی نداریم.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۳۰۶.

۲. انبیا (۲۱) آیه ۱۰۵.

همه‌ی مسلمین در این مسئله متفقند که مهدی موعود(عج) یکی از فرزندان رسول الله ﷺ است. اما مسئله‌ی دوم مورد اختلاف است که در این گفتار به صورتی فشرده و کوتاه، بدان خواهیم پرداخت.

شیعیان اثناعشری بر آنند که امام زمان (عج) تولد یافته، غیبت کرده و ظهور خواهد کرد. در این جا، برای پیش‌درآمد بحث، به چهار دسته از روایات اشاره می‌کنیم.

این چهار دسته روایات، فقط منطبق بر نظریه‌ی شیعه‌ی اثناعشری می‌شود؛ یعنی چنان چه بر فرض، نظریه‌ی شیعه‌ی اثناعشری را نادیده بگیریم، این چهار دسته از روایات هیچ معنایی نخواهند داشت. یعنی اگر کسی ایمان به نظر شیعه‌ی اثناعشر در مسئله‌ی مهدویت نداشت برای این چهار دسته از روایات نمی‌تواند تفسیری بیابد.

این روایات فقط منطبق بر امامان دوازده‌گانه‌ی شیعه‌اند و در تاریخ اسلام هیچ مورد دیگری برای انطباق ندارند که این قهراً دلیل صحت نظریه‌ی شیعه است.

اولین دسته از این روایات، حدیث معروف ثقلین است. این حدیث از نظر سند کوچک‌ترین جای تردید ندارد و ثقات و محدثین شیعه و سنی این روایت را با سندهای عالی ذکر کرده‌اند<sup>۱</sup> و همین کافی است که ما بگوییم این حدیث را مسلم، از محدثین اهل تسنن در صحیح خود نقل کرده است.<sup>۲</sup>

ترمذی، دارمی، احمد بن حنبل در مواضع متعددی، نسائی در خصائص، حاکم در مستدرک الصحیحین، ابوداؤد، ابن ماجه در سنن و عده‌ی زیادی از

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۳، ح ۳۳۱۴۴.

۲. صحیح، ج ۷، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.

محدثین اهل تسنن به خصوص صاحبان صحاح، به جز بخاری، این حدیث را نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup> از نظر شیعه هم نیازی نیست من تفصیل بدهم. محدثان شیعه، این حدیث را بالاتفاق قبول دارند. پس بنابراین، در سند این حدیث بحثی نمی‌کنیم. متن حدیث متعدد است و گویا رسول الله ﷺ، این حدیث را در چندین موقع ذکر کرده‌اند و از این رو، متون گوناگونی دارد. متن نسبتاً جامع این حدیث چنین است که مقداری از آن از صحیح مسلم گرفته شده:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُّوشِكُ أَنْ أُدْعَى فَأُجِيبُ وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ  
التَّقْلِينَ وَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا  
لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي وَ أَنْهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ ...؛<sup>۲</sup>

ای مردم! من یک آدمی زاده هستم و نزدیک است که برای مرگ فرا خوانده شوم و دعوت حق را اجابت کنم. من دو چیز گران بها نزد شما به امانت می‌سپارم: کتاب خدا و عترت و اهل بیت من که تا وقتی که شما به این دو تمسک بجوید، بعد از من هیچ وقت گمراه نخواهید شد، و این دو تا روز قیامت که نزد من وارد حوض می‌شوند، از هم جدا نخواهند گردید ...

در این حدیث، سه نکته را خیلی روشن می‌بینیم. این حدیث به سه مطلب اشاره می‌کند:

۱. این که رسول الله ﷺ بعد از خود، دو دلیل و راهنما برای امت

۱. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۹؛ سنن دارمی، ج ۲، ص ۴۳۲؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴؛ وج ۴، ص ۳۶۷؛ احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ص ۱۵ و ۲۲؛ نسائی، خصائص امیرالمؤمنین عليه السلام، ص ۹۳؛ حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۳، ص ۱۰۹ و ۱۴۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۲۵؛ صحیح ابن خزیمه، ج ۴، ص ۶۳؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۳؛ صحیح ابن جبان، ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۱.

۲. ج ۷، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.

باقی گذاشته است: یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیت علیهم السلام.

۲. نکته‌ی دوم این است که این دو راهنما از هم جدا نخواهند شد تا روز قیامت؛ «... لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ ...»<sup>۱</sup>.

۳. نکته‌ی سوم این که ما دستور داریم به این دو راهنما و دلیل تمسک بجوییم و تمسک به آنها باعث هدایت و نجات از گمراهی است؛ «... ما إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي ...»<sup>۲</sup>.

وقتی این سه مطلب را کنار هم دیگر می‌گذاریم، به این نتیجه می‌رسیم که از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله، تا روز قیامت، پیوسته و همیشه امامی و حجّتی از اهل بیت علیهم السلام، در مسیر تاریخ هست و هیچ روزی در تاریخ بشریت از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله تا روز قیامت نیست که امامی و حجّتی از اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله در روی زمین نباشد.

ابن حجر هیثمی خوب متوجه نکته‌ای که حدیث ثقلین متضمّن آن است شده و در صواعق این طور می‌گوید:

و فِي أَحَادِيثِ الْحَثِّ عَلَى التَّمَسُّكِ بِأَهْلِ الْبَيْتِ إِشَارَةٌ إِلَى عَدَمِ انْقِطَاعِ مَتَأَهْلِ مِنْهُمْ لِلتَّمَسُّكِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كَمَا أَنَّ الْكِتَابَ الْعَزِيزَ كَذَلِكَ وَ لِهُذَا كَانُوا أَمَانًا لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا سَيَأْتِي؛<sup>۳</sup>

در احادیثی که به تمسک جستن به اهل بیت تشویق می‌کند، اشاره‌ای است به یک وجود مستمر از آنان برای تمسک جستن تا روز قیامت. همین طوری که قرآن این چنین است، و از این رو آنان مایه‌ی ایمنی برای اهل زمین شدند همین طوری که خواهد آمد.

این حدیث یک چنین دلالت قطعی دارد و ما اگر دقت بکنیم، این حدیث

۱ و ۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۳، ح ۳۳۱۴۴.

۳. صواعق المحرقة، ص ۱۴۹.

به جز امامان دوازده گانه، بر هیچ مورد دیگری قابل انطباق نیست و هیچ مذهبی از مذاهب اسلامی دیگر، تا به حال، حتی ادعا هم نکرده اند که در طول تاریخ، از وفات رسول الله ﷺ تا روز قیامت، همیشه امامی و حجتی از اهل بیت ﷺ، در روی زمین بوده است. این فقط شیعه‌ی اثنا عشری است که می‌گوید از ساعت وفات تا قیام قیامت، همیشه امامی از ذریه‌ی رسول الله ﷺ و حجتی از ذریه‌ی آن حضرت در مسیر تاریخ بوده است. این یک دسته از روایات، که به دلیل وضوح آن، زیاد در این مورد درنگ نمی‌کنیم.

دسته‌ی دوم از روایات، حدیث معروف زیر است:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛<sup>۱</sup>

کسی که از دنیا برود در حالی که امام زمان خود را شناخته است، هم چون اهل جاهلیت از دنیا رفته است.

این حدیث، از لحاظ سند مورد اتفاق شیعه و سنی است. در صحیح مسلم،<sup>۲</sup> باب «الْأَمْرُ بِالزُّومِ جَمَاعَةٍ عِنْدَ ظُهُورِ الْفِتَنِ» از رسول الله ﷺ آمده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ کسی که از دنیا برود و پیمان و بیعتی نداشته باشد، هم چون اهل جاهلیت از دنیا رفته است.»

بخاری در صحیح<sup>۳</sup> خود روایت کرده: «مَنْ خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ شِبراً مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ کسی که به حد یک وجب از زمام‌دار و سلطان خارج شود، هم چون اهل جاهلیت از دنیا رفته است.»

احمد در چندین جای مُسند<sup>۴</sup> روایت کرده: «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَتْ عَلَيْهِ طَاعَةٌ

۱. بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲. ج ۶، ص ۲۲.

۳. ج ۸، ص ۸۷.

۴. ج ۳، ص ۴۴۶.

مات مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ کسی که از دنیا برود و بر او طاعت و فرمان برداری نیست، هم چون اهل جاهلیت از دنیا رفته است».

طیالسی در مُسند<sup>۱</sup> همین مضمون را روایت کرده است. حاکم نیشابوری در مستدرک صحیحین<sup>۲</sup> همین روایت را نقل کرده است. ذَهَبی در حاشیه‌ی مستدرک<sup>۳</sup> این روایت را تصحیح کرده است. با تمام سخت‌گیری‌هایی که ذَهَبی در تصحیح روایات مستدرک دارد، این روایت را ایشان تصحیح کرده است.

هیثمی در مجمع الزوائد<sup>۴</sup> این روایت را با الفاظ متعدّدی روایت کرده است. طُرق این روایت در مسانید اهل تسنن بسیار است و نیازی به توقف بیش‌تری در این روایات نمی‌بینم.

در کتاب‌های شیعه مرحوم علامه‌ی مجلسی در جلد ۲۳ بحار الأنوار، فقط چهل حدیث را به عنوان تیمن و تبرک انتخاب کرده، ذکر می‌کند. طُرق و سند بسیاری از این احادیث، صحیح است. من فقط به دو روایت اشاره می‌کنم:

۱. برقی در محاسن<sup>۵</sup>، از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است:

...إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا بِإِمَامٍ وَمَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛

... زمین، بدون امام درست نمی‌شود، و کسی که از دنیا برود و امام خود را

۱. ص ۲۵۹.

۲. ج ۱، ص ۱۱۷.

۳. ج ۱، ص ۱۱۷.

۴. ج ۵، ص ۲۱۸.

۵. ج ۱، ص ۱۵۴.



نشناخته است، هم چون اهل جاهلیت از دنیا رفته است.

سند این روایت معتبر است. یکایک زوات آن مورد وثوق علماء جرح و تعدیل می باشند.

۲. کَشی در رجال<sup>۱</sup> از ابوالیسع روایت می کند که:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَنِي عَنْ دَعَائِمِ الْإِسْلَامِ الَّتِي بُنِيَ عَلَيْهَا  
و... فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَهَادَةُ إِلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَالْإِيمَانُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ...  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛

به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: از ارکان اسلام برای من سخن بفرمایید. امام فرمود؛  
گواهی بر این که معبودی جز الله نیست؛ ایمان به رسول خدا ... پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
می فرماید: هر کس از دنیا برود در حالی که امام خود را نمی شناسد، همچون  
اهل جاهلیت از دنیا رفته است.

سند این حدیث نیز معتبر است.

این روایت از لحاظ سند، روایت تامی است و اشکالی در سند آن، نه در  
طرق ما و نه در طرق اهل تسنن به نظر نمی رسد. حال من در دلالت های این  
حدیث صحبت می کنم. این حدیث متضمن چند نکته است:

(الف) زمین با غیر امام اصلاح نمی شود؛ فقط با امام اصلاح پذیر است؛

(ب) در هر زمانی بدون استثنا، انسان باید امام خود را بشناسد و شناختن

امام عین دین است و شناختن امام عین جاهلیت؛

(ج) هر کسی بمیرد و بر ذمه ی او بیعتی از امام زمان خودش نباشد، مرگ او

یک نوع مرگ جاهلیت است.

ما وقتی این مطالب را با هم ضمیمه کنیم و کنار هم بگذاریم، به راحتی به این

نتیجه می‌رسیم که برای همیشه در همه‌ی مسیر تاریخ، در روی زمین حجتی باید باشد که اطاعت و شناسایی او عین دین، و نشناختن و اطاعت نکردن از او، عین جاهلیت است. حال کسی ممکن است این اشکال به ذهنش برسد که این قضیه‌ای است حقیقیه، و قضیه‌ی حقیقیه، موضوع ساز نیست، یعنی قضیه‌ی حقیقیه موضوع خودش را اثبات نمی‌کند؛ بنابراین، معنای روایت این می‌شود در صورتی که امام باشد، اطاعت او لازم است. این روایات ناظر به وجوب اطاعت و شناسایی امام است، در صورتی که امامی وجود داشته باشد؛ ولی وقتی که امام نباشد این حکم هم نیست؛ یعنی، موضوعی نیست که حکمی باشد.

در پاسخ به این اشکال باید بگوییم که این روایت، نه فقط متضمن این حکم است، بلکه متضمن یک سنت ثابت الهی نیز هست که آن سنت را ما از متن همین حدیث می‌فهمیم که اگر کسی امام خودش را نشناسد، به مرگ جاهلی می‌میرد؛ چرا که شناخت او عین دین است و نشناختن او، عین جاهلیت. از متن حدیث فهمیده می‌شود که این سنت الهی ایجاب می‌کند که همیشه در مسیر تاریخ، امامی و حجتی باشد و هیچ زمانی از او خالی نباشد. این امامان، ائمه‌ی ظلم و جور هم نیستند. خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ...﴾؛<sup>۱</sup>

و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فراگیرد...

نمی‌توان گفت امامی که شناختنش عین دین است و نشناختنش عین جاهلیت، از ائمه‌ی ظلم و جور است.

﴿...يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطُّغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ

يَكْفُرُوا بِهِ...﴾؛<sup>۲</sup>

۱. هود(۱۱) آیه‌ی ۱۱۳.

۲. نساء(۴) آیه‌ی ۶۰.

... ولی می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! با این‌که به آن‌ها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند ...

این احادیثی که قبلاً ذکر شد، کاملاً بر امامان دوازده‌گانه‌ی شیعه‌ی اثنا عشری منطبق است. ما در تاریخ هیچ مورد دیگری نداریم که بتوانیم این روایت را بر آن، به‌طور دقیق، منطبق کنیم.

دسته‌ی سوم از روایات، حدیث «إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ»<sup>۱</sup> است. این حدیث را من در منابع سنی ندیدم ولی در منابع خودمان این حدیث زیاد روایت شده است.

مرحوم کلینی، در کتاب حجت این حدیث را آورده است. علامه‌ی مجلسی نیز بابی تحت این عنوان دارد: «الاضطرارُ إِلَى الْحُجَّةِ»<sup>۲</sup> ایشان در آن باب صد و هجده حدیث به این مضمون روایت می‌کند و بعضی از روایات آن هم از نظر سند صحیح است. حال من به یکی - دو مورد از روایاتی که سندش تمام است، اشاره می‌کنم.

۱. اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند:

... قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ....<sup>۳</sup>

۲. کلینی از عبدالله بن سلیمان عامری، از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند:

... مَا زَالَتِ الْأَرْضُ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهِ حُجَّةٌ...<sup>۴</sup>

... برای خدا همیشه، در زمین حجت و راهنما وجود دارد ...

چند روایت به همین مضمون هست که اشاره‌ای به آن‌ها نمی‌کنیم.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۹: زمین، از راهنما و حجت خالی نمی‌ماند.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۵.

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۲: از او شنیدم که می‌گفت: زمین از امام و پیشوا خالی نمی‌ماند.

۴. همان، ح ۳.

مرحوم شریف رضی این سخن را به طور مرسل در نهج البلاغه از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند:

...اللَّهُمَّ بَلِّئِ! لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ، بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا  
و إِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا...!

... خدایا، آری، زمین از برپاکننده‌ای که حجت خدا را به دست گرفته است، خالی نمی‌ماند که یا نمایان و آشکار است و یا ترسیده و پنهان ....

این روایت و روایات مشابه از نظر ماقطعی است و به حد تواتر هم رسیده است.

«... لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ...»<sup>۲</sup> و فقط بر عقیده‌ی شیعه‌ی امامیه در ولادت و غیبت و ظهور امام زمان (عج) منطبق می‌شود و هیچ مورد دیگری در تاریخ برای انطباق ندارد.

دسته‌ی چهارم از احادیث، احادیث ائمه‌ی اثنا عشر است. این احادیث از نظر منابع ما و از نظر منابع اهل تسنن، کامل است و همین مقدار کافی است که من به طور خلاصه اشاره کنم که در منابع اهل تسنن هم بخاری و هم مسلم و هم ترمذی و دیگر محدثان اهل تسنن، این احادیث را روایت کرده‌اند. غالب این روایات از جابر بن سمرة بن جندب است. روایاتی که در صحیحین است، بیش‌تر از جابر است و پدر جابر (سمره). روایاتی که ما داریم زیاد است. من روایت مسلم را برای شما می‌خوانم:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ

۱. حکمت ۱۴۷.

۲. به عنوان نمونه: بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۶ و ۳۹۶؛ إحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۶ و ....

خَلِيفَةً ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَفْهَمَهَا ...؛

از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمودند: اسلام، تا دوازده خلیفه و جانشین عزیز می ماند. پس از آن سخنی فرمودند که متوجه آن نشدم ...

پسر (جابر) چنین می گوید:

... فَقُلْتُ لِأَبِي مَا قَالَ ﷺ فَقَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ؛<sup>۱</sup>

... از پدرم پرسیدم که چه فرمودند، گفت: همه‌ی آنان از قریش هستند.

روایات از منابع اهل تسنن زیاد است. در منابع ما این حدیث به طور متواتر نقل شده است. مرحوم حرّ عاملی در کتاب بسیار ارزشمند خود *إثبات الهداة*، ۹۲۷ روایت به این مضمون نقل می کند که ۹۵ روایت از این روایات را مرحوم کلینی در کتاب *حجت کافی*<sup>۲</sup> نقل می کند. ۵۳ تا را شیخ صدوق در *عیون أخبار الرضا*، ۲۲۳ تا را در *معانی الأخبار*، ۹۲۴ تا را در *إكمال الدین*، ۲۲۵ روایت را *أمالی*، نقل می کند. ۶ هجده روایت را شیخ طوسی در *غیث*، ۷ یازده روایت را در *مصباح المتهدّج* آورده اند.

بنابراین احتیاجی به بحث سندی در روایات ائمه‌ی اثنا عشر نداریم. شکی نیست که این روایت از رسول الله ﷺ صادر شده است. و کسی که ارزشی برای علم و درک خودش قائل باشد، نمی تواند در این روایت تشکیک کند.

ظاهر این حدیث، این است که این امامان، باید امامان حق باشند،

۱. صحیح، ج ۶، ص ۳.

۲. به عنوان نمونه: ج ۱، ص ۵۲۹ و ۵۳۱.

۳. به عنوان نمونه: ج ۱، ص ۴۶ و ۴۷.

۴. به عنوان نمونه: ص ۱۲۶.

۵. به عنوان نمونه: ج ۱، ص ۳۱۱ و ۳۱۳.

۶. به عنوان نمونه: ص ۳۱۰.

۷. به عنوان نمونه: ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

نه امامان جور؛ چون مرتبط به عزت اسلام است.

«... لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزاً...»؛<sup>۱</sup> اسلام با ائمه‌ی جور عزت پیدا نمی‌کند.

پس، از روایات ظاهر می‌شود که این دوازده امام، ائمه‌ی حق هستند. نکته‌ی

دیگر این که عدد امامان، عدد نقبای بنی اسرائیل است؛ یعنی دوازده نفرند.

﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ

نَقِيبًا...﴾<sup>۲</sup>؛

خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت. و از آن‌ها، دوازده نقیب [= سرپرست]

برانگیختیم ...

و مطلب آخر این که هیچ زمانی خالی از این امامان نیست. اگر این نکات را

کنار هم بگذاریم، صحت اعتقاد شیعه‌ی امامیه‌ی اثنا عشری در مورد امامان

دوازده گانه و ولادت و غیبت و ظهور امام زمان (عج) آشکار خواهد شد. بدون

هیچ تکلف و حذف و اضافه و ...

بعضی علمای اهل تسنن مرتکب تمحلاتی شده‌اند از جمله سیوطی که

یک تمحل و تکلف عجیبی دارد و می‌خواهد دوازده امام را از خلفای اربعه

به اضافه‌ی چند تا از خلفای بنی امیه و بنی عباس معرفی کند. و سعی فراوان

می‌کند تا دوازده‌تا را از این‌ها تکمیل کند. محمود ابوریه در کتاب خودش

می‌گوید: «رَجِمَ اللَّهُ مَنْ قَالَ فِي السِّيُوطِيِّ أَنَّهُ حَاطَبُ اللَّيْلِ».<sup>۳</sup> کسی که بخواهد

شب، هیمة جمع کند، معلوم است که چه جمع می‌کند! این تکلفات هیچ

انسانی را به جایی نمی‌رساند.

۱. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۶۶: ... پیوسته اسلام عزیز می‌ماند ...

۲. مائده (۵) آیه‌ی ۱۲.

۳. خدا رحمت کند کسی را که در مورد سیوطی گفته است: او همچون کسی است که در شب هیزم جمع می‌کند.

هیچ مذهبی تاکنون نتوانسته است یک مصداق قابل انطباقی برای این چهار دسته از روایات نشان بدهد، غیر از مذهب شیعه‌ی دوازده امامی. چه آنان که قائل به غیبت و انتظار باشند و چه قائل نباشند. این روایات فقط بر عقیده‌ی شیعه‌ی امامیه قابل انطباق است و بر هیچ مصداق و مورد دیگری در تاریخ اسلام قابل انطباق نیست؛ بنابراین اگر انسان، درست در این چهار دسته روایات تأمل کند، به طور قطع به این نتیجه می‌رسد که نظر شیعیان دوازده امامی در مورد امام زمان در مسئله‌ی ولادت، غیبت و ظهور بدون شک صحیح است. این مسئله بدون نیاز به مراجعه به روایاتی که بزرگان و محدثان مثل شیخ طوسی درباره‌ی تولد و غیبت و ظهور امام زمان - عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ الشَّرِيفَ - نقل می‌کنند، قابل فهم است.

از خداوند می‌خواهم که به ما آن قدر عمر بدهد و در فرج امام زمان (عج) آن قدر تعجیل کند که این چشمان گناه کار ما به چهره‌ی نورانی آن بزرگوار روشن گردد.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

وَ السَّلَامُ عَلَيكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ



## بررسی ابعاد تربیتی «انتظار محور»

آیه الله محمد صادق (محبی الدین) حائری شیرازی<sup>۱</sup>

---

۱. استاد حوزه، نماینده ولی فقیه و امام جمعه‌ی شیراز.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الكاظم عليه السلام: «... إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ عليهم السلام وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ...؛ ا خدا بر مردم دارای دو حجت است: حجتی نمایان و حجتی پنهان. حجت نمایان پیامبران و انبیا و ائمه عليهم السلام است و حجت پنهان، خردها است...».

### رابطه‌ی حجت ظاهری با حجت باطنی

عقل و خرد انسان، حجت باطنی است و آن چه که در انتظارش هستیم، حجت ظاهری. پس رابطه‌ی انسان با حجت ظاهری مربوط می‌شود به مسافت حجت باطنی بین انسان و حجت ظاهری. در این رابطه، حجت باطنی پل ارتباطی بین انسان و حجت ظاهری است. میزان ارتباط انسان با حجت ظاهری مربوط می‌شود به شیوه‌ی ارتباط او با حجت باطنی خودش. هر چه انسان با حجت باطنی خودش صمیمی‌تر باشد، زمینه‌ی صمیمیت او را با حجت ظاهری فراهم‌تر می‌کند. هر چه انسان نسبت به حجت باطنی خودش بی‌مهر و کم‌توجه‌تر باشد و احساس مسئولیت کم‌تری داشته باشد، آثار

آن در رابطه با روح انسان و حجت ظاهری آشکار می‌شود. کسانی که جرئت و گستاخی پیدا کردند که بر حجت‌های ظاهری شورش کنند و به او اهانت و جسارت کنند، قبلاً با حجت باطنی خودشان این کار را کرده بودند.

حجت باطنی هیچ انسانی با حجت ظاهری مقاومت نمی‌کند و نکرده است. هر کس می‌خواهد ارتباط خودش را با حجت ظاهری خودش ببیند، در آینه‌ی حجت باطنی خویش نگاه کند؛ ببیند با حجت باطنی‌اش چه کرده است. آن‌هایی که خیلی ادعا می‌کنند اگر آقا را ببینیم، خیلی مشتاقانه با او برخورد خواهیم کرد و سر و جان را فدای او خواهیم کرد، باید ببینند با حجت باطنی خودشان چه کار کرده‌اند؛ وقتی آقا را ببینند، همان کار را خواهند کرد. انسان وقتی چیزی را مضرّ می‌بیند و انجام می‌دهد، با حجت باطنی خودش لجبازی می‌کند. شخصی که کار بدی انجام می‌دهد و با حجت باطنی خودش لجبازی می‌کند، نمی‌تواند با حجت ظاهری، صمیمی و جدی باشد. همه‌ی این حجاج در یک ارتباط مساوی با یک‌دیگرند. هر کس با حجت باطنی، خوش ارتباط باشد، با حجت ظاهری‌اش نیز خوش ارتباط است. این جمله را جبرئیل علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داد: «... أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا...»<sup>۱</sup> مطلب بسیار جالبی است؛ یعنی این دو (قرآن و اهل بیت علیهم السلام) از هم جدا نمی‌شوند؛ یعنی هیچ کس گمان نکند که توانسته اهل بیت را رها کند و قرآن را محکم بگیرد. خیر، در این صورت، قرآن نیز از دست او خارج شده است. آن‌چه او بدان عمل می‌کند، قرآن نیست؛ چرا که این دو از هم جدایی ناپذیرند. حجت باطنی و حجت ظاهری نیز چنین رابطه‌ای با هم دارند.

## تفسیر یک روایت

از روایت معروف «... و يَمَلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَّ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَّ جَوْرًا...»<sup>۱</sup> چنین بر نمی آید که پر شدن عالم از عدل و داد، مقطع آغاز ظهور آن حضرت باشد؛ بلکه این گونه می فهمیم که نهایت ظلم و جور در هنگام ظهور آن حضرت است، نه مبادی شروعش. جریان پر شدن عالم از ظلم و پر شدن از عدل و داد، دو جریان موازی هستند، نه در امتداد یکدیگر. این طور نیست که وقتی عالم پر از ظلم و جور شد، آقا شروع به قلع و قمع می کند. منتها این دو جریان با هم دیگر درگیر می شوند و به موازات هم حرکت می کنند؛ مثل دو ابر که یکی بالا دست و دیگری زیر آن حرکت می کند. در حالی که عالم پر از ظلم و جور می شود و این ظلم و جور عالم را فرا می گیرد، در زیر این ابر مسلط، ابر دیگری هست؛ یکی فرار می کند و دیگری فراگیر می شود.

﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾<sup>۲</sup>

(خداوند) از آسمان آبی فرستاد؛ و از هر درّه و رودخانه‌ای به اندازه‌ی آن‌ها سیلابی جاری شد؛ سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد؛ و از آن چه (در کوره‌ها) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۶۴: ... به وسیله‌ی او زمین را پر از داد و عدل می کند همین طوری که از ظلم و ستم پر شده است ....

۲. رعد (۱۳) آیه‌ی ۱۷.

روشن می‌کنند نیز کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید. خداوند، حق و باطل را چنین مثل می‌زند! اما کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند، ولی آن‌چه به مردم سود می‌رساند [ = آب یا فلز خالص ] در زمین می‌ماند؛ خداوند این چنین مثال می‌زند.

این آیه، جریان پر شدن عالم از عدل و داد است. جریان حرکت برای پر شدن از عدل و داد، یک جریان مستمر در طول تاریخ بوده است. در لحظه‌ی انفجار، بخش زیرین می‌شکافد. آن وقت می‌بینید که چگونه این ابرها کنار می‌روند و استیلا حاصل می‌شود. این‌گونه نیست که عدل و داد از یک نقطه آغاز شود؛ آن هم بعد از سیطره‌ی بزرگ.

﴿... لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...﴾؛<sup>۱</sup>

... تا آن را بر همدی آیین‌ها غالب گرداند ...

آیه‌ی بالا نیز نمایان‌گر پر شدن عالم از عدل و داد است. رسول‌گرامی اسلام ﷺ برای این کار آمده است. این حرکت، دقیقاً ادامه‌ی ندای ابراهیم عليه السلام است و ندای ابراهیم عليه السلام، ادامه‌ی ندای آدم عليه السلام است. حقیقت این است. ظلم و نور، در طول تاریخ همیشه با هم بوده‌اند و همیشه خواهند بود. عیناً همان جریانی که در خود انسان هست. در خود انسان نیز جریان ظلم و جور و جریان عدل و داد کاملاً در مقابل هم فعالند؛ فطرت و طبیعت. طبیعت انسانی میل به سرکشی دارد و فطرت انسان میل به بندگی. این دو همیشه با هم درگیرند و انسان بین این دو کشش عقل و جهل، هرگز ممکن نیست بتواند حجت باطن را انتخاب کند. ظاهر را انتخاب کند قبل از این که مراسم بیعتش با حجت باطنی یعنی فطرت پایان یافته باشد و به جایی رسیده باشد.

﴿... لَمْ تَكُنْ آمَنْتَ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا...﴾؛<sup>۱</sup>

... ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده‌اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده‌اند، سودی به حالشان نخواهد داشت ...

انسان باید قبلاً با فطرتش کار کرده باشد. به او اقتدا کرده، سر سپرده‌ی او باشد.

﴿قُولُوا ءَامَنَّا ... وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾؛<sup>۲</sup>

بگویید: ما به خدا ایمان آوردیم؛ ... و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم.

ایمان به حجت ظاهره بعید است؛ ایمان به حجت باطنه قریب است. کسی که به حجت باطنی خودش وفادار نبوده، هرگز به حجت ظاهری وفا نخواهد کرد. قبل از این که مراسم بیعتش با فطرت پایان یافته باشد، ادعای ایمان او سؤال برانگیز است.

چرا مسئله‌ی انسان قبل از ادیان، مهم‌تر از انسان بعد از ادیان است؟  
تمام سرنوشت انسان در رابطه با بعد از مطرح شدن حجت ظاهری و ارتباط با او درگرو ارتباط انسان با حجت باطنی‌اش است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ

لَا يُؤْمِنُونَ \* خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ...﴾؛<sup>۳</sup>

کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی‌کند که آنان را (از عذاب الهی) بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد \* خدا بر دل‌ها و گوش‌های آنان مهر نهاده ...

۱. انعام (۶) آیه‌ی ۱۵۸.

۲. بقره (۲) آیه‌ی ۱۳۶.

۳. همان، آیه‌های ۶ و ۷.

این آیات درباره‌ی حجت باطنی انسان است. این‌ها قبلاً روح و وجدان خودشان را ضایع کرده‌اند و نمی‌توانند با حجت ظاهری ارتباط برقرار کنند.

﴿إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ﴾؛<sup>۱</sup>

ما در گردن‌های آنان غل‌هایی قرار دادیم که تا چانه‌ها ادامه دارد و سرهای آنان را به بالا نگاه داشته است.

﴿وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا...﴾؛<sup>۲</sup>

و در پیش روی آنان سدّی قرار دادیم، و در پشت سرشان سدّی ...

این‌ها نسبت به حجت باطنی راه ارتباط را بسته‌اند و پل‌های ارتباطی را از بین برده‌اند. جاده‌ی بازگشت برای خودشان نگذاشته‌اند؛

﴿... فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾؛<sup>۳</sup>

... به همین جهت ایمان نمی‌آورند.

پس آن‌هایی که به حجت ظاهری ایمان می‌آورند، کسانی هستند که قبلاً با حجت باطنی‌شان خوب کار کرده‌اند.

حال، از کجا بفهمیم که انسان به حجت باطنی‌اش وفادار بوده است؛

لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ ... وَلَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ آدَاءِ أَمَانَتِهِ؛<sup>۴</sup>

به طولانی بودن یا نبودن رکوع و سجود طرف توجه نکنید ... بلکه به راستگویی

و ادای امانت او توجه کنید.

۱. یس (۳۶) آیه‌ی ۸.

۲. همان، آیه‌ی ۹.

۳. همان، آیه‌ی ۷.

۴. کافی، ج ۲، ص ۱۰۵.

این علامت ارتباط با حجت باطنی است. اگر دیدید در جهان، راست‌گویی فراگیر شده، این علامت ظهور است. حران، برادر زراره از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کرد: زمان ظهور (فرج) شما کی واقع می‌شود؟ حضرت فرمودند: هر وقت که در مردم وفاداری ببینیم. وفاداری علامت ارتباط و اتحاد با حجت ظاهری است.

بسیاری از انسان‌ها حتی نام آن حضرت را نشنیده‌اند؛ اما انسان پیش‌بینی می‌کند وقتی آن حضرت را دیدند، به او مشتاقند؛ و بسیاری از انسان‌ها هستند که برای غیبت آن حضرت گریه می‌کنند و ...

همین انتظاری که امروز ما نسبت به آن حضرت داریم، یهود نسبت به حضرت خاتم صلوات الله علیه داشتند. یهودیان برای همین انتظار، حرکت کردند و به مدینه آمدند. در خیبر و در اطراف مدینه ساکن شدند تا وقتی پیامبر آخر الزمان ظهور می‌کند، با او بیعت کنند؛ اما رابطه‌ی خوبی با حجت باطنی‌شان نداشتند. این‌ها گمان کردند فاصله‌شان با حضرت، فاصله‌ی مکانی است؛ در حالی که فاصله، فاصله‌ی معنوی بود. وقتی پیامبر صلوات الله علیه مبعوث شدند، همین‌ها که این فاصله‌ی مکانی را برای ایمان آوردن به او طی کرده بودند، با او بیعت نکردند. چرا که با حجت باطنی خودشان مشکل داشتند.

﴿... وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ  
مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

... و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می‌دادند (که یا کمک آن، بر دشمنان پیروز گردند). با این همه، هنگامی که این (کتاب و پیامبری) را که (از قبل) شناخته بودند نزد آن‌ها آمد، به او کافر شدند؛ لعنت خدا بر کافران باد!

وقتی من در مدرسه‌ی حجتیه<sup>۱</sup> بودم، مسئله‌ی ظهور، تأثیر زیادی بر من گذاشت با خود اندیشیدم که امام را خدا برای ما خلق کرده و ما را برای امام؛ چه طور ممکن است ما او را در عمرمان نبینیم!

مدتی گذشت؛ در کنار خط آهن نشسته بودم که دیدم بنده‌ی خدایی با خدای خودش مناجات می‌کند و همین‌طور روی خط آهن راه می‌رود. سابقه‌ی آشنایی با او نداشتم. به او گفتم: ﴿سَلِّمْ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ...﴾!<sup>۲</sup> در حالی که اصلاً من اهل این حرف‌ها نبودم و این کلمات را به کار نمی‌بردم. نگاهی به من کرد و مرا برانداز کرد و گفت که کاری به کسی نداشته باش. کار خودت را بکن. تو چه کار به دیگران داری. سپس هفت صفت را برای من شمرد، حسود نباش؛ حسود مثل کسی است که دستش را در آتش کند و بسوزاند و بخواهد دیگری را بسوزاند؛ یعنی قبل از این که او داغ شود، تو سوختی؛ قبل از این که محسود را آزرده کنی، خودت آتش گرفتی. متکبر نباش؛ نرم دیگران برای متکبر، خشن است و خشن خودش برای دیگران، نرم. پنج صفت دیگر ذکر کرد. بعد یک بیت شعر در رابطه با اهمیت رعایت حقوق پدر و مادر گفت و من نوشتم. خدا حافظی کرد و رفت. یک سال گذشت. با خود اندیشیدم: فاصله، فاصله‌ی اخلاقی است. فاصله‌ی صفات است. این فاصله را باید کم کرد.

بشریت اگر به ظهور نزدیک می‌شود، معنایش این است که فاصله‌ی اخلاقی‌اش با آن حضرت کم می‌شود.

شما ممکن است در اروپا چندین سال از کسی دروغ و خیانت و تکبر و ... نشنوید و نبینید؛ در حالی که اینان بی‌خبران از ظهورند و از نظر ظاهری بسیار دورند.

۱. یکی از مدارس حوزه‌ی علمیه‌ی قم.

۲. رعد (۱۳) آیه‌ی ۲۴: (و به آنان می‌گویند:) سلام بر شما به خاطر صبر و استقامت تان! ...



اما در معنا به دلیل خودسازی و پاک بودن و آگاه بودن، ممکن است به حجت ظاهری نزدیک تر باشند.

یهودیان مدینه، به مشرکان هم چون محرومان و بی خبران نگاه می کردند. مشرکان نزدیکان دور بودند و یهود، دوران نزدیک.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ



# بررسی ادله‌ی عقلی اثبات وجود امام زمان (عج)

حجة الاسلام و المسلمین علی ربانی گلپایگانی<sup>۱</sup>

---

۱. استاد حوزه، نویسنده و محقق.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ الصَّلَاةُ  
وَ السَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَ خَاتَمِ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا وَ شَفِيعِ ذُنُوبِنَا  
أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ  
لَا سِيَّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ رُوحِي وَ أَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ.

### پیش درآمد

موضوع بحث، اثبات وجود مقدس حضرت بقیة الله الأعظم، امام عصر  
- ارواحنا فداه - بر اساس دلایل عقلی است. روشی را که برای اثبات این مطلب  
از نظر عقل برگزیده ایم، روش معروف منطقی به نام روش «سبر و تقسیم» است  
که آن را روش «تردید» نیز گفته اند. از این روش، متکلمان امامیه در  
کتابهای کلامی خود بهره برده اند؛ از جمله شیخ طوسی، در کتاب الغیبة  
بر اساس این روش، بر وجود حضرت امام عصر - ارواحنا فداه - استدلال کرده است.  
قبل از ایشان، سید مرتضی در کتاب الذخیره و دیگر کتابهای مربوط به  
مسئله ای امامت این روش را به کار گرفته است و قبل از سید مرتضی، شیخ مفید  
در آثار مربوط به مسئله ای مهدویت و امام عصر (عج) از این روش استفاده  
کرده است.

در این جا چند نکته را به عنوان پیش درآمد بحث یادآور می‌شوم:

### نکته‌ی اول

از دیدگاه شیعه، مسئله‌ی امامت از مسائل کلامی است و تحت عنوان «وجوب عَلَی اللّٰه» مطرح می‌شود؛ مانند مسئله‌ی نبوت از دیدگاه متکلمانی که به حُسن و قبح عقلی اعتقاد دارند. قائلان به حُسن و قبح عقلی متکلمان امامیه، معتزله و «ماتریدیه» اند. متکلمان «ماتریدیه» از نظر فقهی، حنفی مذهبند و از نظر کلامی، پیرو ابومنصور ماتریدی<sup>۱</sup> می‌باشند و به قاعده‌ی حُسن و قبح عقلی اعتقاد دارند.<sup>۲</sup> اشاعره چنین اعتقادی ندارند؛ به «وجوب عَلَی اللّٰه» معتقد نیستند؛ به استثنای بعضی از متفکران شان مانند شیخ عبده. امامیه معتقدند که امامت از صغریات حُسن و قبح عقلی و وجوب عَلَی اللّٰه است. نزاع بین امامیه و معتزله و طرفداران حُسن و قبح عقلی، نزاع کبروی نیست، نزاع صغروی است. آن‌ها قبول دارند که نبوت از مصادیق آن قاعده است، اما امامت را از مصادیق آن نمی‌دانند. ما فعلاً از دیدگاه شیعه سخن می‌گوییم. بنابراین، نکته‌ی اول این شد که امامت از دیدگاه شیعه، مسئله‌ای کلامی و تحت عنوان «وجوب عَلَی اللّٰه» است و از مصادیق حُسن و قبح عقلی می‌باشد.

### نکته‌ی دوم

همان‌گونه که نبوت به دو گونه‌ی نبوت عامه و نبوت خاصه تقسیم شده است. امامت نیز به امامت عامه و امامت خاصه تقسیم می‌شود. مقصود از امامت عامه

۱. متوفای سال ۳۳۳ ه. ق.

۲. ر. ک: علی ربانی گلپایگانی، القواعد الکلامیه.

بحث‌های کلان و کلی امامت است؛ این‌که امامت امری است بایستنی و لازم، حُسن امامت، چیستی و یا فلسفه‌ی امامت، غایات امامت و صفات و بایستگی‌هایی که امام باید داشته باشد و راه شناخت امام، این‌ها مباحث مربوط به امامت عامه است. اما این‌که مصادیق و اشخاص و کسانی که منصب امامت در آن‌ها تعیین و تجلی پیدا می‌کند چه کسانی‌اند، این می‌شود بحث امامت خاصه؛ همان‌گونه که در نبوت نیز نبوت خاصه به این مسئله، یعنی مصادیق و موارد می‌پردازد. همه‌ی مذاهب اسلامی در اصل وجوب امام و امامت اتفاق نظر دارند؛ جز یک قول شاذ و نادری که به برخی از خوارج و معتزله نسبت داده شده است؛ فرقه‌ی اباضیه (خوارج امروزی) به چنین مطلبی اعتقاد ندارند. کتاب‌های آن‌ها را من نگاه کرده‌ام و با علمای آن‌ها از نزدیک تماس داشته‌ام، آن‌ها به وجوب امامت معتقدند. به قول سید مرتضی در کتاب الذخیره هر چند نخستین فرقه خوارج یعنی مُحکمه به لحاظ تئوری اصل امامت و لزوم امامت را منکر شدند، اما در زندگی خود عملاً بدون رهبر و امام زندگی نکرده‌اند. بنابراین، هیچ‌یک از مذاهب مُنکر اصل وجوب امامت نیست. اختلافی که بین شیعه و سایر مذاهب اسلامی است، در صفات امام است. عصمت یکی از صفات مهم یا مهم‌ترین صفت در مسئله‌ی امامت است که شیعه به آن عقیده دارد و دیگران آن را لازم نمی‌دانند.

### نکته‌ی سوم

اگر ما بخواهیم از زاویه‌ی ابزار و راه شناخت، یک بحث معرفت شناختی به مسئله‌ی امامت بنگریم، باید بگوییم امامت مسئله‌ای است عقلی و نقلی؛ یعنی هم می‌توانیم از ابزار عقلی استفاده کنیم و هم ابزار نقلی.

اصولاً مسائل اعتقادی سه دسته‌اند: یک دسته مسائل عقلی محضند و از راه نقل نمی‌توان آن‌ها را اثبات کرد؛ مانند وجود خداوند، علم خداوند، حکمت خداوند و مانند هر عقیده‌ای که مبنای شریعت و وحی باشد. این‌گونه عقاید را نمی‌توان از راه شرع اثبات کرد؛ زیرا به دور و مصادره‌ی به مطلوب می‌انجامد. دسته‌ای از عقاید، نقلی محضند و عقل در آن‌جا هیچ راهی ندارد؛ مانند مسائل جزئی مربوط به معاد. به قول ابن سینا در مسئله‌ی معاد جسمانی، یعنی جزئیات و مسائل مربوط به این قسم معاد، دست عقل کوتاه است. چگونگی عذاب، نعمت‌های بهشتی، صراط، میزان و مانند آن، مسائلی است که از راه نقل به ما رسیده و عقل تنها می‌تواند مبنای نقلی را اثبات کند که همان وحی باشد. دسته‌ی سوم، مسائل اعتقادی است که هم از راه عقل و هم از راه نقل قابل اثبات است. توحید و اصل یگانگی خداوند از این‌گونه مسائل است. مسئله‌ی امامت از آن دسته مسائل اعتقادی است که هم با عقل می‌توان آن را بررسی کرد و هم از طریق نقل.

### نکته‌ی چهارم

ما وقتی می‌خواهیم با کسانی که در مسئله‌ی امام عصر (عج) سخن دارند گفت‌وگو کنیم، باید جای‌گاه مخاطب خود را از نظر ایدئولوژیکی و از نظر مکتبی و مذهبی بیابیم. با همه نمی‌توان یک‌سان سخن گفت.

در مسئله‌ی مہدویت و وجود مقدس امام عصر (عج) اگر بخواهیم با یک ماتریالیست بحث کنیم، باید به شیوه‌ای وارد بحث شویم که با مبانی کلی عقلی از ره‌گذر اثبات دین، وجود خدا و نبوت، راه را برای بحث مربوط به امام عصر (عج) هموار کنیم؛ زیرا این یکی از مسائل اعتقادی است که متفرع بر اصل

امامت و توحید است.

با هر فرقه‌ای باید مطابق عقاید و تفکرات‌شان سخن را آغاز کنیم. من الان با مسلم گرفتار اصل اعتقاد به خدا سخن می‌گویم. اگر کسی این اعتقاد را نمی‌پذیرد، حاضر برگردیم و آن بحث را از نو شروع کنیم. من به عنوان یک مسلمان و با جهان‌بینی اسلامی سخن می‌گویم و می‌خواهم وجود امام عصر (عج) را از راه عقلی اثبات کنم.

### ضرورت وجود امام

وجود امام و خلیفه‌ی پیغمبر و امام مسلمین، مورد قبول همه‌ی مذاهب اسلامی اعم از شیعه و سنی و اشعری و ماتریدیه و ... است. این مسئله به قدری اهمیت دارد که وقتی به اهل سنت درباره‌ی ماجرای سقیفه اعتراض شود که چرا عده‌ای از صحابه و از جمله خلیفه‌ی اول و دوم هنوز بدن پیامبر ﷺ را غسل و کفن و دفن نکرده، به مسئله‌ی جانشینی پرداختند، می‌گویند به دلیل اهمیت امامت و رهبری. مسئله‌ی امت اسلامی، مهم‌تر از تجهیز و کفن و دفن پیامبر است.

پس مسئله‌ی ضرورت امامت، مسئله‌ای بسیار جدی است. اهل سنت در این‌که امامت امری لازم و قطعی است، گاهی به دلیل عقلی استدلال می‌کنند و گاهی به دلیل نقلی. حدیث معروف نبوی «... مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»<sup>۱</sup> مشهور بین فریقین است.

در کتاب‌های کلامی مثل شرح عقاید نسفیته، شرح مقاصد و جاهای دیگر،

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۶؛ شیخ طوسی، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹: ... کسی که از دنیا برود در حالی که امام زمان خود را نشناخته است، هم‌چون اهل جاهلیت از دنیا رفته است.

بر ضرورت امامت به همین حدیث استدلال و استناد کرده‌اند. اصل وجود امام ضروری است و مقید به قید زمان هم نیست. اصل ضرورت وجود امام، اگر عقلی است تخصیصی ندارد. ملاک حکم عقلی عام است و اگر مستندش این حدیث و مانند آن باشد، عموم و اطلاق دارد؛ مقید به زمان نیست؛ پس زمان ما را هم شامل می‌شود.

### صفات امام

اکنون سخن در این است که امامی که باید وجود داشته باشد، چه کسی است و چه صفاتی باید داشته باشد.

امام باید معصوم باشد. ادله‌ی عصمت، عقلی و نقلی است. در کتاب‌های کشف المراد، نهج الحق و دیگر کتاب‌های کلامی شیعه به طور مفصل به این مسئله پرداخته‌اند. بنابراین، اصل ضرورت عصمت را به عنوان یکی از مبانی اعتقادی پذیرفته‌ایم. اگر کسی در این مسئله سخنی دارد، باید برگردیم به مباحث عمومی امامت و در باب عصمت بحث کنیم. یکی از ادله‌ی نقلی‌اش این آیه‌ی شریفه است:

﴿وَ إِذِ ابْتَلَىٰ اِبْرٰهٖمَ رَبُّهُ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهُنَّ قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِیْ قَالَ لَا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِیْنَ﴾<sup>۱</sup>

(ای پیامبر به خاطر آور) هنگامی که خداوند، ابراهیم علیه السلام را با وسایل گوناگونی آزمود؛ و او به خوبی از عهده‌ی این آزمایش‌ها بر آمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم». ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده)». خداوند فرمود: «پیمان من، به ستم‌کاران نمی‌رسد



(و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته‌ی این مقامند)».

## بررسی مذاهب موجود

با توجه به این مقدمات، باید مذاهب موجود در جهان اسلام را بر مبنای قانون سبر و تقسیم بررسی کنیم و دیدگاه‌های آن‌ها را درباره‌ی امام و خلیفه‌ی پیامبر مطالعه کنیم.

### الف) فرقه‌های اهل سنت

جمعی از مسلمانان قائل به امامتند؛ اما قائل به امامت معصوم نیستند. اصل لزوم عصمت این نظریه را باطل می‌کند؛ البته جای این سخن هست که برگردیم و درباره‌ی ادله‌ی عصمت بحث کنیم؛ ولی بحث مربوط به امام غایب و امام عصر، از مباحث امامت خاصه است. همان‌گونه که گفتیم مباحث امامت عامه بر مباحث امامت خاصه تقدم دارد. اگر در باب نبوت پیامبر اسلام ﷺ یا حضرت موسی یا حضرت عیسی علیه السلام که نبوت خاصه است سخن بگوییم، اصل ضرورت نبوت را قبلاً پذیرفته‌ایم. اگر کسی نپذیرفت، باید یک قدم به عقب برگردیم و نبوت عامه را بحث بکنیم. پس همه‌ی مذاهب اهل سنت که به امامت غیر معصوم قائلند، بر اساس اصل عصمت امامت، آن اشخاص نمی‌توانند مصداق آن امامی باشند که باید ویژگی عصمت داشته باشد.

### ب) فرقه‌های تشیع

در درون مذهب شیعه و در خانواده‌ی تشیع مذاهبی به وجود آمده است؛ کیسانیه، زیدیه، ناووسیه، واقفیه، اسماعیلیه و اثنا عشریه. البته من فقط مذاهب عمده را برشمردم. برخی از صاحبان ملل و نحل فرقه‌های بسیاری

برای شیعه ذکر کرده‌اند ولی این اقوال مبنای استواری ندارد. مرحوم علامه‌ی طباطبائی در کتاب شیعه در اسلام می‌فرماید: اگر خواسته باشیم مذاهب یک آیین را بررسی کنیم، باید محور را ببینیم. امامت محور تشیع است. مذاهب و فِرَق شیعی اگر در محور امامت اختلافی دارند، ملاکِ مذهب خاص و فرقه‌ی خاص می‌شود.

کیسانیه کسانی‌اند که به امامت محمد حنفیه قائل شدند و امامت امام زین‌العابدین علیه السلام بعد از شهادت امام حسین علیه السلام را نپذیرفتند و معتقدند که محمد حنفیه زنده است و این همان امام موعود است که زمانی قیام خواهد کرد. از نظر ما، عقیده‌ی کیسانیه باطل است؛ چراکه اولاً، محمد حنفیه معصوم نیست؛ بنابراین شرط عصمت را که برای امامت لازم است، ندارد و تخصصاً از امامت خارج می‌شود. ثانیاً محمد حنفیه ادعای امامت نکرده است. فرقه‌ی کیسانیه خود را منسوب به محمد حنفیه می‌کنند؛ گرچه داستانی به نام احتجاج نقل شده که محمد حنفیه و امام زین‌العابدین علیه السلام در کنار حجرالاسود احتجاج کردند و حجرالاسود بر امامت زین‌العابدین علیه السلام شهادت داد؛ ولی به نظر می‌رسد این صحنه، تدبیری بود برای نشان دادن بطلان عقیده‌ی کسانی که گمان می‌کردند محمد حنفیه امام است. خود محمد حنفیه چنین ادعایی نداشت. شخصیتی است که امام حسین علیه السلام او را معتمد خود در مدینه قرار می‌دهد و به سفر مکه می‌رود. وانگهی نصوصی که خلفای دوازده گانه را مشخص کرده است، باطل‌کننده‌ی این عقیده خواهد بود. بنابراین، کیسانیه از جرگه‌ی شیعه‌ی امامیه خارج شدند.

زیدیه نیز گروهی‌اند که زید فرزند امام زین‌العابدین علیه السلام را امام می‌دانند. عقیده‌ی آن‌ها اجمالاً این است که امام باید زاهد باشد، هاشمی و فاطمی باشد،

شجاع، عالم و مُشهر بالسیف باشد؛ یعنی اهل تقیه نباشد. بر این اساس امام زین‌العابدین علیه السلام را امام علم و زهد می‌دانند؛ نه امام جهاد.

گفتنی است که اینان، امامت را به جناب زید نسبت داده‌اند. زیدی که امام صادق علیه السلام برای او دعا می‌کند و در شهادت او گریه می‌کند، چنین شخصیتی امکان ندارد ادعای امامت کرده باشد. در این صورت، مورد عنایت امام صادق و امام باقر علیهما السلام قرار نمی‌گرفت. با توجه به این دو دلیل، مذهب زیدیه نیز باطل است.

ناووسیه نیز کسانی بودند که امام جعفر صادق علیه السلام را آخرین امام می‌دانستند و معتقد بودند که ایشان از دنیا نرفته و زنده است و زمانی باز خواهد گشت و در واقع، مهدی موعود اوست. اینان شخصی را امام می‌دانند که معصوم است. از این نظر موقعیت‌شان با زیدیه و کیسانیه متفاوت است. اما ادله و شواهد روشن مربوط به شهادت و وفات امام جعفر صادق علیه السلام به عنوان یک واقعیت مسلم تاریخی و هم‌چنین احادیثی که درباره‌ی امامان دوازده‌گانه است، این عقیده را باطل می‌کند.

واقفیه نیز کسانی‌اند که امام موسی کاظم علیه السلام را آخرین امام می‌دانستند. اینان نیز همانند ناووسیه‌اند.

اسماعیلیه کسانی‌اند که اسماعیل فرزند بزرگ امام صادق علیه السلام را امام می‌دانند. مسئله بر این‌ها مشتبه شده؛ چون اسماعیل بر خلاف چیزهایی که بعضی وقت‌ها گفته می‌شود و نسبت‌هایی که به ایشان داده شده، شخصیت پرهیزگار و شایسته‌ای بوده است. احترام امام جعفر صادق علیه السلام به ایشان و بزرگی سن ایشان باعث این شبهه شد و عده‌ای گمان کردند که اسماعیل جانشین امام صادق علیه السلام است؛ ولی اسماعیل در زمان خود امام صادق علیه السلام از دنیا رفت و

بعد هم امام صادق علیه السلام برای این که شبهه زدایی کند، چند بار تابوت و جنازه را زمین گذاشت و روی جنازه را کنار زد و به مردم نشان داد که او از دنیا رفته است. البته عده‌ای هم مرگ اسماعیل را قبول کردند و گفتند امامت به فرزندش محمد بن اسماعیل منتقل شده است. بُهَرَه، مستعلیه، دروزیه، فرقه‌های باقی مانده از اسماعیلیه در عصر ما هستند. نه اسماعیل، نه محمد بن اسماعیل و نه افراد دیگر، معصوم نبودند و بنا به دلایل پیش گفته، از فرقه‌های باطلند؛ وانگهی مرگ اسماعیل یک واقعیت تاریخی است.

### نتیجه‌ی بررسی

بنابراین با استفاده از قاعده‌ی سبر و تقسیم، فقط شیعه‌ی دوازده امامی باقی می‌ماند که عقیده دارد در عصر ما امام لازم است؛ آن هم امام معصوم که مصداق آن حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام است. مسلمانان اجماع دارند بر این که حقیقت و حق از امت اسلامی خارج نیست؛ نه در مسیحیت است و نه در یهودیت و نه در فرقه‌ها و آیین‌های دیگر. و این حقیقت، نمی‌تواند در مذاهب دیگری غیر از شیعه باشد؛ چرا که این مذاهب با توجه به مواردی که یاد شد، در مسئله‌ی امامت راه صواب را نپیموده‌اند. غیر از شیعیان دوازده امامی، عقاید دیگر مذاهب اسلامی با ضوابط و معیارهایی که در امامت عامه گفتیم مطابقت ندارد. باز هم تأکید می‌کنم که بحث ما، در امامت خاصه است و امامت خاصه متفرع بر امامت عامه است. ما، در امامت خاصه سخن می‌گوییم؛ امامت عامه مفروغ عنه است و در این مسئله، اصل موضوع ما حساب می‌شود. با توجه به مباحث امامت عامه که گفتیم و با توجه به این قاعده که حق، از امت اسلامی خارج نیست، نتیجه می‌گیریم که

حق منحصر در شیعه‌ی دوازده امامی است.

برهان سبر و تقسیم می‌گوید در مذهب تشیع این امامت با این ویژگی‌های خاص وجود دارد. در مذهب تشیع ادله و شواهدی وجود دارد بر این که مصداق امام را معین می‌کند. اخبار تولد و ولادت حضرت (عج)، مشاهده شدن آن حضرت در زمان پدر، مشاهده و ملاقات آن حضرت توسط افراد بسیاری بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در عصر غیبت صغرا، و ملاقات‌ها و مشاهداتی که در عصر غیبت کبرا صورت گرفته، مجموعه‌ی شواهدی هستند که مصداق معین را نشان می‌دهند که وجود مقدس حضرت مهدی - ارواحنا فداه - خواهد بود.

## سخن پایانی

پایان بخش سخنم جمله‌ای از امیرمؤمنان است که فرمودند:

اللَّهُمَّ بَلِّئِ! لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا  
وَأِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ...!

خدایا، آری، زمین از برپاکننده‌ای که جانشینی خدا را به دست گرفته است، خالی نمی‌ماند که این حجت یا نمایان و آشکار است و یا ترسیده و پنهان. مبادا که حجج و گواهی‌های خدا تعطیل شوند...

تا خدا خدایی می‌کند، تا این زمین برپا است و بشر در آن زندگی می‌کند، حجت خدا باید باشد. این حجت یا ظاهر و شناخته شده است یا خائف و مغمور. برای این که حجت‌های الهی و بینات احکام الهی باطل نشود. این، اصلی است که مقتضای الوهیت الله است. منظور امام علی علیه السلام این است

که ظلم باعث می‌شود حجت خدا پنهان شود. ابن ابی الحدید درباره‌ی این عبارت می‌گوید:

... هَذَا يَكَادُ يَكُونُ تَصْرِيحاً بِمَذْهَبِ الْإِمَامِيَّةِ ... إِلَّا أَنْ أَصْحَابَنَا  
يَحْمِلُونَهُ عَلَى أَنْ الْمُرَادَ بِهِ الْأَبْدَال ... الَّذِينَ وَرَدَتْ الْأَخْبَارُ النَّبَوِيَّةُ  
عَنْهُمْ أَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ سَائِحُونَ...<sup>۱</sup>

... این جمله‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است تصریح به مذهب امامیه دارد

... اما اصحاب معتزلی ما این جمله‌ی امام را حمل می‌کنند بر ابدال...<sup>۲</sup>

اخبار نبویه داریم که این‌ها در زمین در حال گشت و گذارند و وجود دارند...

... فَمِنْهُمْ مَنْ يُعْرَفُ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَا يُعْرَفُ وَ أَنَّهُمْ لَا يَمُوتُونَ حَتَّى  
يُودِعُوا السِّرَّ وَ هُوَ الْعِرْفَانُ عِنْدَ قَوْمِ آخِرِينَ...<sup>۳</sup>

... برخی شناخته می‌شوند و برخی دیگر شناخته نمی‌شوند، و آنان از دنیا

نمی‌روند مگر این‌که راز را که همان شناخت است، پیش مردمی دیگر

می‌سپارند ...

ما هم قبول داریم این را که کسی هست و باید باشد، ولی مقام او مقام قیادت

و امامت و خلافت به آن معنای مصطلح کلامی نیست؛ بلکه مقام ابدال است.

این سخن ابن ابی الحدید یک اشکال دارد و آن این است که همان‌گونه که

امام علی علیه السلام فرمود: برخی از قرآن برخی دیگر را بیان می‌کند: «... يَنْطِقُ بَعْضُهُ

بِبَعْضٍ وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ...<sup>۴</sup> ... (قرآن) بخشی از بخش دیگر سخن می‌گوید و

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۵۰.

۲. ابدال یعنی همان قطب‌ها یعنی پیش‌آهنگان، پیشوایان معرفت که برای اهل تصوف و معرفت مطرح هستند.

۳. همان، ص ۳۵۰-۳۴۶.

۴. نهج البلاغه، ص ۱۹۳.

به هم‌دیگر گواهی می‌دهد...» و نهج البلاغه نیز همین‌گونه است. باید ببینیم مراد حضرت از این حجت چیست؟ رجوع می‌کنیم به خطبه‌ی اول نهج البلاغه امام علیه السلام در این جا فرموده است:

... وَ لَمْ يُخَلِّ اللهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ أَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ...<sup>۱</sup>

... خدای سبحان، خلق خود را از پیامبری فرستاده یا کتابی فرود آمده یا حجتی لازم شده و یا راه راست بر پا شده، خالی نگذاشته است ...

بحث، مربوط به نبوت است. این حجتی که امام مطرح می‌کند، در حد و ردیف نبوت است. نه آن چه به عنوان قلب و مرشد از آن یاد می‌شود. حال سؤال این می‌شود که اگر فلسفه‌ی وجود امام این است که حجت‌ها و بینات باطل نشود که مشعل هدایت برای جامعه باشد، پس فلسفه‌ی غیبت امام چیست؟ باید بگوییم این سؤال بعد از اثبات وجود امام معصوم مطرح می‌شود، بحث کنونی ما درباره‌ی اثبات وجود امام معصوم است. حال که ضرورت وجود امام معصوم ثابت شد، مسئله‌ی فلسفه‌ی غیبت امام مطرح می‌شود. که باید در نوبت و مناسبتی دیگر به آن بپردازیم.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

۱. همان، ص ۴۳، خطبه‌ی اول؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۴۶.



# بررسی نقش و وظیفه‌ی نهادهای دینی در ترویج نظام تربیتی «انتظار محور»

حجة الاسلام و المسلمین محسن قرائتی<sup>۱</sup>

---

۱. نویسنده، محقق، استاد حوزه و مسئول ستاد اقامه‌ی نماز کشور.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَ الْهَمْنِي التَّقْوَى.<sup>۱</sup>

...اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.<sup>۲</sup>

## پیش درآمد

مراکز دینی درباره‌ی حضرت مهدی (عج) چه کارهایی می‌توانند انجام دهند؟  
من برای پاسخ دادن به این پرسش، مراکز مختلف را در نظر گرفتم و برای هر یک وظایفی را نوشتم: مساجد و تکایا، عقیدتی - سیاسی نیروهای مسلح، صدا و سیما، منبری‌ها، مداح‌ها، سازمان و دفتر تبلیغات، نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، اوقاف، حوزه‌های علمیه و مردم.

## وظایف مردم

- ترویج نام حضرت مهدی (عج)

در قرآن آمده است:

﴿... يَلِيَّتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً﴾.<sup>۳</sup>

۱. صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۲۰، فراز ۱۶.

۲. بلد الامین، ج ۱، ص ۲۰۳؛ مفاتیح الجنان، اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان.

۳. فرقان (۲۵) آیه‌ی ۲۷: ... ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم!

در این جا «سبیلاً» به طور نکره آمده است؛ مردم در روز قیامت هیچ چیز ندارند جز این که می گویند ما اسم بچه مان حسن و حسین بود و همین نخ باریک، این ها را نجات می دهد. این «سبیلاً» یعنی یک راه بسیار مختصر؛ مانند همین که نام پسرش را مهدی می گذارد.

نگویید نام برادر من مهدی است و برادر خانمم مهدی است؛ بنابراین من نمی توانم نام پسر من را مهدی بگذارم. چه طور اگر برادرتان تلفن و تلویزیون و فریزر داشته باشد، نمی گویند دیگر من نداشته باشم؟! چه اشکالی دارد که در همه ی خانه ها فاطمه باشد؛ مهدی باشد؟!

- موقوفات برای امام حسین و حضرت ابوالفضل علیه السلام زیاد است ولی درباره ی قرآن و امام زمان (عج) زیاد نیست.

- برای کتاب هایی که مربوط به امام زمان (عج) است، کسی بانی شود؛ مثلاً چند هزار جلد کتاب بخرد و به افراد بدهد. یا این که یک سری کتاب بخرند و ارزان تر بدهند.

- حدیث داریم که اگر چیزی می خواهی برای بچه ات بخری، شب جمعه بده که او با کلمه ی جمعه و یاد امام زمان (عج) آشنا شود.

- حدیث تکان دهنده ای دیدم که امام فرموده اند: من روزی صد بار شما را دعا می کنم. خیلی بی انصافی است که آقا روزی صد دفعه ما را دعا کند، ولی ما یک اللهم کن لولیک هم نگوییم.

- معلم از دانش آموزان بخواهد یک انشا برای آقا (عج) بنویسند. ما، در ستاد اقامه ی نماز سه سال است این کار را می کنیم. امسال شش صد هزار انشا نوشته بودند.

- هدیه‌ها و چشم‌روشنی‌ها، کتاب‌هایی درباره‌ی امام زمان (عج) باشد. هدیه‌ی هرکس، کتابی مطابق نیازش باشد. این‌ها نمونه‌ی کارهایی است که مردم می‌توانند انجام دهند.

### وظایف عقیدتی - سیاسی نیروهای مسلح

- سردوشی‌ها در روز نیمه‌ی شعبان اعطا شود.
- نیمه‌ی شعبان، نوع غذا و لباس‌های پادگان‌ها فرق کند و مناسب جشن باشد.
- کتاب‌های ساده ولی پر محتوایی در نیمه‌ی شعبان بین کادر، کارکنان و سربازان، به مسابقه گذاشته شود.
- در همه‌ی مراسم‌های صبح‌گاهی نام امام زمان (عج) برده شود.
- سربازان، بسیجیان، پاسداران و ...، سربازان امام زمانند. این مطلب به آنان گفته شود. این یک نوع تربیت است. قرآن می‌گوید: ﴿... مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ...﴾<sup>۱</sup> پدر شما ابراهیم است. در حدیث نبوی آمده است: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَا هَذِهِ الْأُمَّةِ...»<sup>۲</sup> اگر من احساس کنم پدرم حضرت ابراهیم پیامبر ﷺ است، چه خواهد شد؟ اگر انسان احساس کند سرباز امام زمان است، چگونه خواهد بود؟ این مسئله خودش یک تلقین است. باید به مناسبت‌های مختلف از مهدویت سخن گفت.

۱. حج (۲۲) آیه‌ی ۷۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۹۵؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۱؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۱۰۵؛ من و علی پدران این امتیم ...

## وظایف مساجد و تکایا

- این چراغانی‌ها و جشن‌ها را باید به نسل نو منتقل کرد. این خیلی مهم است.

- همان‌گونه که عاشورا دیگرهای غذا بار می‌گذارند، در نیمه‌ی شعبان نیز همه‌ی مردم اطعام شوند.

- در مساجد، نیمه‌ی شعبان احیا گرفته شود. در حدیث آمده است: کسی که شب نیمه‌ی شعبان تا صبح نخوابد، آن وقتی که همه‌ی دل‌ها مرده است، دل او زنده است. اگر همه یک سمت رفتند، او به سمت دیگر می‌رود. در دانشگاه تهران، این کار انجام شد و امسال<sup>۱</sup> نیز برگزار خواهد شد. جمعیت زیادی می‌آیند. سخن‌رانی، مقاله‌خوانی توسط دانش‌جویان و ... از برنامه‌های آنان است.

- از بچه‌ها بخواهیم که هر کس یک مقاله‌ی خوب بیاورد و در مسجد بخواند.  
- کمک به فقرا و سالمندان به مناسبت نیمه‌ی شعبان. حضرت امام علیه السلام در نوفل لوشاتو که بودند، روز تولد حضرت مسیح - علی نبینا و آله و علیه السلام - به همه‌ی همسایه‌های مسیحی سر می‌زدند یا هدیه می‌فرستادند. امام رضا علیه السلام عید غدیر برای دوستانش انگشتر می‌فرستادند. در حدیث آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله گاهی گوسفندی را ذبح می‌کردند و گوشتش را برای خانم‌هایی که رفیق حضرت خدیجه رضی الله عنها بودند می‌فرستادند. این بزرگ داشت است.

- ایجاد غرفه‌های کتاب و نوارهای مفید در این زمینه.

- دعوت از افرادی که به مسجد نمی‌آیند. نیمه‌ی شعبان وقت خوبی است که آن‌ها را به‌طور خصوصی دعوت کنیم. ممکن است لباس مناسبی برای مسجد نداشته باشد یا خدای نکرده نماز بلد نباشد و بالأخره مشکلی داشته باشد؛ ولی شیرینی خوردن و شعرگوش دادن کاری ندارد. این‌ها را خصوصی دعوت کنیم و می‌توانیم کلاس‌هایی نیز در مساجد برگزار کنیم.

### وظایف صدا و سیما

- در صدا و سیما هر شبکه می‌تواند کار خاصی انجام دهد: شبکه‌ی اول، اشعاری که در مورد آقا است؛ شبکه‌ی دوم، سؤالاتی که در مورد آقا است، بیان و شرح دهد؛ شبکه سوم، نامه‌ها و توقیعات آقا را تفسیر کند؛ یک شبکه شعرا و نویسندگان درجه‌ی یک را که درباره‌ی آقا شعر گفته‌اند معرفی کند و ...

- شبکه‌های صدا و سیما می‌توانند هر صبح جمعه یک برنامه‌ی ویژه داشته باشند که به لطف الهی این کار انجام شده و شبکه‌ی دو، صبح جمعه، برنامه‌ای دارد به نام «به سوی ظهور». معرفی کتاب، شعر، پاسخ به پرسش‌ها و ... از فعالیت‌های این برنامه است.

- جمعه روز آقا است. شرح دعا‌های ندبه و عهد و ... باید در این روز در برنامه‌ها قرار بگیرد؛ آن هم شرحی وزین و سنگین؛ نه این‌که بگوییم یابن الحسن! کجا هستی. عشق باید در شأن امام زمان (عج) باشد.

- پشتیبانی از نمایش‌نامه‌ها و فیلم‌هایی که درباره‌ی اصحاب امام زمان (عج) و سفرای ایشان و افرادی که ایشان را ملاقات کرده‌اند، نیز ضروری می‌نماید.

- برای برنامه‌های برون‌مرزی می‌توان کارهایی کرد. و به زبان‌های مختلف، برنامه تولید کرد؛ اسپانیایی، ژاپنی، انگلیسی، عربی، اردو و ...  
تفسیری را من به صدا و سیما می‌دهم که حدود پنج صفحه است. آن را به ۲۷ زبان ترجمه می‌کند. ما می‌توانیم درباره‌ی امام زمان (عج) هم برنامه‌های برون‌مرزی را تحت پوشش قرار دهیم.

انجمن حجتیه متلاشی شد. خانه‌ی خشتی را که خراب می‌کنیم، باید یک خانه‌ی آجری بسازیم. آن را خراب کردیم و چیزی به جای آن نساختیم. ما یک تشکیلات راه انداختیم و امسال چهار میلیون بروشور چاپ کردیم؛ در مورد سیمای مهدی (عج)، سیرت مهدی (عج) و ... یکی - دو صفحه بیش‌تر نبود. نسل امروز حوصله‌ی مطالعه ندارد. باید مطلب را خلاصه و چکیده به او ارائه کرد. نسلی است که ساندویچ می‌خورد، چون حوصله‌ی پختن ندارد و اخیراً آب‌میوه می‌خورد، چون حوصله‌ی جویدن هم ندارد. از اصول تبلیغ این است که ببینیم شخص چه قدر حوصله دارد. قرآن می‌فرماید:

﴿... خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا...﴾<sup>۱</sup>

... خداوند به شما تخفیف داد، و دانست که در شما ضعفی است ...

حالا که شما ضعیف هستید، خدا کوتاه می‌آید. کارهایی که ما چاپ کردیم، ساده‌اند. بخشی از کتاب خورشید مغرب، نوشته‌ی استاد محمد رضا حکیمی است که درباره‌ی تکلیف ما در عصر غیبت است که یک میلیون نسخه از آن چاپ شده است. کارهایی هم در سطح آموزش و پرورش انجام می‌دهیم و به شبکه‌های صدا و سیما نامه فرستادیم که اگر می‌خواهید نیمه‌ی شعبان را

پوشش دهید، ما مطالبی برای تان می‌فرستیم که با هم‌فکری هم، آن‌ها را کامل می‌کنیم و ارائه می‌دهیم.

## وظایف واعظان و مداحان

- واعظان و مداحان باید در میان خودشان انتخابات راه بیندازند و آن کسی که در وعظ و خطابه از همه قوی‌تر است، انتخاب شود تا مسائل را مستدل و پخته مطرح کنند. سخن‌رانی‌های ما باید همین محتواهای قرآنی و حدیث باشد. دعا و حدیث بخوانیم. دعا را ساده نگیرید.

عوامل سقوط یک جامعه چیست؟ اگر حوزه و دانشگاه تحقیق کنند، عصاره‌ی همه‌ی رساله‌های علمی که در مورد سقوط جامعه نوشته شده، در صفحه‌ی آخر دعای ابوحمزه‌ی ثمالی است که در مفاتیح الجنان آمده. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: خدایا، پناه می‌برم به تو از عوامل سقوط و عوامل سقوط را این‌گونه می‌شمارد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسَلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالذَّلَّةِ وَالْمَسْكِنَةَ وَالْفَقْرَ وَالْفَاقَةَ وَكُلَّ بَلِيَّةٍ...<sup>۱</sup>

خدایا، من از تنبلی، ناکامی، اندوه، ترس و بزدلی، بخل، غفلت، سنگ‌دلی، ذلت و خواری، بی‌نوایی، فقر، نیازمندی و هر مصیبتی به تو پناه می‌برم ...

عوامل سقوط یک جامعه تن‌پروری، جهل و بی‌سوادی، تفرقه، غفلت، عیش، فقر و ... است .

۱. مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه‌ی ثمالی؛ شیخ طوسی، مصباح‌المتهجد، ص ۵۹۷، دعای سحر ماه رمضان.

## وظایف نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها

- در کتاب معارف دانشگاه به مسئله‌ی حکومت جهانی آینده توجه شود.  
متأسفانه در مباحث معارف دانشگاه دو مورد دیده نمی‌شد: یکی بحث نماز و دیگری امام زمان (عج)؛ نه عمود دین و نه قطب عالم هستی. اخیراً بخشی از کتب معارف دانشگاه را به بحث نماز و مسئله‌ی حکومت جهانی اختصاص داده‌اند.

- کتاب‌های مفید را با نرخ ارزان در اختیار دانش‌جویان بگذاریم.

- از دانش‌جویان خوش قلم تقاضا کنیم که مسئله‌ی مهدویت را با استفاده از استعداد خود بیان کنند.

- در خواب‌گاه‌ها، دعای ندبه و سخن‌رانی‌هایی درباره‌ی امام زمان (عج) انجام شود.

- بروشورهای مفید در شمارگان بالا منتشر شود.

- اردوهای زیارتی، موضوع پایان‌نامه‌ها و پاسخ به سؤالات در این زمینه باشد.

- جشن فارغ‌التحصیلان دانشگاه در نیمه‌ی شعبان برگزار شود.

- آشنا کردن دانش‌جویان با انواع کتاب‌هایی که مربوط به امام زمان (عج)

است، در قالب نمایش‌گاه کتاب‌های مهدویت.

- ایجاد یا تقویت کانون‌های فرهنگی که به اسم آقا است.

## وظایف اداره‌ی اوقاف

- اوقاف مهدیه‌ها بی‌سر و سامان است و باید آن را سر و سامان داد.

- هیئت امنایا باید متشکل از اقشار مختلف باشند؛ دانشگاهی، نسل نو،



خانم‌ها و ...

- این کاشی‌کاری‌ها که به آن هنر معماری می‌گویند، هیچ‌کس نمی‌تواند آن را بخواند. در کاشی‌کاری‌ها باید روایات مربوط به امام زمان (عج) با خط خوانا نوشته شود.

- در نیمه‌ی شعبان، بخشی از امکانات و بودجه‌های اوقاف درباره‌ی امام زمان (عج) باشد.

- تابلوهای جذابی در امام‌زاده‌ها می‌توان نوشت.

- مسجد جمکران باید سر و سامان بگیرد. جمکران مال خود امام (عج) است.

در هفته‌ها هزار نفر به خاطر امام زمان (عج) به جمکران می‌آیند.

- نام‌گذاری مکان‌های مذهبی موقوفه به نام امام زمان (عج).

## وظایف حوزه، سازمان و دفتر تبلیغات اسلامی

- خرافه‌زدایی از مسئله‌ی مهدویت، وظیفه‌ی حوزه است. امروزه بازار خرافه داغ شده است.

- هر طبله سالی یک کتاب در مورد آقا مطالعه کند. کتاب‌های مناسبی در این زمینه نوشته شده است.

این‌جا محیط حوزه است. شما می‌توانید کارهای سنگین‌تری انجام دهید.

- بیش‌ترین چراغانی‌ها باید در خانه‌ی علما باشد. ما با لباسی که پوشیده‌ایم

افتخار می‌کنیم که سرباز امام زمان (عج) هستیم. چراغانی مدرسه‌ی فیضیه

باید بیش از قصابی‌ها و نانوايي‌ها باشد؛ چون ما منسوب به امام زمان (عج)

هستیم. سهم امام زمان (عج) را ما می‌خوریم، چراغانی‌اش را قصاب‌ها و نانواها

می‌کنند. ما باید بیش‌تر اظهار علاقه کنیم.

- آشنایی با مؤسساتی که مربوط به آقا هستند؛ مؤسساتی که برای آقا تحقیق می‌کنند. انتقال تجربه خیلی مهم است.

- آشنایی با شبهات برای پاسخ‌گویی بدان‌ها، امری بسیار ضروری است.

- مردم را دعوت کنیم که برای امام زمان صدقه بدهند. ناخدای کشتی هستی امام زمان (عج) است؛ برای سلامتی امام زمان باید صدقه داد. آقا وقتی می‌بیند برای سلامتی‌اش صدقه می‌دهم، در حق من دعا می‌کند؛ چرا که قرآن می‌فرماید:

﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا...﴾<sup>۱</sup>

هر گاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید....

اگر من برای آقا کاری کنم، ایشان حتماً به من لطفی می‌کند.

- سازمان و دفتر تبلیغات باید تهیه و توزیع مواد علمی، کتاب و مجلات را انجام دهند؛ بدین صورت که آمار طلاب را داشته باشند و هر سال به مناسبت‌های مختلف، مثلاً نیمه‌ی شعبان، آخرین کتاب‌ها را مجانی برای‌شان بفرستند؛ زیرا روحانی در نقاط دور دست از کجا بدانند که چه کتاب‌هایی چاپ شده است.

- باید محققان را شناسایی کنند. معنای سازمان همین است. ممکن است محققى باشد که کسی هم او را نشناسد و تاکنون چهل - پنجاه جلد کتاب خوب نوشته باشد. آقای قریشی<sup>۲</sup> در ارومیه ۴۵ جلد کتاب مفید نوشته است و ناشناخته هم هست.

۱. نساء (۴) آیه‌ی ۸۶

۲. نویسنده، محقق و امام جمعه‌ی محترم ارومیه.

باید بگوییم هر کس مقاله‌ی تحقیقی دارد، بفرستد و ما باید او را یاری کنیم و از آنان یاری بطلبیم. ما در ستاد اقامه‌ی نماز همین کار را کردیم. گفتیم هر که شعر خوب دارد، بفرستد؛ بیش از هزار شعر خوب جمع شد. دفتر و دستک هم نمی‌خواهد. اگر از مردم یاری بطلبیم، خودشان چیزهای خوبی می‌فرستند. اعلام کردیم، شیرین‌ترین نمازی که خوانده‌اید، کدام بوده است و آن را برای ما بنویسید. چندگونی نامه آمد. در این نامه‌ها، نامه‌هایی بود که اگر همه‌ی مُخ‌های صدا و سیما و حوزه و دانشگاه فکر کنند، چنین مطالبی نمی‌توانستند بنویسند. دختر یازده ساله‌ای نوشته است:

دختر یازده ساله‌ای هستم. با اتوبوس با پدر و مادرم مسافرت می‌کردم. روی پا ایستاده بودم. دیدم خورشید کم‌کم غروب می‌کند. گفتم: بابا نماز نخواندم. گفت که باید بخوانی، اما الان که توی بیابان نمی‌شود نماز خواند. گفتم: قضا نشده، من می‌توانم بخوانم. گفت: بنشین، حرف نزن؛ چهل تا مسافر به خاطر تو نمی‌ایستند؛ ماشین را که نگه نمی‌دارند. گفتم: بابا خواهش می‌کنم شما با من مخالفت نکنید، من نماز می‌خوانم. قبول کرد یک شیشه آب آوردم. یک سطل زیر صندلی اتومبیل بود. شاگرد شوfer گفت: دختر چه کار می‌کنی؟ گفتم: من می‌خواهم وضو بگیرم و مطمئن باش نمی‌گذارم آب توی اتوبوس بچکد. راننده از آینه نگاه کرد و گفت: دختر چه می‌کنی؟ گفتم: آقا وضو می‌گیرم و نمی‌گذارم آبش بچکد. گفت: من اصلاً به احترام تو می‌ایستم. راننده ایستاد. پیاده شدم رفتم پایین و نماز خواندم. بعضی از مسافران که نماز نخوانده بودند و شاید نمی‌خواندند، یکی یکی پایین آمدند و آن‌ها هم نماز خواندند. این

شیرین‌ترین نمازی بود که خوانده‌ام.

این دختر با این کار امام مردان و زنان سالخورده شد. قرآن هم همین را می‌خواهد بگوید:

﴿... وَ أَجْعَلُنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا...﴾<sup>۱</sup>

... و ما را برای پرهیزکاران پیشواگردان ...

ما امام لازم داریم. لازم نیست که امام حتماً رهبر انقلاب و ... باشد. این نامه را برای مسئولان صدا و سیما خواندم و گفتم اگر از مردم بخواهیم برای مان این‌گونه کار کنند، چنین سناریوهایی به دست ما خواهد رسید.

- ایجاد نمایش‌گاه‌هایی از کتاب‌های مفید نیز در این زمینه کار خوبی است.  
- می‌توانیم در نیمه‌ی شعبان هم یک اعزام یکی - دو روزه از طلاب به سطح مناطق کشور داشته باشیم. این‌ها کار سازمان تبلیغات است.

- صدا و سیما را باید حوزه تغذیه کند. نیمه‌ی شعبان رابطه برقرار کند که آقا ما افراد مختلفی داریم که می‌توانند صحبت کنند.

- جلوگیری از نقل مطالب سُست؛ کتاب‌هایی چاپ می‌شود که باید از چاپ آن‌ها جلوگیری کرد.

- اهدای جوایز برای کسانی که تلاش‌های برتری داشته‌اند برای طلاب جوان و آشنایی و تربیت آن‌ها با مسائل و شبهات جدید.

- برگزاری نشست‌ها و حتی کنگره‌های جهانی و دعوت شخصیت‌های جهانی.

- یک دوره‌ی تخصصی مهدویت باید گذاشته شود. البته ما این کار را کردیم؛

با استفاده از استادان خوب حوزه و دانشگاه. گوینده‌ای که می‌خواهد درباره‌ی امام زمان (عج) صحبت کند، خودش باید ده‌ها جلد کتاب در این زمینه دیده باشد و در جریان شبهات باشد.

- امدادها و حمایت‌هایی که آقا از بزرگان کرده و ... باید برای طلاب جوان گفته شود. همه‌ی طلبگی نباید درس و کلاس و امتحان باشد. در اسکناس یک نخ است که آن نخ به آن ارزش می‌دهد. آن نخ فراموش نشود.  
- در حوزه‌ها دعای ندبه را فراموش نکنیم.

- گنجاندن سرفصل‌های مهدویت در رشته‌های تخصصی تبلیغ و تفسیر و ... در هر رشته‌ی تخصصی بخشی از مهدویت مطرح شود.

- تشویق طلاب برای چراغانی؛ بعضی طلاب حاضرند صدتا مقاله بنویسند، ولی حاضر نیستند یک چراغانی کنند. طلبه باید عاشورا سینه بزند؛ بلد باشد گوسفند بکشد؛ فقط اهل «صَبِّحْ حَکَمَ اللَّهِ» و «مَسَاكُمَ اللَّهُ» نباشد؛ این کارها را هم بکند. این مسئله‌ی مهمی است. حضرت ابراهیم - علی نبینا و آله و علیه السلام - تبر دست گرفت.<sup>۱</sup> حضرت موسی یک سیلی زد و طرف مرد.<sup>۲</sup> گاهی وقت‌ها باید یک رگی در طلبه‌ها باشد.

- باید پایگاهی برای پاسخ‌گویی در قم باشد. با استفاده از اینترنت، رایانه و ... به سؤالات درباره‌ی امام زمان (عج)، و همه‌ی شبهات پاسخ گفته شود.

این‌ها چیزهایی بود که به عقل ناقص من می‌آمد تا ببینم به عقل کامل شما

۱. صافات (۳۷) آیه ۹۳: ﴿فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ﴾؛ سپس به سوی آنها رفت و ضربه‌ای محکم با دست راست بر پیکر آنها فرود آورد (و جز بت بزرگ، همه را در هم شکست).

۲. قصص (۲۸) آیه ۱۵: ﴿... فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ...﴾؛ ... موسی مشت محکمی بر سینه‌ی او زد و کار او را ساخت (و بر زمین افتاد و مُرد)....

چه می آید ... به هر حال آرزو بر پیرها عیب نیست تا چه رسد به جوانان. ما یکی یکی این کارها را این شاء الله دنبال می کنیم و هر کاری بتوانیم برای آقا انجام می دهیم. امیدواریم کوتاهی ها را بر ما ببخشایند.

## سخن پایانی

در حرم امام رضا علیه السلام شخصی از من پرسید: آقای قرائتی چند سال است طلبه ای؟ گفتم من از چهارده سالگی طلبه شدم. الان خیلی سال است. گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی یارانش را می دید، لذت می برد؛ آیا شما به گونه ای هستید که وقتی حضرت مهدی (عج) نگاه تان می کند، لذت ببرد؟ گفتم نه؛ من چنین توقعی هم ندارم؛ اما همین که از ما غم زده نشود، کافی است. این حرف رازد و رفت ولی مرا منقلب کرد که واقعاً حضرت مرا دوست دارد یا نه؟ ما از در خانه ای امام زمان (عج) دوری نکنیم. آیه الله وحید خراسانی جمله ای گفت که من خیلی تکان خوردم. گفت: اگر به یک سگ چند تا استخوان چرب بدهی، هر چه هم سنگ به او بزنند، هیچ وقت از در خانه ای صاحبش کنار نمی رود. ما که سهم آقا را خوردیم، نکند چند تا متلک بشنویم و از در خانه ای صاحبمان کنار رویم و امام زمان (عج) را رها کنیم. به لباس خودمان عشق بورزیم؛ به طلبگی مان افتخار کنیم.

مردم گرهی زمین سه دسته اند: یا تولید می کنند یا توزیع یا مصرف. زنده باد طلبه که اگر مُخس کار کند و قوی باشد، تولید علم می کند. اگر مُخی نداشته باشد که فکر تولید کند، تولیدات دیگران را یاد می گیرد و توزیع می کند. اگر نه فکر داشت نه بیان، باز یاد می گیرد و خودش عمل می کند و خوش به حال

کسی که هم مخ داشته باشد و هم زبان و هم عمل کند.

عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ!

عالمی که از علمش استفاده می‌شود بهتر از هفتاد هزار عبادت کننده است.

عالم با مُخش تولید علم می‌کند، با زبانش توزیع علم و با دست و پایش

عمل می‌کند.

خدایا، ما را نسبت به امام زمان وفادار قرار بده! ایمانی بده که هر حادثه‌ای

پیش آمد، ما را از امام زمان دور نکند!

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.



# بررسی شبهات مہدویت

حجة الاسلام و المسلمین حسین مہدویان<sup>۱</sup>

---

۱. نویسنده، محقق و معاونت محترم تربیتی مرکز جهانی علوم اسلامی  
حوزه علمی قم.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَ يَلْمَّ بِهِ  
الشَّعْتَ وَ يَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِثْتُ ظُلماً وَ جَوَراً...<sup>۱</sup>

### پیش درآمد

قبل از این که وارد بحث شوم، تذکر دو نکته را مفید می دانم:  
نخست این که شبهه شناسی مهدویت و پاسخ گویی به این شبهات و  
پرداختن به چنین مباحثی، خود یکی از ابعاد مهم تربیتی انتظار است؛ همان  
چیزی که یکی از محورهای مهم در برگزاری این گفتمان به شمار آمده است. اگر  
قرار باشد که مهدویت یکی از محوری ترین پایه های تربیت فرد و جامعه باشد  
که هست، یقیناً باید نسبت به آسیب شناسی این موضوع که یکی از بخش های  
مهم آن، شبهه شناسی مهدویت است تعمیق شود.  
قطعاً تأسیس مؤسساتی برای شناخت این شبهات و پاسخ گویی به آن، برای  
بنای چارچوب تربیتی بر اساس مهدویت و «انتظار محور» ضروری  
به نظر می رسد.

دوم این که بررسی شبهات مهدویت، نیاز به فرصت بسیاری دارد. اگر بخواهیم حق مطلب را ادا کنیم، باید از زوایای مختلف این قضیه را مورد بررسی قرار دهیم.

باید شبهات دسته بندی شوند و محورهای مهم این شبهات و شبهه‌انگیزانی که آن را در جامعه طرح کرده‌اند، مورد بررسی و تطبیق قرار بگیرد و حداقل پاسخ‌های اجمالی نسبت به مهم‌ترین محورهای شبهات مطرح شود. بنابراین، بحث حاضر را با عنوان ضرورت بررسی شبهات مهدویت ادامه می‌دهیم.

### مفهوم و ویژگی‌های شبهه

رابطه‌ی منطقی بین سؤال و شبهه، عموم و خصوص مطلق است؛ هر شبهه‌ای سؤال است، اما هر سؤالی شبهه نیست. شبهه خودش نوعی سؤال است، اما سؤالی است که برای استفهام و طلب فهم، مطرح نشده است. برای دانستن و گسترش معلومات و هدایت یافتن به راه صحیح، نیست. شبهه دارای مختصات و ویژگی‌هایی است که در اولین فصل صحبت در بخش‌های مختلف به همین مختصات و ویژگی‌ها خواهیم پرداخت؛ البته باز با تأکید بر این که قضیه‌ی شبهات مهدویت مورد نظر است.

بعضی از این شبهات محتوایی هستند؛ برخی به شکل و ظاهر این شبهات باز می‌گردند؛ برخی به روش‌های طرح شبهه و برخی به شرایط محیطی اشاره می‌کنند.

اولین ویژگی این است که شبهه دارای محتوای هجومی و نفی کننده است. این که مطرح شود آیا اصلاً امام زمان (عج) به دنیا آمده‌اند؟ آیا ولادت

حضرت مهدی علیه السلام شاهدی دارد؟ سؤال کننده در این موارد می‌خواهد اصل قضیه‌ی مهدویت را مورد هجوم قرار دهد و آن را نفی کند. در این صورت شما هر چه قدر هم که استدلال کنید یقیناً قانع نخواهد شد. او به دنبال این است که اصل ولادت و باور را خدشه‌دار کند.

ویژگی دوم که بی‌ارتباط با ویژگی اول نیست، این است که شبهه به انگیزه‌ی تخریب یک عقیده صورت می‌گیرد. این جا دیگر قصد فهمیدن نیست؛ قصد متزلزل کردن عقیده است. اگر در مورد غیبت امام زمان شبهات گوناگون ذکر شده، به این دلیل است که به انواع مختلف، خواستند بگویند این غیبت امام زمان علیه السلام ساخته و پرداخته‌ی کسان خاصی است و واقعیت ندارد. می‌خواهند این همه حرکت و پویایی که در بحث مهدویت و زیر چتر انتظار وجود دارد، مورد تخریب قرار بگیرد.

سومین ویژگی شبهه این است که با جاروجنجال و تبلیغات و استفاده از ابزارهای مختلف برای رساندن آن شبهه همراه است. غوغاسالاری در آن حاکم است.

درباره‌ی شبهه‌ی ظهور حضرت مهدی علیه السلام اگر سری به اینترنت و نرم‌افزارهای گوناگونی که در کشورهای مختلف دنیا پخش شده بزنید، خواهید دید که چه قدر روی ظهور کسانی که خود را مهدی نامیده‌اند، تبلیغات صورت گرفته است. در سودان، پاکستان، هند و سایر کشورهای افریقایی، اروپایی و حتی امریکا ادعا کرده‌اند که ما همان مهدی موعودیم، و چه قدر با تبلیغات و تأکید روی این قضیه، در دنیا جنجال راه انداخته‌اند.

امروزه ده‌ها سایت از پایگاه‌های اینترنتی، منحصرأ در اختیار کسانی است

که می‌خواهند عقاید مربوط به مهدویت را، با همان نگاهی که گفتیم، متزلزل کنند.

من نوشته‌ها و برگ‌هایی را به همراه دارم که در آن‌ها تصویر و مشخصات کسانی که در دنیا به عنوان مهدی ظهور کرده‌اند، آمده است. تبلیغات گسترده‌ای در این باره انجام داده‌اند. اگر حوزه و علما و منتظران حضرت مهدی علیه السلام با تمام توان و هوشیاری در پی حفظ این سنگر نباشند، بسیاری از طرف‌داران جمهوری اسلامی و شیفتگان نظام ولایت فقیه و بسیاری از کسانی که در گوشه و کنار دنیا به آینده‌ی این انقلاب و تسلیم آن به دست امام زمان (عج) دل بسته‌اند، ناامید خواهند شد.

ویژگی چهارم شبهه این است که با پاسخ منطقی، بحث پایان نمی‌گیرد. کتاب‌های مختلفی که در چگونگی مباحثات شبهه‌انگیزان چاپ شده است، گویای این واقعیت است. هر جا علمای ما به پاسخ‌گویی برخاسته‌اند و مدارک و ادله و استدلال و براهین قطعی ارائه کرده‌اند، به سرعت بحث را منحرف می‌کنند و یک بحث انحرافی دیگری پیش می‌کشند. بحث بر این نیست که شبهه‌انگیز باید قانع شود؛ مهم این است که کسانی که تحت تأثیر شبهه‌های او قرار می‌گیرند، طرف مقابل و عقیده‌ی مورد هجومش را بی‌دفاع نبینند. جوان دانشگاهی ما فریب نخورد و گمان نکند که آن شبهه‌ها بی‌پاسخند. گمان نکند که مهدویت هم خیلی پایه و اساس محکمی ندارد. زمانی که جوانان و بسیجیان ما، با عشق دیدار امام زمان علیه السلام به سوی میدان‌های جهاد حرکت می‌کنند، حاضرند جانشان را هم در طبق اخلاص بگذارند و تقدیم آن یار منتظر بکنند، این جا است که شبهه‌انگیز به سراغ او می‌آید: از کجا می‌دانی که امام زمان همانی باشد که می‌گویی در جبهه هنگام خواندن دعا، دیدمش؟!!

اصلاً شاید امام زمان (عج) در شرایط و وضعیت خاصی در غیر جسمی که ما و شما داریم، زندگی می‌کند؛ پس قابل رؤیت نیست. اگر این شبهه در او تحریک شد، حرکتش را از دست می‌دهد و همین هدف شبهه‌انگیزان است. شبهه‌انگیز می‌خواهد ظلمات ایجاد کند؛ می‌خواهد تاریکی ایجاد کند؛ می‌خواهد نقطه‌های روشن و امیدآفرین را از بین ببرد.

ویژگی پنجم شبهه این است که معمولاً در فضایی غیر پاسخ‌گو رشد می‌کند. شبهه‌انگیز در مجامع علمی کار نمی‌کند. شبهه‌اش را در مؤسسات تحقیقاتی شما مطرح نمی‌کند. از رسانه‌های مختلف استفاده می‌کند؛ مقاله می‌نویسد؛ مصاحبه می‌کند و حتی در سطحی بین‌المللی حرفش را ابراز می‌کند تا کسانی که مخاطبش هستند، همان کسانی که هیچ سیطره‌ی علمی به موضوع ندارند، متزلزل شوند. می‌خواهد عقاید صاف آنان را متزلزل کند. ما مسئولیم؛ در هر رده‌ای که هستیم، چه در حوزه، چه در دانشگاه، چه در مراکز تحقیقاتی، باید آگاهی بدهیم. سطح پاسخ‌گویی مردم را بالا ببریم. شبهه‌انگیز دنبال فرصت‌ها و ظرف‌ها و مکان‌هایی است که انسان‌های پاسخ‌گو در آن جا وجود نداشته باشند.

ویژگی ششم این شبهه این است که در حجمی زیاد و زمانی کم در جامعه فراگیر می‌شود. یک‌باره می‌بینید که بحث ولایت مطلقه‌ی امام معصوم و ولایت مطلقه‌ی فقیه که بنا به فرمایش صریح مولا امام زمان (عج)، حجت‌ امام زمانند و خود امام زمان، نیز حجة‌الله است، مورد تردید قرار می‌گیرد. با ابزارهای مختلف و با تئوری‌های گوناگون سعی می‌کنند این ولایت را در بین مردم غیراستدلالی، قابل تردید و شکننده جلوه دهند و ناگهان می‌بینید که همه جا پرشد. و این نشان از انگیزه‌های تخریبی شبهه‌افکنان دارد.

هفتمین ویژگی شبهه این است که فراوانی آن، متناسب با اوضاع اجتماعی است. اگر در جامعه جوی ایجاد شود که خشونت‌ستیزی رسم شود، حتی قوانین جزایی دستگاه قضا نیز مورد تردید قرار خواهد گرفت. می‌گویند: مگر اسلام می‌تواند دینی خشونتی باشد؛ یا به تعبیر دیگر. ناگهان می‌بینید که در موضوع مهدویت نیز این شبهه بیش‌تر اوج می‌گیرد و رشد می‌یابد که امام زمان که دو سوم مردم دنیا را می‌کشد؛ حتی برای این مطلب، به روایات استناد می‌کنند. بعضی از روحانیون نیز متأسفانه گاهی بالای منبر می‌گویند: امام زمان آن قدر می‌کشد و آن قدر خون می‌ریزد که تا زیر شکم اسبش خون بالا خواهد آمد! باید این‌گونه روایات و قضایا مورد بررسی قرار گیرد که تا چه حد علمی و قابل اعتماد هستند. این که چه قضاوتی در جامعه ایجاد می‌کند و چه بُرشی بین اعتقاد به مهدویت و انتظارِ امیدآفرین به ظهور حضرت مهدی (عج) در جوانانی که احساسات لطیف دارند، به وجود می‌آورد همه‌ی این‌ها باید مورد تعمیق و تدقیق قرار بگیرد. این بخش اول صحبت بود.

### عوامل تأثیرگذار در تشدید جو شبهه

یکی از مسائل قابل توجه در مبحث شبهات مهدویت، منابع و عوامل تأثیرگذار در تشدید جو شبهه‌های مهدویت هستند. در این جا تعدادی از این عوامل را خواهیم شمرد:

۱. بحث از حضرت مهدی (عج) بحث یک جانبه‌ای نیست؛ بحثی است که از ابعاد تاریخی قابل ملاحظه است؛ از ابعاد کلامی و فلسفی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حتی مباحث اقتصادی و سیاسی دارای ثمرات زیادی است.

از جوانب گوناگون می‌توان به این قضیه نگاه کرد و با نظرگاه‌های مختلفی قابلیت شبهه‌انگیزی دارد.

۲. تعداد روایات متشابه بودن، متخالف بودن و گاه متعارض بودن روایات این باب که بسیار زیاد است.

یکی از مشکلاتی که در حوزه داریم، این است که دو چیز در حوزه بسیار مظلومند: قرآن و شریک القرآن. آن چه باید اصلی‌ترین محور قرار بگیرد، قرآن است و شریک قرآن، امام زمان (عج). کسانی که روی این مباحث و روایات کار می‌کنند، مطالبی در این باب خواهند یافت که گاه دست‌آویز همین شبهه‌افکنان نیز قرار می‌گیرد. در باب طول عمر، ولادت، زمان غیبت، کیفیت زندگی امام زمان و این که امام زمان (عج) دارای فرزندانسی هستند یا نیستند و... مطالب بسیار متفاوتی دیده می‌شود. همه‌ی این‌ها قابل حل است. این مباحث هرگز به این معنا نیست که این‌ها قابلیت تحلیل و حل شدن و پاسخ‌گویی قطعی ندارند. مهم این است که باید کسانی باشند و این اختلافات را حل کنند.

۳. کم‌بود تحقیقات در این باب که قبلاً اشاره شد.

۴. عمومی بودن بحث، نسبت به همه‌ی مذاهب؛ نه فقط مذاهب اسلامی و حتی ادیان دیگر. در یک مرحله از مباحث فقهی، مخاطبین و کسانی که دغدغه‌ی فکری‌شان این مباحث است، قشر خاصی از مردم هستند. خیلی از مباحث فقهی است که حتی نسبت به همه‌ی افراد جامعه نمی‌تواند عمومیت داشته باشد؛ اما مبحث مهدویت، نه فقط همه‌ی شیعیان را شامل می‌شود، بلکه تمام مسلمان‌ها از تمام فرقه‌های گوناگون را شامل می‌شود. ادیان مختلف مخاطب مبحث مهدویتند و این جا است که شمولیت بحث باعث می‌شود که

هر کس در هر کجای دنیا با هر کیش و آیینی که دارد، نسبت به قضیه احساس ربط و ارتباط بکند و همین موجب توسعه‌ی دامنه‌ی شبهه است.

۵. کم‌اطلاعی؛ یکی از آفت‌های حوزه و دانشگاه، کم‌بود اطلاعات و آمار است. ما هنوز در خیلی از ابواب نظرسنجی به شکل عام نداریم یا اگر هست، بسیار محدود و بسته است. اگر از دانشگاهیان آمار بگیریم، درصد بالایی از آنان یک حدیث از امام زمان (عج) حفظ نمی‌دانند؛ حتی بسیاری از حوزویان نیز نمی‌توانند ادعا کنند که یک یا چند کتاب از حضرت مهدی علیه السلام و مباحث مهدویت را به شکل دقیق مطالعه و تحقیق کرده‌اند، تا چه رسد به مردم عادی! مردم عادی فقط یک سری اعتقادات ناب دارند. به کوچه و بازار که نگاه می‌کنیم، از روزهای نیمه‌ی شعبان، نه فقط مردم، بچه‌ها نیز همه سراپا شور و احساس می‌شوند؛ کار می‌کنند و دنبال عشق امام زمان و ارادت به ایشان هستند. اما عمق این احساس و ارتباط با امام زمان و گستره‌ی علمی که این‌ها را به امام زمان پیوند می‌دهد، چه قدر است؟ این نیز یکی از مواردی است که شبهه‌انگیز را بسیار تحریک می‌کند و حرکتش را سرعت می‌بخشد. اهمیت موضوع در بنیاد جامعه‌ای اسلامی و کفرستیز، زمانی آشکار می‌شود که استکبار نگاه می‌کند و می‌بیند آن چه حرکت پویای جوامع اسلامی و حتی مستضعفین جهان را علیه او تحریک می‌کند، یکی از مبانی‌اش مهدویت و اعتقاد به ظهور مصلح است. و می‌بیند که باور مهدویت، تأمین‌کننده‌ی دهکده‌ی بزرگ جهانی و حاکمیت توحید در سراسر هستی است. همه‌ی این‌ها را برای حاکمیت خویش خطر ساز می‌بیند و بنابراین، مبانی مهدویت را مورد هدف قرار خواهد داد. و از تمام امکانات مادی خویش، برای ساختن یک مهدی دروغین در گوشه‌ای از دنیا، بهره خواهد برد.



این حدیث معروف را شنیده‌اید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

... يَمْلَأُ بِهٖ الْاَرْضَ قِسْطًا وَّ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَّ ظُلْمًا ...!

... (خدا) به وسیله‌ی او زمین را پر از داد و عدل می‌کند و همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است ...

این حدیث دست‌آویز کسانی قرار می‌گیرد که می‌خواهند ظلم و فساد و سکوت در مقابل ظلم و فساد در جامعه شایع شود. این شبهه را ایجاد می‌کنند که چه کسی گفته «قومی که منتظر مصلح است، باید خود صالح باشد؛ خیر، آن کسی که منتظر مصلح است، باید تلاش کند تا ظلم و فساد زودتر و هر چه بیش‌تر جامعه را فراگیرد. این کم‌شبهه‌ای نیست. از بالاترین و خطرناک‌ترین نوع شبهه‌هایی که در نوع بحث مهدویت مطرح شده و مطرح می‌شود، همین‌گونه شبهات است.

### نگرش‌های منفی درباره‌ی شبهه

من دو نگرش منفی در مورد شبهات مهدویت و بلکه کل شبهات ارائه می‌کنم: یکی این‌که هر جا سؤالی هست، شبهه تلقی شود. جوان پویا و متفکر با اندیشه‌ای فعال و روحیه‌ای استدلال‌طلب، هر مطلبی را به سادگی نمی‌پذیرد؛ به همین دلیل در ذهن او، در مسائل مختلف سؤال ایجاد می‌شود؛ سؤال‌هایش حتی ممکن است به شکلی در مقابل عقایدی که تاکنون داشته و عقایدی که دیگران دارند و به او انتقال می‌دهند، قرار بگیرد. این شبهه نیست. شبهه دارای ویژگی‌هایی است که بدان‌ها اشاره کردیم.

اگر جوان پرسش کننده متهم به شبهه‌انگیزی شود و در نتیجه، پرسش او پاسخ داده نشود، چه روی خواهد داد؟

نگرش منفی دوم این که کسی هم که نفی شبهه و شبهه‌انگیزی در مورد مهدویت می‌کند، خودش مخرب و تخریب‌گر است. در حقیقت نوعی حکم تبرئه برای همه‌ی کسانی که می‌خواهند عقاید مردم را خراب کنند صادر می‌کند و می‌خواهد مردم را از وجود این تخریب‌گران غافل کند. اینان مانند کسی هستند که دزدی را که از دیوار مردم به قصد دزدی بالا رفته، حارس و پاسبان منزل معرفی می‌کند.

سؤال برای بنای عقیده است. سؤال محترم است و باید پاسخ داده شود. مقدس هم هست، چون باعث گسترش علم و معرفت و حکمت است؛ اما این که کسی شبهه‌انگیزان را تبرئه کند و شبهه را سؤال قلمداد کند، رویکرد بسیار خطرناکی در پیش گرفته است. امیدواریم که بتوانیم با آگاهی و حوصله در مقابل این توطئه‌ها بایستیم.

### شرایط پاسخ‌گویی به شبهه

در پاسخ‌گویی به شبهات باید به چند عامل توجه جدی داشت:

الف) این که باید جامعه آماده و واکنش‌پذیر شود. سطح آگاهی جامعه بالا رود. مردم شبهه‌شناس شوند و معرفتشان در حد پاسخ‌گویی به پرسش و شبهه بالا رود.

ب) این که اصل شبهه به شکل دقیق شناسایی شود و به اهلش سپرده شود؛ یعنی متخصصین در شناسایی شبهه و پاسخ‌گویی به شبهه با تشکیل نهادها و مؤسسات پشتیبانی شوند.

ج) این که حوزه‌ی خاص و بستر رشد و گسترش شبهه، شناسایی شود.  
 د) اصل سرعت در پاسخ‌گویی؛ نگذاریم شبهه‌پراکنان همه جا را پر کنند و سپس درباره‌ی پاسخ‌گویی به آن چاره‌جویی کنیم.  
 ه) افشای شبهه‌انگیزان؛ برملا ساختن مقاصد شبهه‌انگیزان و رو کردن دست آنان.

و) برنامه‌ریزی حساب شده و کارشناسانه برای ایجاد و تقویت هوش‌مندی لازم در جامعه؛ نباید ابزار تقویت و پخش شبهه و شایعه شد. باید شبهات را به گونه‌ای به سمت محققین، مؤسسات و مسئولینی که وظیفه‌ی پاسخ‌دهی را به عهده گرفته‌اند، ارجاع داد. یکی از این مراکز و مؤسسات، همین مؤسسه‌ی انتظار نور است که در بخش‌های گوناگون به گونه‌ای جدی فعالیت می‌کند. امیدواریم که بتوانیم تا آخرین نفس پاسدار مرزهای مهدویت باشیم و این امانت بزرگ را به دست صاحبش برسانیم؛ هم‌چنان که امام راحل علیه السلام فرمودند.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

# مقدمه‌ای بر آثار تربیتی و روان‌شناختی انتظار

دکتر محمد رضا شرفی<sup>۱</sup>

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### پیش درآمد

انتظار در مکتب اسلام، تنها یک رویکرد عاطفی نیست؛ بلکه رویکردهای معرفتی، اجتماعی، اخلاقی و فردی را نیز شامل می‌شود. از این روی می‌توان، انتظار را هم‌چون منشوری دانست که دارای تجلیات گوناگونی است.

در رویکرد معرفتی به مسئله‌ی انتظار، می‌توان آثار تربیتی و روان‌شناختی این پدیده را با نگاهی جدید، مورد بررسی قرار داد؛ البته در این جا، تربیت به معنای گسترده‌ی آن مورد نظر است که شامل مقوله‌های اخلاقی نیز می‌شود و در بُعد روان‌شناختی نیز، آثار کارکردی آن بیش‌تر مورد تأکید قرار می‌گیرد.

در نوشتار حاضر، به عناوینی مانند گسترش امیدهای واقعی، پویایی معطوف به هدف، استقرار وحدت و هم‌بستگی، مراقبت دایمی و سلامت اخلاقی جامعه پرداخته‌ایم.

یاد کرد این نکته لازم است که این نوشتار تنها پیش‌درآمدی بر این مبحث است و امیدواریم که در آینده بتوانیم به صورتی گسترده‌تر و عمیق‌تر و فراتر از یک مقاله بدان پردازیم.

## ۱. گسترش امیدهای واقعی

امید، محرک انسان برای رویارویی با آینده است. برخی آن را انگیزه، و برخی دیگر، آن را نیازِ آدمی می‌دانند؛ به عقیده‌ی مزلو\*، یکی از روان‌شناسانِ مکتب کمال:

انگیزه‌ی آدمی، نیازهایی مشترک و فطری است که در سلسله مراتبی از نیرومندترین تا ضعیف‌ترین نیاز، قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> برای توضیح مطلب می‌توان گفت که آدمی، پیوسته و در پی انجام هرکاری، به دنبال غایت و مقصودی مشخص بوده و قبل از اقدام به آن نیز، نیازمند انگیزه‌ای برای آغاز عمل می‌باشد.

بر این اساس، انسان برای تداوم زندگی و تحمل دشواری‌های آن، نیازمند انگیزه‌ای نیرومند است که در پدیده‌ی «امید به آینده» تجلی می‌یابد؛ آینده‌ای که به مراتب، عالی‌تر، زیباتر و بهتر از امروز باشد؛ این مسئله، به ویژه برای جوانان، دارای اهمیت بیش‌تری است؛ زیرا آنان در پرتو «امید به فردایی بهتر» می‌توانند به نیروی فراوان خود و شور و نشاط بی‌پایان‌شان جهت و معنا بخشند.

البته این مقوله در میان مکاتب دینی و غیر دینی، دارای جای گاه، منزلت و تفسیرهای گوناگونی است؛ به عنوان اشاره، اعتقادِ پیروانِ ادیان به امدادهای غیبی و عنایات عام و خاص الهی، به گونه‌ای منطقی، متضمن پی‌آمدهایی هم‌چون امید به آینده و به تعبیری دیگر، فرج بعد از شدت می‌شود. درحالی‌که

\* Maslow, Abraham Harold. (۱۹۰۸-۱۹۷۰)

۱. دوآن شولتس، روان‌شناسی کمال، ترجمه‌ی گیتی خوشدل، ص ۱۱۵.

در مکاتب مادی و بینش‌های سکولاریستی جایی برای «امدادهای غیبی» وجود ندارد. حتی در میان پیروان ادیان، نیز این مسئله، دارای جلوه‌های گوناگونی است. از جمله در چند سال پیش، پاپ، رهبر کاتولیک‌های جهان، در اولین کتابی که از او با عنوان عبور از آستانه‌ی امید منتشر گردید، به صراحت، ناامیدی خود را از وضعیت اخلاقی و اعتقادی عصر حاضر به ویژه جوانان، اظهار نمود. در اظهارات پاپ، نشانه‌هایی از امید به آینده به چشم نمی‌خورد. حتی در میان برخی اندیشمندان و متفکران غربی نیز بعضاً مسئله‌ی «امید» هم چون پدیده‌ای دور از دست‌رس و بیهوده تلقی می‌شود. به عنوان مثال، برتراند راسل\* در گفتاری با عنوان «جهان پر تلاطم» می‌نویسد:

من در لحظه‌ای تاریک (ژوئیه‌ی ۱۹۶۱) به نوشتن مشغولم و نمی‌دانم نژاد بشر آن قدر دوام می‌کند که نوشته‌ی من منتشر یا در صورت انتشار، قرائت شود یا نه.<sup>۱</sup>

در مقابل این رویکردهای یأس‌آور و منفی به آینده که در بیش‌تر مکاتب موجود مشاهده می‌شود، اندیشه‌ها و رویکردهای امیدوارانه و مثبت‌گرایی نیز وجود دارند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اعتقاد مذهب شیعه در زمینه‌ی انتظار امام عصر (عج) اشاره نمود که نه تنها انتظار فرج آن حضرت، پدیده‌ای معنادار، منطقی و معقول است، بلکه چنین انتظاری، در زمره‌ی بزرگ‌ترین فرج‌ها و گشایش‌ها، تلقی می‌شود.<sup>۲</sup> برای توضیح مطلب، اشاره می‌کنیم که امیدها دو گونه‌اند: امیدهای واهی و امیدهای واقعی. امیدهای واهی، بیش‌تر

\* Bertrand Arthur William Russel (۱۸۷۲-۱۹۶۹)

۱. برتراند راسل، آیا بشر آینده‌ای هم دارد؟، ترجمه‌ی م منصور، ص ۲۳۸.

۲. ر. ک: علی اکبر مهدی‌پور، چهل حدیث غیبت، ص ۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴.

شامل نوعی ایده‌آل‌ها، آرمان‌ها و آرزوهای گم شده‌ای است که انسان با حاضر کردن آن‌ها در ذهن و درون خویش، به نوعی آرامش خاطر دست می‌یابد که در صورت تداوم و تقویت آن‌ها، خود به خود زمینه‌ی جدا شدن از مسائل و روی داده‌های واقعی زندگی و در نتیجه احساس بیگانگی با واقعیات، برای شخص فراهم می‌گردد.

در مباحث روان‌شناسی تربیتی، این نوع مواجهه با مسائل، رفتارهای دفاعی نام دارد. از ویژگی‌های این‌گونه رفتارها، این است که در کوتاه مدت، به شخص، آرامش و امنیت می‌بخشد ولی در دراز مدت، موجب ناسازگاری با اطرافیان و دنیای خارج می‌شود.

امیدهای واقعی نقطه‌ی مقابل امیدهای واهی است؛ امیدهایی که دارای پایه و اساسی منطقی و استوارند و ریشه در اعتقادات و باورهای دینی و ارزش‌های مبتنی بر وحی الهی دارند؛ مانند امید به ظهور حضرت مهدی (عج) و شرایطی که آن حضرت با حکومت خویش فراهم می‌آورند که در این جا به دو نمونه از این شرایط اشاره می‌کنیم:

امام حسن مجتبی علیه السلام از پدر بزرگوارشان نقل می‌فرمایند:

در دولت مهدی (عج)، درندگان، سازش می‌کنند؛ زمین، نباتات خود را خارج می‌کند؛ آسمان، برکاتش را فرو می‌فرستد؛ گنج‌های نهفته در دل زمین برای او آشکار می‌شود و بین مشرق و مغرب را مالک می‌شود و خوشا به حال کسی که آن روزگار مسعود را درک کند و دستوراتش را با گوش جان بشنود.<sup>۱</sup>

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است که فرمودند:

هنگامی که قائم ما (عج) قیام کند، دست شریفش را بر سر بندگان گذارد و

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.



خزدهای آن‌ها را گرد آورد و رشدهای آن‌ها را کامل گرداند.<sup>۱</sup>

از این دو عبارت چنین برداشت می‌شود که انتظار امام عصر (عج)، موجب گسترش و توسعه‌ی امیدهای واقعی در شیعیان و پیروان آن حضرت می‌شود؛ امیدهایی که منتظرانش، هرگز در حقیقت و اصالت آن‌ها، تردیدی به خود راه نمی‌دهند؛ زیرا چنین امیدهایی از متن باورهای دین، رویش کرده و برخاسته از اعتقاد اصیل و استوار شیعه است.

حال، چنان‌چه از بعد روان‌شناختی به مسئله بنگریم، نقش امید را در سلامت روانی، تعیین‌کننده و محوری خواهیم یافت.  
دوآن شولتس\* می‌نویسد:

سلامت روانی، پیش‌نگر است، نه پس‌نگر. دورنما، چیزی است که شخص امیدوار است بشود نه آن‌چه پیش‌تر روی داده است و دگرگونی‌پذیر نیست.<sup>۲</sup>  
او می‌افزاید:

من، نگاهی را که به آینده می‌نگرد و بر هدف‌ها، آمال و رؤیاهای درازمدت تمرکز می‌یابد، خوشایند می‌یابم. البته پیش‌بینی و برنامه‌ریزی و تلاش برای آینده، از ماندن در روی داده‌های گذشته، سالم‌تر به نظر می‌رسد.<sup>۳</sup>  
کانت، طرح مسئله‌ی امید را از ویژگی‌های هوش‌مندی آدمی تلقی می‌کند و می‌نویسد:

برای هر کس که متنبه و هوشیار باشد و در کار دنیا و حال خود بنگرد، سه سؤال پیش می‌آید:  
یکی، چه می‌توانم بدانم؟

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

\* Doan Shults.

۲ و ۳. روان‌شناسی کمال، ترجمه‌ی گیتی خوشدل، ص ۴۳.

دوم این که، چه باید بکنم؟

سوم این که: چه امید و انتظاری می توانم داشته باشم؟<sup>۱</sup>

آلپورت،\* یکی از صاحب نظران علم شخصیت معتقد است:

[اشخاص برخوردار از سلامت روان] فعالانه در پی هدفها و امیدها و رؤیاهای خویشند، و رهنمون زندگی شان، معناجویی و ایثار و حسن تعهد است. تعقیب هدف، هیچ گاه پایان نمی پذیرد. اگر هدفی را باید کنار گذاشت، باید بی درنگ انگیزه‌ی نوینی آفرید. افراد سالم به آینده می اندیشند و در آینده زندگی می کنند.<sup>۲</sup>

رویکرد «آینده گرا» با ویژگی «سلامت روان» از نسبت معقول و منطقی برخوردار است.

چنین نسبتی را در بیان ویکتور فرانکل\*\* به روشنی می یابیم:

شخصیت های سالم، ویژگی های دیگری هم دارند؛ به آینده می نگرند و به هدفها و وظایف آتی توجه می کنند. در واقع به چنین هدفهایی نیاز دارند. این ویژگی انسان است که تنها با نگرش به آینده می تواند زندگی کند.<sup>۳</sup>

او در ادامه ی نظریاتش می افزاید:

بدون اعتقاد به آینده، «محمل معنوی» زندگی از میان می رود و روح و جسم به سرعت محکوم به فنا می گردد. باید برای ادامه ی زندگی دلیلی داشت؛ در راه هدفی آتی کوشید، وگرنه زندگی معنای خود را از دست می دهد.<sup>۴</sup>

۱. محمد علی فروغی، سیر حکمت در اروپا، ج ۲، ص ۲۵۳.

\* Gordon Willard Allport (۱۸۹۸-۱۹۶۷)

۲. روان شناسی کمال، ص ۲۵.

\*\* Victor Frankle

۳. همان، ص ۲۱۰.

۴. همان، ص ۲۱۰ و ۲۱۱.

به نظر «فرانکل»، اعتقاد به آینده، هم عامل معنا داشتن زندگی و هم عامل تداوم و استمرار آن است. چنین تعبیری، یک نقطه‌ی اوج در میان نظریات روان‌شناسان در این زمینه است.

انتظار در مکتب شیعه، علاوه بر این که، نوعی امید به آینده است، چشم به راه یک روی داد بزرگ و تحول عمیق، بودن است؛ چرا که طی شدن فاصله‌ی میان غیبت و ظهور یک پدیده‌ی عادی نیست؛ بلکه حادثه‌ای به وسعت همه‌ی تاریخ بشر است. برای تجسم عظمت آن، اشاره به این نکته کافی است که امام مهدی (عج)، تبلور همه‌ی آرمان‌ها و آرزوهای محقق نشده‌ی انسان در طول قرون و اعصار گذشته تا کنون است.

بر این اساس، فردای ظهور، فردایی است روشن‌تر و بهتر از امروز؛ زیرا همه‌ی اختلافات و خصومت‌ها که ناشی از محدودیت اندیشه و نارسایی عقل بشر است، از میان برمی‌خیزد و در پرتو شکوفایی خرد، جای خود را به عطوفت، رحمت و مناسبات صمیمانه می‌بخشد.

با تکیه بر این مبانی، دیگر افسردگی در میان پیروان مکتب انتظار جایی ندارد. در غیر این صورت است که آدمی، دلیلی برای بهتر بودن فردا ندارد؛ بنابراین بیش‌تر در معرض افسردگی و ناامیدی قرار می‌گیرد. اهمیت این مطلب، زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم افسردگی، به عنوان بیماری قرن، شایع‌ترین و دشوارترین اختلالی است که انسان معاصر با آن مواجه بوده و به شدت از عوارض آن رنج برده است؛ چرا که رشته‌های امید خود را بریده و گسیخته می‌بیند.

## ۲. پویایی معطوف به هدف

زندگی، زمانی با معنا است که جوهر حرکت در آن باشد و به تعبیر دیگر، انسانی که پویا و فعال و پر تحرک است، معنایی برای بودن خویشتن می‌یابد؛

زیرا می‌تواند خود را از سطح رکود و روزمره‌گی، به مرحله‌ی پویایی برساند. وقتی فرد، به وضعیت موجود راضی نیست و در صدد تحقق شرایط بهتری تلاش می‌کند، به این معنا است که خود نیز نقشی در آن ایفا می‌کند و تماشاگر نیست؛ بلکه ایفاگر وظیفه‌ای خاص است.

دوآن شولتس، در توصیف چنین حالتی می‌نویسد:

چیزی که به زندگی شور و هیجان می‌بخشد تعقیب است نه تسخیر، راه است نه مقصد، تلاش است نه کام‌یابی.<sup>۱</sup>

پویایی از دو منظر قابل بررسی است؛ نخست این که انسان پویا به نفعی هرگونه بی‌تفاوتی بر می‌خیزد و همین امر، زمینه‌ساز نوآوری، خلاقیت و جست‌وجوی همیشگی امور بدیع است و تأثیر آن نیز رضایت نسبی آدمی از خویشتن و زندگی است؛ زیرا بخشی از آثار وجودی خویش را شاهد بوده و آن‌ها را باور دارد. دیگر این که هرگونه تحرک و پویایی نیز دارای چنین آثاری نخواهد بود؛ زیرا حرکت بدون هدف، عقیم بوده و داشتن هدف بدون حرکت نیز بی‌معنا است. از این روی پویایی معطوف به هدف، مورد نظر است؛ زیرا شامل هر دو مؤلفه است.

بنابراین، بر اساس این مقدمات می‌توان گفت که انتظار امام عصر (عج)، در منتظرانش، شامل هر دو مؤلفه‌ی «پویایی» و «معطوف به هدف بودن» است؛ زیرا منتظر به جامعه‌ای می‌اندیشد که تمامی وعده‌های انبیا و اولیا در آن به وقوع خواهد پیوست و از این روی تلاش می‌کند تا به میزان توانایی و درک مسئولیت خویش، در ساختن چنین جامعه‌ای سهمیم باشد. از سوی دیگر، او می‌داند که برای چه تلاش می‌کند؛ انگیزه‌های آشکار، منطقی، معقول و قابل دفاع دارد؛ بنابر این تمامی تلاش‌های او، معطوف به هدفی والا به نام

«انتظارِ ظهور» می‌شود و این هدفی معنادار و ارزش‌مند است.

تجلی این‌گونه تلاش‌ها را در فرمایش امام صادق علیه السلام، می‌بینیم:

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم (عج) باشد، باید در انتظار او باشد، به نیکویی و پرهیزکاری رفتار نماید؛ پس اگر او به این حال، پیش از قیام او از دنیا برود، پاداش یاران مهدی را خواهد گرفت؛ بنابر این بکوشید و جدیت کنید و چشم به راه باشید که بر شما گوارا باد.<sup>۱</sup>

برخی از روان‌شناسان مکتب کمال، نظیر «ویکتور فرانکل»، معتقدند در وجود انسان، توانایی‌هایی نهفته است که جز در موقعیت‌های خاص، بروز و ظهور نمی‌یابند؛ موقعیت‌هایی نظیر برخورد با سختی‌ها و تنگناها که آدمی را به پویایی و تحرک وا می‌دارد و همین خود انگیزی‌ها، عامل تحقق خویشتن و خود شکوفایی است. رویکردهای او که برگرفته از دوران سخت اسارت در بازداشت‌گاه‌های مخوف آلمان نازی است، با زیبایی هر چه تمام‌تر در کتاب انسان در جست و جوی معنا به تصویر کشیده شده است.<sup>۲</sup>

حضرت علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه به این مطلب اشاره دارند:

... وَ كَأَنِّي بِقَائِلِكُمْ يَقُولُ: «إِذَا كَانَ هَذَا قَوْلُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَدْ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ عَنْ قِتَالِ الْأَقْرَانِ وَ مُنَازَلَةِ الشُّجْعَانِ» أَلَا وَ إِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُوْدًا وَ الرَّوَاعِ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا وَ النَّابِتَاتِ الْعِدِيَّةَ أَقْوَى وَ قُوْدًا وَ أَبْطَأُ خُمُودًا...<sup>۳</sup>

... گویا می‌شنوم که شخصی از شما می‌گوید:

«اگر غذای فرزند ابوطالب همین است، پس سستی او را فراگرفته و از نبرد با

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰؛ نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

۲. ویکتور فرانکل، انسان در جست‌وجوی معنا، ترجمه‌ی دکتر میلانی.

۳. نهج البلاغه ی صبحی صالح، ص ۴۱۸.

هماوردان و شجاعان باز مانده است.»

آگاه باشید! درختان بیابانی، چوبشان سخت‌تر، و درختان کناره جویبار پوستشان نازک‌تر است. درختان بیابانی که با باران سیراب می‌شوند آتش چوبشان شعله‌ورتر و پردوام‌تر است...<sup>۱</sup>

در یک جمع‌بندی، آثار تربیتی انتظاری پویا و معطوف به هدف، عبارتند از:  
الف) به جریان افتادن نیروهای نهفته و سرمایه‌های راکد انسان در پرتو دوران سخت انتظار؛

ب) پالایش درون و به مرحله‌ی خلوص رسیدن به جهت طولانی شدن دوران غیبت؛

ج) معنا یافتن زندگی در پرتو پویایی معطوف به هدف، با نگاه تطبیقی به زندگی بدون هدف و فرجام آن که تهی شدن از درون و روز مره‌گی است؛

د) رشد قدرت تحمل در برابر ناملازمات و تنگناها به جهت قداست و عظمت هدف که در انتظار حضرت بودن، معنا می‌یابد؛

ه) فراتر رفتن از مرز انسان متعادل و رسیدن به مرحله‌ی انسان متعالی؛  
و) از سطح و مرحله‌ی رنج‌های حقیر مادی، رها شدن و به وادی رنج‌های عظیم معنوی و دغدغه‌های بزرگ انسانی، گام نهادن؛ هم‌چون رنج انتظاری راستین و طولانی را بر دوش کشیدن و چشم به دروازه‌های روشن ظهور داشتن.

### ۳. استقرار وحدت و هم‌بستگی

چنان‌چه، انتظار را به عنوان یک آرمان بنگریم، در جنبه‌های فردی و اجتماعی نیز دارای آثاری خواهد بود. نخست از لحاظ فردی، موجب تمرکز

۱. نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، نامه ۴۵، ص ۵۵۴.

افکار و نیروهای آدمی می‌شود؛ زیرا همه‌ی آن‌ها، ناظر به یک هدف، یعنی انتظار ظهور هستند و این امر به نوبه‌ی خود، موجب وحدت شخصیت او می‌گردد. در مقابل، می‌توان به پراکنده بودن و متفرق بودن تلاش‌های انسان اشاره نمود که هیچ نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. این معنا در قرآن کریم چنین آمده است: «هر آینه سعی و کوشش شما پراکنده است»<sup>۱</sup>.

آپورت در بیان چنین رابطه‌ای می‌نویسد:

تلاش برای آینده، به کل شخصیت آدمی، یگانگی و یک‌پارچگی می‌بخشد ... به عبارت دیگر، می‌توان با کوشش برای دست‌یافتن به مقاصد و رسیدن به هدف‌ها، جنبه‌های شخصیت را یک‌پارچه ساخت و جامعیت بخشید.<sup>۲</sup>

وحدت شخصیت، از هرز رفتن توانایی‌ها و قابلیت‌ها، جلوگیری می‌کند و زمینه‌ی رشد و ظهور قدرتی شگرف و فوق‌العاده را فراهم می‌کند؛ زیرا چنین وحدتی در درون آدمی، تضادهای درونی را از میان بر می‌دارد؛ همان تضادهایی که برخی انسان‌ها را پیوسته رنج داده، توان‌شان را به شدت می‌کاهد. در این جا به نقل مطلبی از «کارن هورنای\*» می‌پردازیم. او یکی از روان‌کاوان هم‌عصر ما است. وی با تألیف معروف‌ترین اثرش به نام تضادهای درونی ما معتقد است که بیش‌ترین عامل اثرگذار بر سلامت روانی اشخاص را باید در پدیده‌ی تضادهای درونی آنان جست‌وجو نمود و چنان‌چه آنان بتوانند به گونه‌ای بر این تضادها فائق آیند، دیگر موجبی برای اختلال در سلامت روانی آنان وجود نخواهد داشت.<sup>۳</sup> وی هم‌چنین به بیان حکایتی از

۱. لیل (۹۲) آیه‌ی ۴.

۲. روان‌شناسی کمال، ص ۱۹ و ۲۰.

\* Karen Horney (۱۸۸۵-۱۹۵۲)

۳. ترجمه‌ی محمد جعفر مصفا، ص ۲۹.

### فلسفه و حکمت خاور دور می پردازد:

مریدی از پیر و مرشد خود پرسید: ای حکیم، به من بگو این چه نیرویی است؟  
و این چه قدرتی است که در پنجه‌ی شیر نهفته است؟

پیر جواب داد: نیروی وحدت با خود. اخلاص و صمیمیت چنین نیرویی  
ایجاد می‌کند. در حقیقت، استفاده از تمام نیروهای معنوی یک دل  
و یک جهت.<sup>۱</sup>

از بعد اجتماعی نیز، وحدت قابل تأمل است. وجود هدف مشترک در  
یک ملت یا جامعه، موجب نوعی پیوند، دل بستگی و وحدت میان معتقدان به  
آن هدف می‌شود. در میان جامعه‌ای که بزرگ‌ترین آرمانش، ظهور  
امام عصر (عج) است، نوعی هم‌دلی، هم‌نوایی و هم‌اندیشی پدید می‌آید.  
چنین هدفی از چند جهت از هدف‌های دیگر متمایز است:

۱. این هدف چون در واژه‌ی «انتظار»، معنا می‌یابد، دارای قداست ویژه‌ای  
است و هیچ هدف دیگری در معنویت و قداست به پایه‌ی آن نمی‌رسد؛ چراکه  
این یک انتظار معمولی نیست، بلکه طولانی‌ترین انتظار برای ظهور کامل‌ترین  
انسان عصر است.

۲. چنین هدفی که با مسئله‌ی امامت و رهبری حضرت ولی عصر (عج)  
در عصر ظهور ایشان، ارتباط می‌یابد، از لحاظ مراتب ارزشی، در اوج  
اهداف و آرمان‌های یک جامعه قرار می‌گیرد؛ زیرا هیچ موضوع دیگری به سان  
این امر، به حیات و بقای جامعه، بستگی پیدا نمی‌کند؛ چه، آن که «به یمن  
وجود اوست که به خلق، روزی می‌رسد و زمین و آسمان به وجودش برقرار است  
و به واسطه‌ی او خدا زمین را پر از عدل و داد می‌کند پس از آن که پر از



بیداد و ستم شده باشد»<sup>۱</sup>.

وقتی از جای‌گاه امام علیه السلام در برپایی جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، سخن به میان آید، بی‌مناسبت نخواهد بود که تا اندازه‌ای چنین جای‌گاهی، روشن شود.

#### ۴. مراقبت دائمی

یکی از پی‌آمدهای طبیعی و منطقی انتظار، احساس حضور است. منتظر واقعی، با اعتقاد به این که اعمالش، پیوسته در منظر آن عزیز واقع می‌شود، نسبت میان خود و آن حضرت را در احساس حضور، متجلی می‌بیند و هر جا که باشد، گویی خود را در خیمه‌ی آن حضرت و گوش به فرمان ایشان، احساس می‌کند و لازمه‌ی انتظار حقیقی را، تلاش برای جلب رضایت ایشان می‌داند؛ بنابر این برای تحقق این مهم، نه تنها، عمل به واجبات و ترک محرمات را وجهه‌ی همت خویش قرار می‌دهد، بلکه از هر غفلی نیز پرهیز می‌کند؛ همان‌گونه که استغفار خواص، استغفار از گناه نبوده و نیست بلکه آنان هر غفلی از یاد خدا و انس با محبوب را برای خود گناهی بزرگ می‌شمردند و از آن استغفار می‌کردند.

منتظر، به یاری معرفت خویش، امام علیه السلام را در غیبت، هم چون خورشید پشت ابر دانسته، و او را ناظر بر حالات و نیت خود می‌داند و چیزی را از دیدگان آن حضرت مخفی نمی‌پندارد. و در چنین موقعیتی است که احساس حضور معنا پیدا می‌کند.

برای استناد به کلام معصومین علیهم السلام به ذکر دو نمونه بسنده می‌کنیم:  
 امام علی علیه السلام در پاسخ به پرسش یکی از مؤمنین درباره‌ی حدود آگاهی و  
 میزان اشراف امام، فرمودند:

هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین از ما غایب نیست.<sup>۱</sup>

و امام عصر (عج) در بخشی از توقیع مبارک شان به شیخ مفید رحمته الله علیه فرمودند:  
 ما بر آن چه بر شما می‌گذرد، احاطه‌ی علمی داریم و هیچ یک از خبرهای شما از  
 ما پوشیده نیست ... ما نسبت به رعایت حال شما اهمال نمی‌کنیم و یاد کردن  
 شما را فراموش نمی‌کنیم.<sup>۲</sup>

او همان بزرگواری است که در زیارت روز جمعه‌اش می‌خوانیم: «السَّلَامُ  
 عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ؛<sup>۳</sup> سلام بر تو ای چشم خدا در میان آفریدگانش».  
 بنابراین با تکیه بر این مبانی، می‌توان نتیجه گرفت که آن حضرت بر اوضاع و  
 احوال بندگان خدا آگاه است.

حال باید دید که احساس حضور از جهات تربیتی چه اثراتی دارد؟  
 یقین داشتن به این مطلب که هیچ یک از اعمال ظاهری و نیات باطنی ما  
 از چشمان با نفوذ آن حضرت مخفی نمی‌ماند، در مرحله‌ی اول، منجر به  
 مراقبت دایمی اخلاقی خواهد شد؛ زیرا میان «انتظار» و «عمل مورد پذیرش  
 منتظر»، تلازم منطقی وجود دارد و در غیر این صورت «انتظار» امری بی معنا  
 خواهد بود.

منتظر، پیوسته مراقب مجموعه‌ی گفتارها و رفتارهایش خواهد بود تا

۱. سید محمد بنی هاشمی، معرفت امام عصر (عج)، ص ۳۰۰.

۲. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۵.

۳. مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت حضرت امام زمان (عج) در روز جمعه.

موردی بر خلاف رضای محبوبش، از او صادر نشود. و این مسئله در حقیقت، به پالایش درونی و صفای باطنی خواهد انجامید؛ به گونه‌ای که در پرتو چنین مراقبه‌ای، قابلیت ارتقا می‌یابد و این امر، خود به خود به تحقق یک هدف تربیت اخلاقی منجر می‌شود. این هدف، ناظر به این است که عامل نظارت و کنترل فرد، باید قبل از هر چیز، جنبه‌ی درونی داشته باشد، نه جنبه‌ی بیرونی. و این وضعیت درونی که همیشه پایدار و مستمر است، رفتار فرد را در جهت اهداف معینی، جهت می‌بخشد. در حقیقت باید بگوییم، انضباط اخلاقی و خویشتن داری، چنانچه متکی بر عوامل و پایه‌های درونی باشد، از استمرار، دوام، عمق و اخلاص ویژه‌ای برخوردار خواهد بود و در صورتی که بر پایه‌ها و عوامل بیرونی، استوار باشد، از برخی آفات عمل هم چون تظاهر، ریا و گسیختگی و انقطاع عمل، مصون نخواهد ماند. از این روی در صورتی که بتوانیم وابستگی فرد را به عوامل خارجی کاهش داده، یا آن را قطع کنیم و آن را فقط وابسته به ارزش عمل، رضای حق و تأیید امام عصر (عج) بدانیم، یک هدف مهم در تربیت اخلاقی، تحقق یافته است. و ثمره‌ی آن، منتظرانی هستند که در نیت و عمل، خالص بوده، هرگز لحظه‌ای از واری اعمال خویش غفلت نمی‌کنند.

در خبر آمده است:

از بزرگی پرسیدند: نفیس‌ترین چیزی که به آسمان بالا رود چیست؟  
گفت: اخلاص، پرسیدند: نفیس‌ترین چیزی که از آسمان به زمین  
فرود می‌آید چیست؟ گفت: توفیق.

انسان‌های تربیت شده و الهی، می‌دانند که شرط جوان‌مردی آن است که بدانند وقتی بر سر سفره‌ی روزی و نعمت الهی می‌نشینند، روزی خوار نعمت‌هایی هستند که خداوند برای آنان به یمن وجود مبارک امام عصر (عج)

مقدر فرموده است؛ زیرا معتقدند:

و بِیْمِنِهِ رُزِقَ الْوَرَىٰ وَ بِوُجُوْدِهِ تَبَّتْ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ؛

و به برکت (وجود) او به خلق روزی می‌رسد و به ذات وجودش زمین و آسمان بر جای خود می‌باشند.<sup>۱</sup>

بنابر این چنین افرادی، هرگز به فکرشان خطور نمی‌کند که عملی برخلاف رضای آن حضرت که رضای خدا است، انجام دهند و دایم در حال مراقبه، مشارطه و محاسبه‌ی نفس خویش‌اند و دارای همان شخصیتی هستند که مورد قبول آن بزرگوار است. و اگر مقام و مرتبه‌ی منتظر از این مراتب نیز فراتر رفت و به منزلت اولیای خدا رسید، در آن مرحله، حتی از اندیشه و فکر گناه نیز پرهیز می‌کند که نیک می‌داند؛ استمرار و تداوم اندیشه‌ی گناه، مقدمه‌ی عمل گناه است.

## ۵. سلامت اخلاقی جامعه

از جهات تربیتی و اخلاقی فرد سالم، زمینه ساز جامعه‌ی سالم است و جامعه‌ی سالم، عامل تداوم و بقای فرد سالم است و این دو در تعامل با یکدیگرند. بنابراین نوعی التزام منطقی میان سلامت اخلاقی فرد و سلامت اخلاقی جامعه، وجود دارد. گفتنی است که منظور از واژه‌ی «سلامت»، مصونیت دین در سطح فرد و جامعه است.

مصونیت دین، در پرتو تقوا امکان‌پذیر است. همان عاملی که عمل به آن، یکی از مهم‌ترین وظایف شیعیان و پیروان امام عصر (عج) در زمان غیبت

۱. مفاتیح الجنان، بخشی از دعای عدیله.

است؛<sup>۱</sup> زیرا آن حضرت، معنای تقوا است و انتظار منطقی آن است که منتظرانش نیز از نوعی سنخیت نسبی با ایشان برخوردار باشند تا در اظهار محبت و ارادت آنان به آن حضرت، نشانه‌ای از صداقت، مشاهده شود.

از سوی دیگر، در رأس فرمایشات معصومین علیهم‌السلام سفارش به تقوا به چشم می‌خورد:

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

قسم به خدا، شما بر دین خدا و فرشتگان او هستید؛ پس ما را نسبت به این امر

(دین داری خودتان) به وسیله‌ی ورع و اجتهاد یاری نمایید.<sup>۲</sup>

هم ایشان در سفارش دیگری می‌افزایند:

بر شما است رعایت کردن ورع، به درستی که ورع، آن دینی است که ما ملتزم به

آن هستیم و خدا را به وسیله‌ی آن بندگی می‌کنیم و همین را از اهل ولایت و

محبت خود انتظار داریم. ما را به خاطر شفاعت کردن به سختی و زحمت

نیندازید.<sup>۳</sup>

سیری کوتاه در حالات و زندگی نواب خاص آن حضرت بیان‌گر این واقعیت

است که همه‌ی آن بزرگواران، اهل تقوا و پرهیزکاری بودند و یگانه‌ی زمان

خویش. هم‌چنین، گذری بر زندگی نامه‌ی افراد سعادت‌مندی که در دوران

غیبت، به دیدار آن حضرت مشرف شده‌اند، مؤید همین معنا است که آنان نیز

در خصیصه‌ی تقوا و پاکی نیت، از بهترین‌های دوران خود بوده‌اند.

علاوه بر این‌ها در حدیثی از امام حسن عسکری علیه‌السلام آمده است:

۱. سید محمد بنی هاشمی، معرفت امام عصر (عج)، ص ۳۱۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۷، ح ۲۰۴۱۰.

۳. همان، ص ۲۴۸، ح ۲۰۴۱۱.

هر کدام از فقها (مراجع تقلید) که نگه‌دارنده‌ی نفس خود و حافظ دین خود و مخالف هوی و هوس خود و مطیع فرمان پروردگارش باشد، بر عوام است که از وی تقلید کنند.<sup>۱</sup>

در این فرمایش حضرت، مشاهده می‌شود که یکی از شرایط مرجعیت، خویشتن‌داری و صیانت نفس و به عبارت دیگر، پرهیز از تبعیت هوای نفس یا تقوای الهی است.

بر اساس این مقدمات ورع و تقوا و خویشتن‌داری در بحث انتظار آن حضرت و ارادت صادقانه به ایشان، نقشی محوری دارد؛ به این معنا که منتظران حقیقی، دارای خصیصه‌ی تقوا هستند و نیز پدیده‌ی «انتظار» در فرد و جامعه‌ی منتظر، به گونه‌ای منطقی، تقوا می‌آفریند و فرد و جامعه، هر دو را به جانب سلامت اخلاقی، سوق می‌دهد. چنین نتیجه‌ای را می‌توان، به شکل زیر صورت‌بندی منطقی بخشید:

منتظر حقیقی، نیک می‌داند که محبت به امام عصر (عج) شرط لازم است ولی شرط کافی، تبعیت و جلب رضایت آن حضرت است و جلب رضایت ایشان، تحقق خواسته‌های آن بزرگوار، از جمله رعایت «تقوای الهی» است؛ بنابر این به میزان عشق و ارادت خویش به آن عزیز، در جهت رشد و تقوا و خویشتن‌داری می‌کوشد. از این روی، انسان منتظر، انسانی است متخلق که صفت تقوا در اوج صفات دیگر وی، جای گرفته است. او هم‌چنین با درک مسئولیت اجتماعی، نسبت به اصلاح جامعه، در حد توان خود تلاش می‌کند و هرگز تسلیم یأس و روزمره‌گی نمی‌شود. توضیح این مطلب ضروری است که منتظر حقیقی، انحرافات اجتماعی را تحمل نمی‌کند

۱. همان، ج ۲۷، ص ۱۳۱، ح ۳۳۴۰۱.

و بر ضد آن می‌شورد.

کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یاری‌گر همین معنا است:

هر کس از شما که کار زشتی را (در جامعه) دید، قطعاً با عمل خود به آن اعتراض کند؛ و اگر قدرت آن را ندارد، با زبان خود به آن اعتراض کند؛ و اگر قدرت آن را ندارد، با قلب خود به آن اعتراض نماید (یعنی نسبت به آن بی‌اعتنایی کند) و این (کراهت و اعتراض قلبی) پایین‌ترین درجه‌ی ایمان است.<sup>۱</sup>

خانواده نیز که واحد بنیادین جامعه است، در زمان انتظار، در معرض تحولی اساسی، واقع می‌شود؛ زیرا فرد فرد خانواده‌ی منتظر، سعی در ایجاد و بهبود یک نظام متعادل و بالنده می‌نمایند و روابطشان، بر مبنای درک و شناخت حقوق متقابل فرد و خانواده، تنظیم می‌شود. بدیهی است در چنین محیطی، عشق، محبت، صمیمیت و تفاهم حاکم است و چنین خانواده‌هایی، توانایی ایجاد جامعه‌ای سالم و صالح را خواهند داشت.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

۱۰

# شیوه‌های ایجاد انس در کودکان، نوجوانان و جوانان با وجود مبارک امام زمان (عج)

دکتر علی اصغر احمدی<sup>۱</sup>

---

۱. استاد دانشگاه و قائم مقام وزیر آموزش و پرورش در سازمان انجمن اولیا و مربیان کشور.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### پیش درآمد

در بحث انتظار، یکی از مسائلی که درباره‌ی تربیت است، این است که اصلاً چه کسی را می‌خواهیم تربیت کنیم. در کار تربیتی و آموزشی که آموزش ابزاری است برای کار تربیت، پیوسته صحبت از اهداف می‌شود و امروزه هدف‌های رفتاری بیش‌تر مورد توجه است. این که مشخص شود چه رفتاری مورد انتظار است که در نهایت آن فرد به آن برسد که بتوانیم بگوییم آقا به این رفتار رسیده یا نرسیده است. اگر بخواهیم دانستن را که یک امر پنهانی است به رفتار که امری آشکار است تبدیل کنیم، باید فعلش را طوری ادا کنیم که آن فعل با نام بردن یا نوشتن، قابل مشاهده باشد؛ هر چند این تبدیل اهداف رفتاری گام خوبی است و در جهت این که در تربیت در آموزش به کجا می‌رسیم و به چه سمتی قدم بر می‌داریم، بسیار مؤثر و سازنده است؛ ولی در عین حال انتقادهای بسیار بزرگی در این زمینه وارد است. و آن این که گاهی اگر افراد را بخواهند در قالب رفتاری تعریف کنند، نمی‌توانند بسیاری از ابعاد شخصیتی‌شان را در آن قالب بریزند؛ بنابراین حد میانه‌ای را مد نظر قرار می‌دهیم؛ یعنی از طرفی می‌گوییم، باید از یک طرف اهداف کلی را مد نظر بگیریم و از طرفی اهداف رفتاری را، که آن اهداف رفتاری در حقیقت به ما نشان بدهد که به کجا می‌خواهد برسد و کجا باید

برسد. ما، در تربیت نسلِ منتظر، هر دو مقوله را احتیاج داریم تا ویژگی‌های شخصیتی شخص منتظر را بیان کنیم.

وجود مقدس امام زمان (عج) در نفس الأمر، در واقعیت خودش و در تکوین عالم جایگاهی دارد که اگر کسی منتظر او باشد یا نباشد، خود او وجود مستقلى برای عالم دارد و آن وجود خلیفه‌اللهی خداوند در عالم است؛ بقیة‌الله روی زمین است؛ امانِ اهل زمین است. خداوند، زمین را به وسیله‌ی او پراز عدل و داد می‌کند.

حال ما انسان‌ها نسبت به او چه موضع و موقعیتی باید داشته باشیم. در حقیقت انتظار از آن ما است؛ او منتظر است، ما منتظریم.

## مفهوم انتظار

انتظار به معنای تربیتی یعنی چه؟ و چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه می‌باید تحقق پیدا کند؟

انتظار یک صفت و ویژگی است که باید در خودمان بی‌پروانیم و تجربه کنیم و مورد بحث قرار دهیم. در حقیقت انتظار، یک هدیه‌ی الهی است برای ما انسان‌ها؛ یعنی خداوند به بعضی از انسان‌ها این توفیق را عنایت کرده که آگاه باشند که امامی در پس پرده‌ی غیبت است و آگاه باشند که باید منتظر او باشند و خود این مسئله، اولین صفتِ انسانِ منتظر را می‌سازد.

## ویژگی‌های انسان منتظر

### ۱. اندیشیدن به آینده

یکی از ویژگی‌های انسان منتظر این است که به واقع‌های که در آینده اتفاق خواهد افتاد، ایمان دارد. این موضوع را اگر شما با این رویکرد ملاحظه کنید که

اگر در وجود انسان این قابلیت بود که بتواند وقایع آینده را پیش‌بینی کند، چه می‌شد. یا مثلاً در آمریکا اگر عده‌ای می‌دانستند چنین اتفاقی خواهد افتاد، خودشان را آماده‌ی این اتفاق می‌کردند.<sup>۱</sup> خداوند دو هدیه‌ی بزرگ به ما کرامت فرموده است؛ نخست این که قیامت را وعده داده است و در آینده اتفاق خواهد افتاد، دوم این که، موعودگرا است.

آینده‌ای را به نام عصر ظهور پیش‌بینی کنیم که در آن، شیعیان منتظر دوازدهمین حجت الهی، حضرت مهدی‌اند. بنابر این یکی از ویژگی‌های تربیتی انسان منتظر این است که به آینده‌ای با وقایع و ویژگی‌های خاص می‌اندیشد.

## ۲. آمادگی

دومین ویژگی انسان منتظر، آمادگی است؛ یعنی نسل منتظر، کودک و نوجوان و جوان ما باید بدانند که در عصر ظهور چه کاره است و دارای چه نقشی است. انسان منتظر باید آمادگی کارگزاری حکومت جهانی داشته باشد. امام زمان (عج) به نیرو و آدمی نیاز دارد که بتواند با پدیده‌ها و شرایط مواجه شود. این امر که افراد، در دوران غیبت قابلیت‌ها و تخصص‌های خودشان را گسترش ندهند، با مفهوم انتظار، تطابق ندارد.

## ۳. امید به آینده‌ی جهان

یکی دیگر از ویژگی‌های نسل منتظر، امیدواری و نگرش مثبت به آینده‌ی جهان است. اگر ما خودمان را در این شرایط ببینیم، تصور کنیم که منتظر

---

۱. منظور، وقایع بیستم شهریور ۱۳۸۰ ه. ش (یازدهم سپتامبر در آمریکا) است.

دادگستر و عدل گستر جهان هستیم، در راستای این اهداف تلاش خواهیم کرد. ادیانی که موعودگرا نیستند، یک نگرش کاملاً منفی و یأس آور نسبت به جهان دارند. اگر امید به آینده نباشد، انسان دچار افسردگی خواهد شد. اگر به آینده‌ی جهانی بیندیشیم که به دست بوش<sup>۱</sup> و امثال او اداره می‌شود، احساس ناامیدی و خطر خواهیم کرد. سرنوشت جهان را بسیار تأسف‌آور و نگران کننده خواهیم دید.

#### ۴. جهانی شدن

چهارمین ویژگی که برای نسل منتظر می‌توان در نظر گرفت، این است که انسان از خویشتن و از خودش بیرون بیاید و جهانی شود. اصلاً یکی از ویژگی‌های انتظار این است که انسان‌ها را از درون خودشان بیرون بیاورد و از این که به مسائل جزئی و زندگی خودشان بپردازند، دوری کنند. خود محوری برای جامعه بسیار خطرناک است. کسی که درخت را از خیابان می‌کند و در منزل خویش می‌کارد، اندیشه‌ی این آدم در حقیقت، از خودش و خانه‌ی خودش فراتر نمی‌رود.

و خود محوری یعنی این که خود را در حد خودش و خانه‌ی خودش ببیند. هر چیزی، در خانه‌ی او معنا دارد؛ در درون خانه‌ی او ارزش دارد؛ فراتر از خانه‌ی خودش نمی‌اندیشد؛ به شهر نمی‌اندیشد؛ به کشور نمی‌اندیشد؛ انگار فقط همین نسل است و بس.

انتظار، انسان را از خانه‌ی خود بیرون می‌آورد و جهانی می‌کند.

۱. رئیس جمهور فعلی آمریکا (۱۳۸۰ ه. ش).

اصلاً ما می‌خواهیم نسل منتظر را تربیت کنیم؛ نه فقط یک شهروند. اگر بخواهیم یک نوجوان را تربیت کنیم باید بتوانیم او را با انتظار و مفهوم آن آشنا کنیم. باید به او بفهمانیم که تو برای خودت و در چارچوبه‌ی خودت زندگی نمی‌کنی؛ باید به جهان بیندیشی، به حکومتی که بر جهان حاکم است.

خوش‌بختانه در رگه‌هایی که با عنایت خود امام (عج) در وجود جوانان، به وجود آمده، کاملاً دیده می‌شود که مثلاً دانش‌جوی مهندسی این‌گونه می‌اندیشد که من باید پاسخ‌گوی امام زمانم باشم؛ امامی که حکومت جهانی برقرار خواهد کرد. حال اگر ایشان را درک کردم که به مقصود رسیده‌ام؛ در غیر این صورت نیز باز پاسخ‌گوی او هستم و برای تحقق حکومتش تلاش کرده‌ام. او از عمل و حاصل عمل ما آگاه است.

و از آن طرف، متأسفانه در دستگاه‌ها و ادارات ما برخی از افراد، گویا با همین رئیس که بالای سرشان است مواجهند؛ مثلاً می‌گویند، آقا تا وقتی در این اداره وضعیت این‌گونه است، من مانند شمعی کار می‌کنم؛ یعنی شعله‌ور نمی‌شوم. این حرف در حقیقت حرف آدمی است که گویی رئیسش همین کسی است که بالای سرش است. نسل منتظر نباید این‌گونه باشد. او باید پاسخ‌گوی امام زمانش باشد؛ یعنی هر کس که منتظر است؛ کارمند، دانش‌جو، طلبه، پزشک و ... باید امام زمان (عج) را بالای سرش ببیند، نه رئیس و وزیر و رئیس جمهور و ... را.

علاوه بر مسئله‌ی پیش‌گفته، مسئله‌ی نیاز به ولی و مرشد است. کسی که به او عشق بورزیم و او را از صمیم دل دوست بداریم و به گونه‌ای عمل کنیم که گویی ذره ذره‌ی عمل ما با هدایت او انجام می‌گیرد.

## ۵. زیستن با یاد او

ما باید این آرزو را داشته باشیم که اگر توفیق زیارت ایشان حاصل شد، چگونه زیستن و چگونه مردن را از او بی‌رسیم. نسل منتظر باید منتظر لحظه‌ای باشد که وقتی امامش را می‌بیند، صراط مستقیم را با تمام اجزای آن از امام بخواهد؛ منتها این کار احتیاج به آمادگی دارد. «... فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ...»<sup>۱</sup> جمله‌ای نبود که علی علیه السلام در هنگام ضربت خوردن به ذهنشان رسیده باشد؛ امام سراسر عمرشان با این جمله زیسته بودند و منتظر این لحظه بودند؛ لحظه‌ی رهایی از دنیای تنگ و تاریک به سوی جوار الهی.

ما باید به نسل منتظر بیاموزیم، از امامی که در پس پرده‌ی غیبت است چگونه استفاده کند. نوجوانان ما باید لحظه به لحظه از امام زمان (عج) بهره بگیرند. من در تمامی مراحل درس و زندگی‌ام هرگاه توکل به خدا کردم و پشت سرش «یا مهدی ادرکنی»<sup>۲</sup> را گفتم، یعنی از او هم به عنوان ولی و امامم کمک خواستم، راه‌هایی را در مقابلم باز کرد. هر نعمتی که نصیب همه‌ی ما و بنده شده، از برکت یاری طلبیدن از امام زمان (عج) است. این را من به نوجوانان و جوانان منتقل می‌کنم. لحظه‌ای نباشد که از یاد امامشان غافل باشند. این‌ها نکاتی است که ما درباره‌ی بهره‌وری کودکان و نوجوانان باید به کودک و فرزندمان یادآوری کنیم که همین الان از امام کمک بخواهند و او کمک می‌کند و کمکش را در درازمدت خواهند دید، نه این که بگوییم امروز که کمک بخواهند، فردا یاری می‌بینند.

۱. بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۲: ... به خدای کعبه رستگار شدم ...

۲. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۱۸۴.

بنابر این، یکی از ویژگی‌های نسل منتظر این است که در همه‌ی اعمالش توجه به امام زمان (عج) دارد؛ ازدواج، تحصیل، غذا خوردن و ... اگر بخواهیم نسل امروز را تربیت کنیم، باید هدف‌های رفتاری و تربیتی ما این ویژگی‌ها باشد.

### روش‌های تربیت نسل منتظر

بحث بر سر این است که روش تربیتی ما چگونه باشد؟ چه روش‌هایی می‌تواند فرد را به این جا برساند؟

#### ۱. فضا سازی

اولین و مهم‌ترین نکته که باید تحقق پیدا کند، این است که فرد از اطرافیانش این مطلب را بگیرد که وجود امام زمان (عج) مسئله‌ای جدی است؛ شوخی بردار نیست و سستی و سهل‌انگاری در آن راه ندارد. از نظر من، تربیت یعنی فضا سازی.

ما در تربیت نمی‌توانیم آدم‌ها را تک به تک تربیت کنیم؛ اگر تربیت صحیح خواسته باشیم، باید فضا ایجاد کنیم. افراد وقتی در فضای خاصی قرار بگیرند، مطابق آن فضا حرکت خواهند کرد.

خیلی از چیزها احتیاج به ارائه‌ی مستقیم کار ندارد. یکی از دوستان پاکستانی را دعوت کردیم برای ولیمه‌ی حج؛ ایشان گفتند: غذاهای تان خیلی بدمزه است؛ یعنی غذاهای شما فلفل ندارد؛ طعم ندارد. من به این موضوع فکر می‌کردم که چه طور شده ما به چنین غذاهایی عادت کرده‌ایم و پاکستانی‌ها و هندی‌ها به آن غذاهای تند عادت کرده‌اند. این سؤالی است که خیلی از

روان‌شناسان پرسیده‌اند.

این‌ها یک تعلیم و تربیت پنهان است که از طریق فضاهایی که ایجاد می‌شود، شکل می‌گیرد. بعضی پدر و مادرها، در مورد درس خواندن بچه‌های‌شان مشکل دارند. هرچه آنان را امر به این کار می‌کنند، آنان سر باز می‌زنند. مشکل این‌جا است که آنان می‌خواهند بچه را به‌طور مستقیم وادار به درس خواندن کنند. یکی از راه‌ها این است که حالت خانه را مثل کتابخانه کنند؛ کاری که خود بنده سال‌ها است که در زندگی انجام می‌دهم. ساعت شش بعداز ظهر، ناگهان چهره‌ی خانه عوض می‌شود و هیچ کس بلند حرف نمی‌زند. تلویزیون و رادیو خاموش است و هر کس گوشه‌ای می‌نشیند و کتاب می‌خواند و هر کس وارد شود، گویی فضا به او می‌گوید که آقا کتاب دست بگیر و برو بنشین بخوان. تنها کاری که در این‌جا انجام می‌دهم، مدیریت است. به احدی نمی‌گوییم بخوان. اگر کاری خلاف خواندن انجام دهد، به او می‌گوییم ساکت؛ الان هنگام بلند حرف زدن نیست و ... این فضا واقعاً بچه را مجبور به درس خواندن می‌کند. در تربیت، فضا سازی مهم‌تر از کار مستقیم فردی است. فضاها با انسان صحبت می‌کنند.

در مسئله‌ی تربیت نسل منتظر نیز این نکته بسیار مهم است؛ بسیار مهم‌تر از پیام‌های مستقیمی است که می‌خواهیم به افراد بدهیم. یکی از فاکتورهای مهم در فضا سازی این است که وجود مبارک حضرت را جدی بگیریم و کوچک‌ترین شوخی و سهل‌انگاری به این موضوع وارد نکنیم؛ مانند مسئله‌ی قرائت قرآن. دستور الهی به ما می‌گوید:

﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ ...﴾؛<sup>۱</sup>



هنگامی که قرآن خوانده می‌شود، به آن گوش فرادهید ...

به محض شروع تلاوت، مثلاً در تلویزیون، انسانی که می‌خواهد دیگران را تربیت کند، خودش باید ساکت باشد و با همه‌ی وجود به قرآن گوش فرادهد. دیگر احتیاج نیست که دیگران را امر به گوش فرادادن کنیم. این مسئله بسیار مؤثر است. از این طریق، در حقیقت احترام قرآن به وجود می‌آید. این مطلب در مورد خیلی چیزها باید ساری و جاری باشد.

## ۲. گوش‌زد کردن اهمیت مسئله

شوخی و خنده جزء زندگی ما است؛ حتی در مسائل دینی نیز بعضی موقع شوخی می‌کنیم. در بعضی چیزها به هیچ وجه نباید شوخی وارد شود؛ از جمله قرآن و قیامت. نام قیامت که بیاید، باید اشک جاری شود. یکی از استادان ما تعریف می‌کرد که در تهران برادری داشتم که شیطننت می‌کرد. می‌آمد قم و می‌گفت دلم برایت خیلی می‌سوزد. توی شهری زندگی می‌کنی که یک سینما ندارد و بعد می‌گفت که همه‌ی تکنسین‌ها و مهندسین به جهنم می‌روند و شما به بهشت. ولی آن‌ها آتش جهنم را به وسیله‌ی علم‌شان خاموش می‌کنند.

مسئله‌ی قیامت طوری در قرآن بیان می‌شود که هیچ جای شوخی نمی‌گذارد. در مورد قیامت نباید شوخی کرد. در نانوایی زنی را دیدم که دستش با سنگ داغ سوخت. اعتراض کرد که چرا این را به من دادی. من گفتم این سوختن‌ها خیلی زود التیام پیدا می‌کند و باید از آتش جهنم بر حذر باشیم. گفت: این جا من نسوزم، جهنم هر چه می‌خواهد بشود، بشود. این حرف عین حماقت و نادانی است که بر یک شخص، حاکم است. اگر بخواهیم نسل منتظر بار بیاوریم، با بعضی چیزها نباید شوخی کنیم. با نام امام زمان (عج)

نمی‌توان شوخی کرد.

اگر بخواهیم نسلِ منتظر تربیت کنیم، باید با شنیدن نام ولیّ عصر (عج) حال‌مان دگرگون و چهره‌مان متغیر شود. این تغییر چهره تأثیر خودش را می‌گذارد. اگر بچه‌ای گوشه‌ی چشمِ تر ما را ببیند، از هزاران آموزش مستقیم بهتر است. آن بچه می‌بیند و در اعماق وجودش اثر می‌گذارد. نشان دهیم که ما درباره‌ی یک انسان مهم و بزرگ حرف می‌زنیم که سر سوزنی سهل‌انگاری در او وارد نمی‌شود. نام امام زمان (عج) که می‌آید بر می‌خیزیم و دست روی سر می‌گذاریم. این کاری بوده که امام رضا علیه السلام قبل از تولد امام زمان (عج) انجام می‌داده؛ این تکریم‌ها در عمل باید نشان داده شود و مهم‌ترین تربیت نسلِ منتظر این است که نشان دهیم سخن از شخص بسیار مهمی است.

### ۳. انتقال معارف مهدوی

سخن از تعلیم معارف مهدوی است. خیلی چیزها باید به کودکان‌مان بیاموزیم. یکی از آن‌ها احادیثی است که در مورد حضرت است. انتقال این‌ها به کودکان بسیار کارساز است. من به‌طور تجربی این مسئله را درک کرده‌ام. در دوران کودکی من، شخصی بود که هیئت تشکیل داده بود و بچه‌های کوچک‌تر را دعوت می‌کرد. هر وقت می‌رسیدیم می‌گفت، حدیث نماز را بخوانید. همه‌ی ما دسته جمعی می‌خواندیم: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ...»<sup>۱</sup> و خودش ترجمه می‌کرد: «هر کس نماز را عمدتاً ترک کند کافر است». گویا از آن زمان، از آن جلسه، من همین جمله یادم می‌آید. چه قدر در دوران

۱. بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۶۷۳

جوانی و نوجوانی، به فریادم رسید؛ آن گاه که با غرایز، شبهات و مسائل گوناگون مواجه می‌شدم. لازم است این فرازها را برای بچه‌ها توضیح دهیم. برخی چیزها راگزیده انتخاب کنیم تا بچه‌ها تکرار کنند و حفظ کنند این‌ها نگه‌دارنده‌ی آن‌ها است.

#### ۴. بسیار یاد کردن امام زمان (عج)

یکی دیگر از چیزهایی که باید در مورد روش‌های تربیتی تأکید کنم، انجام آداب خاص و یاد کردن فراوان از امام (عج) است. ذکر امام و نام امام باید در زندگی ما فراوان باشد من یکی از چیزهایی که امروزه دیدم و بسیار مؤثر است، ختم قرآن است که با برنامه‌ریزی‌های مدّون و منظم، هر کس یک حزب یا جزء یا سوره‌ای از قرآن را برای قرائت قبول می‌کند و موظف است هر روز آن را انجام دهد. این ختم قرآن را برای امام زمان (عج) انجام می‌دهند؛ یعنی هر روز یک ختم قرآن صورت می‌گیرد. این نعمت بزرگی است که شامل حال آنان می‌شود. ما معمولاً به‌طور منظم قرآن نمی‌خوانیم و این یکی از مشکلات جامعه‌ی ما است. این کار ما را موظف می‌کند. بعضی اوقات می‌بینیم که شخصی وقت ندارد، یا مشکلی دارد؛ به دیگران التماس می‌کند که آقا من نرسیدم این حزب را بخوانم شما بخوانید. همین مسائل انس با قرآن را زیاد می‌کند که ما باید این آداب را کشف کنیم و اجرا کنیم.

#### ۵. ایجاد شرایط خاص

نکته‌ی دیگر این‌که این چراغانی‌ها، روی کودکان تأثیر بسیار سازنده‌ای دارد. شیرینی دادن، عیدی دادن و ... که متأسفانه کم می‌بینیم که روز تولد

حضرت مهدی به کسی عیدی بدهند. این کارها در ذهن بچه‌های کوچک تأثیر می‌گذارد و با دوام است. باید در این روزها شرایط خاص برای کودکان فراهم کرد؛ مثلاً اگر به غذایی علاقه‌مندند آن شب آن غذا را درست کنیم. لباس نو پوشیدن خاطره‌ی خاصی دارد.

### آسیب‌شناسی انتظار

در مورد آسیب‌شناسی انتظار نیز بحث‌هایی مطرح است. انتظار و وجود امام را باید از تخیلات و اوهام دور نگه داریم. حفظ و حراست عقلانی و منطقی یکی از وظایف ما است. متأسفانه مفهوم انتظار می‌تواند با خرافات آمیخته شود و مشکل ایجاد کند. یکی از بیماری‌هایی که ما در دنیای روان‌شناسی داریم، «رفرنیک» است؛ ایجاد نوعی هذیان و توهمات گوناگون. یکی از شکل‌های هذیان این است که انسان خودش را جای آدم‌های بزرگ بگذارد. آدم‌های رفرنیک خود را جای امام زمان (عج) می‌گذارند و گاهی خود همین آدم‌ها بشارت‌هایی در مورد امام زمان می‌دهند. ما به خاطر تخصصمان، رفتارهای فرد را متوجه می‌شویم. چند روز پیش، وقتی از دانشگاه بیرون می‌آمدم، شخصی را دیدم که تیپ خاصی داشت که اگر کسی این بیماری را نشناسد فکر می‌کند این شخص، فرد مؤمن و متقی است و از روی آگاهی پیام می‌دهد. دیدم وارد شد و وسط دانشکده ایستاد و دور سرش هم چیزی بسته بود. گفت: امام زمان (عج) نیمه‌ی شعبان ساعت دوازده و یک دقیقه ظهور می‌کند.

این حریم، حریمی است که با بیماری و تخیلات و اوهام همراه است. کم‌ترین آماري که در بیماری روانی در همه‌گیرشناسی‌ها بررسی کرده‌اند، این است که حدود بیست و چهار درصد مردم، نوعی بیماری روانی دارند. بیماری روانی

دیوانگی نیست؛ چیزهایی مانند وسواس و ... است. وسواس‌های فکری خیلی خطرناک‌تر و رنج‌آورتر است؛ هجوم افکار ناخواسته‌ای است که وقتی از مبتلایان می‌شنوم، تنم می‌لرزد. گاهی احساس می‌کنم هیچ دردی بالاتر از آن وجود ندارد. فکرهایی به ذهن فرد می‌آید که به هیچ کس هم نمی‌تواند بگوید. خیلی که اعتماد می‌کنند به یک روان‌شناس می‌گویند. از چهره‌اش هم معلوم نمی‌شود. این‌ها مسائلی است که می‌تواند به اندیشه و انتظار امام زمان (عج) لطمه بزند. توجه داشته باشیم که باید مرز بین واقع‌بینی امام زمان و تخیلات و اوهام و افکار منحرف را بشناسیم و از هم‌دیگر تفکیک کنیم.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

# انتظار و مهدویت از دیدگاه جامعه‌شناختی

دکتر مسعود کوثری<sup>۱</sup>

---

۱. رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## پیش درآمد

سلام بر مهدی، خاتمه دهنده‌ی سلسله‌ی امامت.  
بحث خود را با عنوان انتظار از دیدگاه جامعه‌شناسی یا مهدویت از دیدگاه  
جامعه‌شناسی ارائه خواهم داد. برای تبیین بحث، ابتدا چند نکته را  
یادآور می‌شوم:

### ۱. دین در جهان امروز

روزگاری تصور می‌شد که دین به سرانجام رسیده و به زودی نقش آن  
در جهان به پایان خواهد رسید و اگر چیزی هم باقی مانده باشد، چیزی است که  
به قول پیتر برگر یکی از جامعه‌شناسان دین، سایه‌بانی است مقدّس. برگر کتابی  
دارد به نام سایه‌بان مقدّس (The Sacred Canopy). به نظر او، دین  
سایه‌بانی است که بر سر مردم است، اما نه ضرورتاً سایه‌بانی خارج از این جهان؛  
سایه‌بانی الوهی؛ سایه‌بانی است که مردم به آن متوسل می‌شوند، سایه‌بانی که  
پشتوانه‌ای برای اخلاق است. بعد از گذشت چهار دهه، در همین چند سال  
گذشته، این دانشمند آمریکایی کتابی به نام پایان سکولاریسم نوشت

و در آن اعلام کرد که بر خلاف تصور ما، دین در جهان حتی در کشوری چون امریکا به پایان نرسیده، بلکه تحقیقات تجربی جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که اتفاقاً گرایش به دین حتی در کشوری چون امریکا افزایش پیدا کرده است.

## ۲. غایت‌شناسی دین

اگر ادیان را نیک بنگریم، چه در ادیان الهی و چه ادیان غیر الهی، همواره عنصری دارند که در دین‌شناسی به آن «اسکاتولوژی»<sup>\*</sup> می‌گویند؛ یعنی غایت‌شناسی. ادیان همواره غایتی را برای بشر ترسیم می‌کنند؛ حتی ادیانی که پیامبری نداشتند و رهبران آن چون بودا مردم را به دینی بدون پیامبر و دینی بدون خدا دعوت می‌کردند. اما این دین هم سرانجام غایت‌شناسی خودش را پیدا کرد. غایت‌شناسی، جزء عناصر اساسی ادیان است؛ به طوری که حتی ادیانی مثل بودا به این سرانجام کشیده می‌شوند؛ انسان در چرخه‌ی کارما، چرخه‌ی رنج و اندوهی که در این زندگی پابرجا است، گرفتار است و سرانجام از این چرخه‌ی منحوس تکرار کارما، رهایی خواهد یافت. نه تشنه است و نه گرسنه؛ آسوده و بی خیال چون هوا. این جا است که ما می‌بینیم ادیان به سمت ترسیم غایت کشانده شده‌اند؛ زیرا (حداقل از دید جامعه‌شناسی که رشته‌ی بنده است) ادیان علاوه بر آن که پشتوانه‌ی اخلاق هستند، برای استحکام بخشیدن به اخلاق، نیاز به پشتوانه‌ای در انتها و آن سوی این زندگی دارند به بیان دیگر این جهان زمان‌مند است و روزگاری به پایان خواهد رسید. اعمال داوری خواهد شد و دقیقاً در این وضع است که نیک و شر معنا می‌دهد؛ بنابراین

\* Schatology



اخلاق در چنین شرایطی معنا می‌دهد و ارزش‌های اخلاقی به کمک چنین غایت‌شناسی تحکیم می‌شوند.

### ۳. عناصر غایت‌گرایانه در ادیان

به نظر می‌رسد دو عنصر غایت‌گرایانه در ادیان وجود دارد:

الف) نخست روز داوری و روز بازپسین است که حساب اعمال بشر در آن روز رسیده خواهد شد و شر را جزا خواهند داد و خیر را پاداش.

ب) موعودگرایی؛ موعودگرایی نیز نوعی غایت‌شناسی ادیان است. نهایتی را برای حرکت جوامع ترسیم می‌کند؛ این که چرخه‌ی ظلم، استبداد، بی‌عدالتی و رنج، روزی از گردش باز خواهد ایستاد.

این جا است که عنصر دوم این غایت‌شناسی یعنی موعودگرایی، پیدا می‌شود و نه تنها در اسلام بلکه در ادیان دیگر نیز ما شاهد پیدایش و رشد این عنصر هستیم. موعودگرایی و هزاره‌گرایی را در پایان سال ۲۰۰۰ شاهد بودید؛ باشکوه‌ترین جشن‌ها در این روز بود. این جشن برای جهان غرب فقط یک تفریح نبود؛ بسیاری از مسیحیان و یهودیان، چشم انتظار پایان این هزاره بودند. چشم انتظار پایان هزاره‌ای که در آن، وعده‌هایی به بشر داده شده بود. پس می‌بینیم که این عنصر هم در ادیان تکرار می‌شود. معنای این عنصر در اسلام چیست؟ در اسلام غایتی داریم به نام روز داوری یا روز بازپسین، که اعمال در آن روز، داوری خواهند شد. اما چرا این موعودگرایی و انتظار منجی، حلقه‌ای از یک زنجیر است؛ حلقه‌ای از یک زنجیر که ایده‌های آن توسط قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام مطرح شده است. باقی گذاشتن یک حلقه در انتهای این سلسله، نشان‌گر چیست؟ به نظر می‌رسد که این حلقه پایانی می‌خواهد به ما بگوید که

این ایده‌ها در تاریخ بشر، پاسخ‌گوی نیاز این جوامع هستند. اگر ما عدل علی علیه السلام و تمام فضایل را در یک جامعه‌ی کوچک می‌بینیم، مهدویت نهایت این فضیلت‌ها است. باز گذاشتن این فضایل تا جایی است که جامعه‌ی بشری می‌تواند توسعه یابد. پس این جا مهدویت معنایی نزدیک به معنای روز داوری یا روز بازپسین دارد. مهدویت در این جا تجلی والاترین و برترین نمونه‌ی عدالت، شفقت، رحمت، برادری، مساوات، زیبایی و خردورزی است؛ نهایی که برای جامعه‌ی بشری ترسیم شده است.

### مهدویت پایان جامعه‌ی مدرن و فرا مدرن

بنابراین، اگر ما تجلی بسیاری از مفاهیم دینی را در صدر اسلام در محدوده‌ی جامعه‌ی قبایلی می‌بینیم، مهدویت، انتهایی است برای جامعه‌ای مدرن و فرامدرن، صنعتی و فراصنعتی؛ فضایی است همواره نو و نوشونده، نه کهنه و متعلق به گذشته و نه در فضای یک جامعه‌ی کوچک یا قبایلی. از لحاظ جامعه‌شناسی، همان‌گونه که می‌بینیم، این غایت متناسب با تحول و تکامل جوامع بشری است. به عبارت دیگر، همواره مقیاس و میزانی است در افق که ما می‌توانیم خود را با آن مقایسه کنیم و احساس نو بودن و فرانو بودن داشته باشیم؛ احساسی که جامعه می‌تواند به آن سو برود. این آینده و نجات بخشی، موتور محرک جامعه‌ی اسلامی است. اگر کمونیسیم و جامعه‌ی بی طبقه‌ی آن، در انتهای تاریخ، آرزو و عاملی است برای تحرک جامعه‌ی مارکسیستی و کمونیستی، مدینه‌المهدی، موتور محرک جامعه‌ی اسلامی است. در طول تاریخ، همین مدینه‌المهدی (عج) فلسفه‌ی تاریخ شیعه شده است؛ فلسفه‌ای برای مبارزه‌ی شیعه در راستای تحقق عدالت.

## جنبه‌های قیام مهدویت

در این فضا می‌بینیم که همواره یک فلسفه‌ی قیام، حرکت، نهضت و انتفاضه از بطن مهدویت برای جامعه‌ی اسلامی بیرون آمده و این جامعه به آن سمت رفته است. سؤالی که باقی می‌ماند این است که در حکومت اسلامی تکلیف چنین فلسفه‌ای که همواره توده را به قیام برای ستاندن حق از حکومت دعوت می‌کند، چه می‌شود؟ تکلیف این فلسفه قبل از انقلاب معلوم بود؛ دعوت توده به قیام. اما حالا که حکومت اسلامی است چه باید کرد؟ این جا می‌بینیم که فلسفه‌ی مهدویت و یا مهدویت به عنوان یک فلسفه‌ی سیاسی، دو جنبه پیدا می‌کند:

الف) یک جنبه مربوط به توده‌ها است که همواره چالش کنند، حاکمان را تذکر دهند تا عدل و برادری و برابری را و فضای سالم برای رشد بشر را به وجود آورند. از طرف دیگر، فلسفه‌ای است برای حکومت که راه‌ها و موانع بی‌عدالتی را از میان بردارد و راه‌های برادری، شفقت و مهربانی را در جامعه گسترش دهد. چنین فلسفه‌ای، از سویی ما را به عنوان فرد، فرامی‌خواند به این که عدالت و برادری بجوییم؛ آزادی بجوییم و مهربانی کنیم و از دیگر سو، فلسفه‌ای است برای حکومت که موانع را بردارد و فضا را برای رشد انسان‌ها آماده کند. در این جا از مهدویت یک فلسفه‌ی سیاسی با دو نگرش در می‌آید.

ب) جنبه و نتیجه‌ی بعدی این بحث این است که حکومت برای این موضوع، چه برنامه‌ای دارد. اندیشه‌ی بانیان این گفتمان، این است که حال که حکومتی دینی بر سر کار است، حاکمان و مسئولان دینی، چه برنامه‌ای برای مهدوی شدن جامعه دارند؟ چرا که ضابطه‌های چنان جامعه‌ای روشن است؛

عدالت، برادری، شفقت: «... همه‌ی اموال جهان در نزد مهدی (عج) گرد آید؛ آن‌چه در دل زمین است و آن‌چه در روی زمین؛ آن‌گاه مردمان را بگویند بیایید این اموال را بگیرید؛ این‌ها همان چیزهایی است که برای به دست آوردن آن‌ها قطع رحم کردید و خویشان خویش را رنجانید؛ خون‌های به ناحق ریختید و مرتکب گناهان شدید»<sup>۱</sup>.

### گفتمان مهدویت

اگر ما چنین غایتی داریم، تکلیف ما در برنامه‌های حکومتی چیست؟ عنوانی که برای این همایش برگزیده شده، عنوانی زیباست؛ «گفتمان مهدویت». معنای گفتمان این است که شما دنبال یک شناخت برنامه‌ای هستید. به عبارت دیگر از این فلسفه‌ی دینی می‌خواهید به یک فلسفه‌ی سیاسی برسید که از دل آن برنامه‌ای برای عمل بیرون آید؛ برنامه‌ای که مدیران اجرایی کارهای خود را با آن ضابطه‌ها بسنجند.

آیا مسئولان در جهت گسترش عدل کار کرده‌اند؟ آیا برابری ایجاد کرده‌اند؟ آیا کارهایی انجام داده‌اند که به توزیع عادلانه‌تر ثروت و فرصت بینجامد؟ چرا که گاه فرصت مهم‌تر از ثروت است؛ زیرا فرصت خود ثروت می‌آفریند. آیا برای رشد خرد، دانش و فهم جامعه‌ی مسلمانان کاری کرده‌اند؟ آیا برنامه‌هایی داشته‌اند که به جای تضاد و دعوا، برادری و رأفت و مهربانی را ترویج کنند؟

در غرب، فیلسوفی به نام «کامپانلا»، شهر خورشید را می‌نویسد. شهر خورشید جایی است که در آن ستم و بی‌عدالتی نیست؛ انسان‌ها اسیر طبقات

۱. قاضی نعمان مغربی، شرح الأخبار، ج ۳، ص ۳۹۷.

اجتماعی نیستند و مسیر رشد و تعالی انسان‌ها فراهم است. سنت آگوستین، در شهر خدا «آتوپیا» یا جامعه‌ای آرمانی را به تصویر می‌کشد که در آن زشتی‌ها و بی‌عدالتی‌ها نفی شده است. به بیان دیگر، از دل آن ارزش‌ها و ایده‌آل‌های بشری که در کتاب شهر خدا تصویر شده است، یک فلسفه‌ی سیاسی بیرون آمده است. تأکید من بر این نکته است که ما باید از دل مفاهیم خود یک فلسفه‌ی سیاسی بیرون بیاوریم. اگر می‌خواهیم حکومت دینی یک حکومت پاینده باشد، باید فلسفه‌ی سیاسی مختص به خودش را داشته باشد. اگر چنین نباشد، همواره ما حکومتی دینی خواهیم داشت که از سوی غرب با تهاجم فلسفه‌های سیاسی دیگر رو به رو است.

فلسفه‌ی سیاسی حکومت، باید با مبادی دینی‌اش سازگار باشد و منافاتی هم ندارد که یک حکومت دینی، چندین فلسفه‌ی سیاسی رقیب داشته باشد، چنان که در جهان هم چنین است. بنابراین اگر بخواهیم از این دید بحث را جمع‌بندی کنیم، باید از مفاهیمی چون مهدویت و جامعه‌ی آرمانی که در آن آزادی، عدالت، رشد و خردورزی خواهد بود، یک فلسفه‌ی سیاسی استخراج کنیم که از سویی مبنای حرکت توده‌ها و از سویی دیگر، مبنای برنامه ریزی حکومت باشد.

### موعودگرایی از نگاه جامعه‌شناختی

در پایان، به این پرسش می‌پردازیم که موعودگرایی یا مهدویت، چگونه می‌تواند از نگاه جامعه‌شناختی مورد پژوهش قرار گیرد؟ شما می‌دانید که فاصله‌ی سیمای امامان ما آن‌چنان که در کتاب‌های دینی و سینه‌ی علمای دینی ما است با آن‌چه که در توده‌ی مردم است، ممکن است فاصله‌ای شگرف با هم داشته باشند؛ یعنی ممکن است برداشت ذهنی توده، از سیمای امامان،

با برداشت علمای راستین دین، متفاوت باشد. سیمای امامان را در نزد توده‌ی مردم چه چیز آشکار می‌کند؟ در این جا دیگر نمی‌توان با بحث‌های کلامی، فلسفی، فقهی و دینی از نوع خاص به پاسخ این پرسش پی برد؛ بلکه باید با تحقیق تجربی مشخص کرد که امامان ما در ذهن توده چه تصویری دارند. بعد از این که این تحقیق تجربی صورت گرفت و تفاوت این دو تصویر روشن شد، می‌توانیم برنامه‌ای برای اصلاح و هدایت داشته باشیم. در همین راستا، ما در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات چند طرح پژوهشی را برای این کار سامان داده‌ایم: یکی چهره‌ی حضرت علی علیه السلام در توده‌ی مردم است که می‌خواهیم ببینیم چه تصویری از امام در ذهن توده‌ی مردم جای دارد. دیگری مربوط به مسجد جمکران است که در آن در پی این هستیم که بدانیم مردم با چه انگیزه، نیت و با چه شیوه‌ی نیایشی به سراغ این مسجد می‌آیند؛ چه انتظاری دارند و در پی چیستند؟ این‌ها بحث‌هایی است که می‌تواند به عنوان مباحثی نو در پژوهش‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی دین دنبال شود. از آن جا که در برخی از مدارس قم، جامعه‌شناسی دین و مردم‌شناسی دین تدریس می‌شود، این موضوع‌ها می‌تواند توسط خود طلاب حوزه به عنوان موضوعات ناب پژوهشی دنبال شود.

امیدوارم که در سال‌های آینده نیز شاهد رشد و گسترش این مباحث و نشست‌های تخصصی باشیم؛ زیرا یکی از نیازهای دینی ما به ویژه در نهاد حوزه، پرداختن به موضوعات به صورت تخصصی است.

### نیازمندی‌های جامعه‌ی امروز

جامعه‌ی امروز نیاز دارد که برای گروه‌های سنتی مختلف کتاب‌های خاص

آن گروه تولید شود. دیگر نوشتن یک کتاب، به عنوان کتابی دینی کفایت نمی‌کند. نه تنها باید کتاب‌هایی نوشته شود که ظاهر آن‌ها دینی است، بلکه کتاب‌هایی که دین مبنا هستند نیز باید تولید شوند؛ یعنی کتاب‌هایی که ظاهر آن‌ها دینی نیست اما دین مبنا هستند. کتاب شازده کوچولو نوشته‌ی «سنت اگزوپری»<sup>\*</sup> را نگاه کنید این کتاب نشان دهنده‌ی آرزوی این نویسنده برای صالح و آزادی و نفرت از جنگ است. کتاب، یک داستان به ظاهر کودکانه است، اما انسانیت مبنا است. باید ببینیم در این مدت، چند جلد کتاب دین مبنا تولید کرده‌ایم؛ کتاب‌هایی که بدون این‌که ظاهر دینی داشته باشند و در آن‌ها آیات و روایاتی آمده باشد و بدون تصریح یا استناد به دین یا چهره‌های دینی، مفاهیم دینی داشته باشند. یکی از این موضوعات که بسیار زیبا است و می‌تواند مبنای کتاب‌های دین مبنا قرار بگیرد، «انتظار» است. امیدوارم که نویسندگان، هنرمندان و دانشمندان ما در حوزه و دانشگاه، بتوانند سهم این دسته از کتاب‌ها را افزایش دهند.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

# فعالیت‌های اینترنتی درباره‌ی موعودگرایی و مهدویت

آقای رمضان علی بذرافشان<sup>۱</sup>

---

۱. محقق، نویسنده و مسئول پایگاه اینترنتی مؤسسه‌ی فرهنگی انتظار نور.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

از افق‌های دور، کسی می‌آید با تبر ابراهیم، زمزمه‌ی عیسی و صلابت موسی؛ با رسالت رسول بر دوش و ذوالفقار علی در دست و خون حسین در رگ. چشمانم را ببین چشم انتظار است. دلم را نظاره کن، بی‌قرار است. دستانم را بنگر، چه مهیّا است! آن‌جا که کوه هم از پای می‌افتد من ایستاده‌ام. از افق‌های دور کسی می‌آید با دستانی پر. بازای، که با آمدنت بهار ماندنی است.

## پیش درآمد

برای تبادل افکار و اطلاعات و انتقال عقایدی که در ذهن داریم، می‌توانیم از راه‌های گوناگون بهره‌جوییم. هر چه پیش‌تر می‌رویم این راه‌ها و شیوه‌ها سریع‌تر و متنوع‌تر می‌شود.

تبلیغ صحیح و به موقع از آن کسی است که دائماً در حالِ روز آمد کردنِ شیوه‌های خود باشد تا بتواند در گستره‌ی اندیشه ورزی و نیز در همه‌ی عرصه‌های حیات، موفق باشد.

ما باید از امکانات، تجهیزات و فن‌آوری‌هایی که امروزه به اجتماع عرضه شده است، استفاده کنیم. انتقال اطلاعات به صورت‌های گوناگونی مانند کتاب، مجله، صدا و سیما، نشر الکترونیک، بانک‌های اطلاعاتی و شبکه‌های رایانه‌ای میسر است که گروه‌ها، افراد، احزاب و ادیان مختلف به فراخور حالشان از این امکانات و تجهیزات و فن‌آوری‌ها بهره می‌گیرند. در این میان، جبهه‌ی باطل نیز متأسفانه با استفاده از این امکانات، باطل خویش را حق جلوه می‌دهد. در ادامه به بعضی از این موارد اشاره خواهیم کرد.

شبکه‌های رایانه‌ای و بانک‌های اطلاعاتی و نرم‌افزاری، مهم‌ترین وسایل ارتباطی هستند که امروزه در دسترس ما است. با توجه به اسناد و مدارکی که در دست داریم، امروزه ۶۱ فرقه‌ی دینی و مذهبی در انتظار یک منجی‌اند. این ادیان و مذاهب، عقاید خویش را در این زمینه با استفاده از جدیدترین فن‌آوری‌های نشر، کتاب، نشریه، فیلم و شبکه‌های رایانه‌ای و ... ارائه می‌دهند. یک سری از کسانی که با استفاده از این فن‌آوری‌ها اقدام به نشر مطالب خویش می‌کنند، افرادی هستند که موافقند و اعتقاد قلبی به موعود آخرالزمان دارند. عده‌ای دیگر، مخالف این امرند ولی برای استفاده‌های خاص می‌آیند.

### تلاش‌های رایانه‌ای دشمنان علیه امام مهدی (عج)

تعداد سایت‌ها و پایگاه‌های مسلمانان در شبکه‌های رایانه‌ای بسیار محدود است، اما بعضی از ادیان و حتی گروه‌های سیاسی را می‌توان در این شبکه‌ها دید که دارای پایگاه‌های گوناگون با عنوان‌ها و قالب‌های گوناگونند که هر کدام بر روی یک نکته‌ی خاص نظر دارند و در نهایت هر یک مکمل دیگری است.

بعضی در سطح کودکان کار می‌کنند؛ برخی اعتقادی‌اند و گروهی اقدام به ارائه‌ی اطلاعات تخصصی می‌کنند که این مباحث با استفاده از ابزارهای مختلف هنری، طنز، کاریکاتور و ... عرضه می‌شود.

## ساخت و تحریف اخبار

این گروه‌ها به گونه‌ای اخبار ساخته و پرداخته‌ی خود را از طریق این پایگاه‌ها ارائه می‌دهند که مخاطبان، درستی آن را باور می‌کنند و در نتیجه بدان اعتقاد می‌یابند؛ به عنوان مثال، آنان هنگامی که پایان تاریخ را به تصویر می‌کشند، آن را به گونه‌ای جلوه می‌دهند که کره‌ی زمین در حال از بین رفتن است و این آمریکا است که نجات‌بخش آن است؛ بنابراین القا می‌کنند که نجات‌بخشی که در آخرالزمان منتظرش هستیم، آمریکا است! از طرفی ادیانی را که دارای عقیده به منجی موعود هستند، خدشه دار می‌کنند و برای مقابله و از بین بردن این تفکر، از هیچ کاری دریغ نمی‌ورزند.

## نشست اسرائیل

نشستی که در اسرائیل برگزار کردند، نمونه‌ای از فعالیت‌های آنان است. در این نشست راه‌های از بین بردن فرهنگ شهادت‌طلبی، مهدویت، انتظار و ... بررسی شد. نتیجه‌ی این نشست، ساخت فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای گوناگون و ... بود. بازی رایانه‌ای جنگ خلیج فارس که به «یا مهدی» معروف است، یکی از این آثار است. در این برنامه که از گرافیک بسیار بالایی برخوردار است، طرفداران مهدویت به عنوان افرادی خشونت‌طلب جلوه داده شده‌اند که برای رسیدن به مقاصد خود از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند.

## ایجاد تزلزل در عقاید ملت‌ها

امروزه ۶۱ میلیون آمریکایی، به قضیه‌ی «آرما گدون»<sup>۱</sup> اعتقاد دارند. بودائیان به این نتیجه رسیده‌اند که بودای پنجم موعود آن‌ها است. مسیحیان ظهور دوباره‌ی مسیح را انتظار می‌کشند. در این میان، پیش‌گویی‌های رمزگونه‌ی نوسترآ داموس<sup>۲</sup> مورد استفاده‌ی هر دو طرف قرار گرفته است.

مطلب دیگر این که خروجی این دیدگاه به جایی رسیده که بعضی، زمان‌هایی را برای ظهور آن منجی - مخصوصاً از دیدگاه اسلام - تخمین می‌زنند و بعد که اتفاق نمی‌افتد، معتقدان را دروغ‌گو معرفی می‌کنند. این‌ها می‌خواهند از انتظار بهره‌برداری کنند. سایت [www.gaem.net](http://www.gaem.net) یکی از پایگاه‌هایی است که ادعا کرده از طرف آقا امام زمان (عج) است و شخصی که واسطه‌ی این کار است، خود را «خادم الإمام» معرفی می‌کند. در کنار این اعلام کرده است که ما وظیفه داریم بشریت را آماده کنیم تا منتظر ظهور حضرت باشند و سال ظهور حتمی و قطعی ایشان را هم مشخص کرده است. از طرف دیگر درباره‌ی پیش‌گویی‌های نوسترآ داموس می‌بینیم که مطالب گوناگونی ارائه شده است. چندی پیش، نامه‌ای با پست الکترونیکی دریافت داشتیم که می‌گفت: بر اساس محاسبات نوسترآ داموس سال ۲۰۱۴ یا ۲۰۱۵ سال ظهور حضرت است.

ما از پایگاه [www.gaem.net](http://www.gaem.net) اطلاع نداشتیم. در ارتباطی که آنان با ما

۱. آرما گدون در لغت به معنای «نبرد سرنوشت ساز» و «جنگ بزرگ» آمده است. در اصطلاح عهد جدید، به معنای «جایی که واپسین نبرد بین نیکی و بدی روی می‌دهد و به روز محشر منتهی می‌شود» آمده است.

۲. کشیش مسیحی که وقایع آینده را در قالب شعر پیش‌گویی نموده است و از جمله مهم‌ترین پیش‌گویی‌های او درباره‌ی حکومت و اوضاع پایان جهان است.

برقرار کردند، گفتند که شما از نظر ما لیاقت این را دارید که با ما ارتباط داشته باشید. وقتی وارد سایت‌شان شدیم، مشاهده کردیم استنادهای آنان به قرآن و حدیث است. سایتی که کاملاً عربی است به یک سری کتاب‌هایی که در ایران منتشر شده، استناد کرده است. وقتی دقت می‌کنیم، نوشته‌های این‌ها و نمودارهایی که به کار برده‌اند، دقیقاً به سبک نوشته‌ها و نمودارهای یکی از ادیان خاصی است که از نظر ما مطرود است. این یکی از راه‌هایی است که به مقابله‌ی با ما بر می‌خیزند.

در سایت [www.mosol.net](http://www.mosol.net) شخصی ادعا کرده مطالبی که روی این سایت است، بر اساس آن چیزی است که در خواب از ناحیه‌ی صاحب الزمان (عج) به پدر او الهام شده است و هر زمان که پدر این شخص بخواهد، می‌تواند با امام (عج) ارتباط برقرار کند. چیزی که با احادیث ما به صراحت مخالفت دارد.

## وظایف ما

با توجه به این مطالب، ما باید دیدگاه شیعه را با استفاده از بیان هنری و ادبی و با بهره‌گیری از این امکانات ارائه دهیم که امری بسیار ضروری می‌نماید. جوامع امروز، با شنیدن یک سری اخبار و اطلاعات به طرف آن، هجوم می‌آورند و اطلاعات آن را بررسی می‌کنند و چه بسا خیلی از مواقع آن را می‌پذیرند.

### ۱. ارائه‌ی اطلاعات با زبان مناسب مخاطب

اطلاعات ما باید با زبان مناسب مخاطب ارائه شود تا بتوانیم گام‌های مؤثری در راستای زمینه‌سازی ظهور حضرت برداریم.

## ۲. لینک\* و هم‌کاری پایگاه‌های اینترنتی

سایت‌های طرف مقابل، با شناسایی هم‌گامان خود، به گونه‌ای عمل کرده‌اند که اگر وارد یکی از این پایگاه‌ها شویم، می‌توانیم از پایگاه‌های دیگر نیز استفاده کنیم؛ یک تبلیغ رایگان و آسان.

اما سایت‌ها و پایگاه‌های مسلمانان و شیعیان، پراکندگی زیادی دارند. بیش‌ترین‌شان در ایرانند و تعدادی هم در کشورهای عربی و اروپایی که معمولاً ارتباط‌شان با هم ضعیف است.

## ۳. اطلاع‌رسانی پژوهشی

متأسفانه مرکزی که جنبه‌ی پژوهشی داشته باشد و اطلاع‌رسانی‌اش نیز مناسب باشد، وجود ندارد.

پایگاه‌های مختلفی در این زمینه فعالیت دارند:

[12 th Imam.com](http://12thimam.com) \* [Imam mahdi.org](http://Imam mahdi.org) \* [abasaleh.com](http://abasaleh.com) و پایگاهی

که توسط مؤسسه‌ی فرهنگی انتظار نور به مناسبت این ایام مبارک<sup>۱</sup> افتتاح شده است: [www.monjee.com](http://www.monjee.com) و پایگاه‌های دیگری که با عنوان‌های مختلف در این زمینه فعالیت دارند.

امیدواریم که مؤسسه‌ی فرهنگی انتظار نور بتواند سایت‌های گوناگونی را که درباره‌ی حضرت (عج) فعالیت می‌کنند، شناسایی کند و اطلاع‌رسانی دقیقی در

---

\* link

۱. روزهای نیمه‌ی شعبان سال ۱۳۸۰ ه. ش.

این زمینه انجام دهد.

## فعالیت‌های اینترنتی مؤسسه‌ی انتظار نور

### ۱. شناسایی و استخراج اصطلاحات

در مدتی که مؤسسه‌ی فرهنگی انتظار نور فعالیت خود را آغاز کرد، سعی بر این بود که تمامی سایت‌هایی را که به گونه‌ای در ارتباط با بحث کلی موعود فعالیت داشتند، شناسایی کنیم. اسامی سایت‌های گوناگون را شناسایی کردیم و اطلاعاتی که در این سایت‌ها در ارتباط با این موضوع بود، استخراج کردیم.

### ۲. ایجاد بانک اطلاعاتی

در کنار شناسایی سایت‌ها یک بانک اطلاعاتی از مطالبی که در این سایت‌ها بود، ایجاد کردیم. با توجه به انبوه اطلاعاتی که به دست آوردیم، گروهی را مأمور کردیم که اطلاعات تفصیلی را به صورت چکیده، ترجمه کنند و به زبان فارسی در اختیار ما بگذارند. در کنار این چکیده‌ها، کلیدواژه‌های گوناگونی را از دیدگاه ادیان، مذاهب و فرقه‌های مختلف - به ویژه اسلام - استخراج کردیم که این کلیدواژه‌ها، محورهای اصلی بحث و جست‌وجوی ما هستند که می‌توانیم از این‌ها در جست‌وجوهایی که از طریق شبکه‌ها و برنامه‌های رایانه‌ای صورت می‌گیرد، استفاده کنیم.

### ۳. ایجاد دایرة المعارف مهدویت

پس از این که منابع چکیده شد، در اختیار گروه‌های پژوهشی قرار می‌گیرد. گروه‌های پژوهشی یک سری تجزیه و تحلیل روی این مباحث انجام می‌دهند و

در صورتی که احساس کنند این مطالب باید به صورت تفصیلی و دقیق ترجمه شود، انتخاب می‌شود و جهت ترجمه دقیق مباحث ارسال می‌شود. این کار در کنار کار شبیه‌شناسی که خود مؤسسه انجام داده و کارهای دیگری که در این زمینه صورت گرفته، مکمل هم می‌شوند و دایرةالمعارفی را ایجاد خواهند کرد که کلیدواژه‌ها و مطالب اساسی مورد نیاز جوامع مختلف را به ما ارائه دهد. این اطلاعات به دست آمده را به زودی از طریق سایت [www.monjee.com/net/org](http://www.monjee.com/net/org) ارائه می‌دهیم.

کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی یکی از گزینه‌های خاصی است که در این سایت ارائه خواهد شد. نزدیک به دو هزار عنوان کتاب تا به حال نقد و بررسی شده و اطلاعات و چکیده‌ی تمامی این کتاب‌ها موجود است. مطالب تکراری حذف می‌شود و کتاب‌ها معرفی می‌شوند.

کسانی که علاقه‌مند به تحقیق و پژوهش باشند، می‌توانند به راحتی از طریق این کتاب‌ها به اطلاعات مورد نیاز خود دست‌یابند. در بین نشریه‌ها با توجه به شبکه‌های موجود داخل کشور، به ویژه شبکه‌ی نمایه که متن بیش‌تر نشریات موجود داخل کشور را دارد، جست‌وجوی موضوعی در خصوص مباحث مطرح شده، صورت گرفته و روز به روز هم در حال تکمیل است و این هم یک مقاله‌شناسی کاملی خواهد بود. تقریباً تمام مقاله‌های منتشر شده در این زمینه، در مطبوعات در این سایت ارائه می‌شود. مراکز و شخصیت‌های فرهنگی که در ارتباط با موضوع م‌هدویت و موضوع موعود و منجی فعالیت دارند، معرفی خواهند شد.

به عنوان نمونه، یکی از سایت‌ها، سایت جناب آقای سامی البدری است که



در ردّ شبهات احمد الکاتب راه انداخته‌اند و اطلاعات مفیدی در آن سایت ارائه شده است.

#### ۴. اطلاع‌رسانی روزآمد

در کنار این‌گونه اطلاعات، یک اطلاع‌رسانی روزآمد نیز خواهیم داشت. متن یک سری کتاب‌های مورد قبول روی این سایت ارائه خواهد شد و در کنار آن، برای تنوع، سرود، تواشیح، نقاشی، خط و تصویرهای گوناگون از هنرمندان در این زمینه عرضه خواهد شد. در مرحله‌ی بعدی بر آن هستیم که بتوانیم قسمتی را برای پرسش و پاسخ اختصاص دهیم و به پرسش‌های گوناگون با توجه به امکانات و تجهیزات و شخصیت‌های علمی مؤسسه، پاسخ دهیم. برگزاری نشست‌هایی در این باره که کاربران بتوانند به صورت مستقیم از طریق اینترنت در آن شرکت و پرسش خود را مطرح کنند، از دیگر برنامه‌های ما است.

امیدواریم با استفاده از رهنمودهای شما سروران گرامی بتوانیم در رسیدن به اهداف مورد نظر گام‌های مؤثری برداریم.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

# سخن پایانی درباره‌ی سومین گفتمان مهدویت

حجة الاسلام و المسلمین رضا اسکندری<sup>۱</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا أَبِي الْقَاسِمِ  
مُحَمَّدٍ ﷺ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ سَيِّمًا حُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ (عج).

## اهداف گفتمان

ضمن عرض خسته نباشید به همه‌ی حضار عزیز که در جلسات حضور فعال داشتند و عرض تبریک به مناسبت ولادت با سعادت منجی انسان‌ها، حجة بن الحسن (عج) که امشب، شب عید همه‌ی شیعیان، جهان به نور وجودش آذین می‌شود.<sup>۱</sup> بنده وظیفه دارم از همه‌ی عزیزان تشکر کنم و درباره‌ی اهداف گفتمان و مؤسسه، چند نکته عرض کنم.

همان‌طور که شما عزیزان می‌دانید، بحث مهدویت یک نگاه جهانی است؛ نگاهی است که در تمام ادیان، به شکل‌های مختلف در طول تاریخ مطرح بوده است. آیین یهود، مسیحیت و نوعاً ادیان الهی، بحث موعود و منجی را بیان کرده‌اند. این بحث در لسان پیامبر اکرم ﷺ و آیات قرآن کریم نیز

---

۱. این سخن‌رانی در شب نیمه‌ی شعبان المعظم ۱۴۲۲ ق، آبان ماه ۱۳۸۰ ایراد شده است.

به صورت جدی مطرح شده است. مکاتب غیر دینی نیز به گونه‌های مختلف به این موضوع پرداخته‌اند. در واقع می‌توان گفت این موضوع با فطرت بشر آمیخته است. همین‌طور که انسان فطرتاً خداجو و حق‌جو است و زیبایی‌ها را دوست دارد، کمال‌جو نیز هست. موعودگرایی، منجی‌گرایی، اعتقاد به سعادت واقعی بشر و این که انسان روزی به کمال مطلوب می‌رسد، از امور فطری بشر است؛ یعنی همه‌ی انسان‌ها دوست دارند به این کمال دست یابند. در واقع، این کمال بشریت است. کمال نوع انسان است. انسان کامل در آن روز تربیت می‌شود. اگر حکومت کامل که حکومت امام زمان (عج) است، تحقق پیدا کند در واقع مقدمه‌ای است برای کمال انسان؛ برای این که انسان به کمال واقعی خودش برسد؛ برای این که هدف خداوند متعال از خلقت بشر که خلافت انسان است در ابعاد گوناگون به کامل‌ترین وجه تحقق یابد. این هدف غایی تفکر مهدویت است.

هدف غایی عدالت نیست. هدف غایی این نیست که امنیت در زمین برقرار شود. این‌ها همه مقدمه‌اند. عدالت، امنیت و فراهم شدن زمینه‌ی رشد فکری و رشد معنوی بشر و ابعاد مختلفی که در حکومت جهانی حضرت مطرح می‌شود، همه‌ی این‌ها در واقع مقدمه است برای کمال واقعی خرد انسان‌ها، کمال واقعی معنوی و عبودیت کامل انسان که خلیفه الله است، در مقابل خداوند متعال.

انسان می‌تواند چنان زندگی کند که خداوند متعال از وی خشنود باشد و وجودش را ارزشمند و مایه‌ی سرافرازی همه‌ی آفریده‌ها به شمار آورد. این هدف غایی بحث مهدویت و انتظار است.

حال اگر ما بخواهیم با بهره‌گیری از قرآن کریم و کلام نورانی معصومان علیهم‌السلام به این جا برسیم، در ابعاد مختلف به تحقیق و پژوهش نیازمندیم؛ در ابعاد تاریخی، تربیتی، کلامی، جامعه‌شناسی، سیاسی، اقتصادی و ...

این بحث، قطعاً جنبه‌های گوناگون خواهد داشت و از مطالبی است که بعد از ورود به عرصه‌های پژوهشی و مشاهده‌ی کاستی‌ها بدان پی می‌بریم.

هدف ما این است که با دعوت از صاحب نظران مختلف و مطرح کردن محورهای گوناگون، زمینه‌های گسترش این اندیشه‌ی بلند الهی را فراهم آوریم و در واقع تبیینی جامع، علمی، عمیق و همه‌جانبه از بحث مهدویت ارائه دهیم.

امید داریم إن شاء الله، با بهره‌گیری از کمک صاحب نظران و متخصصان، این کار سال به سال سامانی عمیق‌تر و دقیق‌تر یابد.

البته باید یادآور شوم، گفتمان مهدویت بخشی از کارهای این مؤسسه است. عزیزان ما در عرصه‌های مختلفی چون پژوهش، تألیف کتاب، فعالیت‌های اینترنتی، شبهه‌شناسی و پاسخ به شبهات و پرسش‌ها کوشش مستمر دارند. نمایشگاهی که در کنار گفتمان تنظیم شد، بخشی از کار را برای دوستان به نمایش گذاشت.

امیدواریم با دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود، ما را در این هدف بلند، یاری دهید.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

## خلاصه‌ی گفتمان اول و دوم

- حکومت امام مهدی (عج) آیه‌الله ابراهیم امینی
- امام مهدی (عج) در قرآن آیه‌الله محمد هادی معرفت
- حکومت واحد جهانی آیه‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی
- امام مهدی (عج) در احادیث اهل سنت علامه مرتضی عسکری
- امام مهدی (عج) در قرآن، سنت و تاریخ آیه‌الله محمد واعظزاده خراسانی
- سخن رانی و پرسش و پاسخ حجة الاسلام و المسلمین علی کورانی
- پرسش و پاسخ حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد هادی عبدخدایی
- پرسش و پاسخ حجة الاسلام و المسلمین نجم الدین طیبی
- پرسش و پاسخ دکتر محمد لگنهاوسن

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیه الله ابراهیم امینی<sup>۱</sup>

### حکومت امام مهدی (عج)

#### عقیده به مهدی موعود (عج)

عقیده به مهدی موعود - سلام الله علیه - عقیده‌ای است که ادیان آسمانی نوعاً پذیرفته‌اند. شیعه معتقد است فردی برای اصلاح جهان قیام می‌کند و در این قیام هم موفق خواهد شد. این عقیده را اهل سنت هم دارند، فقط با این تفاوت که شیعیان رهبر این انقلاب را فرد معینی می‌دانند که فرزند بلافضل امام حسن عسکری علیه السلام است و در تاریخ ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری متولد شده است و در حال غیبت به سر می‌برد. اهل سنت می‌گویند: این فرد بعداً متولد می‌شود.

سخن در سه قسمت است:

اول: ترسیم و تصویر دورنمایی از حکومت جهانی حضرت مهدی (عج).

دوم: این که حضرت چگونه این حکومت جهانی را به دست می‌آورد و چگونه موفق و پیروز می‌شود؟

سوم: آیا مادر باره‌ی این حکومت مسئولیتی داریم؟ چه مسئولیتی؟

#### قسمت اول: ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (عج)

ویژگی اول: این حکومت، حکومتی جهانی است. حکومتی نیست که در یک گوشه‌ای از زمین برقرار شود. از روایات فراوان این مسئله استفاده می‌شود. علاوه بر این، آیه‌ی ﴿... أَنْ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۲</sup> و آیات دیگر دلالت می‌کند که یک زمانی صالحان حاکم زمین می‌شوند.

یکی از خصوصیات این حکومت که با حکومت‌های دیگر خیلی تفاوت دارد، حکومت واحد جهانی بودن است. حکومت‌های متعدد نیست.

ویژگی دوم: ویژگی دوم حکومت حضرت مهدی - سلام الله علیه - گسترش اسلام در همه‌ی جهان است به گونه‌ای که هیچ ده، قریه یا جایی نیست مگر صدای اذان در آن جا به گوش می‌رسد.

۱. استاد حوزه، محقق، دانشمند و نویسنده.

۲. انبیا (۲۱) آیه ۱۰۵: ... بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

ویژگی سوم: ویژگی سوم از برنامه‌های حکومت حضرت مهدی (عج) و مهم‌ترین برنامه‌اش مبارزه‌ی جدی با ستم و ریشه‌کن کردن آن است. از روایات فراوانی استفاده می‌شود که حضرت ستم را بر طرف می‌سازد. نه افراد نسبت به هم ظلم می‌کنند نه حکومت‌ها نسبت به رعیت‌های خود و نه حکومتی نسبت به حکومت دیگر.

ویژگی چهارم: ویژگی چهارم این‌که حضرت عدالت را در سراسر جهان گسترش می‌دهد و اجرا می‌کند. همه‌جا به عدالت رفتار می‌شود همه با عدالت رفتار می‌کنند؛ مثلاً شوهر به خودش، فرزندان و خانواده‌اش ستم نمی‌کند. در اکثر روایاتی که درباره‌ی حضرت مهدی (عج) است این مسئله را شما می‌خوانید که «يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»<sup>۱</sup> این از برنامه‌های اصلی حضرت است.

ویژگی پنجم: ویژگی پنجم حکومت امام زمان (عج) این است که اسلام را در ابعاد مختلف زندگی مردم وارد می‌کند؛ یعنی اجرای احکام اسلام در ابعاد مختلف زندگی و آن هم در تمام جهان؛ یعنی اداره‌ی جهان به وسیله‌ی احکام اسلام.

### قسمت دوم

مسئله‌ی دوم این است که حضرت حکومت واحد جهانی را چگونه ایجاد می‌کند؟ آیا به واسطه‌ی معجزه تحقق می‌پذیرد؟

آیا خداوند متعال کاری می‌کند که همه‌ی جهان یکباره دگرگون شود یا این‌که از طریق معجزه نیست؟

از راه‌های معمول و متعارف است. از روایات استفاده می‌شود که موفقیت حضرت در تأسیس حکومت به وسیله‌ی جنگ و جهاد است که حضرت به وسیله‌ی آن پیروز می‌شود. شباهت امام زمان (عج) به پیامبر ﷺ

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: «وَأَمَّا شَبِيهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ...»<sup>۲</sup> شباهت حضرت مهدی (عج) به جدش پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این است که «... فَخَرُّوْهُ بِالسَّيْفِ...»<sup>۳</sup> قیامش و نهضتش با شمشیر است.

حضرت پیروز می‌شود به واسطه‌ی شمشیر و رعبی که در دل دشمنان می‌افتد که این یک امتیازی است. وقتی که جنگ، یک جنگ واقعاً موفقی باشد، طرف مقابل در درونش ترس می‌افتد. در ابتدای امر شاید این طور نباشد؛ ولی وقتی که استقامت و موفقیت با هم باشد، طرف دیگر مرعوب می‌شود.

۱. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۴۶.

۲ و ۳. همان، ج ۵۱، ص ۲۱۸.



### چگونگی شکل‌گیری حکومت امام مهدی (عج)

بشیر النبال می‌گوید: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع: ... إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَهْدِيَّ (عج) لَوْ قَامَ اسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْوًا وَلَا يُهْرِيقُ مِخْجَمَةً دَمٍ...»<sup>۱</sup>

امام پاسخ دادند: اگر قرار بود به وسیله‌ی کارسازی و معجزه اوضاع برایش درست می‌شود، برای پیغمبر ص می‌شد و در زمان پیغمبر ص انجام می‌گرفت. در حالی که پیغمبر ص خودش در جنگ دندانش شکست، پیشانی‌اش خون آلود شد، در جنگ‌های مختلف شرکت کرد و خودش وارد میدان می‌شد. پس معلوم است پیروزی باید به وسیله‌ی جنگ باشد. این جور نیست که بگوییم برای پیغمبر اسلام ص امکان داشت به وسیله‌ی معجزه این کار محقق شود؛ اما تحقق پیدا نکرد و آن را گذاشتند برای حضرت مهدی (عج). بعد فرمود: «... حَتَّى نَمْسَحَ نَحْنُ وَأَنْتُمْ الْعَرَقَ وَالْعَلَقَ...»<sup>۲</sup> نه این جور نمی‌شود مگر این‌که ما و شما در میدان جنگ، جنگ کنیم و خونی ریخته شود و عرقی بریزیم در راه جهاد.

سؤال‌ها: یک مقداری هم دقت داشته باشیم در وضع موجود این وضع موجود را باید ارزیابی کنیم. باید حساب شود حالا با این وضع ما چه کار کنیم؟ آیا وظیفه‌ی شیعیان در برابر چنان آرمان مهمی این است که تنها برای حضرت و ظهورش دعا کنند و جشن و چراغانی داشته باشند. آیا نباید جهان برای ظهور حضرت آماده‌گی پیدا کند تا حضرت مهدی (عج) ظهور فرماید. این آماده‌گی را چه کسی باید به وجود آورد؟

آیا شیعیان در این قسمت مسئولیت ندارند؟ آیا آن‌ها نیستند که چنین حکومتی را انتظار دارند، پس باید زمینه‌اش را فراهم کنند.

آرمان‌ها: باز می‌گردیم به آرمان‌هایی که اول داشتیم؛ مثلاً ما می‌گوییم حضرت می‌آید تا همه‌ی جهان را مسلمان بکند. آیا برای پذیرفتن اسلام آماده‌گی لازم نیست؟ آیا نباید کاری کرد که مردم جهان آماده‌ی پذیرش اسلام باشند؟ الان چه مقدار آماده‌اند؟ مردم و ما چه مقدار در این قسمت سرمایه‌گذاری کرده‌ایم؟ این مسئله مهم است.

### مراحل آماده‌سازی

مرحله‌ی اول: در این باره من به دو قسمت اشاره می‌کنم: یک قسمت راجع به خود ما است.

اول کار این است که خودمان به اسلام عمل بکنیم. اول راهش این است که ما خودمان به آن چه انتظار داریم که حکومت حضرت مهدی (عج) بیاید و تحقق بخشد، عمل بکنیم.

۱. محمد بن ابراهیم النعمانی، الغیبة، ص ۲۸۴.

۲. همان: ([ظهور آن حضرت چنان با رنج و تعب همراه خواهد بود] که ما و شما عرق را به همراه لخته‌های خون از پیشانی خود پاک کنیم ...)

مرحله‌ی دوم: مرحله‌ی دوم این است که ما بتوانیم همین مسئله را به جهانیان تفهیم کنیم و بگوییم اگر شما هم می‌خواهید زندگی‌تان خوب شود، باید به مسائل اسلامی عمل کنید. در پایان فقط دو روایت را عنوان می‌کنم:

### روایت اول: آمادگی عقلی

یک روایت از امام صادق علیه السلام است: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا...»<sup>۱</sup> وقتی حضرت قیام می‌کند، «... وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ...»<sup>۲</sup> دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد. حالا «وَضَعَ يَدَهُ»؛ یا دست خدا یا دست خودش است، دو احتمال است. به هر حال، دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد و عقل‌های این‌ها را متمرکز می‌سازد؛ «... فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ...»<sup>۳</sup> و اخلاق آن‌ها را کامل می‌کند، «... وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ...»<sup>۴</sup> به وسیله‌ی این آمادگی پیدا می‌کنند حق را بپذیرند؛ چون ستم نتیجه‌ی جهالت است. نپذیرفتن اسلام نتیجه‌ی نادانی است. اگر مردم عقل‌شان به جا آمد و توانستند مسائل واقعی را درک بکنند، اسلام را قبول می‌کنند.

### روایت دوم: آمادگی برای ظهور

روایت دیگری است که ابو جعفر علیه السلام می‌فرماید:

«... أَتَرَى مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) لَا يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً؟...»<sup>۵</sup> یعنی هر کسی که نفس خودش را وقف خدا بکند فکر می‌کند که خدا مخرجی را برایش قرار نمی‌دهد، راه نجات برایش قرار نمی‌دهد؟! بعد فرمودند: «... وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً...»<sup>۶</sup> به خدا قسم، خداوند مخرجی را برایش قرار می‌دهد؛ اما به شرطی که خودش را وقف کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خودتان را برای ظهور حضرت مهدی (عج) آماده کنید ولو به ذخیره کردن یک تیر. خودتان را برای ظهور حضرت آماده کنید ولو این‌که یک تفنگ بخرید و یک تیر آماده کنید. آمادگی بالاتری را می‌گوید به حدی که واقعاً در برابر جهان و سلاح‌های پیشرفته‌ی جهان آمادگی پیدا بکنید. این خیلی مهم است.

انتظار این است که به طور جدی در این مسیر باشیم. مردم را و خودمان را برای آمادگی در این راه آماده کنیم تا از اصحاب واقعی و یاران امام زمان (عج) شویم. إن شاء الله.

\*\*\*

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. همان: ... دستی بر سر بندگان خدا بکشد ...

۳. همان: ... چنان که خیزدهاشان بدو پیوند یابد ...

۴. همان: ... و اخلاقتان بدو به کمال گراید ...

۵ و ۶. همان، ص ۱۲۶.

## امام مهدی (عج) در قرآن

آیه‌الله محمد هادی معرفت<sup>۱</sup>

بحث از ظهور پر برکت حضرت حجّت (عج)، با استناد به آیات قرآنی، به مقدمه‌ای کوتاه نیاز دارد.

اگر ما خواسته باشیم این مسئله را از صریح آیات به دست آوریم، شاید خواسته‌ای بی‌مورد باشد.

سیر مطلب این است که قرآن کریم دارای دو جهت است که باید مورد عنایت قرار گیرد.

**جهت اول:** اول این که آیات و سوره‌های قرآن در مناسبت‌های مختلف و به‌عنوان علاج حادثه یا واقعه‌ای نازل شده است. این موجب می‌شود دلالت آیه نوعی وابستگی پیدا بکند با آن شأن نزول. اگر این طور شد، دلالت همیشگی قرآن که پیامی جاودانی باشد، مقداری زیر سؤال می‌رود. لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: عنایت شما فقط به این اسباب نزول نباشد. در پس پرده یک معنای عامی وجود دارد که جنبه‌ی شمولی دارد و برای همیشه است.

**جهت دوم:** قرآن جهت و جنبه‌ی دوم هم دارد که جنبه‌ی جاوید است. جاوید بودن قرآن به ظهر آن نیست آن چه بقای قرآن را ضمانت کرده است تا پیامی همیشگی باشد، بطن قرآن است.

### بطن قرآن چیست؟

بطن آیات در اختیار ائمه علیهم السلام است و آن‌ها از بطن آیات آگاهی دارند؛ اما راه رسیدن به آن را به ما یاد داده‌اند. بطن آیات قرآن آن مفاهیمی است که جنبه‌ی شمولی داشته و از قیودی که آیه را فرا گرفته جدا شده باشد.

### ضابطه‌ی تفسیر و تاویل

همان‌گونه که تفسیر ضابطه دارد، تاویل هم ضابطه دارد. ضابطه این است که آن خصوصیات و ویژگی‌هایی که آیه را فرا گرفته طبق قانون «سبر و تقسیم» از آیه جدا کنیم؛ سپس آن چه از دلالت آیه به دست آمد، آن بطن آیه است؛

۱. نویسنده، استاد حوزه و مفسر قرآن کریم.

### بررسی آیات ظهور

با این مقدمه، به بررسی آیاتی که دلالت بر ظهور منجی عالم حضرت حجّت (عج) دارد می‌پردازیم.

#### آیه اول

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ  
\* وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾<sup>۱</sup>

این آیه درباره‌ی بنی اسرائیل و در قصه‌ی حضرت موسی علیه السلام و فرعون است. پس این آیه، از لحاظ تنزیل و از لحاظ ظاهر، به داستان بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی علیه السلام و فرعون مربوط است.

یک اصل: در این آیه یک اصلی مطرح شده است و آن این که اراده‌ی ازلی الهی بر این تعلق گرفته که مستکبران ریشه کن شوند و مستضعفان و عبادالله الصالحین وارثین ارض و حاکمین در زمین باشند؛ آن هم در پهنای زمین.

پس محتوا و مفهوم عام آیه به خصوص زمان حضرت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل مربوط نیست. اما آیا آن اراده‌ی ازلی به طور کامل تحقق یافت؟ نه.

قطعاً این اراده باید تحقق پیدا کند و این اراده جز با ظهور حضرت حجّت (عج) امکان پذیر نیست.

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

لَتُعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا...<sup>۲</sup>

این دنیا که امروزه از ما روگردان است روزی به ما رو خواهد آورد همانند ناقه‌ای که به فرزندش از روی علاقه، روی می‌آورد.

آن وقت حضرت این آیه را تلاوت فرمود:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ  
الْوَارِثِينَ﴾<sup>۳</sup>

ابن ابی‌الحدید در شرح این خطبه می‌گوید:

والإمامية تزعم أن ذلك وعد منه بالإمام الغائب الذي يملك الارض في آخر الزمان

۱. قصص (۲۸) آیه‌های ۵ و ۶: ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین

قرار دهیم. و حکومت شان را در زمین پا بر جا سازیم ...

۲. نهج البلاغه‌ی محمد عبده، دارالمعرفة، بیروت، کلمات قصار شماره‌ی ۲۰۹.

۳. قصص (۲۸) آیه‌های ۵ و ۶.

و أصحابنا يقولون إنه وعد بإمام يملك الأرض ويستولي على الممالك.<sup>۱</sup>

ابن ابی الحدید می‌گوید: ما هم قبول داریم، شیعه هم قبول دارد. با این تفاوت که اهل سنت می‌گوید: ضرورت ندارد که آن امام فعلاً حیات داشته باشد بلکه به وقت خودش متولد خواهد شد و این کار را انجام خواهد داد:

... ولا يلزم من ذلك أنه لا بد أن يكون موجوداً وإن كان غائباً إلى أن يظهر بل يكفي في صحة هذا الكلام أن يُخلق في آخر الوقت....<sup>۲</sup>

پس ما با برادران اهل سنت در اصل ظهور مهدی (عج) اختلاف نداریم و این که از ولد امام حسین علیه السلام است، این هم اتفاق نظر است.

تفاوت دیدگاه: نقطه‌ی فارق بین ما و اهل سنت این است که شیعه عقیده‌اش این است که پیوسته باید حجت حق به طور حقی و زنده در روی زمین باشد تا واسطه‌ی برکات و فیوضات الهی برای همه‌ی جهانیان باشد.

در زیارت این جمله را وقتی که جلو ضریح امام حسین علیه السلام می‌ایستیم، می‌خوانیم:

... إزادة الرب في مقادير أموره تهبط إليكم و تصدُر من بيوتكم....<sup>۳</sup>

یعنی یگانه واسطه‌ی فیض به طور مطلق و فراگیر شما هستید. آیا شما که مقابل ضریح امام حسین علیه السلام این جمله را می‌گویید، توجه دارید؟ این درسی است از عقاید شیعیان.

## آیه‌ی دوم

آیه‌ی دیگری که در این زمینه است می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۴</sup>

زبور همین مزامیر داوود علیه السلام است که هم نسخه‌ی عربی و هم نسخه‌ی فارسی‌اش که چاپ لندن است، موجود است و بنده آن را دارم. همین عبارتی را که قرآن کریم می‌فرماید:

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۲۹، خطبه ۲۰۵: و امامیه گمان می‌کنند که این آیه وعده‌ای از جانب خدا درباره‌ی امام غایبی است که در آخر زمان به زمین حکم می‌راند، و اصحاب ما (اهل تسنن) می‌گویند: این وعده‌ای است به امامی که بر زمین حکم می‌کند و بر کشورها مستولی می‌شود.

۲. همان: ... از آن مطلب لزومی نخواهد بود که امام در حال حاضر موجود باشد، گرچه غایب باشد تا زمانی که ظهور نمایند، بلکه در صحیح بودن این کلام همین کفایت می‌کند که در آخر وقت متولد شود....

۳. کافی، ج ۴، ص ۵۵۷: ... اراده‌ی خداوندی در جریان مقادیر امور به سوی شما فرود می‌آید و از منازل شما صادر می‌شود....

۴. انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵: در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد».

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ﴾<sup>۱</sup>، در زبور فعلی هست. این مثل همان آیه‌ی قبلی است؛ یعنی یکی از اساسی‌ترین مسائلی است که اراده‌ی ازلی حق به آن تعلق گرفته است که ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا﴾<sup>۲</sup> این «یرثها» جنبه‌ی شمولی دارد؛ یعنی به‌طور فراگیر حاکمان زمین عباد صالح خواهند بود. در مزامیر داود عليه السلام مزمور ۳۷ (فصل ۳۷) چنین آمده است:  
نزد خداوند ساکت شو و منتظر او باش و در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود و  
اما حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ.

### آیه‌ی سوم

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...﴾<sup>۳</sup>.

این آیه هم اشاره به همین جهت دارد.

درباره‌ی حضرت عیسی بن مریم عليه السلام و این‌که در آخرالزمان رجوع می‌کند، این آیه می‌فرماید:

﴿وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُون - وَقَالُوا أَلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ - إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ - وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ - وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾<sup>۴</sup>.

ابن حجر هیثمی در کتاب صواعق المحرقة - این کتاب ردّ بر شیعه نوشته شده درباره‌ی حضرت حجّت (عج) به تفصیل سخن رانده است - او می‌گوید:

۲۱. همان.

۳. نور (۲۴) آیه‌ی ۵۵: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکم ران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، یا بر جا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترس شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، [آن‌چنان] که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت ....

۴. زخرف (۴۳) آیه‌های ۵۷ و ۶۱: و هنگامی که درباره‌ی فرزند مریم مقلی زده شد: ناگهان قوم تو به‌خاطر آن داد و فریاد راه انداختند. و گفتند: «آیا خدایان ما بهترند یا او [مسیح]؟!» [اگر معبودان ما در دوزخند، مسیح نیز در دوزخ است، چراکه معبود واقع شده] ولی آن‌ها این مثل را جز از طریق جدال [و لجاج] برای تو نزدند؛ آنان گروهی کینه توز و پرخاش‌گرند. مسیح فقط بنده‌ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل قرار دادیم. و هرگاه بخواهیم به جای شما در زمین فرشتگانی قرار می‌دهیم که جانشین (شما) گردند. و او [مسیح] سبب آگاهی بر روز قیامت است. [زیرا نزول عیسی عليه السلام گواه نزدیکی رستاخیز است] هرگز در آن تردید نکنید؛ و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است.

قال مقاتل بن سليمان و مَنْ تَبِعَهُ مِنَ الْمُفَسِّرِينَ إِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي الْمَهْدِيِّ (عج).<sup>۱</sup>  
در این زمینه، در حدیث دیگری از ترمذی در جامع (ج ۴، ص ۵۰۱) و أبوداؤد در سنن  
(ج ۴، ص ۱۰۶) آمده است:

لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا (عزیزاً) حَتَّى يَكُونَ أَثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.<sup>۲</sup>  
شیخ عبدالوهاب شعرانی عارف معروف از عرفای برجسته‌ی جهان تسنن در یواقیت  
و جواهر (ج ۲، ص ۱۴۳) می‌گوید:

إِنَّ الْمَهْدِيَّ (عج) مِنْ أَوْلَادِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مَوْلِدُهُ لَيْلَةَ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ  
سَنَةِ خَمْسٍ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتَيْنِ وَ هُوَ بَاقٍ إِلَى أَنْ يَجْتَمَعَ بَعِيسَى بِنِ مَرْيَمَ فَيَكُونُ عُمُرُهُ  
إِلَى وَقْتِنَا هَذَا سَبْعَ مِائَةٍ وَ سِتِّ.<sup>۳</sup>

نکته‌ی جالب: ابن عربی مطلبی دارد که خیلی عجیب و ارزش مند است. ایشان می‌گوید:  
ما عصمت امام مهدی (عج) را به روایات متواتره از پیغمبر اکرم رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ اثبات می‌کنیم؛ چون  
پیغمبر اکرم رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ درباره‌اش فرموده است که خطا نمی‌کند، سهو نمی‌کند؛ ولی عصمت  
پیغمبر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ را با دلیل عقلی ثابت می‌کنیم.

\*\*\*

۱. ابن حجر هیثمی، صواعق المحرقة، ص ۱۶۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۶۵: تا با شما دوازده خلیفه که تمامشان از قریشند، باشند پیوسته این دین [اسلام] بر پا  
(عزیز) خواهد بود.

۳. همانا مهدی (عج) از فرزندان امام حسن عسکری رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ است که در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق متولد شد و او باقی  
خواهد بود تا آن که عیسی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ پسر مریم رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا بدو پیوندد، بنابر این عمرش در حال حاضر [وقت نوشتن کتاب]  
۷۰۶ سال است.

## حکومت واحد جهانی

آیه الله اکبر هاشمی رفسنجانی

آیه ی قرآن می فرمایند:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۱</sup>.

کلمه به کلمه ی این آیه قابل تعمق و بررسی است. سخن از خدا خطاب به پیغمبر ﷺ است، آن هم در موقعی که اسلام در محاصره بود و به تازگی سوسوی نور امید در ذهن ها پیدا شده بود. این حرف کجا، این ادعای بزرگ کجا و واقعیت های آن روز کجا؟ آیه تأکید خیلی دارد. کلمه ی «لقد» و تعبیر «کتبنا» معنای خاصی دارد. این نوشته ی خطی که نیست. خداوند که می نویسد، جور دیگری می نویسد. در واقع، این خبر از یک واقعیت حتمی و جزمی که در یک زمانی تحقق پیدا می کند، می دهد. مکتوب است؛ امانه به مرکب. خداوند واقعیت های حتمی آینده را با این تعبیر و تعبیرات شبیه به این مضامین بیان می کند. کم تر مکتب، دین و ملتی پیدا می شود که به نوعی به آسمان و معنویات و غیب اعتقاد داشته باشد؛ اما مسئله ی منجی بشر و آینده ی خوش دنیا برایش مطرح نبوده باشد.

### حکومت جهانی

من فکر می کنم در میان همه ی بحث هایی که درباره ی امام زمان (عج) هست، مهم ترین آن، مسئله ی حکومت جهانی است.

امروز وقتی که صحبت از حکومت واحد جهانی می شود به گوش انسان آن قدر سنگینی نمی کند که چهل، پنجاه سال پیش سنگینی می کرد؛ چون خود دنیا قطع نظر از معارف اسلامی و افکار ما، همین حرف ها را می زند و به این طرف می رود.

تأسیس بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، تأسیس سازمان ملل، شورای امنیت، پلیس بین الملل، دادگاه جهانی بین المللی و جهانی شدن اقتصاد، فرهنگ و کارهای سازمان هایی مثل یونسکو و یونسف و بهداشت جهانی نمونه ای از این اعمال است.

حالا بحث من این است که چه کسی می خواهد این کار را بکند؟ و چگونه می خواهد این کار اتفاق بیافتد؟ آیا ما واقعاً مدعی این مسئله هستیم؟ و اگر هستیم، آیا ظرفیت این کار را داریم؟ این ها بحث هایی است که باید قدری روی آن درنگ کرده و ببینیم چگونه است؟

۱. انبیاء (۲۱) آیه ی ۱۰۵: در «زبور» بعد از (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.



### مدعیان حکومت واحد جهانی

الآن سه قطب مهم، داعیه‌ی حکومت واحد جهانی دارند.

الف) اسلام: اسلام ریشه دارترین مکتب است که پیش از این که دیگران اصلاً تصورش را بکنند، این مسئله را مطرح کرده است.

مسیحیت هم همین ادعا را دارد.

البته با عنوان برگشت حضرت مسیح علیه السلام که خیلی به معارف ما درباره‌ی حضرت مهدی (عج) نزدیک است.

ب) مارکسیزم: دوم از مکاتب داعیه‌دار حکومت واحد جهانی مارکسیزم است. آن‌ها تز خود را با تحلیل تاریخی و ماتریالیسم تاریخی با روش دیالکتیک و فلسفه‌ی خودشان اثبات می‌کردند که دنیا از یک امت واحده‌ی ابتدایی جهانی کوچک شروع شده و با مسیری که طی می‌کند سرانجام و در نهایت از دنیای صنعتی و سرمایه‌داری عبور می‌کند و دوباره به کمون (نه به کمون اولیه) کمون جهانی و ملت و امت واحده‌ی جهانی با مرام اشتراکی برمی‌گردد که تز آخر الزمان آن‌ها بوده است.

ج) سرمایه‌داری: سومین مکتب داعیه‌دار حکومت واحد جهانی، سرمایه‌داری است. آن‌ها هم اخیراً تز آخر الزمان را مطرح می‌کنند. از وقتی که مارکسیزم به این روز افتاده، آن‌ها حرف‌های جدیدتری می‌توانند بزنند و از موضع بالاتری حرف می‌زنند. می‌گویند: همه چیز به طرف حاکمیت سرمایه‌داری با فرهنگ غربی که سرمایه‌ی اصلی آن‌ها است، می‌رود.

در حال حاضر غربی‌ها امتیازاتی دارند ولی امتیازات آن‌ها مبنایی نیست و به خاطر نداشتن بعضی از نیازهای واقعی حکومت جهانی واحد مشکل برای‌شان ایجاد می‌کند.

این را تقریباً همه‌ی متفکران دنیا قبول دارند که اگر یک مکتبی بخواهد جامعیت داشته باشد، پیش از هر چیز احتیاج به یک جهان‌بینی دارد که واقعیت جهان و انسان را ترسیم بکند؛ و اگر بخواهد دوام داشته باشد و منطبق با حقیقت خارجی حرکت بکند، باید اول جهان و انسان را آن جوری که هست بشناسد و ارزیابی درستی از آن داشته باشد.

مشکل این دو مکتب این است که با اصل فطرت سازگار نیستند و بخش اساسی و اصلی آن را ندیده می‌گیرند و از وسط می‌خواهند شروع کنند.

انکار خدا، توحید، ربوبیت خدا و انکار حضور اراده‌ی الهی و احاطه‌ی عرش الهی بر جهان، این مسئله‌ای بسیار مهمی است؛ گرچه در خیلی از مسائل و در این غوغای مادیت دنیا مغفول عنه است.

بسیاری از تحلیل گران در بارهٔ افول مارکسیزم و سوسیالیزم می‌گویند: در عمل شیوه‌های غلط اقتصادی موجب شکست آن‌ها شد. البته این مسئله بود؛ اما این‌ها هیچ وقت تحلیل نمی‌کنند که مشکل و مسئله‌ی اصلی این‌ها انکار خدا، دین، عالم غیب و ... بود.

امروز بحث کردن از این‌که غرب دچار اشکال واقعی است کار آسانی نیست. برای این‌که چشم‌ها و گوش‌ها پر است از مظاهر قدرت و پیشرفت غربی‌ها، به خصوص اگر از طرف کسانی مثل ما که در زندگی و اداره‌ی جامعه و جهان اسلام بسیار بسیار مشکل داریم، باشد. ما وقتی که این حرف‌ها را بزنیم، خیلی آسان از ما نمی‌پذیرند؛ چون می‌گویند شما اگر این‌ها را بلدید، خودتان عمل کنید.

ما ممکن است در عمل نتوانسته باشیم و نتوانیم مسلمان‌های خوبی باشیم؛ اما ما از اسلام داریم حرف می‌زنیم، نه از خودمان.

شاید در غرب موفق‌ترین ملت‌ها الان آمریکا باشد که از لحاظ مادی از کشورهای دیگر پیشرفته‌تر است آیا جامعه‌ی آمریکا واقعاً جامعه‌ی ایده‌الی است؟

در جامعه‌ی آمریکا حدود سی، چهل مورد اشکالات اصلی می‌توان پیدا کرد.

البته کسی که از دور ماهواره را می‌بیند و خبرهای روزنامه‌ها و رسانه‌های آن‌ها را می‌بیند، خیال نمی‌کند این اشکالات در آمریکا باشد.

من به تعدادی از مشکلات شان اشاره می‌کنم:

پوچ‌گرایی: نخستین مسئله که خود آمریکایی‌ها به آن معترفند، احساس روحیه‌ی پوچی در جامعه‌ی آمریکا است؛ یعنی این‌ها فکر می‌کنند ما به کجا داریم می‌رویم و دنبال چه هستیم؟ از این خورد و خواب چه حاصل خواهد شد؟ این حرف آن‌هایی است که دارند. آن‌ها که ندارند، بدبختی‌های دیگری دارند. این‌هایی که دارند، این مسئله برای شان به طور جدی مطرح است که انسان در جامعه‌ی آمریکا بی‌هدف است. بی‌هدف نهایی.

بحران خانواده: خانواده که نخستین سلول اجتماعی است، در آمریکا ضعیف‌ترین سلول پیکر جامعه‌ی بشری است. خانواده برای آن‌ها خیلی بی‌مفهوم است.

الان روی بشر واحد و فرد واحد بیش‌تر حساب می‌کنند تا خانواده. این انهدام سلول خانواده در جامعه‌ی آمریکا باعث ازدیاد بچه‌های نامشروع شده است که ارقام آن غیر قابل باور است.

اعتیاد: به دلیل همان پوچی و بی‌هویتی در جامعه‌ی آمریکا، نسل جوان آمریکایی گرفتار اعتیاد بسیار شدیدی است.

اگر اعتیاد به مشروب را هم ضمیمه کنند، که این اعتیاد از بدترین اعتیادات است،

موارد استثنا خیلی کم است. اعتیاد در حال بی‌خانمان کردن آمریکا است.

خشونت: روحیه‌ی خشونت و بی‌بند و باری در بچه‌ها بیداد می‌کند. هر روز می‌شنویم که در مدارس آن‌ها تیراندازی شده یا در فلان جا آدم‌کشی شده، کجا را آتش زدند یا حمله بردند. اگر این حوادث را به دنیا نشان می‌دادند، به عمق مشکل آن‌ها پی می‌بردیم.

مشکل امنیت: ناامنی در آمریکا به گونه‌ای است که در اکثر شهرهای بزرگ از اول شب، انسان‌هایی که کمی برای خودشان شخصیت قائلند توی خیابان نمی‌آیند. در حالی که از دور خیال می‌شود آن‌جا «جزیره‌ی امن» است. واقعاً این‌گونه نیست.

تبعیض: از لحاظ اجتماعی، در آمریکا تبعیض بسیار زیاد است. اگر کسی کنار سیاه‌پوستان، سرخ‌پوستان و مسلمانانی که از کشورهای مختلف به آمریکا رفته‌اند، بنشیند و درد دل آن‌ها را بشنود، متوجه خواهد شد که چه بلایی این کشور را گرفته است و چه قدر آلوده است.

فقر: از لحاظ سطح برخورداری از نعمت‌ها و سطح استاندارد، در جامعه‌ی آمریکا - چنان‌که خودشان می‌گویند - ۱۳ یا ۱۴ درصد مردم زیر خط فقرند؛ و این در یک جامعه‌ی ۲۵۰ میلیونی یعنی در حدود ۳۰ یا ۴۰ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند. چه طور این جامعه می‌تواند ایده‌آل باشد.

بی‌بند و باری جنسی: به دنبال تزلزل در خانواده و حالت پوچی و ناامیدی که در اکثریت جامعه‌ی آمریکا دیده می‌شود، بی‌بند و باری جنسی که محصول آن بچه‌های نامشروع هستند، زیاد است و آفتی فوق‌العاده‌کننده برای آمریکایی‌ها شده است.

ابتدال رسانه‌ای: مشکل بسیار جدی دیگر آمریکا، رسانه‌های آن‌ها است، که متأسفانه کشورهای دیگر از آن تقلید می‌کنند و فکر می‌کنند ارزش‌های غربی مرهون این است. الان رسانه‌های آمریکایی بی‌بند و بار هستند، وضعیت به گونه‌ای است که همه احساس ناامنی می‌کنند و می‌ترسند که مسائل خصوصی و شخصی‌شان به صورت شایعه، دروغ، جنگ‌های روانی افشاگرده و حریم شخصی آن‌ها را پاره کند.

بی‌اعتمادی: بحث دیگر بی‌اعتمادی در جامعه‌ی آمریکا است که نمونه‌ی آن در انتخابات اخیر ریاست جمهوری به وجود آمد. آمریکا در هر جای دنیا که انتخابات می‌شود می‌خواهد ناظر بفرستد و نظارت کند و طلب‌کار است و می‌گوید: مثل ما عمل کنید.

الان خود آن‌ها به این جا رسیده و به مشکل برخوردند و گوشه‌ای از آن چه را که واقعیت است، می‌گویند. شاید هم کشف شود که مسائل بیش از این‌ها است.

سیستم آموزشی ناکارآمد: سیستم آموزش آن‌ها که می‌خواهند آن را به همه جا صادر

بکنند، سیستم ناکارآمدی است. امروز مغز متفکر در آمریکا تربیت نمی‌شود. بسیاری از کارهای مهم این‌ها را مهاجران با مزد کم انجام می‌دهند؛ مانند ایرانی‌ها، ویتنامی‌ها، چینی‌ها، روس‌ها، آفریقایی‌ها. این‌ها را جذب می‌کنند و از آن‌ها مانند ماشین کار می‌خواهند.

اقتصادبیمار: از لحاظ اقتصادی فکر می‌شود آن‌جا بهشت دنیا است. آمریکا مقروض‌ترین کشور دنیا است. بدهی‌های خارجی و داخلی فراوان دارند که ارقام آن سرسام‌آور است؛ اما سیستم آن‌ها به گونه‌ای است که عمل می‌کند و این بده‌کاری را می‌پوشاند.

وابستگی به منابع: از لحاظ وابستگی، فکر می‌شود آمریکا مستقل‌ترین کشور دنیا است؛ اما الان آمریکا روزانه ۸ تا ۹ میلیون بشکه نفت وارد می‌کند. اگر نفت به قیمت بشکه‌ای ۳۰ دلار باشد، آمریکا در سال باید بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار برای نفت بپردازد تا سوخت وارد و استفاده کند و حتی اگر یک میلیون بشکه‌ی آن وارد نشود، بحران پدید می‌آید.

وابستگی به بازارهای دنیا: از جهت دیگر، محصولات و صنعت آمریکا به گونه‌ای است که اگر بازار دنیا برایش ناامن شود، صنایع آن خفه می‌شوند؛ و میلیون‌ها بی‌کار به خیابان‌ها می‌ریزند و بانک‌ها ورشکسته خواهند شد. وقتی بازار و منبع کشوری این‌گونه وابسته باشد، این یک جامعه‌ی ایده‌آلی می‌تواند باشد؟! چنین جامعه‌ای بسیار متزلزل، بی‌اعتبار و سست است.

این سستی یک روزی ظهور خواهد کرد؛ امروز در دنیا کسی نیست. این‌که شما می‌بینید - شاید مایه‌ی تعجب باشد و جوان‌های ما هم متوجه این نیستند - آمریکا این قدر با ما بد و کج است و واقعاً مانند پدر کشتگی با انقلاب ایران رفتار می‌کند، بدان جهت است که می‌بیند ایران یک کشور مستقل آزاد و روی پای خود و استکبار ستیز و استثمار ستیز است و اتفاقاً در جایی هم واقع شده که شمال و جنوب آن منافع حیاتی آمریکا است.

اگر یک کشوری مثل ایران در منطقه‌ای مثل خاور میانه باشد برای این‌ها قابل تحمل نیست. چرا آمریکا این همه با رسوایی خرج اسرائیل می‌کند، بمب‌های اتمی که اصل آن هم نباید باشد و به اعتقاد خودشان تنها باید در اختیار چند قدرتی باشد که بر اعصاب‌شان کنترل دارند، اجازه می‌دهند اسرائیلی‌ها همه‌ی اسلحه‌های خطرناک را داشته باشند؟

این چیز کمی نیست که همه‌ی کشورها در سازمان ملل و در شورای امنیت، همه اسرائیل را محکوم می‌کنند، فقط آمریکا مخالفت می‌کند.

دلیل این همه حمایت این است که آمریکا با وجود اسرائیل در منطقه، در کنار کانال

سوئز و مخازن نفت و انرژی دنیا و نقاط حساس مذهبی و انسان‌ساز و منطقه‌ی پیغمبر خیز که همیشه منشأ هدایت دنیا بوده، احساس امنیت می‌کند. می‌خواهند کسانی را این‌جا بگذارند که ژاندارم منافع آن‌ها و مواظب حرکت مردم منطقه باشند.

ترکیه یک کشوری است که تسلیم آمریکا است. به همین دلیل، بر همه‌ی انحرافات حقوق بشری‌اش صحنه می‌گذارند و چشم‌پوشی می‌کنند. این خیلی افتضاح است که دولت ترکیه اعلام می‌کند هر کس ریش دارد یا روسری داشته باشد او را به دانشگاه‌های مان راه نمی‌دهیم. این حرف چه قدر امروز در دنیا زشت است و ننگ است برای یک ملت؛ حتی اگر اسلامی هم نگوییم، یک ملتی که خودش را لائیک می‌داند؛ ولی آمریکا چشم می‌پوشد.

پارسال<sup>۱</sup> در ترکیه شانزده هزار دانش‌جوی دختر به خاطر این حکم از دانشگاه محروم شدند، ولی در کشوری مثل چین و ایران اگر پنج نفر دانش‌جو را محروم کنند، همه‌ی حلقوم‌های حقوق بشری پاره می‌شود و فریاد می‌زنند و داد و بیداد می‌کنند، اما این‌جا خفه شده‌اند.

در ترکیه یک حزبی (حزب رفاه) که در مجلس، دولت و همه‌ی کشور اکثریت داشت، آن‌را رسماً و با زور منحل کردند. رهبر آن‌را محکوم به زندان کردند. آمریکا چه حرکتی و عکس‌العملی نشان داد؟

همه‌ی امکانات ترکیه الان در اختیار اسرائیلی‌ها است. اسرائیل چه طور در ترکیه این‌گونه جولان می‌دهد؟ کشوری که قرن‌ها مرکز خلافت اسلامی بوده و نزدیک نود و نه درصد مردم مسلمانند. واقعاً بسیاری از مردم مسلمانند. این‌طور نیست که ما خیال کنیم لائیک‌ها همه‌جا را گرفته‌اند. دلیل این مطلب پیروزی حزب اسلامی رفاه و بعد هم حزب اسلامی فضیلت بود.

چه طور اسرائیل دوست نظامی، سیاسی و اقتصادی ترکیه می‌شود و به آن‌ها فرمان می‌دهد هواپیمای جمهوری اسلامی را که کمک دارویی و تجهیزات برای مجروحان فلسطین می‌برد، از هوا پایین می‌کشند و بازرسی می‌کنند. این چه افتضاح بزرگی است که اتفاق می‌افتد. آمریکا احتیاج دارد به این‌جا و می‌خواهد آن‌را نگه دارد. امثال این افتضاحات خیلی فراوان است. علت آن هم نیازمند بودن آمریکا است.

آمریکا دروغ می‌گوید مستقل است و وابسته نیست. یکی از وابستگی‌های آمریکا وابسته بودن به انرژی است که بدترین نوع وابستگی است. ذخیره‌های استراتژیک هم نتوانست مسئله را حل کند.

این‌ها وقتی که نفت ارزان بود، انبارهای شان را پر از نفت کردند بعد دیدند نگهداری انبارها و نفت‌ها بسیار پرهزینه‌تر از گران شدن نفت است.

فکر نکنیم که آمریکا وابسته نیست واقعاً وابسته است و نمونه‌هایش را هم ذکر کردم. نمونه‌ی دیگر این‌که، رقابت صنعتی برای این‌ها کشنده است، لذا غربی‌ها روی بازار به جان هم می‌افتند.

نارضایتی مردم دنیا: فکر می‌کنید جهان سوم از آمریکا راضی است؟ بیش از چهار، پنج میلیارد مردم دنیا از آمریکا و سیاست‌های بین‌المللی آن ناراضی‌اند. این نظام چه طور می‌تواند حاکم بر همه‌ی دنیا باشد، در حالی که اکثریت مردم دنیا آن را نمی‌پسندند و همه خودشان را طلب‌کار می‌دانند، همه خودشان را مظلوم می‌دانند، همه آمریکا را استعمارگر می‌دانند. فرض حکومت جهانی که این نیست.

به هر حال با همه‌ی نواقصی که برای آمریکا بر شمردیم، این سیستمی است که الان می‌خواهد ارباب دنیا و محور تک قطبی دنیا باشد و حکومت واحد جهانی برقرار نماید و افرادی مثل فوکویوما برای آن‌ها تز آخر الزمان می‌نویسند.

البته اسلام هم با وضع موجودی که دارد، نمی‌تواند داعیه‌دار حکومت واحد جهانی باشد.

حوزه‌های علمیه باید روی جهان بینی‌ای که قرآن مطرح می‌کند - از لحظه‌ی خلقت حضرت آدم علیه السلام تا حضرت مهدی (عج) و آیاتی که در این زمینه است - توجه بکنند و آن این است که عاقبت دنیا به خیر است و دنیا روز خوشی دارد و بشر و دنیا برای آن روز خلق شده‌اند؛ والا آن چه که تا به حال ما از دنیا دیده‌ایم چه در دوره گذشته و چه امروز، فلسفه‌ی خلقت بشر را نشان نمی‌دهد.

بررسی چند آیه: در مورد آیات شریفه‌ی ﴿... فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ﴾ \* قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ \* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾<sup>۱</sup>.

وقتی در داستان حضرت آدم علیه السلام خداوند این وعده را داد. و شیطان به خاطر تکبرش

۱. حجر (۱۵) آیه‌ی ۳۶-۳۸: پروردگارا، مرا تا روز رستاخیز مهلت بده و زنده نگه‌دار. فرمود: «تو از مهلت یافته‌گانی.

(اما نه تا روز رستاخیز بلکه) تا روز و وقت معینی».

مغضوب می‌شود و مهلت می‌خواهد، می‌گوید: ﴿... فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ...﴾<sup>۱</sup>، خداوند می‌فرماید که ﴿... فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ﴾<sup>۲</sup> بعد یک قیدی می‌زند و می‌فرماید: ﴿... إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾<sup>۳</sup>.

اقوال در آیات: در این آیات اختلاف نظر است. سه قول و نظریه در تفسیر این آیات وجود دارد. یک قول این است که خداوند همه‌ی خواسته‌های شیطان را داده و گفته تا قیامت مهلت داری. وقت معلوم، همان قیامت است. قول دوم این است که این مهلت خداوند تا نفخه‌ی اولی است. قول سوم این است که این مهلت مربوط به یک زمانی از عمر دنیا است که بشریت تکامل کرده و اشکالات انسان‌ها با آزمایش‌ها، علوم، تعلیمات، تجربه‌ها و تکاملش به جایی رسیده که دیگر شیطان‌ها کشته می‌شوند.

علامه‌ی طباطبائی می‌گوید: من این نظریه را قبول دارم که زمانی می‌آید که زمان خوش دنیا است و آن روز شیطان دیگر بر انسان حاکمیت ندارد و مدینه‌ی فاضله است. آن موقع است که همه‌ی وعده‌های مربوط به دوران امام زمان (عج) تحقق پیدا می‌کند.

اگر بنا باشد حاکمیت شیطان بر انسان آن روز تمام شده باشد، این یک بحث تازه است که باید با بقیه‌ی آیات و روایات و با روایات مزاحم و معارض و مطالب دیگری که وجود دارد، بررسی شود. من هم الان به صورت قاطع نمی‌گویم؛ بلکه یک نظریه در رابطه با وقت معلوم پیدا کرده‌ام.

با این شواهدی که عرض کردم، یک چنین چیزی در دوران امام زمان (عج) باید منتظرش باشیم، روایات خیلی فراوان است که می‌گوید: «... وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا اخْلَاقَهُمْ...»<sup>۴</sup> بشر از لحاظ علمی آن چنان پیشرفت می‌کند که تعبیر روایات این است که خانم‌ها توی خانه‌های شان می‌نشینند و احکام و وظایف‌شان را از کتاب و سنت استخراج می‌کنند. مردم این طوری به احکام آشنا می‌شوند.

روایت دیگری هست که می‌گوید: امام زمان (عج) وقتی می‌آید خداوند مرتفعات زمین را و منخفضات زمین را در مقابلش هموار می‌کند که همه‌ی زمین را می‌تواند ببیند و

۱. همان: پروردگارا مرا تا روز رستاخیز مهلت ده و زنده نگه‌دار.

۲. همان: فرمود: تو از مهلت یافته‌گانی.

۳. همان: اما نه تا روز رستاخیز بلکه تا روز و وقت معین.

۴. اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه (آخوندی)، ج ۵، ص ۲۵: ... خداوند دست [لطف و رحمت] بر سر بندگان نهد که خیزدهانشان جمع گردد و به بلوغ فکری و عقلی رسند...

از همه جا مطلع باشد.<sup>۱</sup> الان با این پیشرفت علم تا حدودی هموار است؛ اما آن روز چه می‌شود باز معلوم نیست.

در تعبیر خیلی زیبایی روایات ما وجود دارد که می‌گوید: «... إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتْ الْمُزَامَلَةُ...»<sup>۲</sup> مزامله از زمیل صمیمی‌ترین دوست انسان است و یعنی صمیمیت بین مردم حاکم می‌شود این تفرقه‌ها و بدبختی‌ها کم می‌شود و کینه‌ها و گرگ صفتی‌ها از بین می‌رود.

به هر حال، آن بهشتی که روی زمین می‌شود تصور کرد، با آن شرایطی است که بدون پیرایه‌ها در بشارت ما و عهدین و جاهای دیگر آمده و آن دوره‌ی امام زمان (عج) است. جمهوری اسلامی و حوزه‌ی علمیه، یکی از کارهای مهمی که باید بکنند این است که پایه‌ها، راه‌کارها، فرهنگ مناسب و ابزار مناسب برای یک چنین اجتماعی را که جزء شرایط ظهور حضرت حجّت (عج) است و بدون آن شرایط این وعده‌ها قابل تحقق نیست، فراهم بکنند و زمینه‌سازی نمایند.

\*\*\*

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۳۷۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲: ... آن‌گاه که حضرت (عج) قیام کند، دوستی‌ها و رفاقت‌ها باز گردد... .



## امام مهدی (عج) در احادیث اهل سنت

آیه‌الله علامه مرتضی‌عسکری<sup>۱</sup>

### مقدمه

در ابتدا مقدمه‌ای را بیان می‌کنم. مردم و انسان‌ها دو قسم هستند: یک قسمی مانند حیواناتند که نمی‌دانند اصل خلقت چه بوده، از کجا آمده‌اند و نهایت عالم خلقت چیست؛ و دسته‌ای دیگر آن‌ها ایند که پیر و کتاب آسمانی‌اند. اهل کتاب همه متفق القول هستند و اجماع دارند که ابتدای خلقت، از خالق متعال است و این جهان خلقت را روز آخری است که در آن روز، عدالت در جوامع بشری برپا خواهد شد.

### فرق مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و مکتب خلفا

اما چیزی که هست ما پیروان مکتب اهل البیت، شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام از مکتب خلفا هم روشن‌تر هستیم. چرا؟  
یک دلیل مهمش آن است که در مکتب خلفا، از نشر حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نوشتن آن جلوگیری کردند.

بعد از وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ابوبکر که خلیفه شد در تذکرة الحفاظ ذهبی که از بزرگان علمای مکتب خلفا است، در ترجمه‌ی ابوبکر دارد که او گفت: حدیث از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت نکنند، هر کس از شما سؤال کرد بگوید: «بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ كِتَابُ اللَّهِ، فَاسْتَحْلُوا حَلَالَهُ وَحَرِّمُوا حَرَامَهُ...»<sup>۲</sup>.

بعد از ابوبکر، عمر بن خطاب منع از روایت حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تشدید کرد. چنان‌که منقول است چند نفر رفته بودند به خارج از مدینه و از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت کرده بودند. این‌ها را آورد و در مدینه حبس کرد.

از زمان ابوبکر شروع کردند قرآن بی تفسیر نوشتن. آن‌چه بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل می‌شد به دو صورت بود؛ یعنی دو وحی بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌شد: یکی وحی قرآنی و دیگر وحی بیانی؛ به عنوان مثال ما عدد رکعات نماز را در قرآن نداریم. توضیح آن در وحی بیانی است.

۱. نویسنده، محقق و استاد حوزه و دانشگاه.

۲. ذهبی، تذکرة الحفاظ: ج ۱، ص ۲ میان ما و شما کتاب خدا است، پس هر چه را حلال کرد حلال است و ...

پیامبر ﷺ وحی بیانی را در خانه‌ی خودش نوشته بود و هر جا که قرآن می‌خواند وحی بیانی آن را نیز می‌گفت؛ چنان که در مسند احمد دارد که پیامبر ﷺ در مسجد خودش ده آیه، ده آیه درس می‌داد: «أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ السَّلْمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مَنْ كَانَ يَقْرَأُنا مِنَ الصَّحَابَةِ إِنَّهُمْ كَانُوا يَأْخُذُونَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَشْرَ آيَاتٍ فَلَا يَأْخُذُونَ فِي الْعَشْرِ الْأُخْرَى حَتَّى يَعْلَمُوا مَا فِي هَذِهِ مِنَ الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ».<sup>۱</sup> این تفسیر بیانی هم مخالف سیاست حکومت بود.

﴿يَأْتِيهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...﴾<sup>۲</sup>

وحی شده بود و نازل شده بوده وحی بیانی آن «فی علی» بود لذا شروع کردند و یک قرآن بی تفسیر را نوشتند. زمان ابوبکر شروع به نوشتن کردند، زمان عمر تمام شد و آن را نزد حفصه گذاشتند. بعد این قرآن را زمان عثمان در هفت نسخه استنساخ کردند و به بلاد فرستادند.

و آن همین قرآن است که در دست ما است. همان قرآنی است که بر پیامبر ﷺ نازل شد. هیچ کم و زیاد ندارد؛ ولی وحی بیانی آن از بین رفته است. این مقدمه را گفتم تا بگویم احادیثی که از پیامبر ﷺ درباره‌ی حضرت حجّت (عج) آمده است، نزد ما بیش تر است.

### احادیث مکتب خلفا

حالا من چند روایت از مکتب خلفا، برای شما می‌خوانم:

حدیث اول: روی الشیخ ابراهیم الحموینی الشافعی [استاد ذهبی که وفاتش سنه‌ی ۷۲۲ است] فی فرائد السمطین [طبع استانبول] بسنده عن عبدالله ابن العباس قال: قال رسول الله ﷺ:

إِنْ خُلْفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَيَّ الْخَلْقِ بَعْدِي لِإِثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَخِي وَأَخِرُهُمْ وَلَدِي، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَمَنْ أَخْوَاكَ؟ قَالَ ﷺ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. قِيلَ: فَمَنْ وَلَدُكَ؟ قَالَ ﷺ: الْمَهْدِيُّ (عج) الَّذِي يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ

۱. ج ۵، ص ۴۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۰۶؛ از ابی عبدالرحمن السلمی: خبر داد به ما، کسی از صحابه که آنان ده آیه ده قرآن را از رسول خدا ﷺ فرامی‌گرفتند و ده آیه بعدی را هیچ‌گاه شروع نمی‌کردند مگر آن‌که در ده آیه‌ی اول هر چه را مربوط به علم و عمل بود فراگرفته باشند.

۲. مائده (۵) آیه ۶۷: ای پیامبر آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً [به مردم] برسان؛ و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای ...

و...<sup>۱</sup> [این اجماعی است. این در روایات ما بسیار است. در روایات مکتب خلفا هم دارد که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر حضرت حجّت (عج) نماز می‌خواند] و تَشْرِيقُ الْأَرْضِ بِنُورِ رَبِّهِ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَغْرِبَ وَالْمَشْرِيقَ.<sup>۲</sup>

حدیث دوم: فی فرائد السمطين عن کتاب تاریخ المقتل الحسین علیه السلام لأخطب خطباء الخوارزم، موفق بن أحمد الحنفی المتوفى سنة الخمس مائة وثمان و ستين هجرية [اوسند را کامل آورده است. من فقط آن آخری را می‌گویم] بسنده عن أبي سلمی راعي إبل رسول الله صلی الله علیه و آله أنه قال:

لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ أَرَانِي اللَّهُ ذُرِّيَّتِي وَالْمَهْدِيَّ (عج) فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ.<sup>۳</sup>

حدیث سوم: این روایت در سنن ابی داوود (جزء دوم صفحه ۴۲۰) و تذکرة خواص الأمة (صفحه ۳۷۷ چاپ استامبول ۱۳۹۹) است. سنن ابو داوود یکی از صحاح سبّت شمرده می‌شود. ابو داوود و ابن جوزی سلسله سند دارند، من ساقط کردم:

بسند عن ابن عمر [ابن عمر که می‌گویند عبدالله بن عمر است. معروف است که بزرگ‌ترین فرزند خلیفه‌ی دوم بود] قال:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «يَخْرُجُ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي أَشْمُهُ كَاشِمِي وَكُنْيَتُهُ كَكُنْيَتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا، فَذَلِكَ الْمَهْدِيُّ (عج)».<sup>۴</sup>

حدیث چهارم: این روایت در سنن ابو داوود (جزء دوم صفحه ۲۰۸) و مصابيح السنة (جزء دوم صفحه ۱۳۴) [مصابيح السنة؛ یعنی چراغ حدیث‌های پیامبر صلی الله علیه و آله]. چراغ سنت

۱. شیخ ابراهیم بن محمد الجوینی الخراسانی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۲ شیخ ابراهیم حموینی شافعی در کتاب فرائد السمطين به سندش از ابن عباس نقل می‌کند که (رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خلفا و جانشینان من و حجّت‌های خدا بر خلق پس از من دوازده نفرند: اول آنان برادرم و آخرشان فرزندم. گفته شد: ای رسول خدا، برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال شد: فرزندت کیست؟ فرمود: مهدی که زمین را از قسط و عدل پر سازد، همان سان که از ظلم و جور پر شده. قسم به آن که مرا به حق به عنوان بشارت‌دهنده برانگیخت، اگر از عمر دنیا یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن را چنان طولانی سازد تا فرزندم مهدی خروج کند. [پس از خروج او] عیسی پسر مریم پشت سرش به نماز ایستد.

۲. همان: و زمین از نور پروردگار روشن شود و سلطه‌ی حاکمیت او به شرق و غرب سایه افکند.

۳. همان، ص ۳۱۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شبی که به آسمان برده شدم، خدا به من ذریه‌ای را نمایاند و مهدی (عج) در میان آنان چون ستاره درخشان بود.

۴. علامه سبط ابن جوزی، تذکرة خواص الأمة، ص ۳۷۷، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در آخر الزمان مردی از فرزندان من قیام کند که اسم او همانند اسم من و کنیه‌اش مثل کنیه من است، زمین را از عدل پر سازد چنان که از ظلم پر شده است و او مهدی (عج) است.

پیامبر ﷺ از بقوی است، و جامع الصغیر از جلال الدین سیوطی الشافعی]. (حدیث ۶۲۴۴) وجود دارد:

قال: قال النبي ﷺ: المهدي مني وهو أجلي الجبهة»، «أقنى الأنف» «يملاً الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً، يملك سبع سنين.<sup>۱</sup>

مدت حکومت حضرت را نیز این روایت معین کرده است. «أجلى الجبهة»؛ یعنی (بنا بر این روایت) جلو سر حضرت حجت (عج) مو نداشته است. «أقنى الأنف»؛ یعنی بینی مبارکش کشیده و باریک است.

حدیث پنجم: این حدیث در الجمع بین الصحاح الستة آمده است. حمیدی کتابی دارد، جمع بین صحاح است؛

این به اسنادشان از عبدالله بن مسعود و ابوهریره؛ این روایت را روایت کردند. در روایت کمی لفظ این دو صحابی فرق می کند:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُبْعَثَ رَجُلٌ مِنِّي وَمِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِيُ اسْمُهُ اسْمِي...<sup>۲</sup>

در روایت ابوهریره، «حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ» آمده است؛ یعنی یک مردی حاکم بشود. حمیدی می گوید به نظرم لفظ «يُبْعَثُ» صحیح تر است؛ «حَتَّى يُسْبَعَتْ رَجَالٌ»؛ یعنی خدا کسی را بر انگیزد. این مرد از من است.

حدیث ششم: این روایت در کنز العمال (جزء ۷، ص ۲۶۳) است. متقی هندی روایت های صحاح ست با مسند احمد را جمع کرده و کنز العمال نامیده است:

إِنَّ عَلِيًّا ﷺ سَأَلَ النَّبِيَّ ﷺ: أَمِنَا آلَ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيُّ (عج) أَمْ مِنْ غَيْرِنَا؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بَلْ مِنَّا يَخْتِمُ اللَّهُ بِهِ كَمَا فَتَحَ بِنَا وَبِنَا يُنْقَدُونَ مِنَ الْفِتْنَةِ كَمَا أَنْقَدُوا مِنَ الشَّرِكِ وَبِنَا يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ بَعْدَ عِدَاوَةِ الشَّرِكِ.<sup>۳</sup>

حدیث هفتم: این حدیث از ام سلمه است. این روایت در سنن ابوداؤود (باب المهدي (عج) حدیث ۴۳۸۴) و در سنن ابن ماجه در باب الفتن (حدیث ۴۰۸۶) و در

۱. ابن بطریق بحی بن حسن حلّی، العمده، ص ۴۳۳: مهدی ﷺ از ما (از من) است. چهره ای نورانی دارد و بینی ای خمیده. زمین را از قسط و عدل پر سازد؛ چنان که از ظلم و جور پر شده است.

۲. همان، ص ۴۳۴: اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خدای تعالی آن روز را چنان طولانی کند تا در آن روز مردی از من یا از اهل بیتم قیام کند که اسم او اسم من است ...

۳. همان، ص ۹۳: (آیا مهدی (عج) از ما آل محمد است یا از غیر ما است؟ حضرت ﷺ فرمود: بلکه از ما است. خداوند به سبب او ختم کند [کمال بخشد] چنان که به ما آغاز کرد. به ما از فتنه نجات یابند چنان که از شرک نجات یافتند. خداوند به سبب ما، دل های تان را پس از کینه و دشمنی، به یکدیگر پیوند داد.

مستدرک حاکم نیز آمده است:

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَقُولُ الْمَهْدِيُّ (عَج) مَنْ عَثَرْتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ (سَلَامَ اللَّهُ عَلَيْهَا).<sup>۱</sup>

دو مطلب مهم: حالا از دو چیز می‌خواهم صحبت بکنم: یکی سرداب غیبت چیست و دیگری هم از کیفیت حکومت حضرت. آن چه ما در روایات داریم آن است که حضرت به علمش عمل می‌کند؛ یعنی پیامبر خاتم ﷺ اگر چنانچه کسی دزدی می‌کرد، اگر دو شاهد بر دزدی کردنش بود، حد برای او جاری می‌کرد و دستش را قطع می‌کرد.

پیامبر ﷺ، حضرت امیر ﷺ و امام حسن ﷺ این‌ها در زمان حکومت حد زنا را وقتی جاری می‌کردند که چهار نفر شاهد داشته باشد. اما حضرت حجّت (عج) به علمش عمل می‌کند؛ یعنی چنانچه در یک جایی یک نفر دزدی کرد، حضرت دستور می‌دهد دستش را ببرند. مال را هم از او بگیرند و برگردانند. لذا امکان غیر عدالت نیست.

### سرداب غیبت

مطلب دیگر درباره‌ی سرداب غیبت است. در باب سرداب غیبت مطلب چنین است. ائمه علیهم‌السلام در خانه‌ی خودشان یک عبادت‌گاه داشتند نه مسجد. یک اتاقی، یک جایی که جای عبادت بود.

این جا که به سرداب معروف است، جای‌گاه عبادت امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما‌السلام و بعد هم جای عبادت حضرت حجّت (عج) بود، ولی اکنون زمین بالا آمده - مثل شهر ری که اکنون زمین بالا آمده است - لذا این جا مانند سرداب شده و در اصل سرداب نبوده. نه این که ما معتقد باشیم حضرت در این جا غایب شده است یا از این جا ظاهر می‌شود.

ما روایت‌هایی داریم که حضرت در مکه، نزد خانه‌ی خدا، در صبح صدایش بلند می‌شود و عالم را خبر می‌کند که ظاهر شده است.

بعد ۳۱۳ نفری که گفته شده است از یاران حضرتند، همان روز یا همان شب از اطراف دنیا به حضرت می‌رسند. این‌ها لشکر حضرت نیستند. این‌ها یاران و فرمان‌داران حضرت هستند که در روایات هم داریم ۵۵ نفر آن‌ها زن هستند و باقی آن‌ها مرد.

\*\*\*

۱. همان، ص ۴۳۳: رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی علیه‌السلام از خاندان من [و] از فرزندان فاطمه علیها‌السلام است.

## امام مهدی (عج) در قرآن، سنت و تاریخ

آیه الله محمد واعظزاده خراسانی<sup>۱</sup>

سخن ما به صورت فشرده درباره‌ی حضرت مهدی (عج) حول سه محور است: قرآن، سنت و تاریخ.

### محور اول: امام مهدی (عج) در قرآن کریم

این مسئله در قرآن تحت سه عنوان مطرح است:

عنوان اول: یکی مسئله‌ی «وراثت ارض» است که در آیه‌ی مذکور با دقایق و لطایفی مطرح شده است؛ مانند مسئله‌ی کتابت و وراثت آن هم وراثت ارض. خداوند می‌فرماید:

﴿... وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۲</sup>؛ در حقیقت عاقبت جهان به دست افراد صالح می‌افتد.

عنوان دوم: عنوان دوم، غلبه دین است بر همه‌ی ادیان که تاکنون محقق نشده است. در این جا، سه آیه به یک مضمون آمده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۳</sup>.

عنوان سوم: عنوان سوم، «استخلاف» است. خدا وعده کرده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ...﴾<sup>۴</sup>.

این آیه اشاره به یک حقیقتی است که تا حالا محقق نشده است. اگر فرض می‌کردیم هیچ روایتی نداشتیم و ما بودیم و این آیات، جای این سخن بود که استخلاف تا حالا

۱. دبیر کل سابق مجمع جهانی تقریب مذاهب، دانشمند و استاد حوزه‌ی علمیه.

۲. قصص (۲۸) آیه‌ی ۵۸ ... و ما وارث آنان بودیم.

۳. صف (۶۱) آیه‌ی ۹؛ توبه (۹) آیه‌ی ۳۳؛ فتح (۴۸) آیه‌ی ۲۸ او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه‌ی ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

۴. نور (۲۴) آیه‌ی ۵۵ خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین رابخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پا بر جا و ریشه دار خواهد ساخت ...

محقق نشده است و چون وعده‌ی خدا است، بی‌تردید تحقق می‌یابد.  
البته کلمه‌ی «مهدی (عج)» با این لفظ در قرآن نیامده، اما در روایات آمده است و  
بیش‌تر به امامت و رهبری آن حضرت اشاره دارد.

### محور دوم: بررسی مسئله‌ی در سنت و حدیث

مرحوم طبرسی، در ذیل آیه‌ی ﴿... كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ...﴾<sup>۱</sup>، می‌گوید: «وَيَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ مَا  
رَوَاهُ الْخَاصُّ وَالْعَامُّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ».<sup>۲</sup> پیامبر ﷺ فرمود:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي  
يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.<sup>۳</sup>

بعد می‌گوید: روایات وارده از طریق فریقین در این زمینه فراوان است و این روایت را  
از سنن بیهقی نقل می‌کنند. خاطر می‌آید در حدود چهل و پنج سال قبل، شاید هم بیش‌تر،  
در خدمت مقام آیه‌الله صدر (رض) بودم و از کتاب المهدی (عج) سخن به میان آمد. ایشان  
گفتند: در مجلسی بحث شد که آیا روایات راجع به حضرت از طریق اهل سنت هم آمده  
است یا نه، من گفتم: بله، هست؛ و در این باره کتاب المهدی (عج) را نوشتم. یکی از  
کارهایی که انصافاً باید از آن تقدیر کرد، کتابی است به نام مُنْتَخَبُ الْأَثَرِ فِي الْإِمَامِ الثَّانِي عَشَرَ  
که حضرت آیه‌الله صافی نوشته‌اند. بعد از آن هم دایرة المعارف راجع به  
حضرت مهدی (عج) نوشته شده است.

ما در روایات، تواتر معنوی داریم. منتها در روایات شیعه و نیز روایاتی که آیه‌الله صدر  
نقل کرده‌اند، حتی مواردی مانند این که مهدی (عج) از فرزندان حسین علیه السلام و از فرزندان  
سجاد علیه السلام است، نیز وجود دارد. این‌ها را هم یک مقداری از منابع المؤدّه و جاهای دیگر  
نقل کرده‌اند.

### محور سوم: امام مهدی (عج) در تاریخ

محور سوم، بررسی مسئله در تاریخ است. در تاریخ، مسئله‌ی مهدویت در همان قرن  
اول اسلامی یک امر حتمی و مسلم بوده است.

۱. انبیاء (۲۱) آیه‌ی ۱۰۵: نوشتم در زبور... .

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۱۷۱: مؤید آن روایتی است که شیعه و سنی از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند.

۳. شرف‌الدین علی الحسینی الاسترآبادی، تأویل الآیات الظاهره، ص ۳۲۷؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۷۹، حدیث  
شماره ۱۱۷۲: اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، همانا خداوند آن یک روز را چنان طولانی کند تا مردی از  
اهل بیت من برخیزد که زمین را از عدل و قسط پر سازد، چنان‌که از جور و ظلم پر شده است.

مورد اول: طبری در داستان مربوط به امام حسین علیه السلام - هنگامی که از مکه به طرف کوفه می‌رود - می‌گوید که عبدالله بن عمرو بن عاص پدرش را منع می‌کرد که با معاویه همکاری بکند، اما قبول نکرد. او جزء محدثان است. حتی می‌گویند: حدیث پیغمبر صلی الله علیه و آله را هم در رساله‌ای به نام «الصادفة» نوشته است. در این سفر، امام حسین علیه السلام با فرزدق شاعر برخورد و از او سؤال کرد که «ما و زائک»<sup>۱</sup> و چیزهایی گفت. بعد به عبدالله بن عمرو بن عاص برخورد. عبدالله به فرزدق گفت: «هذا هو المهدي (عج)».<sup>۲</sup> اشاره به حضرت امام حسین علیه السلام می‌کند. و می‌گوید: «هذا هو المهدي (عج)». فرزدق گفت: خوب اگر مهدی (عج) است، چرا تو با او نمی‌روی؟ گفت: به تو چه. معلوم شد سابقاً بین آن‌ها اختلاف بوده، لذا با هم فحش کاری کردند و رد شدند.

مورد دوم: مورد دیگر داستان مختار است که ادعا می‌کرد محمد بن حنفیه، مهدی (عج) است؛ اگر چه محمد بن حنفیه قبول نداشت و انکار می‌کرد.

مورد سوم: مورد سوم، مسئله‌ی قیام محمد بن عبدالله «نفس زکیه» در مدینه است که نوع مردم به او گرویدند.

اگر مهدویت در اذهان نبود، چرا این قدر به این‌ها گرویدند. بر چه اساسی می‌گفتند محمد نفس زکیه، مهدی (عج) است. بعد از او هم کسانی که با عنوان مهدی (عج) ظهور کردند، بسیار زیادند و شاید بیش از همه در آفریقا بود.

عبدالله بن مهدی نخستین خلیفه‌ی فاطمیین در «مهدیه» (تونس فعلی)، به نام مهدی (عج) قیام کرد.

در آفریقا هنوز هم که هنوز است، از مهدی (عج) صحبت می‌کنند.

در سومالی مجله‌ای است به نام «المنتظر».

آخرین کسی هم که قیام کرد و کارش گرفت مهدی سودانی بود که بالأخره انگلیسی‌ها را از سودان بیرون کرد. اسم مهدی (عج) هنوز هم در میان این‌ها هست.

این مسئله از لحاظ تاریخی از قرن اول شروع شده است. مردم اصل آن را انکار نمی‌کردند و حتی اگر کسی چنین ادعایی می‌کرد، به او عقیده پیدا می‌کردند و او را مهدی (عج) می‌خواندند.

۱. پشت سرت چیست؟

۲. این همان مهدی (عج) است.



### روایات مهدویت نزد اهل سنت

در مورد روایات، روایات مهدی (عج) را صحاح سته همه‌شان ذکر کرده‌اند و بابی دارند، غیر از بخاری. بخاری می‌گوید: مسیح که نزول می‌کند با امام‌شان بیعت می‌کند. اسم نمی‌برد.

### نکات پایانی

آن‌چه در پایان میل داشتیم بگویم، سه نکته است:

کشتار و خونریزی؟! یکی این‌که در بسیاری از روایات مسئله‌ی کشتار و خونریزی آمده و ذکر شده که جوی‌های خون و آسیاهای خون راه می‌افتد.

نمی‌شود گفت، اصلاً شعار حضرت آدم کشتی و خونریزی است. متأسفانه منبری‌ها و مداح‌ها این مسائل را خیلی دنبال می‌کنند و در ذهن مردم هم همین چیزها است. باید از حضرت به‌عنوان یک مرد عادل و طرفدار عدل یاد شود. باید او را دادگستر جهان معرفی بکنیم.

رهبری جهان: نکته‌ی دیگر، مسئله‌ی رهبری در جهان است نه سلطنت و حکومت بر جهان.

ما باید بگوییم که او رهبر واحد جهان است. بالأخره مردم دنیا می‌بینند او سخن حق می‌گوید.

شعارهای مدعیان مهدویت: نکته‌ی دیگر، این است که در روایات ویژه‌ی نشانه‌های ظهور مهدی (عج)، شعارهای مهدی‌های ظهور کرده نیز دیده می‌شود. هر کس که ظهور می‌کرد، روایت می‌خواندند. درباره‌ی محمد نفس زکیه گفته شده که «... اسمی و اسمی آیه اسمی...»<sup>۱</sup>.

در ارشاد مفید ظاهراً در همان باب امام دوازدهم روایتی نقل می‌کند که پیغمبر ﷺ فرمود: «... مِنَّا السَّفَاحُ وَالْمَنْصُورُ...»<sup>۲</sup> من تردید ندارم این روایت از آن‌هایی است که وقتی بنی عباس روی کار آمدند - برای این‌که خودشان را به‌عنوان منجی مورد نظر پیغمبر ﷺ جا بزنند - گفته‌اند.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱ ص ۱۰۲: ... اسم او اسم من است و اسم پدرش اسم پدر من است ...

۲. همان، ج ۲۹، ص ۴۵۳: ... سفاح و منصور از ما هستند ... [یادآوری: منظور از این دو، سفاح، منصور عباسی نیستند، بلکه منظور حضرت امام حسین و حضرت امام علی علیهما السلام هستند].

وقتی ما فهمیدیم منطقه‌ای در افغانستان به نام طالقان وجود دارد و غیر از طالقان ما طالقانی آنجا است، من مطالعه کردم دیدم یحیی بن زید در آنجا قیام کرده و طرفدارش بوده‌اند. کسانی که از او حمایت می‌کردند، طبعاً حدیث هم به نفع او می‌گفتند که مثلاً از طالقان چند نفر خارج می‌شوند. انجام این قبیل تحقیقات مسائل را روشن می‌کند.

### معنویت و امید

یادم می‌آید در حدود ۳۰ سال قبل در دانشگاه مشهد استادی آمده بود به نام صلاح الصاوی. شاعر و خطیبی زبر دست بود. شعری را در کنگره‌ی شیخ طوسی گفت که در یادنامه‌ی شیخ آمده است. ایشان بعد از مطالعات زیاد گفته بود که فرق بین تشیع و تسنن این است که تشیع رشته‌ی معنویت اسلام و رهبری را قطع نکرده؛ هنوز هم ادامه دارد و هنوز امید دارد. در حالی که برای اهل سنت و عقیده‌ی عمومی این‌گونه نیست که هنوز انتظار داشته باشند.

\*\*\*

## سخن‌رانی و پرسش و پاسخ

حجة الاسلام والمسلمین علی کورانی<sup>۱</sup>

### نور خدا در زمین

ما به نص قرآن اعتقاد داریم که نور الهی در روی زمین متجسد به حضرت مهدی (عج) است و تمام دل‌های هدایت شده متصل به شعاع مرکز نور خدا هستند. از طرف دیگر، ﴿... وَ لِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ...﴾<sup>۲</sup> جنود الارض چه کسی است؟ این بحث را برای فهم فعالیت حضرت ﷺ در عصر غیبت انجام می‌دهیم. ما بر حسب روایات اعتقاد داریم که در شب قدر برنامه‌ی الهی بر قلب حضرت نازل می‌شود؛ یعنی فرشتگان، برنامه‌ی الهی برای حضرت می‌آورند. برنامه‌ای که «... اِنَّهُ لَيُنزَّلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ اِلَيَّ وَلِيَّ الْاَمْرِ تَفْسِيْرُ الْاُمُوْرِ سَنَةً سَنَةً يُؤْمَرُ فِيْهَا فِيْ اَمْرِ نَفْسِهٖ بِكَذٰ وَا فِيْ اَمْرِ النَّاسِ بِكَذٰ وَا كَذٰ»<sup>۳</sup> یعنی برنامه‌ی مشخصی برای خود حضرت و برنامه‌ی عمومی.

برنامه‌ی عمومی همان فعالیت‌هایی است که در طی یک سال روی زمین انجام می‌گیرد.

○ آیا امام زمان (عج) زن و فرزند دارند یا خیر. اگر دارند، آیا آن‌ها هم در حکم انسان غایب هستند یا خیر؟ کیفیت خانواده‌ی حضرت را توضیح دهید

● روایاتی داریم که حضرت (عج) ازدواج کرده و احتمالاتش متعدد است. احتمال است که فقط در عمر طبیعی غیبت صغرا این بوده و احتمالاً زن و فرزند دارد و بعضی از علما به روایات آن تصریح می‌کنند؛ و اگر حضرت زن و بچه داشته باشند، حکم حضرت بر آن‌ها (خانواده‌ی حضرت) جاری نیست و شاید قانون زندگی طبیعی و مرگ طبیعی بر این‌ها جاری شود.

○ در چه شهرهایی احتمال دارد آن‌ها [خانواده‌ی حضرت] باشند؟

● مسئله‌ی جزیره‌ی خضرا و غیر آن سندش به آن صورت است که نمی‌تواند انسان به

۱. محقق و دانشمند حوزه و دانشگاه.

۲. رجوع به پاورقی ۲ صفحه‌ی ۱۱۵.

۳. الشیخ الحویزی، تفسیر نورالثقلین، تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۵، ص ۶۳۴: در شب قدر بر ولی امر تفسیر امور هر سال نازل می‌شود، و در آن امر می‌شود درباره‌ی خودش به فرمان و درباره‌ی مردم نیز به دستوراتی.

آن اعتماد کند و هم چنین نمی تواند آن را رد کند؛ ولی اثبات این که در یک جای مخصوص باشد ما چیزهای قطعی از ائمه علیهم السلام داریم که اصل و مرکزش مدینه است.

○ چه مانعی دارد خداوند متعال به جای زنده و غایب نگه داشتن امام زمان (عج) در لحظه مقرر ایشان را خلق کند؟

● این مربوط به سیستم هدایت الهی است. اگر این طور بخواهیم بگوییم، سؤال خیلی مطرح است؛ مثلاً مسئله‌ی آخرت، چرا روشن نیست، ﴿إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا...﴾<sup>۱</sup> این سیستم الهی است که برای وجود آدم و فرزندان آدم روی زمین، امتحان غیب و شهادت است،

○ چگونه می شود عمر طولانی حضرت صاحب الامر علیه السلام را قبول کرد با این که ظهورشان در سن چهل سالگی خواهد بود؟

● الان مسئله‌ی عمر و ژن حل شده است. عمر طولانی حضرت (عج) نه استحاله‌ی عقلی دارد و نه استحاله‌ی عادی. امروزه به وسیله‌ی ژن راه‌های طولانی شدن عمر و سایل و شیوه‌هایی که می تواند ژن‌ها و وضع انسان‌ها و جوانی انسان‌ها را حفظ کند، بررسی می کنند. از نظر علمی این ممکن و قابل تحقق است. خداوند تبارک و تعالی این معجزه را در حق حضرت خضر علیه السلام انجام داد و همه در این باره متفق القول هستند. اهل تسنن هم در صحاح به این اشاره دارند. دجال مخلوق است و عمرش طولانی است. دجال، از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و در مدینه متولد شده است و عمرش طولانی است،

○ شغل امام زمان (عج) در دوران غیبت چیست؟ اصولاً حضرت شبانه روز را به چه کاری مشغول است؟

● کارهای حضرت (عج) از نظر تکوینی کارهای بزرگی است. جنود الله فی الارض برنامه دارند. مشغولند و فعال هستند؛ مثلاً حضرت موسی - علی نبینا و آله و علیه السلام - چند روز با حضرت خضر علیه السلام بود با هم کارهایی را انجام دادند. این کارهایی که حضرت خضر علیه السلام کرد نمونه‌ی کار حضرت است؛ ولی این‌ها کارهای کوچک هستند. کارهای حضرت خیلی بزرگ و مربوط به دولت‌ها است و تمام دستورهای خدا را اجرا می کنند.

۱. طه (۲۰) آیه‌ی ۱۵: محققاً ساعت قیامت خواهد رسید و ما آن ساعت را پنهان داریم ...

برنامه دارند و هدف‌شان برای حفظ وضع ایمانی جهان و رساندن جهان به نقطه‌ی ظهور است.

○ این نکته که امام زمان (عج) را خانمی در ایران به شهادت خواهد رساند، چه قدر درست است؟

● من در لبنان شنیدم خانمی از اهل کوفه، در نجف شنیدم خانمی از اهل کوفه در مسجد کوفه و این جا آمدم شنیدم خانمی از ایران آقا را به شهادت می‌رساند. تتبع کردم هیچ روایتی را ندیدم و اصلاً این روایت هیچ منبعی ندارد. مطلب دیگر این که روایتی که می‌گوید: بعد از ۷ سال یا ۹ سال حضرت به شهادت می‌رسد، دیدم اصل این روایت که حکومت حضرت ۷ سال یا ۹ سال است، اصلش سنی است.

من روایتی را ترجیح می‌دهم که می‌گوید: حضرت (عج) قیام می‌کند تا این که جهان را پر از عدل و نور خدا کند و زحمات انبیاء را به ثمر برساند. پس معقول نیست که مدتی کوتاه حکومت بکنند. معقول این است که ۱۲ نفر بعد از حضرت از اولاد حضرت حکومت بکنند.

○ اگر دولت امام زمان (عج) دولت کریمه<sup>۱</sup> است چگونه منافقان ذلیل می‌شوند، مگر دولت امام

علی علیه السلام کریمه نبود که منافقان جای گاه یافتند و دورویی کردند و حضرت را خانه نشین کردند؟

● دولت کریمه از چند جهت صفت کریمه دارد. دولت کریمه به رهبرش کریمه است. به قوانین شرعش کریمه است. به مردمش و یا به تحقق عدلش کریمه است. دولت تمام معصومین - صلوات الله علیهم - در تاریخ کریمه هستند. شرایع همه‌اش کریمه است؛ ولی مسئله‌ای نسبی است. دولت حضرت (عج) بر تمام جهان ظاهر می‌شود؛ عدل، شرایع دین و نور خدا حاکم است، در عین حال معصیت، گناه و انحراف می‌ماند. ما بر حسب روایات اهل بیت علیهم السلام می‌دانیم حرکت دجال که یک ضد انقلاب است، بعد از مدتی علیه حکومت حضرت تحقق می‌یابد. به کمک یهودی‌ها و نواصب و غیره جمع می‌شوند و یک حرکت ضد حضرت (عج) انجام می‌دهند.

\*\*\*

## پرسش و پاسخ

حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمدهادی عبد خدایی<sup>۱</sup>

○ آیاتشاهی بین مسلمانان و مسیحیان وجود دارد یا نه؟

● ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ، إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾<sup>۲</sup> موعود ملل، موضوعش در تمام ادیان است؛ ولی صراحتی که در تشیع وجود دارد، در ملل دیگر موجود نیست.

روایاتی از ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام راجع به فروغ دوازدهم علیه‌السلام به طور خیلی روشن رسیده است. پدرش کیست، مادرش کیست، اجداد او چه کسانی هستند، کارش چگونه است، ایده، هدف و غرضش چیست؟ با این صراحت در ادیان دیگر وجود ندارد و حتی تضادهایی هم موجود است.

از جمله در مسیحیت عبارتی است که در بیانیه‌ی پاپ به چشم می‌خورد. «وقتی پسر انسان خواهد آمد، روی زمین ایمان را خواهد یافت». بعد آن چه خود پاپ می‌گوید به این صورت بود: «این سؤالی که مسیح علیه‌السلام از پیروان خود کرد در طول دو هزار سال از عصر مسیحیت، به دفعات برای مردانی که از سوی خداوند به مقام جانشینی پطرس فرا خوانده شدند مطرح شده است»، بعد ایشان مطرح می‌کند: «مسیح علیه‌السلام وقتی می‌آید که ایمان را در تمام زمین بیابد».

این صریح‌ترین مطلبی است که مسیحیت می‌تواند در رابطه با حضرت مسیح علیه‌السلام بگوید. ولی در همین جا سؤالاتی پیش می‌آید، چون مسیحیت فعلی مخصوصاً کاتولیک‌ها معتقد هستند حضرت مسیح علیه‌السلام خدا است؛ حتی وقتی که می‌گویند ما موحد هستیم اصل توحید را در تثلیث می‌دانند، یعنی خداوند متعال دارای سه اقنوم<sup>۳</sup> است آب، ابن و روح القدس و مجموعه‌ی این‌ها واحد است. خداوند متعال از دیدگاه ایشان تجسد پیدا

۱. استاد و محقق حوزه و دانشگاه.

۲. انبیاء (۲۱) آیه‌های ۱۰۵ و ۱۰۶: در «زبور»، بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد. در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان.

۳. محمد بندر ریگی، فرهنگ عربی فارسی، ج ۱، ص ۲۷۴: «الاقنوم: تن، شخص، بن، ریشه».

کرد، به صورت حضرت مسیح علیه السلام ظاهر شد، چند صباحی در میان مردم بود بعد برای گنه کاران فدا شد.

حتی اگر شما به اواخر اناجیل چهارگانه نگاه بیندازید در رابطه با حضرت مسیح علیه السلام تضادهایی خواهید دید. اما شیعه بسیار روشن و مبرهن بیان می‌کند که منجی بشریت کیست؟ و دارای چه خصوصیات است. اگر آمد چه کار می‌کند و چه برنامه‌ای را در جهان انجام می‌دهد. لذا در عین حالی که انتظار یک مسئله‌ی عمومی در بین ادیان است، باید توجه داشته باشیم حقایقی که در اسلام و تشیع بیان می‌شود، با مطالب خرافه و ابهام دیگران مخلوط و مشتبه نشود.

#### ○ ما منتظران حکومت مهدی (عج) چه وظیفه‌ای در سطح بین‌الملل داریم؟

● ما وظیفه‌ی بسیار سنگینی در دنیا داریم که متأسفانه با کم‌بود بضاعتی که داریم آن وظیفه را نمی‌توانیم انجام بدهیم؛ یکی در ارتباط با شناساندن و معرفی اسلام که گل سر سبدش وجود مقدس حضرت حجّت - ارواحنا فداه - است؛ و دیگر این که متوجه‌ی القائاتی که دشمنان حضرت و دشمنان اسلام وارد می‌کنند، باشیم.

یک مسئله‌ی دیگر که خیلی مهم است، تبیین اسلام است. من، با آن گستردگی که فعالیت‌های مسیحی دارد، حساب می‌کردم اگر یک دهم آن امکانات در اختیار مکتب والای تشیع بود، نصف دنیا را فرا گرفته بود.

قریب دو هزار و چهل خلیفه‌گری دارند که زیر پوشش هر خلیفه‌گری گاهی صدها کلیسا است که به کلیساها خط می‌دهند و به صورت خیلی منظم فعالیت می‌کنند. تنها کاتولیک‌ها چهارصد و چهل هزار کشیش دارند؛ و این غیر از کاتولیک‌های ارتدکس و پروتستان و انگل کن و شاخه‌های دیگری است که پدید آمده‌اند. ما در ایران که مهد تشیع است چه قدر روحانی داریم؟

آن‌ها یک میلیون راهب و راهبه دارند و به این صورت به‌طور گسترده دارند، فعالیت تبلیغی می‌کنند. پس یکی از طریق کلیساها است؛ در همه جا سفیر دارند. سفیر عنوانش این است که تو مبشر مسیحیت هستی.

دوم، واتیکان شوراهای بسیار مهمی دارد و به‌طور کلی تأسیسات واتیکان که در رأس آن پاپ قرار دارد زیر نظر یازده شورا و نه مجمع اداره می‌شود.

این شوراها در بخش‌های مختلف مشغول فعالیت هستند؛ مثلاً شورای امور مهاجران

و سیاران. این‌ها حتی برای عده‌ای ملوان و کاپیتان که گاهی یک ماه روی دریا هستند و احتیاج به تبلیغات دینی دارند برنامه‌های دینی دارند. حتی توی دریا برنامه می‌گذارند. گذشته از این‌ها، آن‌ها مؤسسات وابسته‌ای دارند؛ گرچه اسماً مستقل هستند ولی در واقع زیر پوشش واتیکان و تحت آمریت واتیکان فعالیت می‌کنند؛ مثل مؤسسه‌ی «سنتی جدیو»، «کارتاس» و «کارتاپلیتیکا». این‌ها به صورت خیریه برنامه‌های مذهبی دارند و فعالیت می‌کنند؛ مثلاً دو سال پیش «سنتی جدیو» اجلاسی گرفته بود تحت عنوان «صلح نام خدا است». از دوازده دین هم دعوت کرده بودند، سخن‌رانی هم داشتند؛ ولی گرداننده و محوریت کار، واتیکان بود و هدف تبیین و تبلیغ مسیحیت کاتولیک است. مسئله‌ی دیگری که شاید از همه مهم‌تر باشد، ایجاد مؤسسات آموزشی است. از مهد کودک گرفته تا عالی‌ترین درجات دانشگاهی.

این‌ها دو نوع دانشگاه دارند: یکی دانشگاه‌های پاپی و دیگر دانشگاه‌های کاتولیکی. دانشگاه‌های پاپی دروس ایدئولوژیکی درس می‌دهند. در رابطه با فلسفه‌ی مسیحیت، تاریخ مسیحیت، فلسفه‌ی دین و غیره؛ اما در دانشگاه‌های کاتولیکی همه‌ی رشته‌ها تدریس می‌شود حتی پزشکی.

آن‌ها به صورت گسترده در دنیا کار می‌کنند متنها مشکل اساسی آن‌ها این است که مسیحیت محتوا ندارد، کافی است یک نفر از اول تورات تا آخر اناجیل و نامه‌های نوشته شده را مطالعه بکند تا به این بی‌محتوایی پی برد.

قرآن مجید را شما نگاه کنید هزاران تابلو دارد. ﴿...اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى...﴾<sup>۱</sup> این در جهان می‌درخشد. وقتی که شما در رابطه با احسان، اخلاق، حقوق انسانیت به قرآن نگاه بکنید، همه جا می‌توانید عنوان و تیتراژ بکنید.

ما از جهت تبلیغی و امکانات تبلیغی بسیار بی‌بضاعت هستیم که در این رابطه باید یک فکر اساسی و قدم‌های جدی برداشته شود. تشیع و حوزه‌های علمیه باید گام‌های بلندی بردارند.

\*\*\*

۱. مائده (۵) آیه‌ی ۸: ... عدالت پیشه کنید، که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است ...



## پرسش و پاسخ

حجة الاسلام والمسلمین نجم‌الدین طبسی<sup>۱</sup>

## مقدمه

پیش از بیان این که عرض بکنم که آیا برخوردی، توافقی، اختلافی بین اسلام و تشیع یا مسیحیت در رابطه با حضرت وجود دارد یا نه، عرض می‌کنم در ارتباط با آقا امام زمان (عج) بین کل مسلمین ظاهراً اختلافی دیده نمی‌شود، کل مسلمین شیعه و سنی در این مسئله توافق دارند.

آن‌ها خیلی در این زمینه مطالب دارند. البته مطالب دیگری که با واقعیت هیچ تناسبی ندارد نیز نقل می‌کنند.

البته اختلاف بین ما و اهل سنت در این است که آن‌ها احادیث نقل شده از پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در مورد غیبت را در کتاب‌های‌شان ذکر نکرده‌اند؛ اما در رابطه با این که امام ﷺ چه نوع برخوردی با مسیحیان دارند، این در بخش نوع برخوردها مانند برخوردهای نظامی یا برخوردهای دیگر به تفصیل باید بحث شود.

اجمالاً طبق بعضی از روایات، عده‌ای از اهل کتاب با خود آقا و در کنار آقا خواهند بود. وقتی که حضرت مسیح - علی نبینا و آله و علیه السلام - به اتفاق همه‌ی مسلمین «يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ»<sup>۲</sup> و پشت سر امام زمان (عج) اقامه جماعت می‌کنند، این دیگر شاهد روشن و شاهد عیانی برای مسیحیت خواهد بود.

برخوردهای امام با اهل کتاب و مسیحیان برخوردهای مختلف و به تناسب زمان است. در زمان‌های مختلف برخوردهای مختلفی خواهند داشت، گاهی صحبت از بحث آزاد به میان می‌آید که بیاید بنشینیم با هم بحث کنیم؛ گاهی صحبت از «جزیه» به میان می‌آید ﴿... حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾<sup>۳</sup> گاهی صحبت از برخورد فیزیکی، برخورد نظامی و قتل و کشتار به میان می‌آید. در روایات داریم حضرت با گروه‌های مختلف برخورد نظامی دارند.

۱. نویسنده و محقق حوزه‌ی علمیه.

۲. از آسمان فرود می‌آید.

۳. توبه (۹) آیه‌ی ۲۹: «... بیکار کنید» تا زمانی که با خضوع و خشوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند.

## توضیحات

مجری برنامه: مسئله‌ی نجات بخشی، در ادیان مختلف مطرح است که من به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنم.

نجات بخشی در آیین هندیان باستان به این صورت است که در آیین آن‌ها اعتقاد به منجی موعود وجود دارد. «کالکی» دهمین ظهور «ویشنو» است. ویشنو یکی از خدایان هندو است که ده بار ظهور می‌کند.

آنان معتقدند که او نه بار ظهور کرده است. ظهور دهم آن باقی مانده است که مطابق با همان مفهوم مهدی موعود (عج) و اندیشه‌ی مهدویت است.

امادر دین زرتشت: «درست اندیشان و پیروان راستین هر مز با اعتقاد به نیروی لایزال او پیوسته در تلاش و جست‌جوی نجات بخشی هستند».

بخشی از بند ۱۲۹ فروردین گشت می‌گوید که از این جهت سوشیانت نامیده خواهد شد که سراسر جهان مادی را سود خواهد داد.

اما اعتقاد یهودیان؛ آن‌ها معتقدند نجات دهنده‌ی پایانی مسیح یا ماشیح است که جهان درخشان و با شکوه آینده را می‌سازد و نجات دهنده‌ی انسانیت است؛ همانند دیگران برخی این ماشیح یعنی نجات دهنده‌ی واپسین را همان داوود می‌دانند.

اما نجات بخشی در اعتقاد مسیحیان به این صورت است، که به اشاره‌های آشکار مطالب عهد جدید، نجات بخش پایانی همان عیسی مسیح علیه السلام است که بار دیگر زنده خواهد شد و جهان را از نابسامانی خواهد رهانید.

## ○ حکومت حضرت مهدی (عج) چه ویژگی‌هایی دارد؟

● سؤال مشکل است و جواب مشکل‌تر و نیاز به احاطه و اطلاع بر کل یا اکثر روایات دارد. حکومتی که «یرضی بخلافته السماوات و الأرض»<sup>۱</sup> آسمان و زمین متفقاً اظهار رضایت و خشنودی می‌کنند؛ حکومتی که «يُجِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۲</sup>.

بعضی از روایات بر امنیت زنان زیاد تأکید کرده و گفته‌اند که در شب در فلان منطقه از شام از مناطق خوف‌ناک و وحشت‌ناک به طرف مکه یا سوی دیگر دنیا حرکت بکنند،

۱. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۸۷، حدیث ۱۲۴۰ - ۱۲۴۸؛ محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۳۳.  
 ۲. سماواتیان از آن خوششان می‌آید و آن را دوست دارند. حکومتی که نتیجه و برکات آن برای همه، حتی مردگان، فرج و گشایش است.

احدی معترض او نشود. گذشته از این که مرزهای جغرافیایی برچیده می‌شود، امنیت هم بالأخره همه جا را فرا می‌گیرد.

حکومتی که «يَنْصِفُ الْمَظْلُومَ» یا «يَنْصُرُ الْمَظْلُومَ»<sup>۱</sup> است. طبق بعضی از روایات: «وَلَا مَظْلَمَ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا».<sup>۲</sup> طبق بعضی از عباراتی که ابن طاووس نقل می‌فرماید؛ حتی اگر در تحت ضرس انسان - می‌گوید زیرا دندان انسان چه قدر ممکن است حق انسان باشد - حق کسی باشد، نمی‌گذارد ببلعد. همان را هم بالأخره باز سستانی می‌کند از طرف و برمی‌گرداند.

خلاصه بعد اول با خود رهبر مرتبط است. ویژگی‌هایی که در خود رهبر است. بعد دوم ویژگی‌های کادر است و بعد سوم ویژگی‌های مردم و منتظران، یعنی کسانی که منتظر دولت کریمه هستند.

من خیلی سریع به یکی از ابعاد آن اشاره می‌کنم. آن چه به کادر و کسانی که در خدمت آقا هستند ارتباط دارد، از ویژگی‌های آن‌ها برمی‌خیزد. از روایات یک سری ویژگی‌هایی استفاده می‌شود: اعتقاد به رهبر، عشق به رهبر، اطاعت صددرصد و بی‌چون و چرا از رهبر و عشق به شهادت. تمام این‌ها در کنار خشوع و خضوع و تسلیم و انقیاد نسبت به درگاه خداوند عزوجل.

یکی دیگر از ویژگی‌ها، مردمی بودن کادر است؛ کادر مورد علاقه‌ی مردم هستند. معصومان علیهم‌السلام درباره‌ی محبوبیت و مردمی بودن اینان فرموده‌اند: «وَقَدْ أَخَاطُوا بَيْنَ الْخَافِقِينَ لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ»<sup>۳</sup> هیچ چیز روی کره زمین نیست «إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ»<sup>۴</sup> چون آن‌ها مطیع بقیه‌الله هستند.



۱. حکومتی که نسبت به مظلوم انصاف به خرج می‌دهد یا آن که مظلوم را یاری می‌کند.

۲. هیچ ظلمی به کسی نمی‌رود مگر آن که امام علیه‌السلام آن را دفع می‌کند.

۳ و ۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

## پرسش و پاسخ

دکتر محمد لگنهاوسن

○ ادیانی که اعتقاد به منجی را پذیرفته‌اند، کدامند و وجه مشترک آن‌ها چیست؟

● انتظار در ادیان: در ادیان مختلف درباره‌ی انتظار بحث شده است و می‌توان در این رابطه در ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی عقاید قابل مقایسه‌ای پیدا کرد. سلسله‌ی معصومین علیهم‌السلام در تشیع، بر خلاف مسیحیت، دو سلسله‌ی معصومین داریم: یکی سلسله‌ی پیامبران که به حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ختم می‌شود؛ و دیگر، سلسله‌ی ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام که به امام زمان (عج) ختم می‌شود. در ادیان دیگر نیز اعتقاد به منجی وجود دارد؛ منتها آن منجی ویژگی مهمی ندارد مانند این که در آخر یک دوره یا سلسله بیاید.

در تشیع آن کسی که ما منتظر او هستیم، امام دوازدهم است که آخرین شخصیت از سلسله‌ی ائمه علیهم‌السلام است. در حالی که در مسیحیت این‌گونه نیست.

دو نکته مشترک در اسلام و مسیحیت: در اسلام و مسیحیت دو نکته‌ی مشترک وجود دارد: اولاً، این که مردگان در روز رستاخیز زنده می‌شوند؛ و ثانیاً، آن منجی که دشمن فکر می‌کند مرده است و نمی‌تواند کاری انجام دهد، بر می‌گردد و بشریت را نجات می‌دهد. در اعتقادات مسیحیت بین این دو، یعنی پیروزی منجی و پیروزی قیامت (حقانیت قیامت) ارتباط وجود دارد و کلید این ارتباط باز خریدن است. به این معنا که می‌گویند: اگر انسان گناه کرد، چون خودش هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد تا خوب شود (راه بازگشت ندارد) پس خداوند خود باید قربانی کند تا انسان خوب شود و آن قربانی کردن حضرت مسیح صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است به عنوان باز خریدن.

در اسلام و تشیع منجی یعنی امام زمان (عج) صلیب نمی‌شود حتی ما معتقدیم که حضرت مسیح صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم به صلیب کشیده نشد. بلکه به جای آن غیبت صغرا و کبرا دارد. در اسلام، مسئله‌ی باز خریدن وجود ندارد. پس چه چیزی بر مرگ پیروز می‌شود و انسان را از گناه و شر دور می‌کند؟ جواب آن، ولایت است.

### ○ ما منتظران حکومت مهدی (عج) چه وظیفه‌ای در سطح بین‌الملل داریم؟

● بنده قبل از مسلمان شدن کاتولیک بودم و بعداً به دین اسلام مشرف شدم. از حرف‌های شما کم‌تر اطلاع داشتم و درباره‌ی مطالبی که گفته شد خیلی استفاده کردم. بحث در این‌جا درباره‌ی تبلیغات است؛ ولی متأسفانه مسلمانان در غرب برنامه‌ی تبلیغی خوبی ندارند. وقتی شما نگاه کنید اهل سنت و شیعیان مساجد مختلفی در آمریکا دارند؛ مسلمانان در غرب برای تبلیغات برنامه‌ی جدی ندارند، گرچه مسلمانان پیام خیلی روشن و معقولی برای مردم دارند، ولی به جهت ضعف تبلیغات نمی‌توانند پیام خود را برسانند. مسیحیان صرف نظر از کاتولیک‌ها که خیلی برنامه‌ریزی می‌کنند. در آمریکا هم پروتستان‌ها و هم کاتولیک‌ها فعالیت زیادی دارند.

سرامدترین و آخرین کتاب، کتاب مقدس است که درباره‌ی آخر زمان بحث می‌کند. این کتاب در میان مسیحیان تفسیرهای مختلفی دارد. در زمان شوروی سابق، یکی از تفسیرهای خیلی رایج در آمریکا این بود که در آخر زمان ضد مسیح از شرق با یهودی‌ها و اسرائیل جنگ می‌کند؛ و ضد مسیح را به شوروی تفسیر می‌کردند.

بعد از آن که شوروی تجزیه شد. غربی‌ها نگفتند که ما در تفسیر کتاب اشتباه کردیم. گفتند ما درباره‌ی تعیین مصداق دشمن اشتباه کردیم. شوروی دشمن نیست بلکه مسلمانان دشمن ما هستند. در مقابل این‌ها، اسلام به یک برنامه درست تبلیغی نیاز دارد.

\*\*\*

پایان

## زیارت حضرت صاحب الامر (عج) (آل یاسین علیه السلام)

شیخ جلیل احمد بن ابی طالب طبرسی رحمته الله در کتاب شریف احتجاج روایت کرده که امام زمان (عج) از ناحیهی مقدسه بیرون آمدند؛ به سوی محمد جمیری رفتند و پس از پاسخ‌گویی به پرسش‌های ایشان فرمودند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَةً بِالْفِعْهِ  
فَمَا تُغْنِي النُّذْرُ [عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ] السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

هرگاه خواستید به وسیله‌ی ما به سوی خداوند بلند مرتبه و نیز به سوی ما توجه کنید، هم‌چون خداوند متعال این‌گونه بگویید:

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِي آيَاتِهِ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ  
حَقِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي  
كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي أَنَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ  
وَ وَكَّدَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ  
الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَ الْغَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ عِدَا غَيْرِ مَكْذُوبِ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ  
وَ تُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَ تُكَبِّرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَ تُمَسِّي السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَ النَّهَارِ

إِذَا تَجَلَّى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْدَّمُ الْمَأْمُولُ  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
 وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا حَسِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ  
 وَ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَ الْحُسَيْنَ  
 حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ  
 وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ  
 عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ أَنْتُمْ الْأَوَّلُ  
 وَ الْآخِرُ وَ أَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ  
 مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ أَنَّ نَاكِرًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ  
 وَ أَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِرْصَادَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ  
 حَقٌّ وَ الْحِشْرَ حَقٌّ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعِيدَ بِهِمَا  
 حَقٌّ يَا مَوْلَايَ شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَمْ وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ  
 عَلَيْهِ وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا  
 أَسْخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَتَنْفِسِي مُؤْمِنَةً بِاللَّهِ  
 وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ  
 وَ أَخْرِكُمْ وَ نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ.

سلام بر آل یاسین. سلام بر تو ای دعوت کننده‌ی خلق به سوی خدا و مظهر آیات الهی و  
 آیین‌های صفات ربانی.

سلام بر تو ای درگاه خدا و حاکم و حافظ دین خدا.

سلام بر تو ای جانشین خدا و یاری‌گر دین خدا.

سلام بر تو ای حجت خدا و راهنمای بندگان به مقاصد الهی‌ات.

سلام ما بر تو ای تلاوت کننده‌ی کتاب خدا و مفسر آن.

سلام ما بر تو در تمام ساعات شب و روز.  
 سلام ما بر تو ای بقیة الله در خلق زمین.  
 سلام ما بر تو ای عهد و پیمان که خدا آن عهد را از خلق گرفت و محکم و مؤکد بر امت گردانید.

سلام ما بر تو ای وعده‌ی ضمانت شده‌ی الهی.  
 سلام ما بر تو ای پرچم برافراشته‌ی عدل خدا و علم و حکمت سرشار حق و پناه خلق و رحمت گسترده‌ی الهی بر تمام عالمیان که هرگز خلاف نخواهد گشت.  
 سلام ما بر تو، آن هنگام که به امر خداوند قیام و ظهور فرمایی و آن هنگام که در پرده‌ی غیبت بنشینی.

سلام ما بر تو، هنگام قرائت و تفسیر گفتنت.  
 سلام ما بر تو، هنگامی که به نماز و قنوت پردازی.  
 سلام ما بر تو، هنگامی که رکوع و سجود به جای آری.  
 سلام ما بر تو، هنگامی که حق را تهلیل و تکبیر گویی.  
 سلام ما بر تو، هنگامی که به ستایش و استغفار یاد پروردگار باشی.  
 سلام ما بر تو، به صبح‌گاهان و شام‌گاهان.  
 سلام ما بر تو، در شب تار و روز روشن.  
 سلام ما بر تو، ای امام محفوظ.  
 سلام ما بر تو، ای کسی که مقدم بر همه‌ی عالم و آرزوی تمام خلایقی.  
 سلام ما بر تو، با بهترین و کامل‌ترین سلام و درودها.

ای مولا، تو را بر شهادت خویش گواه می‌گیرم که هیچ خدایی جز خدای یگانه و بی‌نیاز نیست و محمد صلی الله علیه و آله رسول گرامی و بنده‌ی برگزیده‌ی خدا است و خداوند هیچ دوست و حبیبی غیر او و اهل بیت او ندارد و نیز ای مولای من، تو را گواه می‌گیرم که علی، امیر مؤمنان و حجّت الهی است. و حسن، حجّت خدا است؛ و حسین، حجّت خدا است؛ و علی بن الحسین، حجّت خدا است؛ محمد بن علی، حجّت خدا است؛ و جعفر بن محمد، حجّت خدا است؛ موسی بن جعفر، حجّت خدا است؛ علی بن موسی، حجّت خدا است؛ محمد بن علی، حجّت خدا است؛ علی بن محمد، حجّت خدا است؛ حسن بن علی حجّت خدا است و گواهی می‌دهم که تو حجّت خداوندی.



شما (اهل بیت) اول موجود و آخر در اجسام هستید. به یقین و رجعت شما حق است و در آن هیچ شک و تردیدی راه ندارد، آن روز که ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده‌اند، یا در ایمان‌شان عمل نیکی انجام نداده‌اند، سودی به حال‌شان نخواهد داشت. و نیز شهادت می‌دهم که مرگ حق است؛ فرشته‌ی نکیر و منکر حق است، روز قیامت، روز نشر و برانگیختن مردگان، حق است؛ و روز حساب حق است؛ صراط و میزان حق است؛ نعمت بهشت و آتش جهنم حق است؛ وعده‌ی نعیم الهی و وعید قهر و عذابش در بهشت و دوزخ، همه حق است.

ای مولای من، شقاوت‌مند کسی است که با شما مخالفت کند و سعادت‌مند کسی است که امر شما را اطاعت کند. پس تو گواهی ده بر آن چه شما را بر آن گواه گرفتم. من دوست شما و دشمن دشمنان شمایم.

حق آن است که آن را شما پسندیده‌اید و باطل آن است که شما از آن خشمگین باشید. کار نیکو آن است که شما به آن امر کنید و منکر و زشت آن است که شما از آن نهی کنید. پس من به خدای یکتای بی‌شریک و بی‌همتا ایمان دارم و نیز به رسول او و به امیرمؤمنان و به همه‌ی شما «اهل بیت» ای مولای من، به اولین‌تان و آخرین‌تان ایمان دارم برای یاری شما آماده‌ام و دوستی‌ام برای شما خالص است. از ما بپذیر، از ما بپذیر.

التماس دعا

# نمایه‌های گفتمان سوم

✓ نمایه‌ی آیات

✓ نمایه‌ی روایات

✓ نمایه‌ی دعا، زیارت و توسل

✓ نمایه‌ی اعلام (اشخاص، اماکن، کتب و مراکز)

✓ نمایه‌ی ادیان، مکاتب و فرق

✓ نمایه‌ی اصطلاحات

✓ نمایه‌ی منابع

✓ نمایه‌ی موضوعات

## نمایه‌ی آیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی بخشایش‌گر

### سوره‌ی بقره (۲) آیات ۱-۳

الَمْ \* ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ  
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ \*

الم (بزرگ است خداوندی که این کتاب عظیم را از حروف ساده‌ی الفبا به وجود آورد) \* آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه‌ی هدایت پرهیزکاران است \* (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آن چه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند؛ و نماز را بر پا می‌دارند؛ و از نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند \*

### سوره‌ی بقره (۲) آیات ۶-۷

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ \* خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ  
وَ عَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَ عَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ \*

کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی‌کند که آنان را (از عذاب الهی) بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد \* خدا بر دل‌ها و گوش‌های آنان مهر نهاده؛ و بر چشم‌های‌شان پرده‌ای افکنده شده؛ و عذاب بزرگی در انتظار آن‌ها است \*

### سوره‌ی بقره (۲) آیه‌ی ۳۱

وَ عَلَّمَ ءَادَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أُنَبِّئُونِي بِأَسْمَاءِ هَٰؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ  
صَادِقِينَ \*

سپس علم اسماء [ = علم اسرار آفرینش و نام‌گذاری موجودات ] را همگی به آدم آموخت. بعد آن‌ها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می‌گویید، اسامی این‌ها را به من خبر دهید» \*

## سوره‌ی بقره (۲) آیه‌ی ۵۵

وَ إِذْ قُلْتُمْ يٰمُوسٰى لَنْ نُّؤْمِنَ لَكَ حَتّٰى نَرٰى اللّٰهَ جَهْرَةً فَاَخَذَتْكُمْ الصّٰعِقَةُ وَ اَنْتُمْ تَنْظُرُونَ \*

و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی، ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد؛ مگر این که خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم» پس صاعقه شما را گرفت؛ در حالی که تماشا می‌کردید \*

## سوره‌ی بقره (۲) آیه‌ی ۸۹

وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتٰبٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِیْنَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهٖ فَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الْكٰفِرِیْنَ \*

و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آن‌ها آمد که موافق نشانه‌هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می‌دادند (که با کمک آن، بر دشمنان پیروز گردند) با این همه، هنگامی که این (کتاب، و پیامبری) را که (از قبل) شناخته بودند نزد آن‌ها آمد، به او کافر شدند؛ لعنت خدا بر کافران باد! \*

## سوره‌ی بقره (۲) آیه‌ی ۱۲۴

وَ إِذْ اٰتٰنَا اِبْرٰهیمَ رَبُّهٗ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهُنَّ قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنّٰسِ اِمٰمًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِیْ قَالَ لَا یَنَالُ عَهْدِی الظّٰلِمِیْنَ \*

(به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود؛ و او به خوبی از عهده‌ی این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم». ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستم‌کاران نمی‌رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته‌ی این مقامند)» \*

## سوره‌ی بقره (۲) آیه‌ی ۱۳۶

قُولُوا ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَ مَا اُنزِلَ اِلَیْنَا وَ مَا اُنزِلَ اِلَیْ اِبْرٰهیمَ وَ اِسْمٰعِیْلَ وَ یٰحٰقَ وَ یَعْقُوبَ وَ الْاَسْبَاطِ وَ مَا اُوتِیَ مُوسٰى وَ عِیْسٰى وَ مَا اُوتِیَ النَّبِیُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَیْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهٗ مُسْلِمُونَ \*

بگویید: «ما به خدا ایمان آورده‌ایم؛ و به آن چه بر ما نازل شده؛ و آن چه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید، (و هم‌چنین) آن چه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگارشان داده شده است، و در میان هیچ یک از آن‌ها جدایی قائل نمی‌شویم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم؛ (و تعصبات نژادی و اغراض شخصی، سبب نمی‌شود که بعضی را بپذیریم و بعضی را رها کنیم)» \*

## سوره‌ی بقره (۲) آیه‌ی ۱۵۹

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعِينُونَ \*

کسانی که دلایل روشن، و وسیله‌ی هدایتی را که نازل کرده‌ایم، بعد از آن که در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند. خدا آن‌ها را لعنت می‌کند؛ و همه‌ی لعن‌کنندگان نیز، آن‌ها را لعن می‌کنند \*

## سوره‌ی آل عمران (۳) آیه‌ی ۵۲

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ \*

هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر (و مخالفت) کرد، گفت: «کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آیین او) گردد؟» حواریان [= شاگردان مخصوص او] گفتند: «ما یاوران خداییم؛ به خدا ایمان آوردیم؛ و تو (نیز) گواه باش که ما اسلام آورده‌ایم» \*

## سوره‌ی آل عمران (۳) آیه‌ی ۶۴

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ \*

بگو: «ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را، غیر از خدای یگانه، به خدایی نپذیرد. هرگاه (از این دعوت)، سر باز زنند، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم» \*

## سوره‌ی آل عمران (۳) آیه‌ی ۱۶۹

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ \*

(ای پیامبر)، هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

## سوره‌ی نساء (۴) آیه‌ی ۴۶

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لِيَا بِالسُّنْتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَٰكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا \*

بعضی از یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می‌کنند؛ و (به جای این‌که بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»)، می‌گویند: «شنیدیم و مخالفت کردیم. و (نیز می‌گویند: بشنو؛ که هرگز نشنوی! و (از روی تمسخر می‌گویند: راعنا [= ما را تحمیق کن] تا با زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا، طعنه زنند. ولی اگر آن‌ها (به جای این همه لجاجت) می‌گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم؛ و سخنان ما را بشنو و به ما مهلت ده (تا حقایق را درک کنیم)»، برای آنان بهتر، و با واقعیت سازگارتر بود. ولی خداوند، آن‌ها را به خاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته است؛ از این رو جز عذبه‌ی کمی ایمان نمی‌آورند \*

### سوره‌ی نساء (۴) آیه‌ی ۶۰

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا \*

آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند به آن چه (از کتاب‌های آسمانی که) بر تو و به آن چه پیش از تو نازل شده، ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! با این‌که به آن‌ها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. اما شیطان می‌خواهد آنان را گمراه کند، و به بی‌راهه‌های دور دستی بيفکند \*

### سوره‌ی نساء (۴) آیه‌ی ۸۶

وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا \*

هر گاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید؛ یا (لااقل) به همان گونه پاسخ گوید. خداوند حساب همه چیز را دارد \*

### سوره‌ی نساء (۴) آیه‌ی ۱۵۳

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ السَّبِيحَةُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَإِنَّا لَمُوسَىٰ سُلْطٰنًا مُّبِينًا \*

اهل کتاب از تو می‌خواهند کتابی از آسمان (یک جا) بر آن‌ها نازل کنی؛ (در حالی که این یک بهانه است؛) آن‌ها از موسی، بزرگ‌تر از این را خواستند، و گفتند: «خدا را آشکارا به ما نشان ده!» و به خاطر این ظلم و ستم، صاعقه آن‌ها را فراگرفت. سپس گوساله (سامری) را، پس از آن همه دلایل روشن که برای آن‌ها آمد، (به خدایی) انتخاب کردند. ولی ما از آن درگذشتیم (و عفو کردیم) و به موسی، برهان آشکاری دادیم \*

## سوره‌ی مائده (۵) آیه‌ی ۱۲

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمْ ثَمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ \*

خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت. و از آن‌ها، دوازده نقیب [ = سرپرست ] برگزیدیم. و خداوند (به آن‌ها) گفت: «من با شما هستم؛ اگر نماز را بر پا دارید، و زکات را بپردازید، و به رسولان من ایمان بیاورید و آن‌ها را یاری کنید، و به خدا قرض الحسنه بدهید [ = در راه او، به نیازمندان کمک کنید ]، گناهان شما را می‌پوشانم [ = می‌بخشم ]؛ و شما را در باغ‌هایی از بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می‌کنم. اما هر کس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است.

## سوره‌ی مائده (۵) آیه‌ی ۵۴

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ \*

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما، از آیین خود باز گردد، (به خدا زیانی نمی‌رساند؛) خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سر سخت و نیرومندند؛ آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامت‌گری هراسی ندارند. این، فضل خدا است که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد؛ و (فضل) خدا وسیع، و خداوند دانا است \*

## سوره‌ی أنعام (۶) آیه‌ی ۱۵۸

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ ءَايَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ ءَايَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامِنْتَ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مَنَّظِرُونَ \*

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان ( مرگ ) به سراغشان آیند، یا خداوند (خودش) به سوی‌بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت (و نشانه‌های رستاخیز) بیاید؟! اما آن روز که بعضی از آیات پروردگارت

تحقق پذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده‌اند، یا در ایمان‌شان عمل نیکی انجام نداده‌اند، سودی به حال‌شان نخواهد داشت. بگو: «(اکنون که شما چنین انتظارات نادرستی دارید،) انتظار بکشید! ما هم انتظار (کیفر شما را) می‌کشیم!» \*

#### سوره‌ی اعراف (۷) آیه‌ی ۲۰۴

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ \*

هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید؛ شاید مشمول رحمت خدا شوید \*

#### سوره‌ی انفال (۸) آیه‌ی ۶۶

الَّذِينَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ \*

هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد، و دانست که در شما ضعفی است؛ بنابراین این، هرگاه یک صد نفر یا استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند؛ و اگر یک هزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد؛ و خدا با صابران است \*

#### سوره‌ی توبه (۹) آیه‌ی ۳۳

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ \*

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه‌ی آیین‌ها غالب گرداند، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند \*

#### سوره‌ی یونس (۱۰) آیه‌ی ۶۲

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ \*

آگاه باشید! (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند \*

#### سوره‌ی هود (۱۱) آیه‌ی ۱۱۳

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فْتَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ \*

و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فراگیرد؛ و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهد داشت؛ و یاری نمی‌شوید \*



## سوره‌ی رعد (۱۳) آیه‌ی ۱۷

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ وَكَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ \*

(خداوند) از آسمان آبی فرستاد؛ و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه‌ی آن‌ها سیلابی جاری شد؛ سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد؛ و از آن چه (در کوره‌ها)، برای به دست آوردن زینت‌آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می‌کنند نیز کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید - خداوند، حق و باطل را چنین مثل می‌زند! - اما کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند، ولی آن چه به مردم سود می‌رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می‌ماند؛ خداوند این چنین مثال می‌زند \*

## سوره‌ی رعد (۱۳) آیه‌ی ۲۴

سَلِّمٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ \*

(و به آنان می‌گویند): سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتان! چه نیکو است سرانجام آن سرا (ی جاویدان)! \*

## سوره‌ی انبیاء (۲۱) آیه‌ی ۱۰۵

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ \*

در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد» \*

## سوره‌ی حج (۲۲) آیه‌ی ۷۸

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِثْلَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ \*

و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید؛ او شما را برگزید، و در دین (اسلام) کاری سنگین و سختی بر شما قرار نداد؛ از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ خداوند شما را در کتاب‌های پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید، تا پیامبر گواه بر شما باشد، و شما گواهان بر مردم. پس نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید، و به خدا تمسک جویند، که او مولا و سرپرست شما است. چه مولای خوب، و چه یاور شایسته‌ای! \*

## سوره‌ی نور (۲۴) آیه‌ی ۳۵

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ\*

خداوند نور آسمان‌ها و زمین است؛ مثل نور خداوند همانند چراغ‌دانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد، آن چراغ در حبیبی قرار گیرد، حبیبی شفاف و درخشنده هم چون یک ستاره‌ی فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درخت پر برکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی؛ (روغنش آن چنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله ور شود؛ نوری است بر فراز نوری؛ و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند، و خدا برای مردم مثل‌ها می‌زند و خداوند به هر چیزی دانا است \*

## سوره‌ی نور (۲۴) آیه‌ی ۵۵

وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ\*

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده پا بر جا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، (آن چنان) که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقانند \*

## سوره‌ی فرقان (۲۵) آیه‌ی ۲۷

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَسْأَلَنِي أَتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا\*

و (به خاطر آور) روزی را که ستم‌کار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: «ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم!» \*

## سوره‌ی فرقان (۲۵) آیه‌ی ۷۴

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا\*

و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا، از همسران و فرزندان مان مایه‌ی روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزکاران پیشواگردان» \*

### سوره‌ی قصص (۲۸) آیه‌ی ۱۵

وَ دَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعْتَبَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ \*

او به هنگامی که اهل شهر در غفلت بودند وارد شهر شد؛ ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند؛ یکی از پیروان او بود (و از بنی اسرائیل)، و دیگری از دشمنانش؛ آن که از پیروان او بود در برابر دشمنش از وی تقاضای کمک نمود؛ موسی مشت محکمی بر سینه‌ی او زد و کار او را ساخت (و بر زمین افتاد و مُرد)؛ موسی گفت: «این (نزاع شما) از عمل شیطان بود، که او دشمن و گمراه کننده‌ی آشکاری است» \*

### سوره‌ی یس (۳۶) آیات ۷-۹

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَيَّ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ \* إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ \* وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ \*  
فرمان (الهی) درباره‌ی بیش‌تر آن‌ها تحقق یافته، به همین جهت ایمان نمی‌آورند \* ما در گردن‌های آنان غل‌هایی قرار دادیم که تا چانه‌ها ادامه دارد و سرهای آنان را به بالا نگاه داشته است \* و در پیش روی آنان سدی قرار دادیم، و در پشت سرشان سدی؛ و چشمان‌شان را پوشانده‌ایم، لذا نمی‌بینند \*

### سوره‌ی صافات (۳۷) آیه‌ی ۹۳

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ \*

سپس به سوی آن‌ها رفت و ضربه‌ای محکم با دست راست بر پیکر آن‌ها فرود آورد (و جز بت بزرگ، همه را در هم شکست) \*

### سوره‌ی فتح (۴۸) آیه‌ی ۲۹

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْطَهُ فَكَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ

بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا \*

محمد ﷺ فرستاده‌ی خدا است؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سر سخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آن‌ها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛ نشانه‌ی آن‌ها در صورت‌شان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد! (ولی) کسانی از آن‌ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده‌ی آمرزش و اجر عظیمی داده است \*

سوره‌ی حجرات (۴۹) آیه‌ی ۱۳

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ \*

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یک دیگر را بشناسید؛ (این‌ها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است؛ خداوند دانا و آگاه است \*

سوره‌ی نجم (۵۳) آیه‌ی ۵

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ \*

آن کس که قدرت عظیمی دارد [= جبرئیل امین] او را تعلیم داده است \*

سوره‌ی قلم (۶۸) آیه‌ی ۴

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ \*

و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری \*

سوره‌ی لیل (۹۲) آیه‌ی ۴

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ \*

که سعی و تلاش شما مختلف است \*

## نمایه‌ی روایات

موضوع: پیام آیه الله صافی گلپایگانی

به سومین گفتمان مهدویت (سال ۱۳۸۰ ه. ش)

۱. عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن أبي عبد الله عليه السلام قال حدثني أبي عن جدي عن آبائه عليهم السلام:  
... وَالْأَخِذُ بِأَمْرِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ وَالْمُنْتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
مَنْ شَهِدَنَا فِي حَرْبِنَا أَوْ سَمِعَ وَاعْيَتَنَا فَلَمْ يَنْصُرْنَا أَكَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ ...

از ابی بصیر و محمد بن مسلم نقل است که امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم از جدم و او از پدرانش روایت کرد که:

... و کسی که اجراکننده‌ی فرمان ما باشد، فردا با ما در بهشت (حظیره‌القدس) است و کسی که انتظار «فرج ما را می‌کشد، مانند کسی است که در راه خدا، در خون خود تپیده است؛ کسی که شاهد جنگ ما باشد یا فریاد کمک خواهی ما را بشنود و یاری مان نکند، خداوند او را با صورت در آتش می‌افکند...»  
بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴، باب ۷، ما علمه صلوات الله علیه.

۲. قال سيدنا رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ آبَاءَكُمْ وَاحِدٌ لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَيَّ وَعَجَمِيٍّ وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَيَّ  
عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَيَّ أَسْوَدٌ وَلَا لِأَسْوَدٍ عَلَيَّ أَحْمَرٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّ أَكْرَمَكُمْ  
عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ. ۱

مولا و سرور ما پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

«ای مردم، مسلماً پروردگارتان یکی است و پدرتان نیز یک نفر بوده است. نه عرب بر عجم،<sup>۲</sup> نه عجم بر عرب، نه سرخ بر سیاه نه سیاه بر سرخ، جز به تقوا و پارسایی، هیچ برتری ندارد. خداوند متعال می‌فرماید: و گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.»

ابوالفتح کراچکی، معدن الجواهر، ص ۲۱، باب ما جاء في واحد ...

\*\*\*

۱. حجرات (۴۹) آیه‌ی ۱۳.

۲. غیر عرب.

### موضوع: مهدویت از دیدگاه مذاهب اسلامی

۳. نقل عن ابن طاووس رَجِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ سَمِعَ سَحْرًا فِي السَّرْدَابِ عَنِ صَاحِبِ الْأَمْرِ (عج) أَنَّهُ ﷺ يَقُولُ:

اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَ بَقِيَّةِ طَيِّبَتِنَا وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً اِتِّكَالًا عَلَيَّ حُبَّنَا وَ وِلَايَتِنَا فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَ مَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَأُصْلِحْ بَيْنَهُمْ وَ قَاصِ بِهَا عَن خَمْسِنَا وَ أَدْخِلْهُمْ الْجَنَّةَ وَ زَحِّزْهُمْ عَنِ النَّارِ وَ لَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ.

از ابن طاووس نقل شده است: سحرگاهی، در سرداب از امام مهدی (عج) شنیدم که می فرمود:

«بار خدایا، شیعیان ما از شعاع نور ما و باقی مانده‌ی گل ما آفریده شده‌اند. با این حال، با تکیه بر دوستی و ولایت ما، گناهان بسیاری را انجام داده‌اند؛ اگر گناهان‌شان حق الله است، از آنها در گذر که ما نیز راضی هستیم؛ و اگر حق الناس است، میان آنها صلح و دوستی برقرار کن و به خاطر پنج تن ما، از گناهان‌شان در گذر. آنها را وارد بهشت کن و از آتش دورشان دار و در آتش خشمیت، آنان و دشمنان‌مان را یک جا جمع نکن.»

بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

\* عن صاحب الامر (عج):

اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا مِنَّا خُلِقُوا مِنْ فَاضِلِ طَيِّبَتِنَا وَ عَجَنُوا بِمَاءِ وِلَايَتِنَا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ مَا فَعَلُوهُ اِتِّكَالًا عَلَيَّ حُبَّنَا وَ وِلَايَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ...

از صاحب الامر (عج) نقل است که فرمود:

«بار خدایا، شیعیان ما از باقی مانده‌ی گل ما آفریده شده‌اند و به آب ولایت‌ما، سرشته شده‌اند. بار خدایا، گناهان‌شان را که با تکیه بر دوستی و ولایت ما، مرتکب شده‌اند، در روز قیامت بیامرزش ...»

پیشین.

\* عن ابن عباس قال قال رسول الله ﷺ لعلي ﷺ:

يَا عَلِيُّ شِيعَتُكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ... يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ، رُوْحُكَ مِنْ رُوْحِي وَ طَيِّبَتُكَ مِنْ طَيِّبَتِي وَ شِيعَتُكَ خُلِقُوا مِنْ فَضْلِ طَيِّبَتِنَا فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فَقَدْ أَحَبَّنَا وَ مَنْ أَبْغَضَهُمْ فَقَدْ أَبْغَضَنَا وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَانَا وَ مَنْ وَدَّهُمْ فَقَدْ وَدَّنَا يَا عَلِيُّ إِنَّ شِيعَتَكَ مَغْفُورٌ لَهُمْ عَلَيَّ مَا كَانَ فِيهِمْ مِنْ ذُنُوبٍ وَ عُيُوبٍ ...

از ابن عباس نقل شده است که پیامبر خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود:

«ای علی، شیعیان تو همان رستگاران روز قیامت اند ... ای علی، تو از من هستی و من از توام. روح تو از

روح من [سرشته] است و گل تو از گل من؛ و شیعیان تو، از باقی مانده‌ی گل ما آفریده شده‌اند. از این رو، کسی که آنان را دوست بدارد، در حقیقت ما را دوست داشته است و کسی که با آنان کینه‌توزی کند، از ما کینه به دل گرفته است. آن کس که با آنان دشمنی بورزد، با ما دشمنی ورزیده است و آن که دوستشان بدارد، ما را دوست داشته است. ای علی، گناهان و عیوب شیعیان تو، آمرزیده شده است...»  
بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۷، باب ۱۵، فضائل الشیعه.

✽ قال أمير المؤمنين عليه السلام:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطْلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَأَخْتَارَنَا وَاخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَيَبْذِلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ فِينَا أَوْلِيكَ مِنَّا وَإِلَيْنَا.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«خداوند متعال، به زمین نظر انداخت و ما را برگزید، و برای ما شیعیانی برگزید که یاری‌مان می‌کنند. از شادی ما شادمانند و در اندوه ما اندوه‌گین. آن‌ها اموال و جان‌شان را در راه ما فدا می‌کنند. آنان از ما هستند و کارشان با ما است.»

بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷، باب ۳۴، ثواب البكاء علی مصیبه.

۴. عن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْ لُهُمْ أُخِي وَآخِرُهُمْ وَلَدِي وَ قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَمَنْ أَخْوَكُ؟ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؛ قِيلَ: فَمَنْ وَلَدُكَ؟ قَالَ الْمَهْدِيُّ؛ يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَأَطَالَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام فَيُصَلِّي خَلْفَهُ وَتَشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.

از ابن عباس نقل است که پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود:

«جانشینان و حجت‌های خدا بر مردمان بعد از من دوازده نفرند. نخستین آن‌ها برادرم است و آخرین‌شان پسر من. گفته شد: «ای رسول خدا، برادرت کیست؟» فرمود: «علی بن ابی‌طالب». گفته شد: «فرزندت کیست؟» فرمود: همان مهدی است که زمین را پر از عدل و داد کند؛ چنان‌که از ظلم و بی‌داد پر شده و سوگند به آن که مرا به حق، به پیامبری برانگیخت! اگر تنها یک روز از دنیا باقی باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی کند تا فرزندم مهدی (عج) خروج کند. سپس روح خدا، عیسی پسر مریم، فرود می‌آید و پشت سر او نماز می‌گذارد و زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و فرمان‌روایی او، مشرق و مغرب را فرا می‌گیرد»  
بحار الأنوار ج ۵۱، ص ۷۱، باب ۱، ما ورد من اخبار الله و...

۵. عَنْ أَبِي سَلْمَى رَاعِي إِبْلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ أَرَانِي اللَّهَ ذُرِّيَّتِي وَالْمَهْدِيَّ (عج) فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ ذُرِّيٌّ وَقَالَ اللَّهُ هَؤُلَاءِ الْحُجَجُ وَهُوَ سَائِرٌ مِنْ عِثْرَتِكَ وَالْمُتَّقِمُ مِنْ أَعْدَائِي.

از ابی سلمی شتربان پیامبر خدا ﷺ نقل شده است که حضرت فرمود:

«شبی که به آسمان برده شدم، خدا به من ذریه‌ام را نمایاند و مهدی (عج) در میان آنان چون ستاره‌ای درخشان بود و خدای تعالی فرمود: آنان حجت‌هایند و او خون‌بها ستاننده از خاندان تو است و انتقام‌کشنده از دشمنانم.»

ابراهیم بن محمد الجوینی الخراسانی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۹.

۶. قَالَ الشَّيْخُ الطَّبْرِسِيُّ فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

شیخ طبرسی در مجمع البیان آورده است که پیامبر ﷺ فرمود:

«و بر انگیزته شدم تا فضایل اخلاقی را برجسته سازم.»

محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۷، باب استحباب التخلق بمكارم الأخلاق.

\*\*\*

### موضوع: آثار و فواید وجودی حضرت امام عصر (عج) در زمان غیبت

۷. مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ ﷺ قَالَ قَالَ ﷺ:

... كَرَّرُ فِي لَيْلَةٍ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءَ ... اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا ...

محمد بن عیسی با اسناد خود از امام باقر یا صادق ﷺ نقل کرده است که فرمودند:

«... در شب بیست و سوم ماه رمضان، این دعا را تکرار کن ... بار خدایا، برای نماینده‌ی خاصیت ... در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست، نگهبان، پیشوا، یاور، راهنما و دیده‌بان باش تا که او را در زمینت با فرمان‌برداری جای دهی و در آن، مدتی طولانی بهره‌مند سازی ...»

شیخ طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۱۰۲، الدعاء في العشر الأواخر، مفاتيح الجنان.

۸. سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: هَلْ يَنْتَفِعُ الشَّيْخَةُ بِالقَائِمِ ﷺ فِي غَيْبَتِهِ؟ قَالَ ﷺ:

إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي، فِي غَيْبَتِهِ كَأَنْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَّلَهَا السَّحَابُ.

از پیامبر خدا ﷺ سؤال شد که: آیا شیعه در زمان غیبت قائم (عج) از وجود او بهره‌مند می‌شود؟

حضرت فرمود: «آری، سوگند به آن که مرا به پیامبری بر انگیزت! از وجود او بهره‌مند می‌شوند و در



روزگار غیبتش از نور ولایت او پرتو می‌گیرند؛ هم‌چنان که مردم از خورشید نهان در پس ابر، بهره‌مند می‌شوند».

۹. قال رسول الله ﷺ:

... كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطَّيْنِ أَوْ بَيْنَ الرُّوحِ وَ الْجَسَدِ ...

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«... آن هنگام که آدم میان آب و گِل یا بین روح و جسم بود من پیامبر بودم ...».

بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۷۸، باب ۲، فی کیفیت صدور الوحي.

\* قال رسول الله ﷺ:

كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطَّيْنِ وَ إِنْ كَانَ آدَمُ أَوَّلَ الْخَلْقِ فَقَدْ صَارَ مُحَمَّدٌ ﷺ قَبْلَهُ.

پیامبر خدا فرمود ﷺ:

«آن هنگام که آدم میان آب و گِل بود، من پیامبر بودم و اگر آدم اولین مخلوق بود، محمد ﷺ پیش از او بود».

المناقب، ج ۱، ص ۲۱۴، فصل فی وفاته.

۱۰. قال رسول الله ﷺ:

خُلِقْتُ أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ نُورٍ وَ أَحَدٌ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللهُ آدَمَ بِأَرْبَعَةِ آلَافِ عَامٍ فَلَمَّا خَلَقَ اللهُ آدَمَ رَكِبَ ذَلِكَ النُّورَ فِي صُلْبِهِ فَلَمْ يَزَلْ شَيْئاً وَ أَحِداً حَتَّى افْتَرَقْنَا فِي صُلْبِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَفِي التُّسْبُؤَةِ وَ فِي عَلِيٍّ الْوَصِيَّةُ.

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«پیش از آن که خداوند آدم را بیافریند (چهار هزار سال قبل)، من و علی، از یک نور آفریده شدیم. آن گاه زمانی که خداوند آدم را آفرید، آن نور را در صلب او قرار داد؛ و آن، هم‌چنان یک نور بود تا این که در صلب عبدالمطلب جدا شدیم. در من نبوت مقدر شد و در علی وصایت (جانشینی)».

قندوزی، بنایع الموده، ج ۲ - ۱، ص ۳۰۴.

۱۱. قال أبو محمد العسكري ﷺ:

... وَ رُوحُ الْقُدُسِ فِي جَنَانِ الصَّاقُورَةِ ذَاقَ مِنْ حَدَائِقِنَا الْبَاكُورَةِ وَ شِيَعَتُنَا الْفَيْسَةَ النَّسَاجِيَّةُ وَ الْفِرْقَةَ الزَّاكِيَّةُ ...

امام حسن عسکری ﷺ فرمود:

«... و روح القدس در بهشت آسمان سوم از باغ‌های پر ثمر ما چشید و شیعیان ما آن گروه نجات یافته و پاک هستند ...».

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۷، ح ۳، باب ۲۹، مواظب أبي محمد العسكري ﷺ.

### موضوع: بررسی مفهوم مهدی نوعی و اثبات

#### دیدگاه تشیع در مورد حضرت مهدی عجل الله فرجه

۱۲. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود:

«من در میان شما، دو چیز گران بها باقی می‌گذارم؛ تا هنگامی که به آن دو تمسک بجوئید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم، خاندانم. این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا این که بر من بر حوض [کوثر] وارد شوند.»

وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۳.

\* قال رسول الله ﷺ:

أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يَوْشِكُ أَنْ يَأْتِيَ رَسُولُ رَبِّي فَأُجِيبُ وَ أَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثِقَلَيْنِ أَوْلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَ النُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَ اسْتَمْسِكُوا بِهِ [فَحَثَّ عَلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ رَغَبَ فِيهِ] ثُمَّ قَالَ: وَ أَهْلَ بَيْتِي أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي.

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«ای مردم، من انسانی هستم که به زودی فرستاده‌ی خدا (ملک الموت) به سراغم می‌آید. در میان شما دو چیز گران بها باقی می‌گذارم: نخستین آن‌ها کتاب خدا است که در آن هدایت و نور است؛ به آن ملتزم شوید و به دستورات آن عمل کنید. پیامبر بدان تشویق و ترغیب کرد و سپس فرمود: و اهل بیتم (و سه بار فرمود): درباره‌ی اهل بیتم، شما را به خدا قسم می‌دهم.»

صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.

\* عن زيد بن أرقم قال قال رسول الله ﷺ:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ؛ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا.

از زید بن ارقم نقل است که پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«من در میان شما دو چیز را باقی گذاشتم که اگر به آن‌ها تمسک بجوئید، هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد. یکی از آن دو، از دیگری بزرگ‌تر است: کتاب خدا، که رشته‌ای کشیده شده از آسمان به

زمین است و عترتم (اهل بیتم)؛ این دو، هرگز از یک دیگر جدا نخواهند شد تا بر من بر حوض کوثر وارد شوند. حال بنگرید چگونه بعد از من با آن‌ها رفتار می‌کنید». سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۹.

✽ عن زید بن ارقم قال قام رسول الله ﷺ يوماً خطيباً فحمد الله وأثنى عليه ثم قال ﷺ: يا أيها الناس إنما أنا بشرٌ يوشك أن يأتيني رسولٌ ربِّي تاركٌ فيكم الثقلين أولهما كتابُ الله فيه الهدى والنورُ فتمسكوا بكتابِ الله وخذوا به [فحثَّ عليه ورغب فيه] ثم قال وأهلُ بيتي أذكركم الله في أهلِ بيتي ثلاثَ مرَّاتٍ.

از زید بن ارقم نقل شده است: پیامبر خدا ﷺ، روزی برای خطبه به پاخاست و بعد از حمد و ستایش خدا فرمود:

«ای مردم، من انسانی هستم که به زودی فرستاده‌ی خدا (= ملک الموت) به سراغم می‌آید. در میان شما دو چیز گران‌بها باقی می‌گذارم: نخستین آن‌ها کتاب خدا است که در آن هدایت و نور است؛ به آن ملتزم شوید و به دستورات آن عمل کنید. پیامبر بدان تشویق و ترغیب کرد و سپس فرمود: و اهل بیتم و سه بار فرمود: درباره‌ی اهل بیتم، شما را به خدا قسم می‌دهم».

سنن دارمی، ج ۲، ص ۴۳۲.

✽ قال رسول الله ﷺ:

ألا يا أيها الناس إنما أنا بشرٌ يوشك أن يأتيني رسولٌ ربِّي عزَّ وجلَّ فأجيبُ وإني تاركٌ فيكم ثقلين أولهما كتابُ الله عزَّ وجلَّ فيه الهدى والنورُ فخذوا بكتابِ الله تعالى و استمسكوا به [فحثَّ على كتابِ الله ورغب فيه] قال وأهلِ بيتي أذكركم الله في أهلِ بيتي أذكركم الله في أهلِ بيتي أذكركم الله في أهلِ بيتي.

ترجمه در حدیث قبل گذشت. مسند أحمد، ج ۴، ص ۳۶۶.

✽ عن زید بن ارقم قال: لما رجع رسولُ الله ﷺ عن حجةِ الوداعِ و نزلَ غدیرِ خمٍ أمرَ بدوحاتٍ فقممن ثم قال ﷺ:

كأنِّي قد دُعيتُ فأجبتُ إني قد تَرَكْتُ فيكم الثقلينِ أحدهما أكبرُ مِنَ الآخِرِ كتابُ الله و عترتي أهلُ بيتي فانظروا كيفَ تَخلفوني فيهما فإنَّهُما لَن يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الحوضِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ و أَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِي عَلَيَّ ﷺ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ وَلِيِّهِ فَهَذَا وَلِيُّهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ و عَادِ مَنْ عَادَاهُ ...

از زید بن ارقم نقل شده است:

«هنگامی که پیامبر ﷺ از حجة الوداع بازگشت و به غدیر خم وارد شد، دستور داد [زیر] درختی سایه

گستر را تمیز کنند» و سپس فرمود: «می بینم که دعوت شده‌ام و من در میان شما دو شیء گرانبها می‌گذارم...».

سپس فرمود: «خداوند سرور من است و من نیز سرور هر مؤمنی هستم». سپس دو دست علی را گرفت و فرمود: «هر کس که من سرور اویم این [علی] سرور او است. بار خدایا، دوستش را دوست بدار و دشمنش را دشمن دار».

\* قال رسول الله ﷺ:

... أَمَا بَعْدُ أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يَوْشِكُ أَنْ يَأْتِيَنِي رَسُولُ رَبِّي فَأُجِيبُهُ وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثِّقَلَيْنِ أَوْلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَىٰ وَالنُّورُ مَنْ اسْتَمْسَكَ بِهِ وَأَخَذَ بِهِ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ وَمَنْ تَرَكَهُ وَأَخْطَأَهُ كَانَ عَلَى الضَّلَالَةِ وَأَهْلُ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ .

ترجمه در احادیث قبل گذشت. صحیح ابن خزيمة، ج ۴، ص ۶۲.

\* عن زيد بن أرقم قال لما رجَعَ النبي ﷺ مِنْ حَجَّةِ الْوِدَاعِ وَنَزَلَ غَدِيرِ خُمٍّ أَمَرَ بِدُوحَاتٍ فَقَمَمَنَ ثُمَّ قَالَ ﷺ:

كَأَنِّي دُعِيتُ فَأَجَبْتُ وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثِّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. ثُمَّ قَالَ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ. ثُمَّ أَنَّهُ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ ﷺ: مَنْ كُنْتُ وَلِيًّا فَهَذَا وَلِيُّهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ.

ترجمه در احادیث قبل گذشت. نسائی، خصائص أمير المؤمنين ﷺ، ص ۹۳.

\* عن زيد بن أرقم رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثِّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَأَهْلَ بَيْتِي وَأَنْهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

ترجمه در احادیث قبل گذشت. حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۳، ص ۱۴۸.

\* عن زيد بن أرقم قال قال رسول الله ﷺ:

... أَلَا وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ ثِقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ هُوَ حَبْلُ اللَّهِ مَنْ اتَّبَعَهُ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ وَمَنْ تَرَكَهُ كَانَ عَلَى ضَلَالَةٍ ...

از زيد بن أرقم نقل شده است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «من در میان شما، دو شیء گرانبها باقی می‌گذارم. یکی از آن دو، کتاب خداوند متعال است. آن ریسمان خداست که هر کس از آن

پیروی کرد بر طریق هدایت است و کسی که آن را کنار گذاشت، در گمراهی به سر می‌برد».

صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۳.

\* عن أبي شريح الهدي قال: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: أَبْشِرُوا وَأَبْشِرُوا أَلَيْسَ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْنِي رَسُولُ اللَّهِ قَالُوا نَعَمْ. قَالَ فَإِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ سَبَبٌ طَرْفُهُ بِيَدِ اللَّهِ وَطَرْفُهُ بِأَيْدِيكُمْ فَتَمَسَّكُوا بِهِ فَإِنَّكُمْ لَنْ تَضِلُّوا وَلَنْ تُهْلَكُوا بَعْدَهُ أَبَدًا... فَقَالَ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ كِتَابُ اللَّهِ هُوَ حَبْلُ اللَّهِ مَنْ اتَّبَعَهُ كَانَ عَلَى الْهُدَى وَمَنْ تَرَكَهُ كَانَ عَلَى الضَّلَالَةِ.

از ابی شریح هدی نقل است که گفت: پیامبر خدا ﷺ بر ما وارد شد و فرمود:

«بشارت، بشارت! آیا شما شهادت نمی‌دهید که معبودی جز الله نیست؟ آیا گواهی نمی‌دهید که من فرستاده‌ی خداوندم؟» گفتند: «آری». فرمود: «این قرآن، رشته‌ای است که یک سوی آن به دست خدا و سوی دیگر آن به دست شماست. پس بدان تمسک بجوئید که هرگز گمراه نخواهید شد و بعد از من هرگز نیست و نابود نمی‌شوید». سپس فرمود: «من ... (دنباله‌ی حدیث در حدیث قبلی ترجمه شده است)».

صحیح ابن حبان، ج ۱، ص ۳۲۹، ۳۳۱.

۱۳. روي عن النبي ﷺ أنه قال:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

ترجمه‌ی حدیث در متن گفتمان گذشت.

بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱.

۱۴. محمد بن عثمان العمري قدس الله روحه يقول: سمعتُ أبي يقول سئل أبو محمد

الحسن بن علي ﷺ و أنا عنده عن الخبر الذي روي عن أبائه ﷺ:

أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّ مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ

زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَقَالَ ﷺ:

إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ ...

ترجمه‌ی حدیث در گفتمان گذشت.

شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۰۹.

۱۵. قال عبدالله بن عمر: سمعتُ رسولَ الله ﷺ يقول:

مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

ترجمه‌ی حدیث در گفتمان گذشت.

صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۲.

۱۶. عن ابن عباس عن النبي قال ﷺ:

مَنْ كَرِهَ مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئاً فَلْيَصْبِرْ فَإِنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ شِبْرًا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

از ابن عباس نقل است که پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

«کسی که از حکمران خود، چندان دل خوشی نداشته باشد، باید صبر کند؛ و اگر به مقدار اندکی هم از اطاعت آن سلطان خارج شود، به مرگ جاهلیت مرده است.» صحیح بخاری، ج ۸، ص ۸۷

۱۷. عن عبدالله بن عامر [يعنى ابن ربيعة] عن أبيه قال: قال رسول الله ﷺ:

مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَتْ عَلَيْهِ طَاعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

عبدالله بن عامر از پدرش نقل کرده است که پیامبر ﷺ فرمود:

«کسی که بمیرد و از کسی (امامی) پیروی نداشته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.»

مسند أحمد، ج ۳، ص ۴۴۶.

\* عن زيد بن اسلم عن بن عمر قال سمعتُ رسولَ الله ﷺ يقول:

مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً ...

ترجمه در احادیث قبل گذشت. مسند أبي داود طيالسي، ص ۲۵۹.

۱۸. قال عبدالله ابن عمر إن رسول الله ﷺ قال:

مَنْ خَرَجَ مِنَ الْجَمَاعَةِ قَدَرَ شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ حَتَّى يُرَاجِعَهُ وَ قَالَ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ جَمَاعَةٌ فَإِنَّ مَوْتَهُ مَوْتُهُ جَاهِلِيَّةً.

عبدالله بن عمر نقل کرده است که پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«هر کس از جامعه اسلامی، ذره‌ای انحراف یابد، دیگر مسلمان نیست مگر این که دوباره به آن باز گردد و کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد، حقیقتاً مرگش مرگ جاهلیت است.»

مستدرک، ج ۱، ص ۱۱۷.

\* عن معاوية قال: قال رسول الله ﷺ:

مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

از معاویه نقل شده است که پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«آن کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.»

هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۱۸.

۱۹. عن أبي اليسع عيسى بن السري قال: قال أبو عبد الله ﷺ:

إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا بِالْإِمَامِ وَ مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ ...

ترجمه‌ی حدیث در گفتنان گذشت. احمد بن محمد بن خالد البرقی، محاسن، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲۰. عن أبي اليسع، قال، قلت لأبي عبد الله عليه السلام حدثني عن دعائم الإسلام التي بُنيَ عليها و... فقال عليه السلام :

شَهَادَةُ الْإِلَهَةِ إِلَّا اللَّهُ، وَالْإِيمَانُ بِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله و... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَةً مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

ترجمه‌ی حدیث در گفتمان گذشت. رجال کشی، ص ۴۲۴.

۲۱. عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ:  
إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ كَيْمًا إِنْ زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَيْئًا رَدَّهُمْ وَإِنْ نَقَصُوا شَيْئًا أْتَمَّهُ لَهُمْ  
از إسحاق بن عمار نقل است که گفت: شنیدم امام صادق عليه السلام می فرمود:

«زمین، به هیچ وجه از امام خالی نمی ماند، که اگر مؤمنان چیزی را افزودند، آن را برمی گرداند؛ و اگر چیزی را فرو کاستند، آن را برای آن ها به اتمام می رساند.»

کافی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۲.

\* عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْعَامِرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
مَا زَالَتِ الْأَرْضُ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهَا الْحُجَّةُ يُعَرَّفُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ.  
از عبدالله بن سلیمان عامری از امام صادق عليه السلام نقل شده است که فرمود:

«پیوسته در زمین، حجت خداوند وجود دارد که حلال و حرام را می شناساند و مردم را به راه خدا دعوت می کند.»

پیشین، ح ۳.

۲۲. وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عليه السلام لِكَمَيْلِ بْنِ زِيَادِ النَّخَعِيِّ قَالَ عليه السلام :  
... اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا لِنَلَّا  
تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ ...

امام علی عليه السلام به کمیل بن زیاد نخعی فرمود:

«... خدایا، بلی زمین خالی نمی ماند از کسی که حجت بر پای خدا است، یا آشکار و شناخته است و یا بیم‌ناک و پنهان [از دیدگان] است. تا حجت خدا و نشانه‌هایش از بین نرود...»

نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷، بخش ۵ «خصائص الامام».

\* عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الْعَمْرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فِي الْخَبَرِ الَّذِي رُوِيَ  
عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام :

أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ...

وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۶.

ترجمه در احادیث قبل گذشت.

\* عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام:  
إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ وَأَنَا وَاللَّهُ ذَلِكَ الْحُجَّةُ.

ترجمه در احادیث قبل گذشت. کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲۳. عَنْ سَمَّاكِ بْنِ حَرْبٍ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمْرَةَ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ:  
لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَيَّ إِثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَفْهَمَهَا فَقُلْتُ لِأَبِي مَا قَالَ فَقَالَ  
كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.

ترجمه‌ی حدیث در گفتان گذشت. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۳.

۲۴. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ:  
دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عليها السلام وَبَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا فَعَدَدْتُ إِثْنِي عَشَرَ  
آخِرَهُمُ الْقَائِمُ عليه السلام ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ عليه السلام وَثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيُّ عليه السلام.

از امام باقر عليه السلام از جابر بن عبدالله انصاری نقل است که فرمود:

«بر فاطمه عليها السلام وارد شدم و در برابر ایشان، تخته‌ای را دیدم که در آن، نام جانشینان پیامبر که فرزندان او  
[زهرا عليها السلام] بودند، وجود داشت. شمردم، دوازده نفر بودند. آخرین آن‌ها همان حضرت قائم (عج) بود.  
نام سه نفر از آن‌ها محمد و سه نفر هم علی بود.»

کافی، ج ۱، ص ۵۳۲.

\* عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:  
إِنَّ اللَّهَ أَرْسَلَ مُحَمَّدًا عليه السلام إِلَى الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَجَعَلَ مِنْ بَعْدِهِ إِثْنِي عَشَرَ وَصِيًّا مِنْهُمْ مَنْ سَبَقَ وَ  
مِنْهُمْ مَنْ بَقِيَ وَكُلُّ وَصِيٍّ جَرَتْ بِهِ سُنَّةٌ وَالْأَوْصِيَاءُ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَلَى سُنَّةِ  
أَوْصِيَاءِ عِيسَى وَكَانُوا إِثْنِي عَشَرَ وَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَلَى سُنَّةِ الْمَسِيحِ عليه السلام.

از ابو حمزه نقل است که امام باقر عليه السلام فرمود:

«خداوند، محمد را برای جن و انس فرستاد و برای بعد از او، دوازده جانشین تعیین کرد؛ برخی از آنان  
در گذشته‌اند و پاره‌ای باقی مانده‌اند. و هر جانشینی، سیره و سنتی را اجرا کرد. و جانشینانی که بعد از  
محمد بودند، سیره و سنت جانشینان عیسی را داشتند که آن‌ها هم دوازده نفر بودند. اما امیر مؤمنان  
علی عليه السلام سیره‌ی مسیح را داشت.»

پیشین، ص ۵۳۲.

\* عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ:  
دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عليها السلام وَبَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ فَعَدَدْتُ إِثْنِي عَشَرَ آخِرَهُمُ  
الْقَائِمُ عليه السلام ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ عليه السلام وَأَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيُّ عليه السلام.

ترجمه در احادیث قبل گذشت. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۴۶.



\* عن أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: دَخَلْتُ عَلَى فاطمة عليها السلام وَبَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ اسْمًا آخِرُهُمُ الْقَائِمُ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ عليه السلام وَ أَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ عليه السلام.

ترجمه در احادیث قبل گذشت. کافی، ج ۱، ص ۵۳۲.

\* عن أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: دَخَلْتُ عَلَى فاطمة عليها السلام وَبَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ مَكْتُوبٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ عليه السلام ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ عليه السلام وَ أَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ عليه السلام.

ترجمه در احادیث قبل گذشت. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۱۱، ح ۳.

\* عن جابر بن سمرة قال كنت مع أبي عند النبي صلى الله عليه وآله فسمعتة يقول: يَكُونُ بَعْدِي اثْنَيْ عَشَرَ أَمِيرًا ثُمَّ أَخْفَى صَوْتَهُ فَقُلْتُ لِأَبِي مَا الَّذِي أَخْفَى رَسُولُ اللَّهِ قَالَ قَالَ صلى الله عليه وآله كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.

ترجمه‌ی حدیث در گفتمان گذشت. شیخ صدوق، أمالی، ص ۳۱۰، المجلس الحادی و الخمسون.

\* عن جابر بن سمرة قال ذكر أن النبي صلى الله عليه وآله قال: لَا يَزَالُ أَهْلُ هَذَا الدِّينِ يُنْصَرُونَ عَلَيَّ مَنْ نَاوَاهُمْ إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً فَجَعَلَ النَّاسُ يَقُومُونَ وَ يَقْعُدُونَ وَ تَكَلَّمُ بِكَلِمَةٍ لَمْ أَفْهَمَهَا فَقُلْتُ لِأَبِي أَوْ لِأَخِي أَيُّ شَيْءٍ قَالَ فَقَالَ قَالَ صلى الله عليه وآله كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.

ترجمه‌ی حدیث در گفتمان گذشت. شیخ طوسی، الغيبة، ص ۱۲۸.

\* عن جابر بن سمرة قال ذكر أن النبي صلى الله عليه وآله قال: لَا يَزَالُ أَهْلُ هَذَا الدِّينِ يُنْصَرُونَ عَلَيَّ مَنْ نَاوَاهُمْ إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً فَجَعَلَ النَّاسُ يَقُومُونَ وَ يَقْعُدُونَ وَ تَكَلَّمُ بِكَلِمَةٍ لَمْ أَفْهَمَهَا فَقُلْتُ لِأَبِي أَوْ لِأَخِي أَيُّ شَيْءٍ قَالَ فَقَالَ قَالَ صلى الله عليه وآله كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.

ترجمه‌ی حدیث در گفتمان گذشت. همان، ص ۱۲۹.

\* عن سماك بن حرب قال سمعت جابر بن سمرة يقول سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَفْهَمَهَا فَقُلْتُ لِأَبِي فَقَالَ كُلُّهُمْ عليهم السلام مِنْ قُرَيْشٍ.

ترجمه‌ی حدیث در گفتمان گذشت. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۶۶.

### موضوع: بررسی ابعاد تربیتی «انتظار محور»

۲۵. عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام:  
... يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةً وَ حُجَّةَ بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ  
الأنبياءُ وَ الأئمةُ عليهم السلام وَ أمَّا الباطِنَةُ فَالعُقُولُ ....

از هشام بن حکم نقل است که امام موسی کاظم علیه السلام فرمود:

«... ای هشام، خداوند برای مردم دو حجت قرار داده است: حجتی ظاهری و حجتی باطنی. حجت ظاهری همان فرستادگان و پیامبران و امامان هستند و حجت باطنی عقل است ...».

کافی، ج ۱، ص ۱۳، کتاب العقل و الجهل.

۲۶. عن سليم بن قيس قال: سمعت علياً عليه السلام يقول: قال رسول الله صلى الله عليه وآله في آخر خطبته يوم قبضه الله عز وجل إليه:

... فَإِنَّ اللطيفَ الخبيرَ قد عهد إلي أنهما لن يفترقا حتى يردا علي الحوض كهاتين و جمع بين مسبحتيه و لا أقول كهاتين و جمع بين المسبحة و الوسطى فتسبق إحداهما الأخرى فتمسكوا بهما لا تزلوا و لا تضلوا و لا تقدموهم فتضلوا.

از سلیم بن قیس نقل است که گفت: شنیدم امام علی علیه السلام می فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله در آخرین خطبه‌اش، روزی که خدای متعال او را به نزد خود برد فرمود:

«... به راستی که آن مهربان آگاه، به من خبر داد که این دو [کتاب و عترت]، هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا بر من بر حوض [کوثر] وارد شوند؛ مانند این دو (انگشت شصت و سبابه‌اش را به هم نزدیک کرد) و نمی‌گویم مانند این دو (و انگشت شصت و میانی را به هم نزدیک کرد) تا یکی از دیگری پیشی بگیرد. از این رو به آن دو ملتزم باشید تا نلغزید و گمراه نشوید و بر آنان پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید».

۲۷. قال المجلسي وَجَدْتُ فِي نُسْخَةٍ قَدِيمَةٍ مِنْ مَوْأَلَفَاتِ أَصْحَابِنَا زِيَارَةَ أُخْرَى لَهُ عليه السلام قَالَ:  
إِذَا أَتَيْتَ بَابَ القَبْرِ فَاسْتَأْذِنْ وَ قُلْ ... السَّلَامُ عَلَيَّ المَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللهُ تَعَالَى الأُمَّمَ  
أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الكَلِمَ وَ يَلْمَ بِهِ الشَّعْثَ وَ يَمْلَأَ بِهِ الأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدلاً كَمَا مِلَّتْ ظُلماً وَ جَوراً  
وَ أَنْ يُمَكِّنَ لَهُ وَ بِهِ يُنَجِّزَ وَعْدَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَسْتَخْلِفُهُمْ فِيهَا حَتَّى يَعْبُدُوهُ بَعْدَ الخَوْفِ  
آمِنِينَ وَ ....

علامه‌ی مجلسی گفته است: در نسخه‌ای قدیمی از نوشته‌های هم‌کیشان‌مان، زیارتی دیگر برای

ایشان (عج) یافتم که می‌گوید:

«هنگامی که مقابل در قبه ایستادی، اجازه بگیر و بگو: ... سلام بر مهدی. کسی که خداوند به امت‌ها وعده داده است به وسیله‌ی او اختلاف میان‌شان را برطرف کرده و با او پریشانی و آشفتگی را از بین می‌برد. با او زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان که پر از ظلم و بیداد شد. او را قدرت می‌دهد و با او، وعده‌اش به مؤمنان را که در زمین آنان را جانشین [خود] می‌کند تا بعد از ترس و بیم، او را با آرامش بپرستند، تحقق می‌بخشد ...» بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۶۴، باب ۱۸، زیاراته صلوات الله علیه.

۲۸. عَنْ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام :

لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ اِعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ  
وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ اَدَاءِ اَمَانَتِهِ.

از ابوطالب نقل است که امام صادق عليه السلام فرمود:

«به طول رکوع و سجده‌ی شخص نگاه نکنید؛ چرا که این کار عادت او شده است. به طوری که اگر آن را ترک کند، دچار وحشت می‌شود؛ اما به درستی گفتار و امانت‌داری او بنگرید.»

کافی، ج ۲، ص ۱۰۵، باب الصدق و أداء الأمانة.

\*\*\*

### موضوع: بررسی ادله‌ی عقلی اثبات وجود امام زمان عليه السلام

۲۹. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَثْمَانَ الْعَمْرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فِي الْخَبَرِ الَّذِي رُوِيَ  
عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام :

أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ أَنَّ مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً  
جَاهِلِيَّةً فَقَالَ عليه السلام :

إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ ...

محمد بن عثمان عمری از پدرش نقل کرده است که امام حسن عسکری عليه السلام درباره‌ی خبری که از پدرانش عليهم السلام روایت شده است فرمود:

«زمین از حجتی که خداوند برای اتمام حجت بر خلق خود قرار می‌دهد، خالی نمی‌ماند. و کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.» سپس فرمود: «این حقیقت دارد چنان که روز، حقیقت دارد و آشکار است ...»

وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۶، باب ۳۳، تحریم تسمیه المهدی عليه السلام.

۳۰. قال الإمام علي عليه السلام:

... اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا لِيَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ ... أُولَئِكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِهِ آه آه! شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ ...

امام علی عليه السلام فرمود:

«... خدایا، بلی، زمین خالی نمی ماند از کسی که حجت بر پای خداست، یا آشکار و شناخته است و یا بیم ناک و پنهان [از دیدگان] است. تا حجت خدا و نشانه هایش از بین نرود ... اینان جانشینان خداوند در زمین و دعوت کنندگان به دین او هستند. وه که چه آرزومند دیدار آنانم ...».

نهج البلاغه، خ ۱۴۷، حکمت ۱۳۹.

۳۱. قال الإمام علي عليه السلام:

... كِتَابُ اللَّهِ تُبْصِرُونَ بِهِ وَ تَنْطِقُونَ بِهِ وَ تَسْمَعُونَ بِهِ وَ يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ وَ لَا يَخْتَلِفُ فِي اللَّهِ ...

امام علی عليه السلام فرمود:

«... کتاب خدا که بدان [راه حق را] می بینید و بدان [از حق] سخن می گوید و با آن [حق را] می شنوید. آیات آن یک دیگر را تفسیر می کنند و پاره ای بر پاره ای دیگر گواهی می دهد. [آیه هایش] در [شناخت] خدا اختلافی ندارند ...».

نهج البلاغه، خ ۱۹۱ و ۱۳۳.

۳۲. قال الإمام علي عليه السلام:

وَ لَمْ يُخْلِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ أَوْ مَسْحَجَةٍ قَائِمَةٍ رُسُلٌ لَا تُقْصَرُ بِهِمْ قَلَّةٌ عَدَدِهِمْ وَ لَا كَثْرَةُ الْمُكَذِّبِينَ لَهُمْ ...

امام علی عليه السلام فرموده است:

«و خداوند متعال، آفریدگانش را بی پیامبر، یا بدون کتابی در دسترس، یا حجتی قاطع یا راهی راست نگذاشته است. پیامبرانی که تعداد اندک شان و فراوانی تکذیب کنندگان شان، آنان را در کار خود در مانده نکرد ...».

نهج البلاغه، خ ۱.

موضوع: بررسی نقش و وظیفه‌ی نهادهای دینی در قبال

رسالت ترویج نظام تربیتی «انتظار محور»

۳۳. قال رسول الله ﷺ:

... أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ ...

رسول خدا ﷺ فرمود:

«... من و علی پدران این امت هستیم ...»

بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۹۵، باب ۶.

\*\*\*

\* قال رسول الله ﷺ:

... وَأَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ مَنْ عَرَفْنَا فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ...

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«... من و علی، پدران این امتیم. هر کس ما را شناخت، خداوند متعال را شناخته است و ...»

کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۶۱، باب ما روي عن النبي ﷺ.

\* قال النبي ﷺ:

أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ أَنَا وَ عَلِيٌّ مَوْلَا هَذِهِ الْأُمَّةِ ...

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«من و علی، پدران این امتایم من و علی سرور این امتیم ...»

مناقب، ج ۳، ص ۱۰۵، فصل في أنه المعنى بالإنسان و الرجل.

۳۴. عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ:

عَالِمٌ يُتَنَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ.

از ابو حمزه نقل است که امام باقر ﷺ فرمود:

«دانشمندی که از دانش او استفاده شود، برتر از هفتاد هزار عابد است.»

کافی، ج ۱، ص ۳۳، باب صفة العلم و فضله و فضل العلماء.

\*\*\*

### موضوع: آثار تربیتی و روان‌شناختی انتظار

۳۵. عن أبي حمزة الثمالي عن أبي خالد الكابلي عن علي بن الحسين عليه السلام قال: **انتظارُ الفرجِ من أعظمِ الفرجِ.**

از ابو حمزه‌ی ثمالی از ابو خالد کابلی نقل است که امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«انتظار فرج (گشایش مشکلات به دست حضرت مهدی علیه السلام) از بزرگ‌ترین گشایش‌ها است.»

بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، باب فضل انتظار الفرج.

۳۶. عن زيد بن وهب الجهني عن الحسن بن علي بن أبي طالب عن أبيه عليه السلام قال:

**و تَصْطَلِحُ فِي مَلِكِهِ السَّبَاعُ وَ تَخْرُجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَ تُنْزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ أَرْبَعِينَ عَاماً فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ.**

از زید بن وهب جهنی از امام حسن مجتبی نقل است که علی علیه السلام فرمود:

«در قلمرو حکومت او، درندگان با هم آشتی می‌کنند، زمین گیاهش را می‌رویاند، آسمان برکتش را فرود می‌آورد و گنج‌ها بر او آشکار می‌شوند. چهل سال ما بین مشرق و مغرب تحت فرمان‌روایی او است. خوشا به حال کسی که دوران او را دریابد و سخنانش را بشنود.»

بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰، باب ۲۶، يوم خروجه و ما يدل عليه.

۳۷. عن مولى لبني شيبان عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال:

**إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ.**

از یکی از موالی بنی شیبان نقل است که امام باقر علیه السلام فرمود:

«هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و با این کار، عقل‌های‌شان را از پراکندگی‌های بی‌بخشیده، تحمل و بردباری‌شان را فزونی می‌بخشد.»

بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸، باب ۲۷، سیره و أخلاقه و عدد أصحابه.

۳۸. عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال:

**مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجَدَّوْا وَ انْتَظَرُوا هَنِيئاً لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.**

از ابوبصیر نقل است که امام صادق علیه السلام فرمود:

«کسی که می‌خواهد از یاران و اصحاب امام مهدی (عج) باشد، باید انتظار برد و ورع و پاک‌دامنی پیشه

کرده، اخلاق خویش را نیکو کند. در این حالت اگر بمیرد و حضرت حجت(عج) ظهور نماید، اجر و پاداش کسی را دارد که آن حضرت را درک کند؛ پس تلاش کنید در انتظار باشید؛ گوارا باد بر شما ای گروهی که مورد رحمت حق قرار گرفته‌اید. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، باب ۲۲، فضل انتظار الفرج.

۳۹. قال الإمام علي عليه السلام:

... وَ كَانِي بِقَائِلِكُمْ يَقُولُ «إِذَا كَانَ هَذَا قَوْلُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَدْ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ عَنْ قِتَالِ الْأَقْرَانِ وَ مُنَازَلَةِ الشُّجْعَانِ» أَلَا وَ إِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَضْلَبُ عُوداً وَ الرَّوَاحِ السُّخْرَةَ أَرْقُ جُلُوداً وَ النَّابِتَاتِ الْعِذِيَّةَ أَقْوَى وَ قُوداً وَ أَبْطَأُ خُمُوداً. وَ أَنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ كَالصُّنُورِ مِنَ الصُّنُورِ ...

امام علی عليه السلام فرمود:

«... و گویا می‌بینم که گوینده‌ای از شما می‌گوید: «اگر غذای پسر ابوطالب این باشد، ضعف او را در مبارزه با هم آورده‌ها و به زیرکشیدن دلاوران، از پا درمی‌آورد». آگاه باشید که مسلماً درخت صحرائی، شاخه سخت‌تر است و چمن‌زارهای سرسبز، پوست نازک‌ترند. رویدنی‌های صحرائی آتش افروخته‌تر و خاموشی آن‌ها نیز دیرتر است. و من از رسول خدایم صلی الله علیه و آله؛ مانند شاخه‌ی رسته از شاخه‌ی دیگر ...».

نهج البلاغه، نامه ۴۵ و من کتاب له عليه السلام ...

۴۰. عَنْ رُمَيْلَةَ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

يَا رُمَيْلَةُ لَيْسَ يَغِيبُ عَنَّا مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا فِي غَرْبِهَا.

از رمیله نقل است که حضرت علی عليه السلام فرمود:

«ای رمیله، در مشرق و مغرب زمین هیچ مؤمنی از چشم ما پنهان نمی‌ماند.»

بصائر الدرجات، ص ۲۵۹، باب فی الأئمة أنهم يعرفون ...

۴۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ أَنَّهُ قَالَ خَرَجَ التَّوْقِيعُ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ حَرَسَهَا اللَّهُ،

بعد المسائل:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ... فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَائِكُمْ وَ لَا يَعْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَ مَعْرِفَتِنَا بِالذَّلِّ الَّذِي أَصَابَكُمْ مُذْجَنَحٌ كَثِيرٌ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ السَّلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَائِعًا وَ تَبَدُّوا الْعَهْدَ الْمَأْخُودَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَتْكُمْ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ ...

از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری نقل است که گفت: بعد از پاسخ‌گویی به مسائلی از طرف وجود مقدس حضرت مهدی(عج) (که خداوند او را حفظ کند) چنین توقیع (نامه) آمد:

«... ما کاملاً به احوال شما آگاهیم و هیچ خبر شما از ما پنهان نمی ماند. ما خبر داریم از ذلتی که به شما رسیده است. از زمانی که بسیاری از شما، بدان چه پیشینیان شایسته از آن دوری می جستند، متمایل شدند و به عهد و پیمان خود پشت پا زدند. گویا آنان نمی دانند که ما مراقب شمایم و از یادمان نرفته‌اید. که اگر چنین بود، سختی و بلا بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را نابود می کردند. پس تقوای خدا را پیشه کنید ...».

ابومنصور احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۵، ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان (عج).  
 ۴۲. عَنْ كَلْبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْأَسَدِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:  
 أَمَا وَاللَّهِ إِنَّكُمْ لَعَلَى دِينِ اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ وَالْعِبَادَةِ عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ.

از کلب بن معاویه اسدی نقل است که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:  
 «بدانید به خدا سوگند! شما بر دین خدا و ملائکه‌ی او هستید؛ پس ما را با ورع و اجتهاد یاری کنید.  
 به نماز و عبادت بسیار توجه کنید. به ورع فراوان اهتمام بورزید».

وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۷، باب وجوب الورع.  
 ۴۳. عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمَنْصُورِيِّ عَنْ عَمِّ أَبِيهِ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:  
 عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ الدِّينُ الَّذِي نُلَازِمُهُ وَنَدِينُ اللَّهِ تَعَالَى بِهِ وَنُرِيدُهُ مِمَّنْ يُوَالِينَا لَا تُتَعَبُونَا بِالشَّفَاعَةِ.

از احمد بن محمد منصورى از عموى پدرش از امام هادى عليه السلام از پدرانش از امام صادق عليه السلام نقل است که فرمود:

«به ورع بسیار توجه کنید که آن، همان آیینی است که ما بدان پایبندیم و خداوند متعال را با آن می پرستیم و آن را از کسی که دوستان دارد می خواهیم. ما را با شفاعت خسته نکنید».

وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۸.  
 ۴۴. رَوَى أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبِ الطَّبْرَسِيِّ فِي الْأَخْتِجَاجِ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام فِي قَوْلِهِ ﴿ تَعَالَى فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ﴾<sup>۱</sup>  
 ... فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ



فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلَّدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضَ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ ...

أحمد بن علی بن ابی طالب طبرسی در احتجاج از امام حسن عسکری (ع) نقل کرده است که ایشان در تفسیر آیه‌ی ﴿ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ ... ﴾ فرمود:

«... اما آن کس از فقها که نگاهدار نفس خود باشد، حافظ دینش باشد، با هوای نفسش مخالفت کند و فرمانبردار امر سرورش باشد، عوام باید از او تقلید کنند. و البته تنها بعضی از فقهای شیعه چنین هستند...»  
وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱، باب عدم جواز تقلید غیر المعصوم.

۴۵. الإمام الحسن بن علي العسكري عليه السلام في تفسيره عن أبيه عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله في حديث قال: مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُنْكِرْ بِيَدِهِ إِنْ اسْتَطَاعَ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ فَحَسْبُهُ أَنْ يَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ أَنَّهُ لِذَلِكَ كَارِهِ.

امام حسن عسکری عليه السلام در تفسیرش از پدرانش و آنان از پیامبر صلى الله عليه وآله نقل می‌کنند که ایشان در حدیثی فرمود:

«هر کس از شما که منکری را ببیند، اگر می‌تواند باید با دستش آن را محکوم کند (از آن جلوگیری کند)، اگر نتوانست با زبانش، اگر نتوانست با قلبش، که همین قدر که خداوند بداند او قلباً از آن بیزار است، برایش کافی است.»  
وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۴، باب وجوب الأمر والنهی بالقلب.

\*\*\*

موضوع: شیوه‌های ایجاد انس در کودکان، نوجوانان و جوانان

با وجود مبارک امام زمان (عج)

۴۶. كان أمير المؤمنين عليه السلام يطوف بين الصَّفَيْنِ بِصَفَيْنِ فِي غَلَالَةٍ فَقَالَ الْحَسَنُ عليه السلام مَا هَذَا زِيَّ الْحَرْبِ فَقَالَ عليه السلام:

يَا بُنَيَّ إِنَّ أَبَاكَ لَا يُبَالِي وَقَعَ عَلَى الْمَوْتِ أَوْ وَقَعَ الْمَوْتُ عَلَيْهِ... وَ كَانَ عليه السلام يَقُولُ مَا يَنْتَظِرُ أَشْقَاهَا أَنْ يَخْضِبَهَا مِنْ فَوْقِهَا بِدَمٍ... وَ لَمَّا صَرَبَهُ ابْنُ مُلْجَمٍ (لَعْنَةُ اللَّهِ) قَالَ عليه السلام: فُزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ.

امیرالمؤمنین عليه السلام در صفین، زره به تن کرده بود و میان دو سپاه می‌گشت. امام حسن عليه السلام به او فرمود: این لباس جنگ چیست [که پوشیده‌ای]؟ حضرت در جواب فرمود:

«پسرم، واقعاً پدرت باکی ندارد در آغوش مرگ رود یا مرگ به سراغ او بیاید...» و می‌فرمود: «بدبخت‌ترین فرد این امت، منتظر است تا این سر را از بالا به پایین خضاب کند.»

... و هنگامی که ابن ملجم (خداوند او را لعنت کند) به ایشان ضربت زد فرمود: «به پروردگار کعبه سوگند، رستگار شدم.»

بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۲، باب ۹۹، یقینه صلوات الله علیه و....

۴۷. قال رسول الله ﷺ:

مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ ...

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۶۷۳.

«کسی که نماز را عمدتاً ترک کند، کافر شده است...»

\*\*\*

پایان

## نمایه‌ی دعا، زیارت و توسل

فرازی از دعای شبهای ماه مبارک رمضان

۱. اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحَجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيّاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ ناصِراً وَ دليلاً وَ عِيناً حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمتِعَهُ فِيهَا طويلاً.

خدایا، برای حجّه بن الحسن (عج) - درود تو بر او و اجدادش باد - در این ساعت و در هر ساعت، دوست، نگه‌دارنده، پیشوا، یار، راهنما و دیده‌بان باش تا او را در زمین خود با اقتدار و فرمان‌روایی جای‌گاه دهی و برای مدت طولانی در آن بهره‌مند سازی.

مفاتیح الجنان، اعمال شب بیست و سوم ماه رمضان.

\*\*\*

بخشی از دعای عدیله

۲. ... ثُمَّ الْحُجَّةُ الْخَلْفُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ الْمُرْجَى الَّذِي بَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ بِيُؤْمِنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ وَ بِهِ يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدلاً بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلماً وَ جَوْراً....

... و بعد از او فرزندش حجّت الهی، جانشین و قائم منتظر حضرت مهدی (عج) که چشم امید عالم به او است و دنیا به بقای او باقی است و به برکتش به خلق روزی می‌رسد. زمین و آسمان به وجودش برقرار است و به واسطه‌ی او خدا زمین را پر از عدل و داد کند، پس از آن که پر از ظلم و بیداد گشته باشد....

\*\*\*

بخشی از مناجات شعبانیه

۳. ... إِلَهِی أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ وَ مَمْلُوكُكَ الْمُنِيبُ [ الْمَعِيبُ ] فَلَا تَجْعَلْنِي مَمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَكَ وَ حَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ إِلَهِی هَبْ لِي كَمَالَ الانْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَنْزِلْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ

الْعُظْمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحَنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ ...

... ای خدا، من بنده‌ی ضعیف گنه‌کار و غلام پشیمان از گناه و پر عیب و نقص توام؛ پس مرا از آنان که روی از آن‌ها می‌گردانی و به غفلت از عفت و محجوب شدند قرار مده. ای خدا مرا انقطاع کامل به سوی خود عطا فرما و روشن ساز دیده‌های دل ما را به نوری که به آن نور تو را مشاهده کند....

مفاتیح الجنان، شرح مناجات شعبانیه.

\*\*\*

بخشی از مناجات شعبانیه

۴. ... إِلَهِي وَ إِلَهِيْنِي وَ لَهَا بِذِكْرِكَ إِلِيْ ذِكْرِكَ وَ هَمَّتِي فِي رَوْحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ وَ مَحَلِّ قُدْسِكَ إِلَهِيْ بِكَ عَلَيَّكَ إِلَّا الْحَقَّتِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَ الْمَثْوَى ...

... ای خدا، و مرا واله و حیران یاد خود برای یاد خود گردان و همتم را بر نشاط و فیروزی در اسمای خود و مقام قدس خویش موقوف ساز. ای خدا، به ذات پاکت و به حقی که تو را بر خلق است قسم که مرا به اهل طاعتت ملحق ساز و منزل شایسته از مقام رضا و خوشنودی ات عطا فرما....

مفاتیح الجنان، شرح مناجات شعبانیه.

\*\*\*

بخشی از زیارت جامعه

۵. ... مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنَّاكُمْ وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ مَوَالِيَّ لَا أُحْصِي ثَنَاءَكُمْ وَ لَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَ هُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَ حُجَجُ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ [ اللَّهُ ] وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْفُسُ الْهَمَّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ ...

... هر کس که اراده‌ی خداشناس و اشتیاق به خدا در دل یافت، به پیروی شما شتافت و هر کس خدا را به یگانگی شناخت، تعلیم شما را پذیرفت و هر کس خدا طلب گردید، به شما توجه کرد. ای پیشوایان من، صفات کمالیه‌ی شما آن قدر است که ثنای شما را شمار نتوانم کرد و به کنه مدح و توصیف قدر و منزلت شما نتوانم رسید و شما یید نور قلب خوبان و هدایت کنندگان نکوکاران و حجت‌های خدای مقتدر جبار. خدا [ آفرینش را ] با شما آغاز کرد و به شما نیز ختم فرمود و به واسطه‌ی شما خدا بر ما باران رحمت نازل کرد و به واسطه‌ی شما آسمان را به پا داشت تا بر زمین جز به امرش فرو نیاید....

مفاتیح الجنان، زیارت جامعه.

\*\*\*

## بخشی از زیارت جامعه‌ی کبیره

۶... أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى وَ جَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ وَ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَ أَحَدَةَ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَ لَكُمْ بِعَرْشِهِ مُخَدِّقِينَ حَتَّى مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ ...

... گواهی می‌دهم که این مقام برای شما همیشه در سابق و لاحق زمان بوده و خواهد بود و نیز گواهی می‌دهم بر این که ارواح عالی‌هی شما و نورانیت و طینت پاک شما ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام یکی است و آن ذوات طیب و طاهر عین یک دیگرند. خدا شما را آفرید و محیط به عرش خود گردانید تا این زمان که به نعمت وجود شما بر ما منت گذاشت ...

مفاتیح الجنان، زیارت دوم جامعه‌ی کبیره.

\*\*\*

## بخشی از زیارت جامعه‌ی کبیره

۷... جَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَاتِنَا (صَلَوَاتِنَا) عَلَيْكُمْ ...

... پس شما را در خانه‌هایی قرار داد که امر به رفعتش فرمود و به ذکر نام خدا در آن خانه‌ها فرمان داد و درود و صلوات ما را بر شما حکم گردانید ...

مفاتیح الجنان، زیارت جامعه‌ی کبیره.

\*\*\*

## بخشی از اذن دخول حرم‌های شریف

۸... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ يَرُونَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي ...

... پروردگارا، من به حرمت صاحب این خانه و این مشهد و حرم شریف معتقدم در غیب و ممانتش چنان که در حضور و حیات او و البته می‌دانم که پیغمبر تو و جانشینانش، همه نزد تو زنده‌ی ابدند و روزی می‌خورند و مقام مرا نزد قبر مطهر خود می‌بینند و سلام مرا شنیده، پاسخ می‌دهند ...

مفاتیح الجنان، اذن دخول حرم‌های شریف.

\*\*\*

## بخشی از دعای صحیفه‌ی سجادیه

۹. ... اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَ الْهَمْنِي التَّقْوَى وَ وَفَّقْنِي لِتِي هِيَ أَرْكَى وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى ...

... ای خداوند، زبانم به هدایت بگشای و پرهیزکاری را به من الهام کن و مرا به هر کاری که پاکیزه‌تر است توفیق ده و به هر چه خشنودی تو در آن است برگمار .... صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۲۰، فراز ۱۶.

\*\*\*

## بخشی از دعای ابوحمزه‌ی ثمالی

۱۰. إِلَهِي لَا تُؤدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ وَ لَا تَمْكُرْ بِي فِي حِيلَتِكَ ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَ الْفَسْلِ وَ الْهَمِّ وَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ وَ الْغَفْلَةِ وَ الْقَسْوَةِ (وَ الذَّلَّةِ) وَ الْمَسْكِنَةِ وَ الْفَقْرِ وَ الْفَاقَةِ وَ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَ بَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ ...

خدایا، مرا به عقاب خود ادب مفرما و به مجازات عملم به مکر و حیل‌ها به عقوبت ناگهانیا غافل گیر مکن و مبتلا مگردان ... ای خدا، پناه می‌برم به تو از صفات رذیله‌ی ترس و بد دلی و کسالت و مهملی و اندوه و هراس و بخل و غفلت و قساوت قلب و فقر و بیچارگی و هر بلیه و رنج و هر زشتی ظاهر و باطن و نیز پناه می‌برم به تو از نفسی که قناعت نکند و شکمی که از دنیا سیر نشود و دلی که از تو خاشع و ترسان نباشد و از دعایی که مستجاب نشود و عملی که سود نبخشد ....

مفاتیح الجنان، دعای ابو حمزه‌ی ثمالی.

\*\*\*

## بخشی از زیارت حضرت صاحب‌الامر (عج)

۱۱. ... السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَ يُلَمَّ بِهِ الشَّعْثَ وَ يَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا وَ يُمَكِّنَ لَهُ وَ يُنْجِزَ بِهِ وَ عَدَّ الْمُؤْمِنِينَ ...

... سلام بر امام مهدی (عج) آن کسی که خدای عزوجل به امت‌ها وعده داده که عقاید مختلف مردم را به وجود او جمع کند و خلق را از تفرقه برهاند و به وجود او خدای متعال زمین را پر از عدل و دادگرداند و همه‌ی قوای عالم از او تمکین کنند و وعده‌ی خدا به عزت اهل ایمان به وقوع پیوندد ....

مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب‌الامر (عج).

## نمایه‌ی اعلام (اشخاص، اماکن، کتب و مراکز)

ارومیه ۱۰۳	آدم <small>علیه السلام</small> ۳۹، ۶۸، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۸
إسحاق بن عمار ۵۷	أصفی (محمّد مهدی) ۴۷
اسکندری، (رضا) ۱۸۵	آگوستین، سنت ۱۶۹
إسماعیل ۸۵، ۸۶	آپورت (نویسنده) ۱۳۰، ۱۳۵
إکمال الدین (کتاب) ۵۹	آلمان ۱۳۳
اگزوپری، بسنت ۱۷۱	آموزش و پرورش ۹۸، ۱۴۵
الذخیره (کتاب) ۷۷، ۷۹	أبوالفضل (أبوالفضل <small>علیه السلام</small> ) العباس ۹۴
الشیعة و القرآن (کتاب) ۲۳	ابراهیم <small>علیه السلام</small> ۶۸، ۸۲
الغیبه (کتاب) ۱۳۳	ابن أبی الحدید ۸۸
الکاتب، احمد ۱۸۳	ابن سینا ۸۰
أمالی (کتاب) ۵۹	ابن عباس ۲۴
امام باقر <small>علیه السلام</small> ۸۵، ۱۲۸	ابن ماجه ۵۰
امام (جعفر) صادق <small>علیه السلام</small> ۲۱، ۲۵، ۸۵	ابوحمزهی ثمالی (دعا) ۹۹
امام (حسن) عسکری <small>علیه السلام</small> ۲۶، ۸۷، ۱۴۱	أبوداود ۵۰
امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small> ۱۲۸	أبوطالب <small>علیه السلام</small> ۴۱، ۱۳۳
امام حسین <small>علیه السلام</small> ۸۴، ۹۴	أبی سلمی ۲۵
امام رضا <small>علیه السلام</small> ۹۶، ۱۰۶، ۱۵۶	إثبات الهداة (کتاب) ۵۹
امام زمان (مهدی، بقیة الله، امام (عج)، امام عصر، حجة بن الحسن، امام دوازدهم، محمّد بن الحسن العسکری، قائم،	أحمد بن حنبل ۵۰
	احمدی، علی اصغر ۱۴۵
	اروپا ۷۲، ۱۱۳، ۱۳۰، ۱۸۰

تیرمذی (محدث) ۵۸، ۵۱، ۵۰	حضرت حجت، شریک القرآن (عج) ۳۴
تضادهای درونی ما (کتاب) ۱۳۵	۴۲، ۴۵، ۵۰، ۵۳، ۵۵، ۵۸، ۶۱، ۷۵، ۸۱
تکایا ۹۳، ۹۶	۹۴ - ۹۵، ۹۷ - ۹۸، ۱۰۰ - ۱۰۲، ۱۰۵ -
تورات ۲۲، ۴۹	۱۰۷، ۱۱۲ - ۱۱۸، ۱۳۸، ۱۴۵، ۱۴۸
تهران ۹۶، ۱۵۵	۱۵۱ - ۱۵۳، ۱۵۵ - ۱۵۸، ۱۷۸، ۱۸۸
جابر بن سمرة بن جندب ۵۸	امام سجاد (زین العابدین) ۹۹
جامی حنفی ۲۶	امام علی النقی ۲۶
جبرئیل ۶۶	امام (موسی) کاظم ۸۵
جهان پرتلاطم (کتاب) ۱۲۷	آمریکا ۱۱۳، ۱۴۹ - ۱۵۰، ۱۶۳ - ۱۶۴
جهنم ۱۵۵	۱۷۷ - ۱۷۸
حاشیهی مستدرک (کتاب) ۵۴	اوقاف ۹۳، ۱۰۰ - ۱۰۱
حائری شیرازی، (محبی الدین) ۶۳	أبوریه، محمد ۲۵، ۶۰
حاجی نوری ۲۳	بحار الأنوار (کتاب) ۱۴
حاکم (نیشابوری) ۵۱، ۵۴	بخاری (محدث) ۵۱، ۵۳، ۵۸
حجر الأسود ۸۴	بذرافشان، (رمضانعلی) ۱۷۳
حکیمی، محمد رضا ۹۸	برقی (محدث) ۵۴
حمران ۷۱	برگر، پیتر ۱۶۳
حَمَوینی شافعی، ابراهیم ۲۴	بغداد ۲۳، ۲۶
حنفی، موفق بن احمد ۲۵ - ۲۶، ۷۸	بوش ۱۵۰
حوزه (های علمیه) ۲۳ - ۲۴، ۳۱، ۴۷، ۶۳	بهشت ۴۱، ۱۵۵
۷۲، ۷۵، ۹۱، ۹۳، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳ -	پاکستان ۲۳، ۱۱۳
۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۴ - ۱۱۵، ۱۱۷ - ۱۱۸،	پسایان ۲۲، ۳۷، ۶۹، ۱۰۰، ۱۱۴، ۱۳۰،
۱۲۰، ۱۷۰ - ۱۷۱	۱۶۳ - ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۵
خدیجه ۲۰۵	پایان سکولاریسم (کتاب) ۱۶۳
خصائص (کتاب) ۵۰ - ۵۱	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ۱۶۱
خورشید مغرب (کتاب) ۹۸	تاریخ أخطب خطباء خوارزم (کتاب) ۲۵



- خیبر ۲۰۵  
دارمی (محدث) ۲۰۵  
آداموس، نوستر ۱۷۸  
دانشگاه (دانشگاه تهران) ۲۰۵  
دفتر تبلیغات ۹۳، ۱۰۱-۱۰۲  
ذَهَبی (محدث) ۵۴  
راسل، برتراند ۱۲۷  
ربانی گلپایگانی، (علی) ۷۵، ۷۸  
رجال (کتاب) ۵۵  
رسول اکرم ﷺ (پیغمبر اکرم، روح الامین،  
النسبی، پیامبر اکرم، رسول الله،  
پیامبر خاتم، رسول گرامی اسلام،  
حضرت خاتم) ۲۲، ۲۴-۲۵، ۲۸، ۳۴،  
۳۹-۴۰، ۴۱، ۴۳-۴۴، ۵۹، ۶۸، ۷۱،  
۱۴۳، ۱۸۷  
رضی، شریف ۵۸  
زبور ۴۹  
زرارة (محدث) ۷۱  
زهرا (فاطمه) ﷺ ۳۸، ۴۳  
زهیراللهی، احسان ۲۳  
زیارت عاشورا ۴۴  
زید ۸۴-۸۵  
سازمان تبلیغات ۱۰۴  
سامرا ۴۹  
سامی البدری ۱۸۳  
سایه‌بان مقدس (کتاب) ۱۶۳  
ستاد اقامه‌ی نماز ۹۱، ۹۴، ۱۰۳
- سرداب غیبت ۲۵-۲۶  
سقیفه ۸۱  
سنن (کتاب) ۵۰-۵۱  
سودان ۱۱۳  
سید مرتضی ۷۷، ۷۹  
سینما ۱۵۵  
سیوطی ۶۰  
شازده کوچولو (کتاب) ۱۷۱  
شرح عقاید نسفیّه (کتاب) ۸۲  
شرح مقاصد (کتاب) ۸۲  
شرح نهج البلاغه ۸۹  
شرفی، (محمدرضا) ۱۲۳  
شولتس، دوان ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲،  
۱۳۵  
شهر خدا (کتاب) ۱۶۹  
شهر خورشید (کتاب) ۱۶۸  
شیطان ۴۴  
شیعه در اسلام (کتاب) ۸۴  
صافی، (لطف الله) ۱۱، ۱۷  
صحیح، بخاری (کتاب) ۱۶، ۵۰-۵۱، ۵۳-  
۵۴، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۱۱۲، ۱۵۳، ۱۷۵  
صدام ۲۹  
صدا و سیما ۱۶، ۹۳، ۹۷-۹۸، ۱۰۳-۱۰۴،  
۱۷۶  
صدوق (شیخ) ۲۳، ۵۳، ۵۹، ۹۵  
صفات امام ۷۹  
صواعق (کتاب) ۵۲

- طباطبایی (علامه محمد حسین) ۸۴، ۳۹  
 طوسی (شیخ) ۹۹، ۸۱، ۷۷، ۶۱، ۵۹  
 طرابلسی ۵۴  
 عامری، عبدالله بن سلیمان ۵۷  
 عاملی، حرّ (محدث) ۸۱، ۵۹، ۵۲، ۵۰  
 ۱۵۲، ۱۴۱  
 عبدالله بن سبأ ۲۵  
 عبدالمطلب ﷺ ۴۱  
 عبده (شیخ) ۷۸  
 عبور از آستانه‌ی امید (کتاب) ۱۲۷  
 عراق ۲۹  
 عسکری، (سید مرتضی) ۴۹، ۲۶، ۲۳، ۱۹  
 ۱۴۱، ۸۷  
 علی (امیر مؤمنان، امیر المؤمنین، علی بن  
 ابی طالب) ﷺ ۱۳۸، ۱۳۳، ۸۸، ۴۳، ۲۳  
 ۱۷۰، ۱۶۶، ۱۵۲  
 عهد جدید ۱۷۸  
 عهد (دعا) ۱۷۸، ۹۷، ۸۲  
 عیسی بن مریم ﷺ (عیسی، مسیح) ۲۲  
 ۴۳، ۲۵-۲۴  
 عیون أخبار الرضا (کتاب) ۵۹  
 غرب ۱۶۹-۱۶۸، ۱۶۵، ۱۳۸، ۱۶  
 فرائد السمطين (کتاب) ۲۴  
 فرانکل، ویکتور ۱۳۳، ۱۳۱-۱۳۰  
 فصل الخطاب فی تحریف کتاب ربّ الأرباب  
 (کتاب) ۲۳  
 فلسطین ۲۹  
 قرآن (کریم، مجید) ۲۲، ۱۵-۲۳، ۳۶، ۴۱،  
 ۴۹، ۵۲، ۶۶، ۸۸، ۸۹، ۹۳، ۹۵، ۹۸،  
 ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۳۵، ۱۵۴-۱۵۵، ۱۵۷،  
 ۱۶۵، ۱۷۹، ۱۸۷، ۱۸۹  
 قرائتی، (محسن) ۱۰۶، ۹۱  
 قریشی ۱۰۲  
 کامپانلا (فیلسوف) ۱۶۸  
 کانت ۱۲۹  
 کردستان ۴۳  
 کشف المراد (کتاب) ۸۲  
 کشی (محدث) ۵۵  
 کلینی، (محمد بن یعقوب) ۵۹، ۵۷، ۲۳  
 ۱۰۷، ۷۰، ۶۵  
 کوثری ۱۶۱  
 متوکل ۲۶  
 مجلسی، (علامه محمد باقر) ۵۳، ۴۹، ۲۱-  
 ۱۱۱، ۶۰، ۵۷، ۵۴  
 مجمع الزوائد (کتاب) ۵۴  
 محاسن (کتاب) ۵۴  
 محمد بن اسماعیل ۸۶  
 محمد حنفیه ۸۴  
 مدرسه‌ی حجتیه ۷۲  
 مدرسه‌ی فیضیه ۱۰۱  
 مدینه ۸۴، ۷۳، ۷۱  
 مزلو، آبراهام هارولد ۱۲۶  
 مساجد ۹۷-۹۶، ۹۳  
 مستدرک الصحیحین (کتاب) ۵۰

- مسجد ۹۶، ۹۷-۱۰۱، ۱۷۰  
 مسجد جمکران ۲۰۷  
 مسلم (محدث) ۱۵، ۵۰-۵۱، ۵۳، ۵۹  
 مُسند، احمد (کتاب) ۵۱، ۵۴  
 مصباح المتهدّج (کتاب) ۵۹، ۹۹  
 مصباح، (محمّد تقی) ۳۱، ۹۹  
 معانی الأخبار (کتاب) ۵۹  
 مفاتیح الجنان ۳۳-۳۴، ۳۷، ۳۹، ۹۳، ۹۹،  
 ۱۳۷-۱۳۸، ۱۴۰  
 مفید (شیخ) ۷۷، ۱۳۸  
 مکه ۸۴  
 ملائکه ۲۲، ۳۸  
 ملل و نحل (کتاب) ۸۴  
 مناجات شعبانیه (دعا) ۳۶  
 موسی ﷺ ۸۳، ۸۵، ۱۰۵  
 موسی بن جعفر ﷺ ۷۱  
 مهدویان، (حسین) ۱۰۹  
 میرزای نوری (محدث) ۳۵  
 مؤسسه‌ی فرهنگی انتظار نور ۱۷۳، ۱۸۰،  
 ۱۸۱، ۱۸۵  
 نجم الثاقب (کتاب) ۳۵  
 ندبه (دعا) ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۵  
 نسائی (محدث) ۵۰-۵۱  
 نوفل لوشاتو ۹۶  
 نهج البلاغه ۵۸، ۸۷، ۸۹، ۱۳۳، ۱۳۴  
 نهج الحق (کتاب) ۸۲  
 نیشابور ۲۳  
 نیشابوری ۵۰-۵۱، ۵۳-۵۴، ۵۹  
 وحید خراسانی (آیه الله) ۱۰۶  
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۶۱  
 هند ۲۳، ۱۱۳  
 هورنای، کارن ۱۳۵  
 هیثمی، ابن حجر ۵۲، ۵۴

## نمایه‌ی ادیان، مذاهب، فرق و مکاتب

شیعه (تشیع) ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۳۴، ۴۴-۴۵	اثنا عشریه ۸۳
۵۰-۵۱، ۵۳-۵۴، ۵۷-۵۸، ۶۰-۶۱، ۷۸	اسلام ۱۴، ۱۶-۱۷، ۲۸-۲۹، ۳۹، ۵۰، ۵۵
۷۹-۸۱، ۸۴، ۸۶-۸۷، ۱۲۷، ۱۲۹	۵۹، ۶۰-۶۱، ۶۸، ۸۳، ۸۴، ۱۱۶، ۱۲۵
۱۳۱، ۱۶۶، ۱۷۹	۱۶۵-۱۶۶، ۱۷۸، ۱۸۱
کمونیسم (کمونیستی) ۱۶۶	اسماعیلیه ۸۳، ۸۵، ۸۶
کیسانیه ۸۳-۸۴، ۸۵	اشاعره ۷۸
ماتریالیست (مارکسیستی) ۸۰، ۱۶۶	امامیه ۵۸، ۶۰-۶۱، ۷۷، ۷۸، ۸۴، ۸۸
ماتریدیه ۷۸، ۸۱	اهل (تسنن) سنت ۲۲، ۳۴، ۴۰، ۸۱، ۸۳
مستعلیه ۸۶	بودا ۱۶۴
مسیحیت (نصارا) ۲۲، ۴۳-۴۴، ۸۶، ۱۸۷	بَهْرَه ۸۶
معتزله ۷۸، ۷۹	پوزیتویستی ۴۲
ناووسیه ۸۳، ۸۵	حنفیه (حنفی) ۷۸
واقفیه ۸۳، ۸۵	خوارج ۷۹
یهود ۲۲، ۷۱، ۷۳، ۸۶، ۱۶۵، ۱۸۷	دروزیه ۸۶
	زیدیه ۸۳، ۸۴-۸۵

## نمایه‌ی اصطلاحات

اختلاف طبقاتی ۱۷	آخر الزمان (آخر زمان) ۲۳، ۱۷۶-۱۷۷
اخلاص ۱۱۴، ۱۳۶، ۱۳۹	آرماگدون ۱۷۸
اخلاق (اخلاقی) ۱۴، ۲۸، ۱۶۳، ۱۶۴ -	آزادی ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۱
۱۶۵	آسیب‌شناسی ۱۱۱
اخلاق اسلامی ۲۸	آسیب‌شناسی انتظار ۱۵۸
ادیان ۲۲، ۶۹، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۶۴ -	آل محمد ۲۸-۲۹
۱۸۷، ۱۸۱، ۱۷۹، ۱۷۶، ۱۶۵	آموزش ۹۸، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۶
ادیان الهی ۱۶۴، ۱۸۷	آموزش مستقیم ۱۵۶
ادیان غیر الهی ۱۶۴	آیه ۱۴-۱۵، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۳۸، ۴۲-۴۹،
ارزش‌ها ۳۶، ۱۲۸، ۱۶۵	۵۶، ۶۰، ۶۷-۷۲، ۸۲، ۹۳، ۹۵، ۹۸،
استبداد ۱۶۵	۱۰۲، ۱۰۴-۱۰۵، ۱۳۵، ۱۵۴
استدلال ۷۷، ۸۱، ۸۲، ۱۱۳-۱۱۴، ۱۱۹ -	ائمه (امام زمان) ۲۵، ۳۸، ۴۰، ۴۳، ۵۶،
استفتا ۳۵	۵۸-۶۰
استکبار ۱۱۸	ابدال ۸۸
اسراف ۱۷	آتوپیا ۱۶۹
اسکاتولوژی ۱۶۴	اجتهاد ۱۴۱
اصحاب ۸۸، ۹۷	احادیث ۱۳، ۲۳-۲۴، ۲۷، ۴۱، ۵۲، ۵۴،
اطلاع‌رسانی ۱۸۳	۵۸، ۱۷۹
اعتباری ۴۵	احزاب ۱۷۶
افسردگی ۱۳۱، ۱۵۰	احکام عملیه ۳۵

اقتصاد (اقتصادی) ۱۴، ۱۱۶، ۱۸۹	اوهام ۳۷، ۱۵۸-۱۵۹
التقاط ۳۶	اهل بیت ۱۴، ۲۱، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۵،
الوهیت ۴۳، ۸۸	۵۱-۵۲، ۵۳، ۶۶
امامت ۲۷، ۳۴، ۳۶، ۷۷، ۷۹، ۸۰-۸۸	ایمان ۲۱-۲۲، ۳۴، ۳۶، ۴۲، ۴۵، ۵۰، ۶۹-
۱۳۶، ۱۶۳	۷۱، ۱۰۴، ۱۴۸
امامت خاصه ۷۸-۷۹، ۸۳، ۸۶	اینترنت ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۸۳
امامت ظاهری ۲۷	بازی‌های رایانه‌ای ۱۷۷
امامت عامه ۷۸-۷۹، ۸۳، ۸۶	بانک‌های اطلاعاتی ۱۷۶
امام‌شناسی ۱۴، ۳۵	براهین قطعی ۱۱۴
امت اسلامی ۸۱، ۸۶-۸۷	بشر (بشریت) ۱۳، ۵۱، ۵۲، ۷۲، ۸۷، ۱۲۷،
امر ظاهری ۴۵	۱۳۱، ۱۶۴-۱۶۷، ۱۶۹، ۱۸۸
امنیت ۱۲۸، ۱۸۸	بنی‌امیه ۶۰
امور تکوینی ۳۴	بنی‌عباس ۶۰
امور فطری ۱۸۸	بودائیان ۱۷۸
انبیا ۱۶، ۴۰، ۴۹، ۶۵، ۷۷، ۱۳۲	بیماری روانی ۱۵۸
انتظار ۱۳-۱۴، ۱۶، ۳۶، ۴۵، ۴۹، ۶۱، ۶۳،	پاپ ۱۲۷
۶۵، ۷۱، ۹۱، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۲۱،	پایان تاریخ ۱۷۷
۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱ -	پست الکترونیکی ۱۷۸
۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۸ -	پوزیتویست ۴۲
۱۵۹، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳،	پیام‌های مستقیم ۱۵۴
۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۵،	تبذیر ۱۷
۱۸۸	تبراً ۴۴
انجمن حجتیه ۹۸	تبلیغ ۲۸، ۹۸، ۱۰۵، ۱۷۵، ۱۸۰،
انحرافات اجتماعی ۱۴۲	تبلیغات ۱۴، ۹۳، ۱۰۱-۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۳،
انسان کامل ۱۸۸	۱۱۴
انصار ۲۸	تجربه‌ی دینی ۳۷
انقلاب ۴۹، ۱۰۴، ۱۱۴، ۱۶۷	تحریف ۲۲-۲۳، ۱۷۷

۱۱۱ - ۱۱۲، ۱۱۶ - ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۲	تحصیل ۱۵۳
۱۳۶ - ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۰	تخیلات ۱۵۸ - ۱۵۹
۱۵۷، ۱۶۶ - ۱۷۰	تربیت ۹۵، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۳۹، ۱۴۷ -
جامعه (شناختی) شناسی ۱۱۶، ۱۶۱، ۱۶۳	۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۳ - ۱۵۶، ۱۸۸
۱۶۴ -	تربیتی ۶۳، ۹۱، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۲۸،
جامعه‌ی آرمانی ۱۶۹	۱۳۴، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۷ - ۱۴۹، ۱۵۳،
جامعه‌ی منتظر ۱۴	۱۸۹، ۱۵۷
جمهوری اسلامی ۲۹، ۱۱۴	تساهل و تسامح ۴۴
جوانان ۱۶ - ۱۷، ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۲۶، ۱۲۷	تسبیح ۳۸
۱۴۵، ۱۵۱ - ۱۵۲	تشریح ۳۵
جهاد ۸۵، ۱۱۴	تعلیم و تربیت ۱۵۴
جهل ۲۲، ۳۳، ۳۸، ۶۸، ۹۹	تفسیر ۳۸، ۴۱ - ۴۲، ۵۰، ۹۷، ۹۸، ۱۰۵،
حج ۹۵	۱۲۶
حجاب ۱۵	تقلید ۱۴۱ - ۱۴۲
حجت باطنی ۶۵ - ۶۶، ۶۸ - ۷۱	تقوا ۱۵، ۱۴۰ - ۱۴۲
حجت ظاهری ۶۵ - ۶۶، ۶۸ - ۷۱، ۷۳	تقیه ۸۵
حدیث ۲۳، ۲۷، ۵۰ - ۵۷، ۵۹ - ۶۰، ۸۱ -	تکوین ۳۵، ۱۴۸
۸۲، ۹۴، ۹۶، ۹۹، ۱۱۸ - ۱۱۹، ۱۲۷،	تلاوت ۱۵۵
۱۵۶	تواتر ۵۸
حدیث نبوی ۹۵	توحید ۸۰، ۱۱۸
حزب ۱۵۷	توسل ۳۵، ۴۰، ۴۳
حُسن و قبح عقلی ۷۸	توقیع ۱۳۸
حکومت اسلامی ۱۶۷	توقیعات ۹۷
حکومت امام زمان ۱۸۸	توکل ۱۵۲
حکومت جهانی ۱۰۰، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۸۸	ثقات ۵۰
حکومت دینی ۱۶۹	ثقلین ۵۰، ۵۲
حواریان (حواریون) ۲۸	جامعه ۱۴ - ۱۷، ۳۸ - ۳۹، ۴۵، ۸۹، ۹۹،

روایات ۵۵	خاندان عترت ۴۱
روان (شناختی) شناسی ۱۲۳، ۱۲۵	خاندان علی ۲۳
روایات ۲۳-۲۴، ۳۸، ۴۰-۴۱، ۴۲	ختم قرآن ۱۵۷
۴۴، ۵۰، ۵۴، ۵۶-۵۷، ۵۸-۶۱، ۱۰۱	خدائشناسی ۳۶
۱۱۶-۱۱۷	خرافات ۱۵۸
روایت ۵۰، ۵۴-۵۹، ۶۷	خرافه‌زدایی ۱۰۱
روحانیون (روحانیت) ۱۱۶	خشونت‌ستیزی ۱۱۶
روش تردید ۷۷	خشونت‌طلب ۱۷۷
رهبر ۷۹، ۱۰۴، ۱۲۷	خلفای اربعه ۶۰
ریا ۱۳۹	خلیفه‌الله ۱۴۸، ۱۸۸
زمان حضور ۳۵	خودمحوری ۱۵۰
زیارت عاشورا ۴۴	دانش‌جویان ۹۶، ۱۰۰
سایت (ها) ۱۱۳، ۱۷۶-۱۸۳	دعا ۱۴، ۳۴، ۳۶، ۵۳، ۵۵، ۸۵، ۹۳-۹۴
سبر و تقسیم ۷۷، ۸۳، ۸۶-۸۷	۹۷، ۹۹-۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۱۳-۱۱۴
سجده‌ی سهو ۴۴	۱۴۰
سکولاریست (سکولاریستی) ۱۲۶	دلیل ۵۰-۵۲، ۷۳، ۸۱، ۱۱۳، ۱۱۹
سمینار ۴۳	دلیل (دلایل) عقلی ۸۱
سند ۴۱، ۴۴، ۵۱، ۵۳، ۵۴-۵۵، ۵۷	دلیل (دلایل) نقلی ۸۱
سنی ۵۰، ۵۳، ۵۷، ۸۱، ۱۷۰	دین ۱۳، ۲۱، ۵۵-۵۶، ۸۰، ۱۰۰، ۱۲۹
سوره ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۳۸-۳۹، ۴۰	۱۴۰-۱۴۱، ۱۶۳-۱۶۴، ۱۷۰-۱۷۱
۴۲، ۴۹، ۵۶، ۶۰، ۶۷-۷۲، ۸۲، ۹۳، ۹۵	دین‌شناسی ۱۶۴
۹۸، ۱۰۲، ۱۰۴-۱۰۵، ۱۳۵، ۱۵۴	ذکر ۱۴، ۲۲، ۴۹، ۵۰-۵۱، ۵۴، ۵۷، ۷۲
۱۵۷	۸۴، ۱۳۸، ۱۵۷
سیاست (سیاسی) ۱۴	رفتار ۳۶، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۳۹-۱۴۷
سؤال ۳۸، ۱۱۹	۱۵۳، ۱۵۸
شایعه ۱۲۱	رفتارهای دفاعی ۱۲۸
شبکه‌های رایانه‌ای ۱۷۶	رفرنیک ۱۵۸



عاشورا ۱۰۵، ۹۶	شبهات ۱۱۱، ۱۰۹، ۱۰۵-۱۰۴، ۱۰۲، ۳۶
عالی ۱۲۶، ۵۰	۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۹-۱۲۱، ۱۵۶، ۱۸۳،
عبادت ۱۰۷، ۴۴، ۲۶	۱۸۹
عترت ۵۱، ۴۱	شبهه ۱۲۱-۱۱۹، ۱۱۶-۱۱۲، ۸۵
عدالت ۱۸۸، ۱۶۹-۱۶۷، ۱۶۶، ۱۳۷	شبهه‌انگیزی (شبهه پراکنی) ۱۱۷
عدل ۱۶۶، ۱۵۰، ۱۴۸، ۱۱۹، ۶۷، ۳۴، ۲۴	شبهه‌زدایی ۸۶
۱۶۸	شبهه‌شناسی ۱۸۹، ۱۸۲، ۱۱۱
عدل و داد ۱۳۶، ۶۸-۶۷، ۳۴	شخصیت ۱۳۰، ۱۰۴، ۸۵، ۱۷، ۱۶، ۱۴
عرش (الهی) ۴۱-۴۰، ۳۸	۱۸۳، ۱۸۲، ۱۳۵
عصر ظهور ۱۴۹، ۱۳۶	شریعت ۸۰، ۲۸
عصمت ۸۴، ۸۳-۸۲، ۷۹	شهادت ۱۷۷، ۸۷، ۸۵-۸۴
عفت ۱۵	شهید ۳۸
عقل ۱۳۱، ۱۰۵، ۸۰، ۷۷، ۶۸، ۶۵	شیعیان ۲۱-۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۴، ۴۳، ۵۰
علایم (علامت) ظهور ۲۴	۱۸۷، ۱۸۰، ۱۴۹، ۱۴۰، ۱۲۹، ۸۶، ۶۱
علماء ۱۰۱، ۷۹، ۶۰، ۵۵، ۴۵، ۴۳، ۳۵، ۲۳	صحیح ۱۶، ۵۰-۵۱، ۵۳-۵۴، ۵۷، ۵۹
۱۷۰-۱۶۹، ۱۱۴	۱۷۵، ۱۵۳، ۱۱۲، ۶۱
علم اسماء ۳۹	صراط (مستقیم) ۱۵۲، ۸۰
عموم و خصوص مطلق ۱۱۲	صهیونیست ۲۹
عید غدیر ۹۶	طلاب ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۲
غایت‌شناسی ۱۶۵-۱۶۴	طنز ۱۷۷
غرایز ۱۵۶	ظلم ۱۶۵، ۱۱۹، ۸۸، ۶۸، ۶۷، ۲۹، ۲۴، ۱۳
غرب‌گرایی ۱۶	ظلم و جور ۶۸-۶۷، ۵۶
غوغاسالاری ۱۱۳	ظواهر ۳۵
غیبت ۵۸، ۵۰، ۳۵-۳۳، ۳۱، ۲۷-۲۵	ظهور ۵۸، ۵۳، ۵۰، ۳۴، ۲۹، ۲۴، ۱۶، ۱۳
۱۲۷، ۱۱۷، ۱۱۳، ۹۸، ۸۹، ۸۷، ۷۱، ۶۱	۶۰-۶۱، ۶۷، ۷۱، ۷۲-۷۳، ۹۷، ۱۱۳، ۱۱۴
۱۴۸، ۱۴۱-۱۴۰، ۱۳۷، ۱۳۴، ۱۳۱	۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴
۱۵۲، ۱۴۹	۱۸۰، ۱۷۸، ۱۵۸، ۱۴۹، ۱۳۶

کافر ۴۲، ۵۶، ۶۹، ۷۱، ۱۵۶	غیبت صغرا ۲۷
کافران (کفار) ۷۱، ۱۵	غیبت کبرا ۲۷
کشور ۱۰۴، ۱۵۰، ۱۸۲	فرق ۸۴
کلام (کلامی) ۲۴، ۴۲، ۱۳۸، ۱۸۹	فرقه ۲۴، ۷۹، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۱۱۷
کودکان ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۷۷	۱۸۱، ۱۷۶
گرافیک ۱۷۷	فرهنگ جهانی ۴۴، ۴۲
گفتمان ۱۱، ۱۱۱، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۹	فرهنگ شهادت طلبی ۱۷۷
گفتمان مهدویت ۱۶۸، ۱۸۹	فرهنگ (فرهنگی) ۱۶۱، ۱۷۰، ۱۷۷
لوح ۴۱	فریقین ۸۱
ماتریالیست ۸۰	فضاسازی ۱۵۴
مارکسیستی ۱۶۶	فطرت ۶۸، ۶۹، ۱۸۸
ماه نیمه‌ی شعبان ۳۶	فقر ۱۷، ۹۶، ۹۹
متکلمان امامیه ۷۷	فقها ۲۷
متکلمان (متکلمین) ۷۷-۷۸	فلسفه (فلسفی) ۷۹، ۸۹، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸
محدثین ۵۰-۵۱، ۶۱	۱۶۹-
محرمات ۱۳۷	فلسفه‌ی سیاسی ۱۶۷-۱۶۹
محسوسات ۴۲	فن‌آوری ۱۷۶
مداحان ۹۹	فیلم ۹۷، ۱۷۶، ۱۷۷
مدیریت ۴۵، ۱۵۴	قصد رجا ۴۴
مذاهب اسلامی ۱۹، ۵۳، ۷۹، ۸۱، ۸۶	قصد ورود ۴۴
۱۱۷	قضیه‌ی حقیقیه ۵۶
مراقبه ۱۳۹-۱۴۰	قطع رحم ۱۶۸
مراکز تحقیقاتی ۱۱۵	قلم ۲۸، ۴۱، ۱۰۰
مراکز دینی ۹۳	قوانین جزایی ۱۱۶
مرجعیت ۱۴۲	قیام ۵۳، ۸۴، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۶۷
مردم ۲۲، ۲۷، ۳۶، ۴۳، ۴۴-۴۵، ۶۵، ۶۸	قیامت ۵۱-۵۳، ۹۴، ۱۴۹، ۱۵۵
	کاریکاتور ۱۷۷

مکاتب غیر دینی ۱۸۸	۱۰۴-۱۰۲، ۹۶، ۹۴-۹۳، ۸۶، ۸۲، ۷۱
مکاتب مادی ۱۲۶	۱۰۶، ۱۱۵-۱۱۸، ۱۲۰، ۱۵۸، ۱۶۳-
مکتب خلفا ۲۳	۱۶۴، ۱۶۹-۱۷۰
مکتب کمال ۱۳۳، ۱۲۶	مرسل ۵۸-۸۹
موعودگرا (موعودگرایی، منجی‌گرایی) ۱۴۹	مرشد ۸۹، ۱۳۶، ۱۵۱
۱۸۸، ۱۷۳، ۱۶۹، ۱۶۵، ۱۵۰-	مسائل اعتقادی ۷۹، ۸۰
موعود (منجی) ۱۶، ۴۹، ۵۰، ۸۴-۸۵	مستضعفین جهان ۱۱۸
۱۱۳، ۱۷۶-۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۲-۱۸۷	مسلمانان (مسلمین) ۲۲، ۲۳، ۲۹، ۸۳
مهدویت ۱۱، ۵۰، ۷۷، ۸۰، ۹۵، ۱۰۰-	۸۶، ۱۶۸، ۱۷۶، ۱۸۰
۱۰۱، ۱۰۴-۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۱-۱۱۴	مسیحیان ۲۲، ۱۶۵، ۱۷۸
۱۱۶-۱۲۱، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷-	مشارطه ۱۴۰
۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۵	مشرکین ۷۳
۱۸۷-۱۸۹	مشهودات ۴۲
مؤسسه‌ی (فرهنگی) انتظار نور ۱۲۱	مشهور ۵۸، ۸۷
۱۸۰	مصادره‌ی به مطلوب ۸۰
مؤمن ۱۵، ۴۲، ۱۵۸	مصلح ۱۱۸-۱۱۹
نبوت ۳۷، ۷۸-۸۰، ۸۳، ۸۹	معاد ۳۶، ۸۰
نبوت خاصه ۷۸-۷۹، ۸۳	معاد جسمانی ۸۰
نبوت عامه ۷۸، ۸۳	معارف اسلامی ۳۵
نجات‌بخش ۱۷۷	معارف مهدوی ۱۵۶
نزاع صفروی ۷۸	معتبر ۴۴، ۵۵
نزاع کبروی ۷۸	معصومین ۱۳۸، ۱۴۱
نسل منتظر ۱۴۸-۱۵۵، ۱۵۶	مفاهیم سلبی ۳۶
نشر الکترونیک ۱۷۶	مقدس ۱۴، ۴۲-۴۳، ۷۷، ۸۰، ۸۷، ۱۲۰
نفس الأمر ۱۴۸	۱۴۸، ۱۶۳
نماز ۲۶، ۴۴، ۹۱، ۹۴، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۳	مکاتب ۱۲۶، ۱۲۷
۱۵۶	مکاتب دینی ۱۲۶

وسواس ۱۵۸	نواب خاص ۱۴۱
ولایت ۱۴، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۴۱	نوجوانان ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۶
ولایت فقیه ۱۱۴	نور ۳۵، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۱۸۰، ۱۸۱
ولّی ۱۴، ۱۶، ۶۳، ۱۰۶، ۱۳۶، ۱۵۱، ۱۵۲	۱۸۷
۱۵۶	نهادهای دینی ۹۱
ولّی فقیه ۲۹، ۶۳	واجبات ۱۳۷
هدف (اهداف - هدف‌های) رفتاری ۱۸۸	واعظان ۹۹
هزاره‌گرایی ۱۶۵	وجود مستقل ۱۴۸
همه‌گیرشناسی ۱۵۸	وحدت ۱۲۵، ۱۳۴، ۱۳۶
هنر ۱۰۱، ۱۶۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۷، ۱۷۹	وحدت شخصیت ۱۳۵
هویت اسلامی ۱۵-۱۷	وحی ۸۰، ۱۲۸
یهودیان ۷۱، ۷۳، ۱۶۵	ورع ۱۴۱-۱۴۲

## نمایه‌ی منابع

۱. قرآن کریم؛ ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه.
۳. صحیفه‌ی سجادیه.
۴. ابن خزیمه؛ صحیح ابن خزیمه، ج ۴.
۵. ابن حبان؛ صحیح ابن حبان، ج ۱.
۶. ابن حنبل، أحمد؛ فضائل الصحابه.
۷. ابن حنبل، أحمد؛ مسند احمد، ج ۳.
۸. ابن ابی جمهور احسائی؛ عوالی اللالی، ج ۱۴.
۹. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۸.
۱۰. اینترنت (پاره‌ای از سایت‌های مرتبط با مهدویت).
۱۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ محاسن، ج ۱.
۱۲. البخاری؛ صحیح بخاری، ج ۸.
۱۳. بنی هاشمی، سید محمد؛ معرفت امام عصر (عج).
۱۴. تاجری، حسین؛ مصلح حقیقی جهان، ج ۲.
۱۵. الحاکم النیشابوری؛ المستدرک، ج ۱.
۱۶. حنفی، موفق بن احمد؛ تاریخ مقتل الحسین علیه السلام.
۱۷. حلی (محقق)؛ علل الشرایع، ج ۱.
۱۸. دارمی، سنن دارمی، ج ۲.
۱۹. رجال کشی.
۲۰. راسل، برتراند؛ آیا بشر آینده‌ای هم دارد؟، ترجمه‌ی م. منصور.
۲۱. سلیمان، کامل؛ روزگار رهایی، ترجمه‌ی علی اکبر مهدی پور، ج ۲.
۲۲. سید جعفر مرتضی؛ صحیح من السیره، ج ۴.

۲۳. شولتس، دوآن؛ روان‌شناسی کمال، ترجمه‌ی گیتی خوشدل.
۲۴. صدوق (شیخ)؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ۲.
۲۵. طبرسی؛ تفسیر مجمع‌البیان، ج ۲۷.
۲۶. الطیالسی، سلیمان بن داوود؛ مسند ابی داوود الطیالسی.
۲۷. طبرسی؛ احتجاج، ج ۲.
۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان، ج ۱.
۲۹. عاملی، شیخ حر؛ وسائل‌الشیعه، ج ۹، ۱۵، ۱۶، ۲۷.
۳۰. عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی؛ بلد‌الامین، ج ۱.
۳۱. عسکری، سید مرتضی؛ معالم‌المدرستین.
۳۲. فروغی، محمد علی؛ سیر حکمت در اروپا، ج ۲.
۳۳. فرانکل، ویکتور؛ انسان در جست‌وجوی معنا، ترجمه‌ی میلانی.
۳۴. قمی، شیخ عباس؛ مفاتیح‌الجنان.
۳۵. قزوینی، محمد بن یزید؛ سنن ابن‌ماجه، ج ۲.
۳۶. قندوزی؛ ینایع‌الموده، ج ۱، ۲.
۳۷. کراچکی، ابوالفتح؛ معدن‌الجواهر، ج ۲۱.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول‌کافی، ج ۱، ۲، ۴، ۸.
۳۹. محمدی ری‌شهری، محمد؛ میزان‌الحکمه، ج ۱.
۴۰. مازندرانی، ابن‌شهر آشوب؛ المناقب، ج ۳.
۴۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۱۰، ۱۶، ۳۰، ۳۶، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۶۸، ۷۵، ۹۴، ۹۸، ۹۹.
۴۲. مهدی‌پور، علی‌اکبر؛ چهل حدیث غیبت.
۴۳. محمدی‌اشتهاردی؛ گفتار دلنشین.
۴۴. محدث‌نوری؛ مستدرک‌الوسائل، ج ۱۱.
۴۵. نیشابوری، مسلم؛ صحیح‌مسلم، ج ۶، ۷.
۴۶. نعمانی، محمد ابراهیم؛ الغیبه.
۴۷. نسائی؛ خصائص‌امیرالمؤمنین.
۴۸. هیشمی، ابن‌حجر؛ مجمع‌الزوائد، ج ۵.
۴۹. هیشمی، ابن‌حجر؛ صواعق‌المحرّقه.
۵۰. هورنای، کارن؛ تضادهای درونی ما، ترجمه‌ی محمد جعفر مصفا.

## نمایه‌ی موضوعات

مقدمه	۹
<b>گفتمان سوم</b>	
۱. پیام حضرت آیه الله صافی گلپایگانی به سومین گفتمان مهدویت	۱۱
جامعه‌ی منتظر	۱۳
۲. مهدویت از دیدگاه مذاهب اسلامی	۱۹
آیه الله علامه مرتضی عسکری	۱۹
فضیلت مجالس اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۲۱
موعودگرایی در ادیان	۲۲
ارزش احادیث شیعیان	۲۳
مهدی (عج) در روایات اهل سنت	۲۴
سرداب غیبت	۲۵
غیبت صغرا و غیبت کبرا	۲۷
چگونگی حکومت امام مهدی (عج)	۲۷
اخلاق، هدف بعثت	۲۸
۳. آثار و فواید وجودی امام عصر (عج) در زمان غیبت	۳۱
آیه الله محمد تقی مصباح یزدی	۳۱
پیش درآمد	۳۳
برکات توسل	۳۵
شناخت امام	۳۵
۴. بررسی مفهوم مهدی نوعی و اثبات دیدگاه تشیع در مورد حضرت مهدی (عج)	
آیه الله محمد مهدی آصفی	۴۷

۵. بررسی ابعاد تربیتی «انتظار محور» آیه الله محمد صادق (محبی الدین) حائری شیرازی ..... ۶۳
- رابطه‌ی حجت ظاهری با حجت باطنی ..... ۶۵
- تفسیر یک روایت ..... ۶۷

#### ۶. بررسی ادله‌ی عقلی اثبات وجود امام زمان (عج)

- حجة الاسلام و المسلمین علی ربانی گلپایگانی ..... ۷۵
- پیش درآمد ..... ۷۷
- نکته‌ی اول ..... ۷۸
- نکته‌ی دوم ..... ۷۸
- نکته‌ی سوم ..... ۷۹
- نکته‌ی چهارم ..... ۸۰
- ضرورت وجود امام ..... ۸۱
- صفات امام ..... ۸۲
- بررسی مذاهب موجود ..... ۸۳
- الف) فرقه‌های اهل سنت ..... ۸۳
- ب) فرقه‌های تشیع ..... ۸۳
- نتیجه‌ی بررسی ..... ۸۶
- سخن پایانی ..... ۸۷

#### ۷. بررسی نقش و وظیفه‌ی نهادهای دینی در ترویج نظام تربیتی «انتظار محور»

- حجة الاسلام و المسلمین محسن قرائتی ..... ۹۱
- پیش درآمد ..... ۹۳
- وظایف مردم ..... ۹۳
- وظایف عقیدتی - سیاسی نیروهای مسلح ..... ۹۵
- وظایف مساجد و تکایا ..... ۹۶
- وظایف صدا و سیما ..... ۹۷
- وظایف واعظان و مداحان ..... ۹۹
- وظایف نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها ..... ۱۰۰



- وظایف اداره‌ی اوقاف ..... ۱۰۰
- وظایف حوزه، سازمان و دفتر تبلیغات اسلامی ..... ۱۰۱
- سخن پایانی ..... ۱۰۶
- ۸. بررسی شبهات مهدویت حجة الاسلام و المسلمین حسین مهدویان ..... ۱۰۹**
- پیش درآمد ..... ۱۱۱
- مفهوم و ویژگی‌های شبهه ..... ۱۱۲
- عوامل تأثیرگذار در تشدید جو شبهه ..... ۱۱۶
- نگرش‌های منفی درباره‌ی شبهه ..... ۱۱۹
- شرایط پاسخ‌گویی به شبهه ..... ۱۲۰
- ۹. مقدمه‌ای بر آثار تربیتی و روان‌شناختی انتظار دکتر محمد رضا شرفی ..... ۱۲۳**
- پیش درآمد ..... ۱۲۵
۱. گسترش امیدهای واقعی ..... ۱۲۶
۲. پویایی معطوف به هدف ..... ۱۳۱
۳. استقرار وحدت و هم‌بستگی ..... ۱۳۴
۴. مراقبت دائمی ..... ۱۳۷
۵. سلامت اخلاقی جامعه ..... ۱۴۰
- ۱۰. شیوه‌های ایجاد انس در کودکان، نوجوانان و جوانان با وجود مبارک امام زمان (عج) دکتر علی اصغر احمدی ..... ۱۴۵**
- پیش درآمد ..... ۱۴۷
- مفهوم انتظار ..... ۱۴۸
- ویژگی‌های انسان منتظر ..... ۱۴۸
۱. اندیشیدن به آینده ..... ۱۴۸
۲. آمادگی ..... ۱۴۹
۳. امید به آینده‌ی جهان ..... ۱۴۹
۴. جهانی شدن ..... ۱۵۰
۵. زیستن با یاد او ..... ۱۵۲

- ۱۵۳ ..... روش‌های تربیت نسل منتظر
- ۱۵۳ ..... ۱. فضا سازی
- ۱۵۵ ..... ۲. گوش زد کردن اهمیت مسئله
- ۱۵۶ ..... ۳. انتقال معارف مهدوی
- ۱۵۷ ..... ۴. یاد کردن زیاد از امام زمان (عج)
- ۱۵۷ ..... ۵. ایجاد شرایط خاص
- ۱۵۸ ..... آسیب‌شناسی انتظار
- ۱۶۱ ..... ۱۱. انتظار و مهدویت از دیدگاه جامعه‌شناسی دکتر مسعود کوثری
- ۱۶۳ ..... پیش درآمد
- ۱۶۳ ..... ۱. دین در جهان امروز
- ۱۶۴ ..... ۲. غایت‌شناسی دین
- ۱۶۵ ..... ۳. عناصر غایت‌گرایانه در ادیان
- ۱۶۶ ..... مهدویت پایان جامعه‌ی مدرن و فرامدرن
- ۱۶۷ ..... جنبه‌های قیام مهدویت
- ۱۶۸ ..... گفتمان مهدویت
- ۱۶۹ ..... موعودگرایی از نگاه جامعه‌شناختی
- ۱۷۰ ..... نیازمندی‌های جامعه‌ی امروز
- ۱۷۳ ..... ۱۲. فعالیت‌های اینترنتی درباره‌ی موعودگرایی و مهدویت آقای رمضان‌علی بذرافشان
- ۱۷۵ ..... پیش درآمد
- ۱۷۶ ..... تلاش‌های رایانه‌ای دشمنان علیه امام مهدی (عج)
- ۱۷۷ ..... ساخت و تحریف اخبار
- ۱۷۷ ..... نشست اسرائیل
- ۱۷۸ ..... ایجاد تزلزل در عقاید ملت‌ها
- ۱۷۹ ..... وظایف ما
- ۱۷۹ ..... ۱. ارائه‌ی اطلاعات با زبان مناسب مخاطب

۲. لینک و همکاری پایگاه‌های اینترنتی ..... ۱۸۰
۳. اطلاع‌رسانی پژوهشی ..... ۱۸۰
- فعالیت‌های اینترنتی مؤسسه‌ی انتظار نور ..... ۱۸۱
۱. شناسایی و استخراج اصطلاحات ..... ۱۸۱
۲. ایجاد بانک اطلاعاتی ..... ۱۸۱
۳. ایجاد دایرة المعارف مهدویت ..... ۱۸۱
۴. اطلاع‌رسانی روزآمد ..... ۱۸۳
۱۳. سخن پایانی درباره‌ی سومین گفتمان مهدویت حجة الاسلام والمسلمین رضا اسکندری ..... ۱۸۵
- اهداف گفتمان ..... ۱۸۷

### خلاصه‌ی گفتمان اول و دوم

- حکومت امام مهدی (عج) آیه الله ابراهیم امینی ..... ۱۹۳
- عقیده به مهدی موعود (عج) ..... ۱۹۳
- چگونگی شکل‌گیری حکومت امام مهدی (عج) ..... ۱۹۵
- امام مهدی (عج) در قرآن آیه الله محمد هادی معرفت ..... ۱۹۷
- بطن قرآن چیست؟ ..... ۱۹۷
- ضابطه‌ی تفسیر و تأویل ..... ۱۹۷
- بررسی آیات ظهور ..... ۱۹۸
- حکومت واحد جهانی آیه الله اکبر هاشمی رفسنجانی ..... ۲۰۲
- حکومت جهانی ..... ۲۰۲
- مدعیان حکومت واحد جهانی ..... ۲۰۳
- امام مهدی (عج) در احادیث اهل سنت آیه الله علامه مرتضی عسکری ..... ۲۱۱
- مقدمه ..... ۲۱۱
- فرق مکتب اهل بیت و مکتب خلفا ..... ۲۱۱
- احادیث مکتب خلفا ..... ۲۱۲
- سرداب غیبت ..... ۲۱۵

۲۱۶	امام مهدی (عج) در قرآن، سنت و تاریخ	آیه الله محمد واعظ زاده خراسانی
۲۱۶	محور اول: امام مهدی (عج) در قرآن کریم	
۲۱۷	محور دوم: بررسی مسئله در سنت و حدیث	
۲۱۷	محور سوم: امام مهدی (عج) در تاریخ	
۲۱۹	روایات مهدویت نزد اهل سنت	
۲۱۹	نکات پایانی	
۲۲۰	معنویت و امید	
۲۲۱	سخن رانی و پرسش و پاسخ	حجة الاسلام والمسلمین علی کورانی
۲۲۱	نور خدا در زمین	
۲۲۴	پرسش و پاسخ	حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد هادی عبد خدایی
۲۲۷	پرسش و پاسخ	حجة الاسلام والمسلمین نجم الدین طیبی
۲۲۷	مقدمه	
۲۲۸	توضیحات	
۲۳۰	پرسش و پاسخ	دکتر محمد لگنهاوسن
۲۳۳	زیارت حضرت صاحب الامر (عج) (آل یاسین <small>علیه السلام</small> )	

### نمایه های گفتمان سوم

۲۳۹	نمایه ی آیات
۲۴۹	نمایه ی روایات
۲۷۱	نمایه ی دعا، زیارت و توسل
۲۷۵	نمایه ی اعلام (اشخاص، اماکن، کتب و مراکز)
۲۸۰	نمایه ی ادیان، مذاهب، فرق و مکاتب
۲۸۱	نمایه ی اصطلاحات
۲۸۹	نمایه ی منابع